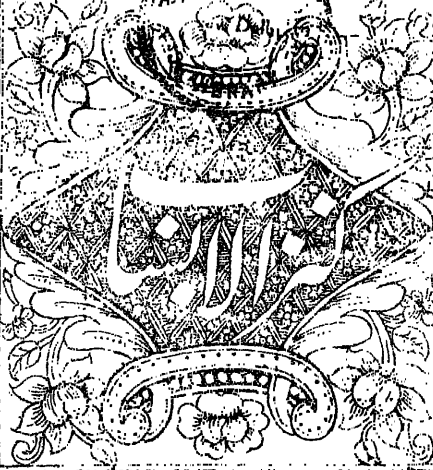


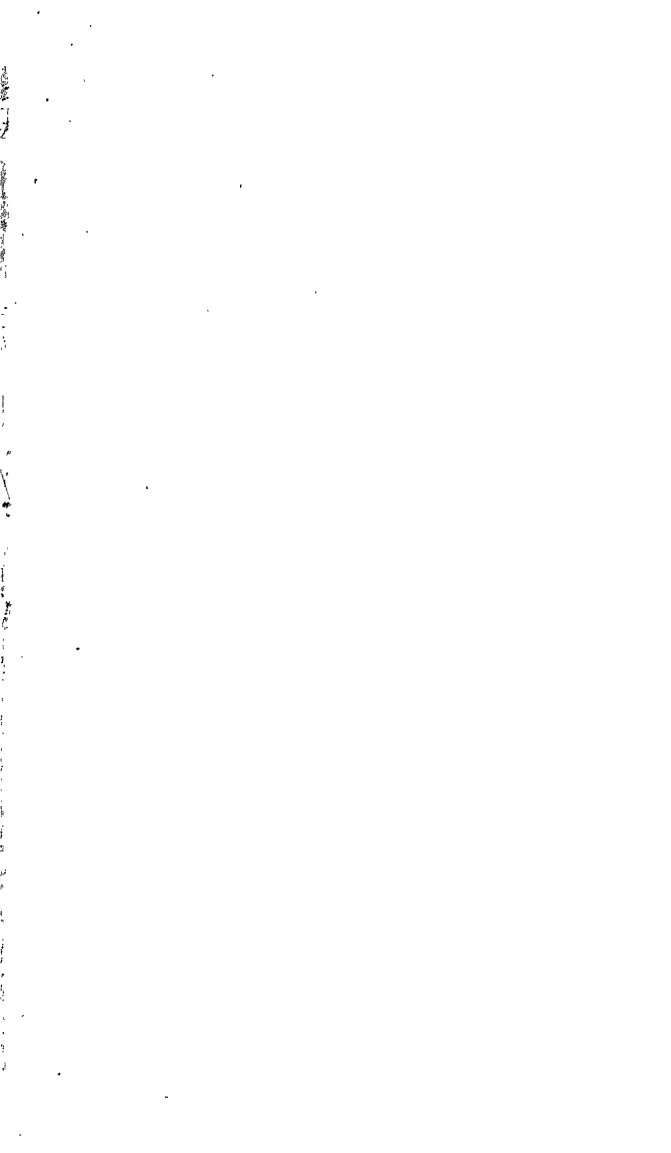
وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ

از آفتاب حاجی محمد شمس الدین بن محمد بن عبد الرزاق عم فقیه سمرقانی



باب اهتمام ملاذو الدین بن جمو خان مهتم طبع دیرزی و صفه فی اقصیٰ بنی

در طبع صفه طبع شد





سپاس بقیاس حضرت رب الناس اوست موسس اساس عالم ایجاد  
و تکوین و بانی خلقت بشر از ما و طین انسان را نسبت برافت از خلقت دیگر  
پایه اعتبار رسانیده و شرف را به سبب سیادت از خلقت عصمت و حیا  
پیرایه افتخار پوشانیده در و نامعدود و بدریه بارگاه حضرت رسالت نبینا  
محمد المصطفی بنوت پناه قبول باد که ذات پاک کرم اولاد حضرت آدم زین  
بخش خلقت و عالم تحفه سلام و تحیات از یسبحیب ب العباد و بر صحاب  
معلی القاب اجمد الامجاد الی یوم التناوباد **هـ** حبیب اشرف انبیاء  
که عرش مجیش لوح و مشکا به زبان تابود در دمان جاگیر شمای محمد بود و لید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي خلق من الماء بشرا فجعله نسبا وصهرا  
والصلوة والسلام على ترسوله سيدنا ونبينا  
ومولانا محمد المصطفى خير الورى سيد الانبياء  
منعونه بحقيقة الحمدية وبرخ الكبري وعلى الام  
واهل بيته سر عينة ائمة الهدى وعلى اصحابهم  
موصوف بمغنية محمود بآيات العلى سلم تسليما  
كثيرا كثيرا



از تحریر جدید چنین نیز کتابی یافت منظومه نسب نامه بزرگان دین عمده المشایخ  
 که از تالیف شاه مخدوم بخش متخلص وافی فردوسی البهاری و بعد  
 این در کتاب در سفر یافت و نیز اینکه از وقت تالیف عم الاظم فرزند فرزندان  
 آنها شدند مندرج کتاب انهمه ابرئیا مبضه ساخت و موسوم به کثر الانساب  
 پرداخت درین کتاب تفریق تفصیل بحین عنوان گردید و اولی مقدمه الکتاب  
 بعده دو باب ضمیمه ذکر نسب شیعیان بعده ذکر نسب خود زان بعد ذکر نسب  
 سادات که بکدام امام می پیوندند بعده سه فصل در نسب یوخ یعنی حضرات  
 اصحاب ثلاثه سلمی نمود و یک خاتمه و یک تمهید واضح باد این کتاب است برین  
 یک مقدمه دو باب چند کنیت سه فصل اصل اصول مقدمه الکتاب  
 بذکر نسب سالت مآب ذکر نسب حضرت بنیام محمد صلی الله علیه و سلم  
 رسالت مآب حضرت اسد الله الغالب العالی بنیام سیدنا علی بن ابی طالب بذکر  
 ذریه خواجه عبد المطلب یعنی جلای سر و مال غالب در دو باب  
 ذکر حضرت حسین بنی در یکی ذکر حضرت امام حسن مجتبی مع اولاد  
 و در دومی ذکر حضرت امام حسین شهید کربلا مع اولاد علیهما السلام  
 حسب تفصیل ذیل ذکر جمیل و بجای تحقیق مصابرت بدین ترتیب فرین

	مقدمه الکتاب کثر الانساب	
--	--------------------------	--

واضح باد بر هر کس فو بشیر مسلم و مسلمة واجب است داشتن چهار کرسی آنحضرت

اما بعد گناس عقبه فیض رتبه حضرت رسول الثقلین سید عطا حسین <sup>مشتهم</sup>  
 عبد الرزاق کمترین مشایخین آفاق ولد حضرت سید المشایخین سید السالکین  
 میر سید سلطان احمد قادری المنعمی <sup>صلین</sup> ابن عمده المشایخین الیوم  
 حضرت سید شاه علام حسین حشمتی المنعمی باقری نسب خفی المذہب من الش  
 سرهما متبع فی التجان لوصل ذات الرحمان بر ضمیر عطفوت تنویر ناظرین کتاب  
 ہذا نور یاد چو کہ این خاکسار از متداوایام خنیں آرزو داشت اگر انساب بزرگان  
 دین متین پیران طریقیہ راہ یقین یابد منسلک سلسلہ مبین سازد نصیب بہین بہ نصیب  
 تا بہ اخر کار آندولت را سلسلہ جنبانی کرده ہم رسانید ہمہ ہیکجا کتاب ہذا منسلک کرد  
 مطابق آنکہ من جَدَّ قَوْجَدَّ یعنی جویندہ یافت ستارہ این سعادت در  
 عین سفر حج بر پیشانی ام تافت باید شنید و شہر ممبئی حین قیام کتابی دید  
 بحر الانساب و نیز در معاینہ در آمد بمقام گلشن آباد کتاب  
 احتساب الانساب و نسخا اول ذکر اولاد و ولز و امام علیہ السلام در  
 ثانی نسب لیا و متقدمین عالمی مقام کہ امام فلان می پیوند و وزیر نجانب این فقیر  
 بود کتابی نسب نامہ تالیف حضرت عم الاعظم و وزیر مولوی سید شاہ  
 وحید الدین احمد مبضہ ساختند حسب الارشاد کلمات ارشاد ترکہ برابر  
 از زبان فیض تر جان والد ماجد شان سید شاہ علام حسین  
 قدس سرہ و نیز در این کتاب نسب نامہ اکثر مشایخین متقدمین علمت غائے

کلاب چنانچه نسب حضرت صداقت مآب از حضرت سید البشر رسالت مآب  
پیوند بد برجه هفتم از هر بن کعب انجناب بنی تمیم اند و نسب حضرت عدالت مآب  
از آنحضرت صلی الله علیه و سلم بدرجه ششم می پیوندند از کعب انجناب بنی  
عدوی اند مشهور و تفریق نسب خلیفه سیوم صاحب حیا بدرجه چهارم از آنحضرت  
که تحریر سابق نمود و نسب الی حسب یعقوب المومنین لقب حضرت ابوالحسن  
علی مرتضی اقرب الاقرب یعنی بیک اسطه از آنحضرت می پیوندند بمصدق  
حدیث نبی یاد خیر است انا و علیاً من نوری و احکاماً یعنی فرمود آنحضرت  
نور من نور علی و احد است باید دانست نسب مادری آنحضرت صلی الله علیه  
و آله و سلم بدنیطوس است جای خود است که بی بی آمنه خاتون بنت هب  
بن زهره بن کلاب بدانند کلاب را و لیسری که قضی دویمی زهره هر دو  
نام لیسران خود نهادند عبد المناف پس هر دو عبد المناف اجداد جدی و مادری  
آنحضرت شدند و حضرت سعد ابن ابی وقاص عبد الرحمن بن عوف  
هر دو صحابه از عشره مبشره از اولاد زهره بن کلاب اند و دختر کلانی و هب  
ابن عبد المناف بی بی ماله یکی از وجهه خواجه عبد المطلب الدیه بی بی صفیه  
و حضرت سید الشهدا امیر حمزه رضی الله عنهما بایستند اگر چه غم نبی حضرت  
عباس آوردند ایمان بر زمین نبرفتن نبی بودند و از امیر حمزه حدیث روایت  
برادر خالائی برادر رضاعی تهرافت اعلم ام المومنین حضرت خدیجه الکبری

بنیام محمد علیه السلام هر قوت ایمان نیز بر کس چهار کرسی خود دانستن بهتر حکام  
 تقویت مهاجرت سخی است جنت حجت نسب شرف حال چون کتاب  
 نسب نامه درست نمود که نسب اعظم آنحضرت در تحریر مقصود مسکین بے تسکین فسانی  
 نسب نامه آنحضرت است خاتمہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم  
 یعنی سیدنا و مولانا محمد مصطفیٰ فرشی الهاشمی المطلب این سیدنا عالیجاه  
 عبد اللہ ابن علی نسب خواجہ عبد المطلب ابن سردار ہاشم ابن  
 عبد المناف در باب چهار کرسی آنحضرت است ہمین قدر کہ تحریر خست  
 بالانساب این کہ عبد المناف ابن قصی کہ کلاب مکہ ز طور شد تا عدنان نسب  
 عالیجناب و بالا از حضرت اسمعیل ابراهیم تا آدم است صورت احتمالات آنحضرت  
 با عدنان کرده اند بیان بدانید عبد المناف را چہاں پس کی نوافل جد چہاں  
 حضرت حمیر صاحب بنی و ثانی مطلب جد ہشتم حضرت امام شافعی رحمہ اللہ  
 ثانی ہاشم و عبد شمس ندیدہ دو توأم بنشانتہا پیوستہ از شمس سر جدا  
 در اولاد ہمدو شمس ندیدہ تمہا اخر ختم شد بر جناب سید الشہداء عبد شمس بن  
 اجداد امیر المومنین عثمان رضی اللہ عنہ و نیز اجداد حکم پروردگار و جد  
 معاویہ ابن ابوسفیان ازین قبل جدا و کل بنی امیہ و ہاشم بدیدہ جد آنحضرت  
 و پدر جد حیدر کرار یعنی جد جلیلہ بن عبد المطلب و نسب حضرت شیخین و اصحاب  
 من بقیہ از عشرہ مبشرہ ازین درجہ بالا است کہ می پیوندد یعنی از قصہ بن

و امیر و سره خواهران ایشان بدانید ولد زبیر بودند ابو ذر و اما حضرت  
 ابو ذر الفزاری که خدمت مخدوم محیی منیری اند مرزا فیض الوار حضرت  
 امام تاج فقه در مکّه مشرفه موجود است متصل باب عمره از ذریع انجناب  
 تاج فقه اکثر اند اولیا کبار خصوصاً در نجوار حضرت بهار مخدوم الملک مخدوم شاه  
 شرف الدین قدس الله سره ابن مخدوم محیی منیری ابن مخدوم سهرابی  
 ابن حضرت امام محمد تاج فقه ابن ابو بکر امام ابن امام ابو الفتح ابن امام  
 ابو القاسم ابن امام ابو الصّائیم ابن امام ابو الدّاهل ابن امام ابو الیث ابن امام  
 ابو سره ابن امام ابو الذین ابن امام ابو مسعود ابن امام ابو ذر ابن زبیر ابن خلیفه  
 عبد المطلب بن هاشم بن عبد المنان که از اجداد آنحضرت اند علیه السلام  
 و افصح یاد از یک روجه سیدنا عباس بن عبد المطلب عم خیر الناس شیوخ  
 عباسی خلفاء عباسی ابنان حضرت عباس مشهور است اند فیصل ابن عباس  
 عبد الله ابن عباس فتم از طین سابقین مومنه بی بی الفاضل استند مادر  
 خلفاء عباسیه از ذریع انجناب خلیفه حضرت مخدوم الملک مخدوم شاه  
 امون اند مرزا واقع در موضع شیخ پور و خر و الوان علاقه بهار فیض است  
 مرزا در بنی نسب نامہ بنو سید حضرت مخدوم شاه امون ابن مولانا شیخ ابراهیم  
 ابن شیخ عبد الرحیم بن شیخ عبد الرحمن ابن شیخ عبد الغفران ابن شیخ سهرابی  
 ابن شیخ عبد الله چو بسوی ابن شیخ عبد الواحد حقانی ابن شیخ ابو القاسم

بنت خویله بن اسد بن عبد الغری بن قصى بن کلاب مذکور الصدر و فیروجل  
 ابن هشام دهمتمه دختر هاشم والده حضرت عمر فاروق هر دو برادر هشام  
 و هاشم بن مغیره ابن حارث ابن عبد الغری بن قصى بن کلاب اند و ابو جمل  
 از عمام انحضرت نیست غلط مشهور باعث مذکور ازین قرابت برادر بنی عمام  
 حضرت ام المومنین خدیجه است پس ریحال خضراده شد عم نشد بصبر کجا بدنیو جبه  
 کرد است اکثر از ابن عبد المطلب بجای برادر ابی لهب شمارند غیر باید و است  
 خواجه عبد المطلب اده فرزند مختلف الالبطان هاشم بن عبد المناف را  
 سپهر از انجمله دو ولد نامی یک خواجه عبد المطلب جدا انحضرت سر است  
 و جد حضرت علی شریعت بودند و یکی اسد ابن هاشم جد اداری حضرت  
 حیدر کر اجنا حضرت حضرت مرتضی علی بن ابی طالب بنی هاشمی دازند از بنی  
 تفصیل دریت خواجه عبد المطلب نگاشته می آید بدانید سپهر اولین خواجه عبد المطلب  
 حارث از یک بطن کنیت شان ابو الحارث بدنیو جبه ضرار  
 از یک بطن عبد الغری سپهر سوم از یک بطن چهارم ابو لهب پنجم  
 مقوم هر یک از بطن مختلف بوده اند هاشم خواجه عبد الله و ابی جبه  
 حضرت محمد رسول الله هفتم بهر از اجداد حضرت امام تاج فقه جد مخدوم  
 شرف الدین هشتم خواجه ابی طالب جد حضرت مرتضی علی اسد الله الغالب  
 و بنی خواهر ایشان برادران ثلاثه از یک بطن ماوراء ندر و می عاتکه و بنی

بنت حضرت عمر رضی اللہ عنہ ابوعام المؤمنین حضرت زینب بنت جحش دختر  
 عمه نبی بودند خامسه ام المؤمنین سوده بنت ربيع بن قیس بن ساس ام المؤمنین  
 زینب بنت خزیمه لقب ام المساکین بن جاث سابعه ام المؤمنین ام سلمه  
 بنت ابی اسبه که بنت عاتکه عمه نبی بودند ثامنه ام المؤمنین ام حبیبه دختر  
 ابوسفیان خواهر امیر معاویه تاسع ام المؤمنین حضرت میمون بنت الحارث عشر  
 ام المؤمنین صفیه بنت حی بن اخطاب ذریت حضرت هارون بنی علیہ السلام  
 بودند یازدهم بی بی جویریہ بنت الحارث ابن سعد وازده بی بی مارقطیه  
 بی بی شیرین سیزده شد و در چهارده یکی مطلقه شدند ذکر فرزندان  
 آنحضرت سیدنا محمد علیہ الصلوٰۃ والسلام که از بطن ام المؤمنین  
 خدیجہ الکبریٰ بوجود آمدند در عالم شہود بنید و پس چار دختر از  
 بطن خدیجہ پاک شمره سولولاک شدند و اول سیدنا قاسم پور بنی خدیجہ  
 بست هفت سالگی آنحضرت تولد یافتند بعد ستره ساله حلت کردند و نام ایشان  
 رجوع ثانی ولد سیدنا عبد اللہ که بعد زینب بنی بعد چهل سالگی آنحضرت در  
 آمدند بوجود ملقب طیب طاهر بودند از جناب رب تعالی و در ایام ضاعت بخد  
 برین شتافتند بعد حلت ایشان سوره کثر شد نزول حبت ارتفاع ملال  
 و گوینده ابر شد و تولد بنت کلانی حضرت رسول ربانی بی بی زینب بصر  
 سنی سالگی آنحضرت تولد شدند و از خوانه زاده ام المؤمنین خدیجہ الکبریٰ

ابن شیح ابو سعید صفانی ابن شیح ابو نجیب ابن امام ابو الولیل بن امام ابو سعید  
 ابن امام ابو الیث ابن امام ابو اسحاق ابن امام ابو زید ابن امام محمد بن ابی  
 حضرت عباس ابن خواجه عبد المطلب جد نبی صلی اللہ علیہ وسلم حضرت امیر  
 حمزه ابو عماره یک پس عماره و نام دختر قاطم بنت حمزه و دیگر بر نام یازمانند  
 الاکسی موی خنجر کز دریت ایشان تحریر نمود الا خواهر اعیان حضرت امیر حمزه بی بی  
 صفیه بنت عبد المطلب منہ سابقه مادر حضرت زبیر ابن عوام بن خویلد حضرت  
 زبیر داماد حضرت صدیق اکبر از بطن بی بی سہاسته سپر عبد اللہ ابن ابی عروہ  
 ابن زبیر مصعب ابن زبیر عروہ محدث شدند و حضرت مصعب ابن زبیر زوج  
 بی بی سکینه دختر حضرت امام حسین علیہ السلام اند تشنوار عات بی بی ایمان  
 آوردند بی بی صفیه بی بی عاتکه و دو عم ایمان آوردند حضرت عباس حضرت  
 امیر حمزه آنحضرت چهار عم را وینماز جملا عام ایمان آوردند و ابوالعباس کافر شد  
 ابیطالب بن ندب بن اندوکر از و ارج نبی آنحضرت بنیامحمد المصطفی  
 صلی اللہ علیہ آو سلم اولین حضرت ام المؤمنین بی بی خدیجہ الکبری  
 بنت خویلد از بطن پاک ایشان کل اولاد نبی علیہ السلام غیر سیدنا ابراہیم کہ  
 از بطن ماری قبطیه شد ندب عالم ضاعت آنشریف بروزند بسوی جنت عقیانمانند  
 ثانی ام المؤمنین محترمه بی بی عاتقہ صدیقہ رضی اللہ عنہا بنت حضرت  
 صدیق اکبر رضی اللہ عنہ اولاد نشد از ایشان ثالثه ام المؤمنین نجی حفظ



بشیر و نذیر آینه محمود نسل بر قبی و در پشت بر بنی و نسب محمد در پشت علی واضح باد  
 چون بسال دوم هجرت کردند عقد نکاح واقع شد از جناب سیده النساء بتول  
 فاطمة الزهراء رضی الله عنها با حضرت اسد الله الغالب علی ابن ابیطالب  
 در شان پاکد منی فرمود انحضرت آینه محمود الفاطمة بضعته منی یعنی فاطمه  
 پاره جگر من است الحصول چون توان السعیدین شد از حضرت علی و بی بی بتول بر ربانی

### یافتند ابو ابیات

بابنت بنی چو یافت تزییج

هر مرتبه علی علا شد

چون گشت بحق و تران سعیدین

از چرخ نهم چنین ندا شد

دو لعل ازین صدق بر آیند

مسیر علی ازین صدا شد

سر آینه کریم بطور رسید آیت

مخرج البحرین یلتقیان از لطن پاک بنت سر لولاک و دو فرزند بوجو آمدند  
 یک بعد دیگری بمبوضه نذیریت نبی شد صورت اسودناری شدند جو و  
 از رشک گل مقصود مطابق کلام بانی تخریج منها اللوء و المرجان  
 باید نیست مراد از لولوء یعنی مروارید نسبت انحضرت امام حسن مجتبی که مرادید  
 سفید رنگ است نیز الماسین جبهه شهادت انحضرت است و مقصود از مرجان  
 سرخ رنگ شمه شهادت جبا انحضرت امام حسین علیه السلام است الحق  
 بدانید بعد تولد ان نیرین حضرت محمد مصطفی پسویم نیز جبا انحضرت  
 علی مرتضی تولد یافتند بایام صاعه سده انمحسن بسوی جنت شتافتند

الی العاص کتبی باشند از لطن آن بی بی دو او لا شد یک لیسر یک دختر نام  
 شد علی که بعالم شباب نوجوان قضا نمود و نام دختر بی بی امامت زینب  
 که حسب وصیت بعد طلت جناب سیده فاطمه هر ایزد جیت جناب حضرت علی  
 مرتضی کرم الله وجهه درآمدند از لطن این غفیفه یک لیسر شد محمد و وسط بن علی  
 همراه برادران در میدان کر بلا براه شهادت جان بحق نمودند تسلیم فریفت  
 بی بی زینب بیجا اقیام باقی دختر ثانی محبوب ربانی بی بی رقیه که بعد از سه سالگی  
 عمر لیث انحضرت متولد شدند بود و نکاح حضرت عثمان غنی رضی الله عنه  
 درآمدند عجب الله که از لطن پاک ایشان بوجود آمدند سه ساله کردند از جهان  
 انتقال بعد انتقال حضرت رقیه دختر ثالث انحضرت بی بی کلثوم که بعمری  
 و شش سالگی انحضرت متولد شدند در عقد نکاح حضرت عثمان غنی رضی الله عنه  
 درآمدند از لطن این بی بی عجب الله صغر بوجود آمدند در طفولیت رحیل ملک بقا  
 شدند عقاب مانند قبل از نکاح حضرت با حیا در صغر سنی هر دو در نکاح هر دو  
 برادر عمیه و عقیه ایمان ابوالعب بودند که بعد از نکاح انحضرت بعصب مشرف شدند  
 بولایت لیسران کافر شدند و در میان کفر و اسلام نکاح باطل خلع واقع شد هنوز  
 هر دو خواهران ببلوغیت نرسیده بودند بعد چند سال یکی بعد دیگری  
 در عقد نکاح حضرت با حیا عثمان غنی رضی الله عنه داخل شدند عقاب  
 مانند نسل حضرت رسول مقبول انحضرت تمول و در حجر است که فرمود انحضرت

سیده شش فرزند سه پسر و سه دختر دارند بوجو باقی از ابطان دیگر زوجها  
معروف است که سبست چهار اولاد شده پس باقی دختران جای ذکر به تفصیل  
خواهند نگاشت بدانید از سه فرزند نسب علوی اولاد ماند باقی در وایت است  
که حضرت مخدوم نصیر الدین چرانغ دهلوی بالنسبت فرزند بیحضرت عباس  
بن علی که علدار بودند همیشه مورالاد کتب نیافت می نگاشت و از فرزند علی  
محمد حنیف ابن حیدر که اولاد است مشهور چنانچه سید محمود غازی  
ابن سید محمود ابن سید عبداللہ ابن سید رحمت اللہ ابن سید عبدالکریم ابن امیر حمید  
ابن سید محمد حنیف ابن حضرت مولانا علی اکرم السدو وجه نسب نادری سید  
سالار غازی ابنا و ملوک است سلطان محمود غازی خاں الیشان بودند  
و نسب بی حضرت خواجه محمد اسیوی رحمۃ اللہ علیہ که خلیفہ حضرت امام  
ابو یوسف ہمدانی اند نیز پیوند بدینطور است خواجه احمد اسیوی  
ابن سلطان خواجه برہم ابن سلطان خواجه امیر محمود ابن سلطان خواجه  
عبد الفتاح ابن سلطان خواجه عمر ترکستانی ابن سلطان خواجه عثمان  
ابن سلطان خواجه حیرسن ابن سلطان خواجه مومن ابن سلطان خواجه  
اسمعیل ابن سلطان خواجه موسیٰ ابن سلطان خواجه مارون ابن سلطان  
خواجه اسحاق ابن خواجه عبدالرحمن ابن خواجه عبدالرحیم ابن خواجه عبدالقہار  
ابن امیر عبدالفتاح ابن حضرت محمد حنیف بن حضرت علی حیدر کرار وزیر

هر دو فرزند بجای فرزند حضرت رسول مقبول تا حیات معین زنده ماندند الهامی  
 او داشتند ز نسیب خت کلانی حضرت علمی مقبول ربانی که از حضرت عبد الله  
 ابن جعفر طیار برادر عمراد منسوب شد و گوهر لطن آن بی بی نیز متولد شدند  
 محمد عیون محمد جعفر نوجوان جام شهادت نوشیده در کربلا گرفتند  
 راه خدا و او یلار اعقاب ایشان مانند دختر ثانی حضرت شیر خدای بی کلثوم  
 در عقد نکاح حضرت امیر المؤمنین عمر فاروق درآمدند از لطن این بی بی فرزندی  
 زید نام تولد شدند در ایام طفولیت جان بحق کردند سلیم دختر سلیم جناب تبول  
 بی بی رقیه به عمر و سالگی حلت یافتند از اینها عقاب بنماند خبر حضرت  
 حسین فرزند رسول مقبول واضح باد نقل مشهور باین عام خاص مذکور  
 مراد از ذریت سیادت از بی فاطمه است و او لادم رضی علی چرا که  
 لقب سیادت به پنج است پنج ای نکته سخ که آنحضرت چنین فرمود حدیث  
 اَنَا سَيِّدُ الْبَشَرِ سَيِّدُ الْاَنْبِيَاءِ وَ سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ يَا عَلِيَّ اَنْتَ سَيِّدُ الْاَقْبَرِ  
 وَ سَيِّدُ الْاَوْلِيَاءِ وَ الْفَاطِمَةُ سَيِّدَةُ النِّسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ الْحَسَنُ  
 وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ فَضْلِ الْخِيَرَةِ اَزْين حَكَايَتِ وَ وَايْت  
 رسید به ثبوت پنج سیادت بدانند او لادم حسین معمور به پنج سیادت هستند  
 الا سید علوی را یک سیادت است ابوی در بیان او لادم علی  
 از لطن غیر تبول از اینجا ذکر سیادت علونیت واضح باد از لطن پاک

الاذیت حضرت عقیل کلانی فرزند مسلم بن عقیل که در کوفه بر تیره شهادت  
 خون جسمی شان شد بطور سبیل میروند و فرزند ایشان محمد ابراهیم بیوجه  
 شدند بره حق قتل و کل ذریت شان در کربلا همراه سید الشهدا بر تیره  
 شهادت جان بحق کردند تسلیم حضرت جعفر طیار را سه سیزه ز لطن بجای  
 اسما و بنت عس یکم عبد السلام بن جعفر که از حضرت زینب  
 دختر علی مرتضی کرم الله وجهه کنیز باشند و دو فرزند از لطن پاک آمدند بوجود  
 محمد عون محمد جعفر هر دو وصف کر بلا شدند شهید قاتل شان مطیع  
 یزید اولاد باقی نماند الا هر دو اولاد برادر باقیست محمد عون ابنان  
 جعفر طیار اگر خود را جعفری و زینبی گویند زیبا نیست چرا که ذریت حضرت  
 زینب را عقاب نماند واضح باد که از اولاد هر دو بزرگوار امیر عطاء الله  
 نامی بمنزلت گرامی وارد بدین دیار شدند و در بارشاهی و شوخیت به سرانید  
 مغرور و متاخر گشته فرامین و بهیات حصول کرده یافته از جندی بسزندی  
 سکونت قصبه کھلوار میضلع پکنه کردند اختیار چنانچه اکثر مشایخین  
 این دیار نسبت نسب خود بامیر عطاء الله مدوح می پیوندند و آنچه که  
 باستماع آمده این خاکسار از زبان فیض ترجان جد بزرگوار خود و اولادین  
 عمده المشایخین جناب حضرت سید شاه علام حسین قدس سره دانای پوری  
 درین صفحه نگار و آنچه که در زنبیل خود وارد می آید یعنی صاحبان کتب

منقول است نسب حضرت مرزا منظر جان جاناان سرهند مجر و یه سبب لشت  
 واسطه فرزندی بحضرت امیر محمد حنیف میرسد و نسب میرزای جانب مادی  
 بامیر تیمور میرسد نسب نامه حافظ محمد یعقوب از حضرت عمر ابن علی  
 حیدر کرار میرسد بنیطور که حافظ محمد یعقوب ابن حافظ عبد اللطیف  
 ابن حافظ محمد یوسف ابن امیر سید عبد الجلیل ابن مولانا سید عبد الفتاح  
 ابن امیر ادریس ابن امیر لونس ابن امیر عبد الجبار ابن امیر ابو بکر ابن امیر  
 عمر ابن قاضی سید ابو الفتح لاهوری ابن سید حاجی علی ابن امیر محمد ذکریا  
 فقیه ابن مولانا محمد یحیی زاهد ابن میر سید زاهد ابن مولانا سید عابد ابن حافظ  
 سید منصور ابن قاضی سید عالم ابن مولانا محمد اکرم ابن حافظ سید احمد ابن  
 حافظ سید محمد ابن امیر سلیمان ابن امیر عبد اللہ ابن سید امان اللہ ابن سید  
 علی ابن سید احمد ابن سید محمد اکبر ابن سید ناصر ابن حضرت علی  
 کرم الله وجهه واضح باد اکثر سیادت علوی نسب در استشار بهر امصار و دیار چون  
 نسب نامه نیافت متعذر شد از تحریر و نگاشت ذکر در بیت حضرت  
 عقیل ابن ابیطالب و ذکر در بیت حضرت جعفر طیار میکنم الا اول  
 بی بی ام مانی بنت ابی طالب که از آنحضرت بسیار محبت و عقیدت داشتند  
 علاوه نسب عمر ادگی منقول بودند چنان که در خانه بركت نشانه ایشان  
 واقع معراج نبی بسوی آسمان ذی اولاد و شونده کیفیت در بیت در سیادت نشد

{ نسبت اول در ذریع } { نسبت دوم در ذریع حضرت  
حضرت امام حسن علیه السلام } سید عبدالقادر جیلانی رضی الله عنه

واضح باد از تحریر موصوفین سابقین از اجداد حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام و سبب  
پنجاه شش وجه آمده اند و شمار چهره آنحضرت بود و نکستیر النکاح بعد از شریعی کی  
بعد دیگری چهار زن موفق شدند و میکروند و طلاق اکثرت نکاح بود و بهمناسی  
ارثا و آنحضرت صلی الله علیه و سلم و آنحضرت شهر با نو بود و رضی الله عنهما  
و در کتب تواریخ کل سها و وجه آنجناب نیافت که می نگاشت الاسماء چند جای یافت  
می نگار و بدانی و اولین خوله بنت منظور بن حیدر از اولاد هاشم بن  
عبدالمطلب هاشمی نسب از طبن این روجه یک فرزند رتبه بلند جناب حضرت  
امام حسن مجتبی رضی الله عنه و از طبن بی بی صفوره بنت سعد بن زید بن  
خطاب یعنی از اولاد برادر حضرت عمر خطاب رضی الله عنه یک دختر بی بی عاتیه  
ثنا که کنیت نام عبد بنیر فاطمه ثانی نام بنده اند و خن بن بی بی روجه حضرت  
علی ثانی امام زین العابدین ابن امام حسین علیه السلام که خدائی امام  
حسن مجتبی از دخت عم بزرگوار حضرت امام حسین علیه السلام کردند نام  
نامی این بی بی فاطمه صغری از طبن غنیفه تولد شدند سیدنا عابد الله  
المحض نهره حضرت امام حسن مجتبی و نواسه حضرت امام حسین شهید کربلا که از  
اجداد و اجداد حضرت عتوث ثقلین سید عبدالقادر جیلانی رضی الله عنهم

مجمعی شهر ضلع جتپور یکی از رؤساء مشاهیر مولوی علی کبیر و برادران  
 و خواهرزادگان شان جعفری نسب دارند چنانچه ازین خاکسار هنگام عمده  
 روزگار سرکاری ناپایدار ضلع غازیپور ملاقات شد از مولوی محمد طور  
 صدر الصدد و ضلع غازیپور وزیر حسین سفوح ملاقات شد از برادر کلانی شان  
 اندر حسین شافعی مولوی عبد الشکور عند التذکره کرد بیان فریت  
 خود بامیر عطاء الله جعفری نسب چنانکه جناب حضرت جد ماحد فرموده بودند  
 وزیر ملاذمت خود بشهر الہ آباد از آنحضرت بیان میکردند وزیر مولوی  
 محمد روح وقت مراجعت سفوح ہمراہ آمدند این فقیر حقیقتاً بے آورده  
 بودند در ذکر آل ابیطالب یہ بودم مگر در ذکر مشایخان پہلواری  
 کہ خود را نیز امیر عطاء الله نامند یعنی شاه ظہور اللہ رحمۃ اللہ علیہ  
 والد ماجد شاه مجیب اللہ کہ والد ماجد پیر مرشد حضرت شاه نعمت اللہ  
 قادری پہلواری رحمۃ اللہ علیہ بودند وزیر مولانا عماد الدین قلندر  
 قادری کہ خسر پیر مرشد جناب حضرت شاه مجیب اللہ قادری بودند و  
 نیز از فریت امیر مدوح مولوی شاه وحید الحق داماد شاه مجیب اللہ  
 علیہ الرحمۃ کیفیت فریت ایشان خوب میدانند و رتبه کتاب خواند نوشت

تفصیل و اگر فرزندان ایشان بسیارند

باب اول ذکر اولاد حضرت مام حسن مجتبی علیہ السلام بر دو بیت



سید جعفر و ابن سیدنا محمد و داندکی سید ابراهیم و وی سید ادریس و فرزند سیدنا  
 عبد الله سید یونس و سید سلیمان کیفیت ذریت حضرت قاسم را با تفصیل  
 باید شنید اولاد سید ابراهیم اولی سید نوح و سید سلیمان سید داود و  
 فرزندان سید جعفر ابن عمر زید شهید و اولاد سیدنا محمد سید موسی  
 و سید یحیی و سید جعفر و سید ابوبکر و بوند و اولاد سید عبد الله سید یونس  
 و سید معیل و سید یحیای ذریت ایشان وقت دوره امارت بنی امیه  
 و خلفاء عباسیه خروج کردند بعضی از مصلحت آنها فرار شدند بعضی شدند شهید  
 ثمره نسبت و مایل ذکر اولاد حضرت امام حسن مثنی جدا  
 حضرت عوث الثقلیین باید دست حضرت امام حسن مثنی پنج فرزند  
 شدند از آنجا اولین سیدنا عبد الله محض ثانی سیدنا ابراهیم ثالث سیدنا  
 عمر رابع سیدنا حسن مثلث خامس سیدنا صغیر این همه از طبنجی بی فاطمه  
 صغری بنت حضرت امام حسین علیه السلام از طبنجیه و میهم سیدنا داود  
 و سید جعفر و سید صغیر عمر گویند اولاد حسن مثلث باقی ماندند و دیگران باقی ماندند  
 ثمره سید موسی سیدنا عبد الله المحض پنج پسر شدند از طبنجی بی رقیه دختر  
 حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرزندان سیدنا موسی ابی حنون و سید  
 محمد و سید ابراهیم و از طبنجیه جاریه سید ادریس و سید یحیی ذریت ایشان علاوه  
 از ذریت حضرت موسی ابی حنون که تفصیلاً تر نگاشته خواهد شد اولاد سید محمد

و فرزند بی بی ام عبد الله عاليه ثانی حضرت امام محمد باقر بن حضرت  
 امام زین العابدین نواسه سید الشهدا امام حسن مجتبی رضی الله عنه ذریات  
 این حضرت لقب بیایات حسنی و حسینه الحسنه اند کیفیت ذکر نسب بیشتر  
 نگاشته خواهد شد و در اینجا تفصیل از واج حضرت امام حسن علیه السلام می آید <sup>سید</sup> میگوید  
 باید شنید بی بی ام البشر دختر مسعود انصاری از لطن این بی بی متولد شدند  
 سیدنا قاسم بستند و از زوجه رابعه بی بی ماهره تولد شدند سیدنا  
 عبد الله بن امام حسن مجتبی و از لطن نهم وجه خامسه بی بی زاهده سیدنا  
 ابو بکر بن حسن تولد یافتند و از لطن نهم وجه سادسه بی بی ام ولد سیدنا عمر  
 بن حسن پدید شدند و از لطن نهم وجه سابعه بی بی سعدا تولد شدند سیدنا  
 محمد بن حسن مجتبی از لطن بی بی انیسسه ثامنه و از لطن بی بی طاهره  
 چند دختران بوجود آمدند و نیز بودند چند زوجه بی بی فاضله بی بی محموده  
 بی بی نفیسه بی بی خدیجه بی بی عابده دختران متولد شده باشند  
 کل چارده از واج آمد بشمار الا واحده جوده بنت شعبث که اسماء هم نام بود  
 کانه زهم نوشیده شهادت یافتند ان الله وانا الیه راجعون ذکر فرزندان  
 حضرت امام حسن متبانی در کتاب امامیه مایه و نگاشته اند و دختران  
 است تحریر میکند الا اهل سنن مؤرخین معتمدین همینقدر نوشته اند که در تحریر  
 در آید باید است سیدنا ابو بکر سیدنا ابراهیم و فرزند سیدنا عمر

از ششمین منزله شدند شهید قاتل حضرت مطیع یزید اولاد ایشان از هم پیران شد  
 آخر عقاب نماند جز حضرت شد داود نمره ششم نسبت دوم باب اول  
 خلف الرشید سید موسی ثانی سید ناداود و محمد لقب از اجداد حضرت غوث الثقلین  
 بودند نام اخوان شان یافت نشد که خدای حضرت شد داود از دختر خجسته دختر  
 حضرت امام علی موسی ضا شدند نام آن بی بی بنیه بود و بزرگوارند کیفیت  
 دیگر دریافت نشد نمره هفتم نسبت دوم باب اول در ذکر سیدنا  
 محمد کنیت ابو القاسم معروف رومی که خدای ایشان شد از دختر یکی از بی بی های  
 سید حمزه نام سیمه دختر شان بی بی مبارکه از لطن این بی بی سیدنا  
 یحیی زاد تولد شدند و وجه سید یحیی بی بی عصمت بودند نمره ششم  
 سیدنا یحیی از لطن بی بی رضیه دو فرزند یکی سید عبد الله که عقاب ناماندا  
 و موسی عبد الله شدند نمره هفتم که خدای سید عبد الله ثالث از دختر  
 اخوان شد از بی بی رحمت گردیدند فرزند شدند از انجمله اولادیک باقی ماند  
 نمره دهم نسبت دوم باب اول واضح باد سیدنا ابو صالح کنیت موسی نام  
 جنگ دوست خدا لقب کردند ابو الاولیا سید الاصفیا بسیار عابد و زاهد شیخ  
 کاملین سید العارفین و وجه حضرت بی بی ام الخیر فاطمه ثانی از دختر حضرت  
 سید ابو عبد الله صومی که این حضرت در قریه جیلان زاویه بنا کرده بعبادت  
 الهی بپوشید مشغول کیفیت کرامات جدا داری حضرت غوث الثقلین بسیار است

شبیه بنی فرزند کلانی ایشان سید قاسم ثانی سید ابراهیم سید موسی سید عبد الله  
 بلکه بعضی اهل مذنب باطله و نواصب و خوارج سید محمد بن سید عبد الله المحض  
 را محمد بن موعود و اندر چه که نام پدر عبد الله و نام مادر آمنه بود منصوب و انقیاد از  
 خلفاء عباسیه بود اول سید محمد را محبوب بن محمد بعد از شهید کرد و حال در بیت  
 سید ادریس و سید ابراهیم و سید یحیی کسی کتاب یافته نشد که می نوشت شهره چیم  
 نسبت و م باب اول سید ناموسی که بسبب رنگ سیاه والده ایشان  
 چون گفته معنی چون سیاه رنگت که خدای ایشان یعنی سید موسی ایچون از دختر  
 نخست از خرم محمد یا قر علیہ السلام شد نام آن بی بی رقیه ثانیه و فرزند  
 از طین این بی بی شد و متولد سید ابراهیم که عقاب ایشان مانند شاسنه  
 سید عبد الله ثانی که ملقب بود و بدین صیاح که خدای ایشان از بی بی  
 ماله دختر حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام شد از طین این بی بی پنج  
 فرزند تولد گشته پس که سید موسی ثانی که بودند از اجل و حضرت غوث الثقلین  
 ثانی سید سلیمان ثالث سید احمد رابع سید یحیی خامس سید ابوصالح  
 ذریات ایشان جانب بخارا و ترکستان بسیار اند شهره پنجم  
 نسبت و م باب دوم پدر موسی ثانی کنیت ایشان ابو عمر که از دختر امام موسی  
 کاظم علیہ السلام که خدا شدند نام بی بی طلیعه از طین این بی بی بوجود آمدند  
 هفت سپرد یازده پسر از حاربر و میوه حضرت موسی ثانی در و دو هجری از شمشیر

محل نسب نامه آن بزرگوار خواهد نوشت از رافیه کثیر اند و نسب نامه جانب مادی حضرت  
 غوث الثقلین جعفری نسب اند و نیز نسب سب مادی چنانحضرت خواجہ بزرگ  
 نیز جعفری اند و نسب مادی حضرت شیخ اشیرج نیز جعفری

شجره نسب حضرت قطب الدین بنیاول جوینوری برادرزاده آن سید فضل الله

واضح باد سید قطب الدین بنیاول جوینوری و سید نصیر الدین و والد سید فضل الله  
 عرف سید گوسائین هر دو برادر اعیانی از فرزندان میر سید حسن قادری ولد  
 میر سید علی قادری ابن میر سید امیر الدین ابن میر سید قیام الدین ابن میر سید  
 صدر الدین ابن میر سید رکن الدین له میر سید نظام الدین ابن میر سید قطب الدین  
 ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید یوسف قادری ابن میر سید عیسی قادری  
 ولد میر سید جعفر قادری ابن میر سید قاسم قادری ولد میر سید عبد الله قادری  
 ولد حضرت سیدنا عبد الرزاق ولد حضرت غوث الثقلین سید عبد القادر جلالی  
 رضی الله عنه ثمره آن باید شنید حضرت سید فضل الله عرف سید گوسائین  
 قدس سره برادرزاده و داماد و مرید و شتر شد و تلمیذ و خلیف حضرت سید قطب الدین  
 بنیاول اند جوینوری اند فرزاد فاضل الله و سید فضل الله و در بهار است و نیز اولاد  
 شان و فریق اند مذہب بن کثر الاندھب مایه بیشتر اند و فرزندان شان ششست  
 و اولاد حضرت سید قطب الدین بنیاول جوینوری منوع کثره مانیک و علاقه شهر  
 الہ آباد و قطب سید مشهور اند سنت جماعت مذہب اند از انجمله جناب سید شہاہ

به سبط و طول الحاصل از بطن این غفیفه دو فرزند یکی سید الجواحر ثانی معری بانی  
 ثانی حضرت غوث نقی قطن بانی محبوب سبحانی سید عبدالقادر جیلانی صاحب سلسله  
 مغربی موجود طریقۀ قادریه که از نام پاک حضرت منسوب است عقیدت انجباب بکر س  
 مطلوب است نام خواهران حضرت غوث پاک بود بی بی جلیله بی بی رقیه هزارچ  
 پاک بی بی بصیرت بی بی جمیله و فرزندان بنجاب بودند یازده رتبه بلند ذریت هر یک  
 پس از نسیب الاولاد ستم فرزندان در بخوار رسیده اند از شاخ شجره ریافت شد  
 اولین سیدنا سیف الدین عبدالوهاب ثانی سیدنا عبدالرزاق  
 شهره آفاق ثالث سیدنا عبدالغفری سجاد نشین بعد از فرزندان ایشان  
 هستند یمن بزرگوار اولاد رسیده اند در بخوار و مصر باید شنید راجع سیدنا  
 عبدالهادی خامس سیدنا عبدالجبار سادس سیدنا شرف الدین  
 سابع شنیدنا یحیی که حضور اند حسب رشتا دوالد ماجد خود و شعب جبال یار  
 مغرب نجفی اند متذکر ملاقات حضرت عیسی علیه السلام شسته اند ثامن سیدنا  
 موسی ناسع سیدنا ابواسحاق عاشق سیدنا ابراهیم احد عشر سیدنا  
 عبدالجلیل اوبصر و نسب مشایخین اینخوار یافت آسمان این نسب بزرگوار  
 الا حین اقامت مدینه طیبه مکه مشرف از بزرگی دریافت شد که بنجر حضرت یحیی  
 که حضور اند و دیگر برادران ذی اولاد اند و الله اعلم حاصل نسب مشایخین اینخوار  
 ازین سه فرزند منی میشود از دیگران نه یعنی زراقیه اند و بابیه اند غریزیه اند

سید شاه امیر الله عرف بدی و برادران عمراد ایشان سید شاه عبدالرزق  
 عرف کھوئی سید عبدالکریم الدیید عبد الحلیل تفصیل این جای کرده خواهد شد  
 شمر دوم شجره نسب در حضرت میر سید علی قادری دهلوی پیران  
 فرموده باید دانست بن میر سید علی قادری پیر اجازت طریقه قادریه بنا حضرت  
 مرزا شاه فرموده من سره ابو اعلای اندلس بلانید میر سید علی قادری ابن  
 میر سید یوسف ملقب خالی ابن میر سید ابو محمد قادری ابن میر سید جمیل قادری  
 ابن میر سید محمد قادری ابن سید قاسم قادری ابن میر سید عبدالباسط قادری  
 ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید حسن قادری  
 ابن میر سید علی قادری ابن میر سید محمد قادری ابن سید احمد قادری ابن میر  
 سید یحیی قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید حسن ابو نصر قادری ابن  
 حضرت سیدنا عبدالرزاق خلف از مشید ثانی حضرت محبوب جانی سید  
 عبدالقادر جیلانی رضی الله عنه اولاد مجاد ابن بزرگوار بنور در شهر  
 دہلی موجود هستند شمره سیم شجره نسب در حضرت میر سید عبدالرسول  
 قادری ساکن دانا پور واضح باد میر سید عبدالرسول بن میر سید علی قادری  
 از دیار ملتان وارد هندوستان گشته بدینجا رسیده اقامت پذیر گشتند  
 چون شرافت و نجابت از جبین شان بود هویدا در دانا پور سادات رضوی  
 مصاهره واقع شد یعنی از دختر خجسته دختر میر سید عماد الدین ابن میر سید

منظر علی ساکن کره بودند والد ماجد سید منظر کریم آلہ ابادی شجرہ نسب  
 قادری حضرت سید محمد قادری انجری معروف است استانہ انجریہ  
 باید است حضرت سید محمد قادری ابن سید شاہ شمس الدین محمد دریش از دیار  
 مغرب شہر دہلی نمونہ معمر بدان و خادمان درستانہ انجریہ اول حسب  
 بشارت جد بزرگوار سکونت الموضع کردند ختمیاری مزار فیض سنار است درین دیار  
 حالا طور نسب منیو لیسد انجی کسار باید شنید سید محمد قادری ابن سید شمس الدین  
 محمد دریش قادری ابن سید شاہ عالم قادری ملقب بشاہ کلان کلان ابن سید  
 شاہ عبد الرحیم قادری ابن سید شاہ عبد الفتاح قادری ابن سید شاہ عبداللہ  
 قادری ابن سید شاہ عبد الرحمان قادری ابن سید شاہ عبد اللطیف قادری  
 ابن سید شاہ عبدالحی قادری ابن سید شاہ عبد الحلیل قادری ابن سید شاہ  
 ابوالقاسم ملقب بشاہ عبد الرحیم قادری ابن سید شاہ عبد الرزاق قادری  
 خلف ثانی حضرت محبوب جانی سید عبد القادر جیلانی رضی اللہ عنہ  
 ذکر در میان حضرات جای مصابرت ایشان تفضل فرمودند نوشت ابن سید  
 دو فرزند تربیلند سید محمد قادری یکی سید جلال الدین قادری ثانی سید  
 معین الدین قادری حالا جاشین انجا از اولاد سید معین الدین هستند  
 چنانچہ سید شاہ اطیب اللہ قادری رحمۃ اللہ علیہ و خلف الرشید شان  
 سید شاہ عبد الرشید عرف شاہ حمفی علیہ الرحمۃ بودند و برادر دیگر



ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید حسن قادری ابن میر سید علی  
 قادری ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید  
 یحیی قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید حسن ابو نصر قادری ابن  
 حضرت سیدنا عبد الرزاق خلف الرشید محبوب جانی حضرت سیدنا عبد القادر جیلانی

عشره پنجم شجره نسب قادریه حضرت سید قمیص قلورنی

باید شنید حضرت قمیص قادری ابن سیدنا ابو الحیات ابن میر سید علی  
 قادری ابن میر سید سلیمان ابن میر سید ذکریا ابن میر سید یحیی ابن میر سید احمد  
 قادری ابن میر سید ابو المنصور فتاح ابن میر سید محمود جیلانی ابن میر سید ابو نصر یار  
 ابن میر سید سیدنا عبد الرزاق خلف الرشید ثانی حضرت محبوب جانی سید  
 عبد القادر جیلانی بواسطه نسب فرزندی در صیاد هم میر سید بیعت و تربیت  
 از بنی عمام و برادر است خاکسار شرف از زیارت فرار شده است بمقام معروف  
 پیران شاه دوره حضرت سید شاه قادری قمیص ساخت کرده اند بسیار از غریبه  
 تا مشرق سیاحت کرده آخر بمقام خضر اباد توطن کرده اند خستیا و متابل  
 انجای معروف بطوریکه گشتی هست از انجا مسافر دیار مشرقی شدند مریدان و  
 یاران بسیار چنانچه انتقال بحیطه نگال کردند حسب وصیت مریدان از انجا جازه  
 بردوش گرفته روانه دیار غری شدند و بر در جازه حسب وصیت بمقام خضر اباد  
 شاپوره دفن کردند نقل کنند وقت بدون جازه سید پاک چند روز در قبه بهار

عبد الفتاح عرف قاضی سید برے کد خدائے نذی اولاد گشتند بایستند  
 میر سید عبدالرسول بن میر سید علی قادری ابن میر سید عبد کلیل ابن میر سید  
 محمد خلیل بن میر سید محمد جمیل بن میر سید بدر عالم ابن میر سید اظہر عالم ابن میر سید  
 مظہر عالم ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید دریس قادری ابن میر سید

ابو الفتاح قادری ابن میر سید حسن قادری

ابن میر سید علی قادری ابن میر سید صدر عالم قادری ابن میر سید عبد الرحیم قادری  
 ابن میر سید ابوالقاسم قادری ابن میر سید محمد ششم قادری ابن میر سید سیدنا  
 عبد الرزاق خلف الرشید ثانی حضرت محبوب جانی سید عبد القادر جیلانی  
 شجرہ چہارم شجرہ نسب رزاقیہ نذکر نسب میر سید محمد محمدی  
 مشہود بادین میر سید محمد محمدی یکی از سیادت عظام عالمیقام از ارکان  
 سلطنت شہر دہلی شاہ جهان آباد و عہد محمد شاہ بادشاہ بودند  
 امیر الامر اخیاط ب خطاب عہدۃ الدولۃ اوقات خود بسبب امارت ظاہرے  
 بکرو فرمید اشتند بن بزرگ پدر بزرگوار والدہ ماجدہ قادری این فقیر حقیر بود  
 حالا سلسلہ نسب بیان میکنم میر سید محمد محمدی ابن میر سید عسکری ابن میر  
 سید حسن قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سید یوسف قادری ابن میر  
 ابو محمد قادری ابن میر سید جمیل قادری ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید  
 قاسم قادری ابن میر سید عبد الباسط قادری ابن میر سید احمد قادری

نسبت جدی ایشان نسبت قادریه منو لیسید حالا هر دو برابر قضا کردند سید  
 اولاد حسین ابن میر سید حسن قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سید  
 عبد الحلیل قادری ابن میر سید عبد الرحمن قادری ابن میر سید سلیمان قادری  
 ابن میر سید هاشم قادری ابن میر سید شهاب الدین قادری ابن میر سید شرف الدین  
 قاسم ابن میر سید محی الدین کجی ابن میر سید نور الدین حسن قادری ابن میر سید  
 علاء الدین ابن میر سید شمس الدین محمد قادری ابن سید سیف الدین کجی  
 قادری ابن سید ظمیر الدین احمد قادری ابن میر سید محمد اصغر ابن سید ابو الطاهر  
 قاضی القضاات ابن سید ناجد الزراق قدس سره خلف الرشید ثانی  
 حضرت پیر دستگیر قطب بانی سید عبد القادر حیلانی رضی الله تعالی عنہ

شجره منقسمه شجره نسب زراقیه قادریه سیدین حموی

واضح باد سید حسین حموی پیر مرشد حضرت شاه قاسم سلیمانی اندک فرار ایشان  
 واقع بقلمه چپا رگده از کتاب معتبر یافته نسب نامه آنحضرت تحریر نمود  
 بدین طور است سید حسین حموی ابن سید محی الدین قادری ابن سید  
 محمد قادری ابن سید محی الدین کجی قادری ابن سید محمد قادری ابن  
 سید علی قادری ابن سید احمد قادری ابن سید نصیر الدین قادری  
 ابن سید جمال الدین قادری ابن سید کمال الدین قادری ابن سیدنا  
 عبد الزراق خلف الرشید ثانی حضرت سید عبد القادر حیلانی رضی الله تعالی عنہ

مانند خیا پنجه جای معروف است و در بهار بمقام قلعه ستانه شان خدام و  
 مریدان بجای تکیه پاک مجاور شدند دیات نذر ستانه است عمرل اعراض  
 پیران بجای آردن این خاکسار و را بتداز مانده بود و دلش آستانه شاه سلام الله  
 بعده شاه شاه الله شدند حالا شاه شوال اند بتوکل خدایه خدمت واد  
 و صا و بجای آردن بنام پیشینان خود سبقت برده اند بجای صلیب صورت کثیر  
 می نمایند و یکی از فرزندان حضرت شاه منصور قادی از انجا حلیب صوره آورده بودند  
 کفاف بهر ایشان معین شده بود موضع سنادر میوه پر کنه تربت این خاکسار  
 ملاقات بود از جمله فرزندان البشاه امام شاه صورت و سیرت بهتر داشتند  
 و برادران شان را نیز دیده بود و علام شاه حسین شاه چون نسب بنده را بود  
 این کیفیت دانسته تحریر نمود و این بزرگ پیران پهلوانی هستند پیران شجره تبرکه

### شجره ششم نسب زراقیه قادریه سیدی علی قادری

سید اولاد حسین بنی شاه هر دو برادر فرزندان میر سید حسن قادری صحیح النسب  
 و ریخوار از عرصه دراز قیام پذیر شدند و قبل از این قامت والد ایشان بود  
 در شهر آله آباد که صورت مصاهرت گوید و نسب مادری والد ایشان  
 بنسبت ابو العلاء پیوست یعنی سید شاه غلام علی جد مادری والد ایشان بودند  
 و پنج واسطه نسبت برزندی از میر سید محمد فضل که داماد حضرت میر سید  
 نور الله ابن میر سید فضل الله ابن حضرت سید شاه ابو العلاء قدس سره بودند

سید شاه مظفر حسین قادری دهلوی ابن سید شاه غیاث الدین احمد بکیر ملتانی  
 ابن سید شاه محمد داود ملتانی ابن سید موسیٰ قادری برادر سید یحییٰ قادری  
 ملتانی ابن سید شاه حامد ملتانی ابن سید شاه عبد الزاق ثانی ملتانی ابن سید  
 شاه عبد القادر ثانی ملتانی ابن سید شاه محمد قادری ملتانی ابن سید  
 قادری ملتانی ابن سید شاه میر قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سعید  
 قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید صفی الدین صوفی ابن میر سید  
 سید ناعیم الدوباب خلف الرشید کلانی محبوب بجانی حضرت سید عبد القادر

عشره دوم شجره نسب اول بابیه قادریه

در نسب نامه سید و حجه الله قادری میں یکم

واضح باد مولوی سید عبد الله ساکن میران بکیر لکھنؤ ابن میر سید احمد علی ابن سید  
 امیر الله که چار برادر بودند عیانی یکی نامی بکیرت گرامی شیخ باب الله عارف  
 بالله دومی سید شاه عباد الله سیومی سید شاه نور الله چارمی سید امیر الله  
 مذکور بالا پنجم سید شاه تیم الله الازر کا ملین ساکنین معروف بودند شاه باب الله  
 وزیر سید احمد علی بن شاه امیر الله رافرنند و یکی سید نور علی والد سید علی حسن و  
 ثانی خود مولوی و حجه الله ابن سید احمد علی سپہ مولوی سید عبد الله را یکی سید  
 ابو الحسن اما دشاہ خسام حیدر گہرادی مولوی محمد اشرف یک لیسر الشان سیومی  
 مولوی سید حیدر شرف باید شینہ سید شاه باب الله ابن سید نعمت الله قادری

## نهمه شجره نسب زراقیه قادریه

سید امیر علی شاه و سید مظفر علی شاه اکبر آبادی ابن سید منور علی شاه  
برادر ثانی سید حمید علی شاه ابنان سید محمد علی شاه متخلص صغیر ابن سید  
احمد علی معروف به مولوی احمدی ابن شاه رکن الاسلام ابن سید موسی ابن سید  
معین شاه ابن سید تیم شاه ابن سید محمدی شاه بچند واسطه در نسب حضرت  
سیدنا عبد الرزاق میرند و نیز بسبب زوج عمه شان حکیم سید نور الدین ابن  
حکیم صدر الدین ابن سید بدر الدین بحضرت سیدنا عبد الرزاق میرند  
چونکه اسامی انجمن نقد یافت که نگاشت نیز در اکبر آباد بزرگی بودند نسب زراقیه

## نهمه شجره نسب اقیه قادریه سید حسن

سید حسن عرف پیر حقیق ابن سید فیض الله ابن سید شاه محمد مصیم ابن سید  
تیم ابن سید اسد الله ابن سید شاه برکت الله ابن سید شاه رحمة الله ابن  
سید شاه نعمت الله ابن سید شاه محمد فصیح ابن سید یحیی ابن سید محمود  
ابن سید مسعود ابن سید امان الله ابن سید برهان الدین ابن سید ذکی الدین  
ابن سید ابوالنضر ابن سیدنا عبد الرزاق خلف الرشید ثانی حضرت محبوب سبحانی

سید عبد القادر جیلانی رضی الله عنه  
شجره اول نسبت نسب قادریه و ماویه  
نسب نامه سید شاه مظفر حسین قادری بلوی

باید نیست از خلفاء حضرت محمد و سید نصیر الدین چراغ دہلی چهار خلفا و نامدار  
معروف بودند به سید محمد کی سید محمد گیسو از بنده نواز فرار در گلگیر شریف است  
ابن سید صدر الدین زیدی نسب و بی سید محمد گیسو از ابن سید جلال الدین  
کالپی باقری نسب از اجداد ابن خاکسار سید سید محمد ابن عبد الله  
جعفری نسب از چاری سید محمد ابن سید احمد ملتانی مؤلف کتاب بحر المعانی  
قادری و بابیه نسب اند سید محمد ابن سید احمد ملتانی ابن سید بیابانی ابن  
سید احمد ابن سید الدین صوفی ابن سید ناسیف الدین عبد الوهاب

خلف الرشید کلانی حضرت سید عبد القادر حیلانی

شجره نسب قادریه غزنیه نسب امیر شیشه عبد المنان قادری دہلوی  
سید شاه عبد المنان قادری ابن سید شاه رکن الدین محمد سرفراز ملقب به محمد  
ابن سید عبد الله ملتانی ابن سید شاه عبد الغزیز ملتانی ابن شیشه عبد الله  
بیابانی ابن سید شاه علی بہدانی ابن سید شاه حسن قادری بغدادی ابن  
سید شاه احمد قادری ابن سید شاه عبد اللطیف قادری ابن سید شاه محمد قادری ابن  
سید سلیمان قادری ابن سید ذکریا قادری بغدادی ابن سید شاه عبد الفتاح قادری  
بغدادی ابن سید شاه عبد الغزیز عالم ربانی خلف الرشید ثالث حضرت سید  
عبد القادر حیلانی واضح باد شیشه مظفر حسین قادری راجون شریف  
از پنجا گدشت سید اولاد قطع کرده در خانقاہ دہلی سجادہ نشین بودند یک شب

ابن سید شاه محمد باقر ابن سید محمود قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر  
 سید جلال الدین قادری ابن میر سید شاه محمد فیروز ابن سید عثمان قادری  
 ابن سید حسن الدین قادری ابن سید نور الدین قادری ابن سید شاه ضیاء الدین  
 قادری ابن میر سید ذکی الدین قادری ابن میر سید احمد قادری ابن حضرت  
 سید صفی الدین صوفی قادری ابن حضرت سید ناسیف الدین عبد الوهاب  
 خلیف الرشید کلانی حضرت محبوب سبحانی قطب بانی پیران پیر دستگیر

سید عبد القادر جیلانی رضی اللہ تعالیٰ عنہ  
 قره سیدوم شجره نسب دوم و بابیه قادریه نسب ششم شاه عبدالکریم  
 باید شنید سید شاه عبدالکریم و سید عبد الرحیم یانپوری قادری نسب هفتم  
 برادر فرزند سید شاه امیر اللہ ابن سید شاه رحمت اللہ ابن سید مغرور الدین  
 قادری ابن سید شاه عبد الهادی ابن سید شاه ابو شمس بار ابن سید  
 مختار ابن شیخه عبد الشکور ابن سید شاه عطاء اللہ بغدادی که از  
 بغداد اقیقت آورده مسکن در قتال پوره قبول کردند فرزند را بنی است فیض آباد  
 و همقدراطه در بالانست است اولاد ایشان در انجوا اند بسیار خصوصاً  
 سید شاه تراب علی ابن سید داود علی از فرزند ابن شان اند برادر سید

داود علی معروف اند شیخه محمد تقی

قره چهارم شجره نسب دوم و بابیه قادریه



دختر حضرت طلحه صحابی یکی از عشره مبشره متولد شد ندبی بی فاطمه صغری  
 دختر حضرت امام حسین علیه السلام وجه حضرت امام حسن مثنیٰ ابن جناب حضرت  
 امام حسن علیه السلام سیادت حسنی اسیلی از لطن این بی بی بوجود اندر وجه  
 ثالثه بی بی ام لعل و نیز ام لیل میگویند از لطن ایشان تولد یافتند حضرت  
 علی اکبر شبیه پیغمبر خدا عقاب ایشان نماد و واقع کرد بلا سمره عمه بزرگوار و الدنا  
 شهید شدند و وجه را لعل بی بی ریاب نیست قیس بن عدی قبیلہ بنی کلثم بودند  
 محبوب ترین وجه بودند از لطن ایشان دختر پیشند بی بی سکینه محبوب ترین  
 دختر جناب سید الشهداء بیت برکت است نشان محبت ایشان ترجمه آن نیست  
 اوس حکیمه کو دوست تابی حسین ع حبس حکیمه بن سکنه اور رباب  
 حین شهادت سید الشهداء العمر شصت بود و در ایت انتقال ایشان در الوقت  
 غلط است از مصعب ابن زبیر کتبی اندند چون لشکران عبد الملک بشهر  
 کوفه آوردند تاحث مصعب ابن زبیر را کردند شهید بظلم شدید در الوقت سکینه  
 بر آوردند فریاد ای کوفیان ناشاد الی وقت درین میدان کردمی مرا یتیم بی پدر  
 این وقت کردید مرا بی شوهر روایت است حضرت زبیر را بودند سه فرزند  
 عبد الله ابن زبیر عروه ابن زبیر مصعب ابن زبیر سه برادر بجای است حاجات  
 دعا بر چاه زمزم سرست مطلب دعا خواهد شد امارت مکه خواستند حضرت عبد الله  
 بعد واقع شهادت سید الشهداء تسلط امارت مکه مغطه شدند عروه دعا کردند

لجام رویا جدا نمخت پیر و گیسو عبد القادر جیلانی فرمودند مظفر در نصیب تو فرزند  
نیست الا در نصیب پارسا خواهر تو یک فرزند است و خواهر را بجای دختر میخوانی عقد  
نکاح او از سید محمد سر فرزند اولاد من است انجام کن الحال شاه مظفر حسین قادری  
عقد نکاح بی بی پارسا از سید محمد سر فرزند بعد مدت نه ماه فرزند تو را بدین  
شاه عبد المنان شاه مظفر حسین قادری بعد خدایتان را بجای خود

کردند جانشین خواندند و برادره را فرزند خواندند

باب دوم در ذکر فرزندان حضرت امام حسین علیه السلام معه ذکر فریت حضرت  
زمانه که نسبت فرزند سیادت بکدام امام میرسد بر پشت نسبت نمائید  
باید دانست جناب حضرت سید الشهدا امام حسین علیه السلام امام سیوم انداختند فرزند  
جناب حضرت علی مرتضیٰ نواسه پیغمبر خدا محمد مصطفیٰ صلی الله علیه و آله وسلم  
اولاد این حضرت عین گنجینه سیادت است از بی بی فاطمه قبول کل سیادات  
حسنه الحسینیه انداصل قبول بدید و عقد نکاح جناب حضرت امام حسین علیه السلام  
از ولج خمسة آمدند و از لطن هر یک فرزند متولد شدند و وجه ولین  
جناب معی القاب بی بی شهر با او دختر خجسته دختر نیر و در دین شهر بایر که بود  
بادشاه سلطنت عجم از اولاد نوشیروان پادشاه عادل باید دانست از چهار زوج  
بمرتبه فضل و بصورت ارجل بودند از لطن الشیطان متولد شدند امام زمانه سید جعفر  
علی ثانی امام زین العابدین علیه السلام از لطن بی بی ام سحاق زوجه ثانی

وسید عبد الرحمان وسید سلیمان وسید علی اشرف چهار فرزند اگر  
روایت است صحیح پس عقاب ایشان ننماید ذکر اولاد امام زمانه در سوره  
خواهد نگاشت که آنها منسوب بسادات باقری اند و اینها منسوب بالقاب  
خود در انوار ذکر هر سه بزرگوار مع اولاد میکنند با همی در یزدی و حسینی  
انوار اول نسبت اولی به دوم و ذکر امام عبد الله با وجود اولاد و

### امام امیر تقی الدین کرمانی

از فرزندان سید تقی الدین کرمانی سیدنا امیر سید شاه ابو العلا قدس سره  
باید شنید بدین نسبت محبوب جل و علا امیر سید ابو العلا ابن امیر سید  
قدس سره ابن امیر سید عبد السلام ابن امیر سید عبد الملک ابن امیر سید عبد الباقی  
ابن امیر سید تقی الدین کرمانی ابن امیر سید شهاب الدین محمود ابن امیر سید  
عماد الدین ابن امیر سید علی ابن امیر سید نظام الدین ابن امیر سید شرف الدین  
ابن امیر سید انور الدین ابن امیر سید اشرف الدین ابن امیر سید محبتی ابن امیر سید  
جیلانی ابن امیر سید یحیی ابن امیر سید باوشاه ابن امیر سید حسن ابن امیر سید  
محمد ابن امیر سید علی ابن امیر سید عبد الله ابن امیر سید حسین ابن امیر سید اسماعیل  
ابن امیر سید محمد ابن امیر عبد الله با همی ابن حضرت سید الساجدین امام  
زین العابدین علیه السلام ابن جناب حضرت سید الشهدا امام حسین  
علیه السلام ابن حضرت علی ابن ابیطالب باید دانست امیر سید عبد السلام

که محدث شوند انچنان گردید و مصعب خواستند زوجیت حضرت سکینه از هم طلب شد  
 زوجه خامس بی امم الاصفه یعنی والده حضرت علی صغیر شهید شیرخواره شهید  
 شد از تر مطیع یزید انالید و انالیه را جعون قاتلان صورت زبون  
 نسبت اولاد بموم در کراولاد حضرت علی ثانی السید حیدرین

امام زین العابدین علیه السلام بر سر او اولاد

واضح باد که خدای حضرت علی سید الساجدین امام چهارم زین العابدین علیه السلام  
 از صبیبه عم الاظم بی بی ام عبد الله کنیت بی بی عایشه ثانی بی بی فاطمه  
 ثانی هم اسم بود یعنی دختر حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام گردید و بی اولاد  
 شدند بایستند چهار فرزند حضرت سید الساجدین از لطن آن بی بی متولد  
 شدند و از لطن زوجه دیگر نیز غیر الشیان اولین فرزند امام زمانه حضرت امام  
 محمد باقر علیه السلام که در حق امام فرمود انحضرت محمد نبیا علیه الصلوٰه و السلام  
 ائمته محمد بن علی ابن حسین ابن علی هوایی یبقی فی علم الدین ای جابر  
 نوبه بی فرزند می راکه نامش بود محمد بن علی ابن حسین علی که فرزند من است  
 تبخرو بقبر بود او را و علم دین من ثانی امام عبد الله با هر صنی الله عنه و ثبات  
 امام ابو الحسن زید شهید رابع حسین صغیر در کتاب سحر الانساب چنین  
 مذکور بود ایت اهل سنن و فرقه مذہب امامیه چنین می نگارند فرزند حضرت  
 امام زین العابدین از دیگر منکوحه پیدا شدند چنین نام سید عمر شرف

## عثره شجره و نسب مادری از جانب خواجه عبید اللہ احرار

در اینجا ذکر نسب حضرت خواجه ناصر الدین عبید اللہ احرار قدس سره میکند  
 حضرت خواجه احرار ولد خواجه محمود ابن خواجه شهاب الدین شاشی  
 ابن خواجه محمد مدعو خواجه نامی از اولاد عبد اللہ انصار بایستند حضرت خواجه  
 عبید اللہ احرار عم عطرمیر سید تقی الدین کرمانی بیک زمان متفق در شهر سمرقند  
 بودند با خود با بسبب نجابت شرافت جانبدن صورت مصابرت واقع شد  
 یعنی که خدای امیر سید عبد اللہ و امیر سید عبد الاول و امیر سید عبد الباسط هر  
 فرزند حضرت امیر تقی الدین کرمانی از دختران هر سه خواجه عبید اللہ احرار  
 گردید و نسبت نامانی سیدنا ابو العلاء از نسب خواجه ترتیباً واقع شد بدین طور  
 امیر سید عبد الملک نبیره امیر سید تقی الدین نواسه حضرت خواجه احرار و امیر  
 عبد السلام ابن امیر عبد الملک نواسه خواجه عبد اللہ عرف خواجه کا ابن خواجه  
 احرار بودند و امیر سید ابو الوفا ابن امیر عبد السلام نواسه خواجه ابو الفیض نبیره  
 حضرت خواجه احرار و حضرت سیدنا ابو العلاء ابن حضرت امیر ابو الوفا نواسه  
 حضرت خواجه محمد فیض عرف خواجه محمد فیض ابن خواجه ابو الفیض ابن خواجه  
 ابن حضرت خواجه احرار بشنون نام والده حضرت سیدنا بی بی عارفه دختر خواجه  
 محمد فیض واضح باد خواجه ابو الفیض از یک مادر است برادر بودند یکی خواجه ابو الفیض  
 دومی خواجه عبد الشہید سیومی خواجه عبد العلیم ابنان خواجه کا و از زوج اول

جد امجد امیر سید ابو العلاء را چهار فرزند از آنجمله یک امیر سید ابو نصر والد امیر سید  
 علی رضا و دو دختر نیز بودند امیر سید ابو نصر را دو پسر امیر سید ابو الصفا  
 فرزند ایشان امیر سید عبدالباقی والد امیر سید شاه عبدالماجد سیومی  
 حضرت امیر سید عبد الله یک دختر و دو پسر یکی امیر سید عبد المنعم و دیگری  
 امیر سید عبد الباسط و خواهر ایشان بی بی مدیحہ زوجہ سیدنا ابو العلاء  
 چارمی امیر سید ابو الوفا والد ماجد سیدنا ابو العلاء و یک خواهر حضرت زوجه امیر  
 سید عبدالباقی و والدہ امیر سید شاه عبدالماجد شبنو حضرت سیدنا ابو العلاء  
 را دو فرزند یکی امیر سید نور العلاء والد ماجد امیر سید تاج العلاء و دیگری  
 امیر سید فیض الله و فضل العلاء نیز نام بودند خلف ایشان امیر سید نور الله  
 که خدای هر دو فرزند سیدنا از نبات اعظام یا احوال شد و صبیہ و آنحضرت سیدنا  
 کی بی بی زینب زوجہ خواجہ عبد الرحمن ابن خواجہ سلیمان که از اولاد  
 حضرت خواجہ بهاء الدین نقشبند قدس سره بودند کیفیت فریت ایشان  
 دریافت نشد ثانی صبیہ حضرت سیدنا بی بی رقیہ زوجہ خواجہ محمد عرف  
 خواجہ فولاد ابن خواجہ محمد سجاد داماد ثانی حضرت سیدنا انجناب نیز از اولاد  
 حضرت خواجہ نقشبند قدس سره بودند مزار حضرت خواجہ محمد فولاد در احاطہ  
 مزار سیدنا موجود و در کبر آباد کرامات از ایشان عیان از مزار بسیار

کیفیت اولاد ایشان معلوم شد

باید دانست حضرت سید زین العابدین عرف سید محمد پیر طریا عظیم آبادی  
 که انچه معروفست نسب فرزندان شان نیز انجنابت بن طورست انچه که فایده  
 نگاشت بندگی سید نظام الدین ابن میر سید عیسیٰ پیر طریا ابن میر سید حمزه  
 پیر طریا ابن میر سید رکن الدین پیر طریا ابن میر سید زین العابدین عرف سید  
 محمد پیر طریا واسطه ابن میر سید احمد دهلوی واسطه ابن میر سید حسن دهلوی  
 واسطه ابن میر سید قاسم واسطه ابن میر سید حامد واسطه ابن میر سید محمد  
 جعفر زیدی نسب ابن میر سید مختار ابن میر سید احمد ابن میر سید طاهر ابن میر  
 سید ابوبکر ابن میر سید احمد ابن میر سید حسن ابن میر سید اسمعیل ابن میر  
 علی ابن میر سید حسن فارس مدنی ابن میر سید یحیی ثانی ابن میر سید حسین  
 ابن میر سید احمد ابن میر سید یحیی شبیه نبی محدث رمانه ابن میر سید حسین  
 زیدی ابن حضرت امام ابو الحسن زید شهید ابن حضرت سید الساجد  
 امام زین العابدین علیه السلام ابن حضرت امام حسین علیه السلام  
 شجره دوم انوار دوم نسب اول باب دوم ذکر نسب سید محمد سهروردی  
 واضح باد منزله حضرت سید محمد سهروردی بموضع رهوی علاقه حضرت بهار  
 است سید محمد سهروردی ابن میر سید احمد دهلوی ابن میر سید یحیی دهلوی  
 ابن میر سید مصطفی پیشوری ابن میر سید حسن ابن میر سید یوسف ابن  
 میر سید حسین طوسی ابن میر سید عمران میر سید احمد ابن میر سید عبداللہ طوسی

دختر امیر تقی الدین نیز پسری خواجه علی الحق دومی خواجه نظام الدین عبدالهادی  
 سیومی خواجه خاند محمد بودند و خواجه ابوالفیض سده برادر از دختر خواجه نظام محمد  
 که از اولاد صاحب هدایت بودند هر یک شدند ذی اولاد و حضرت خواجگار  
 از هر دو روجه دو دختر نیز بودند کیفیت ذریت دیگر فرزندان حضرت سیدنا  
 دریافت نشد الا بی بی محمد و مہ صدیق حضرت امیر نور الدین که از امیر محمد **فضل**  
 ابن سید محمد اجل بن امیر سید علی رضا اتخاذ شدند کیفیت ذریت ایشان  
 ترتیباً نیافت الا امید اند که سید شاه غلام علی ابن سید امام علی به سده  
 واسطه فرزند امیر سید محمد افضل بودند و نشی علی حسین مصطفی الپوری نیست  
 فرزندیت خود از حضرت امیر سید محمد افضل بیان می کردند و ابن بنت البنت  
 سید شاه غلام علی سید اولاد حسین سید بنی شاه ابن سید حسن قادری  
 بودند یعنی نواسه سید ابن علی داماد سید شاه غلام علی که زیارت آنحضرت  
 کرده است این فقیر حقیر الا در شهر کرباب از اولاد امیر سید تاج العلام ابن  
 امیر سید نور العلام از بیشتر زمان قیام اینجا کسار بودند سید اکرم الدین که  
 شهریان اینجا کیفیت مقبولی شان بحضرت سید نابیان میکند از روجه شان  
 کسار اولاد نشد الا از الطین خاوم که یک دختر بودند ملقب سیدانی صاحب ۴  
 انوار دوم نسبت اول باب و م در ذکر اولاد حضرت ابونحسن  
 رند شهبان بهر چار شجره است شجره اول ذکر سید محمد میر طریا



جاجیزی ابن میر سید بد الدین مکر میر حاج ابن میر سید علی مسعود مکر ابن  
 میر سید ابو الفتح ابراهیم ابن میر سید ابو الفرح ابن سید ابو الفوارس محمد فراس  
 ابن سید ابو الفرح واسطی ابن میر سید داؤد ابن میر سید محمد جاجیزی  
 ابن سید عیسیٰ ابن سید داؤد بزرگ والی کوفه ابن سید حسن ابن سید حسین  
 ملقب به خبیه ابن میر سید ابو الحسن فراس ابن میر سید محمد اکبر منصور داعی غدان  
 ابن میر سید محمد منصور ابن میر سید عمر علی غدان ابن میر سید اشرف الدین  
 یحییٰ محدث بشیر رسول مقبول علیه السلام ابن سید حسن بنیدی ابن حضرت امام  
 ابو الحسن زبیدی شهید ابن حضرت سید الساجدین علی اوسط امامین العابدین علیهم السلام  
 انوار سیوم نسبت اول باب و م در ذکر اولاد حضرت علی  
 علی صغیر ابن امام زین العابدین علیه السلام و ذکر نسب  
 حضرت آدم صوفی و حضرت مولانا مظفر بلخی بهر دو شجره  
 واضح باد مخدوم آدم صوفی و مولانا مظفر بلخی ابن مخدوم شمس بلخی از اولاد  
 یک جد اند بچند واسطه جد واحد اند از اولاد حضرت امام علی صغیر فرزند حضرت  
 امام سید الساجدین زین العابدین علیه السلام نسبت مساوات اند و حضرت  
 سلطان ابراهیم او هم به نسب مادری اما ملوک اند و نسب جدی فاروقی نسب  
 اند از غلط کاتبان شجره نسب سیادات است الا نسب مادری اجداد مولانا  
 مظفر بلخی از سلطان ابراهیم او هم پیوند و سبب تحت سلطنت نیز از نسب

ابن میر سید اسد اللہ ابن میر سید علی ابن میر سید محسن ابن میر سید رحمۃ اللہ ابن  
 میر سید حسین زادہ ابن میر سید اسماعیل ابن میر سید علی ابن سید حسین الفارس ابن میر  
 یحیی ثانی ابن میر سید حسین ابن میر سید احمد ابن سید یحیی شہید رسول مقبول ابن  
 میر سید حسین زید ابن حضرت امام ابو الحسن ندو شہید بن حضرت امام زین العابدین بن امام حسین علیہ السلام  
 شجرہ سوم الوارد و نسبت اول باب دوم و بیان نسبت نامہ محمی حضرت سید شاہ یحیی  
 حضرت سید شاہ یحیی علی رحمۃ اللہ علیہ ابن میر سید مظفر علی ابن میر سید حسن ابن میر  
 سید وجہ الدین عرف سید بولکن ابن میر سید حسن زید ابن حضرت مولانا سید شاہ  
 قطب الدین مصطفی پوری تاجیک ابن میر سید قاسم ابن میر سید علم ابن میر سید سعید ابن میر  
 سید علاء الدین ابن میر سید محمد ناصر ماسوی ابن میر سید فیض اللہ ابن میر سید  
 معز الدین ابن میر سید علی شیر جاجنیری ابن میر سید ابو الفتح ابراہیم ابن میر  
 سید ابو الفوارس محمد فراس ابن میر سید ابو الفرج واسطی ابن میر سید محمد داؤد  
 ابن میر سید محمد ابن میر سید عیسیٰ ابن میر سید ابو الحسن ملقب بچندید ابن میر سید محمد اکبر زید  
 ابن سید محمد منصور داغی عدان ابن سید عمر علی ابن سید یحیی شہید رسول مقبول  
 ابن سید حسین زید ابن حضرت امام ابو الحسن ملقب بچندید ابن حضرت  
 سید الشاہدین حضرت علی ثانی امام زین العابدین ابن حضرت امام حسین علیہ السلام  
 شجرہ چہارم الوارد و نسبت اول باب دوم و ذکر نسبت حضرت سید محمد گداز  
 حضرت میر سید محمد گسیو زبندہ نواز ابن میر سید علی شیر جاجنیری ابن میر سید محمد

ابن سید اجل ابن سید فضل ابن سید ظاهر ابن سید مظاہر ابن سید حمید اللہ  
 ابن سید نعمت اللہ ابن سید عبد اللہ ابن سید عبد اللہ ابن سید لطف اللہ  
 ابن سید وجہ اللہ ابن سید فضل اللہ ابن سید وریس ابن سید ابراہیم ابن  
 سید عمر ابن سید جعفر ابن سید محمد ابن سید محمد ابن سید یعقوب ابن سید  
 ابن سید اسحاق ابن سید عمر زید ابن سید محمد ابن سید قاسم ابن حضرت  
 امام علی صغیر ابن حضرت سید الساجدین امام زین العابدین علیہ السلام  
 شمره نسب نامہ کی از مریدان توفیق بدین نسبت میر سید محمد یوسف  
 ابن سید محمد یعقوب ابن سید محمد ناصر ابن سید منیری ابن سید محمد حسین  
 ابن سید ادیس ابن سید ابراہیم ابن سید اسحاق ابن سید محمد معین ابن  
 سید زین الدین ابن سید فخر الدین ابن سید زاہد ابن سید عابد ابن سید  
 مجاہد ابن سید یونس ابن سید سمیع ابن سید یحییٰ ابن سید فکریہ ابن  
 سید حیدر ابن سید صفدر ابن سید محی الدین ابن سید یسین ابن سید  
 یعقوب ابن سید احمد ابن سید اسحاق ابن سید عمر زید ابن سید محمد  
 ابن سید قاسم ابن حضرت امام علی صغیر رضی اللہ عنہ ابن حضرت  
 سید الساجدین علی ثانی امام زین العابدین علیہ السلام رضی اللہ  
 نسب دوم باب دوم در بیان اولاد حضرت امام

محمد باقر علیہ السلام بر دو تہجد

اجداد مادری رسیده شجره اول نسبت مخدوم شمس بلخی باید دانست  
 مخدوم شاه شمس الدین بلخی ابن سید شاه علی ابن سید شاه سراج الدین  
 ابن میر سید محمود ابن سید ابراهیم ابن سید محمد ابن سید یعقوب ابن سید احمد  
 ابن سید محمد اسحاق ابن میر سید غفرید ابن میر سید محمد ابن سید قاسم ابن حضرت  
 امام علی صفر ابن حضرت امام زین العابدین علیه السلام شجره ثانیه  
 نسب حضرت آدم صوفی حضرت مخدوم سید آدم صوفی ابن سید  
 شاه ابراهیم ثانی ابن سید جلال الدین ابن سید شاه حسین ابن محمود  
 ابن سید ابراهیم ابن سید محمد ابن سید محمود ابن سید یعقوب ابن سید احمد  
 ابن سید محمد اسحاق ابن میر سید غفرید ابن میر سید محمد ابن میر سید قاسم ابن  
 حضرت امام علی صفر ابن حضرت سید الساجدین امام زین العابدین  
 علیه السلام شجره پیوند نسب داری از جانب حضرت ابراهیم ادیم بدینطور است  
 باید شنید میر سید محمود ابن میر سید یعقوب نواسه اند سلطان محمود ابن سلطان  
 ابراهیم نسب جدی حضرت سلطان ابراهیم بدینطور یعنی حضرت سلطان  
 ابراهیم ابن سلطان ابو الفتح ادیم ابن سلطان ابو ناصر هاشم ابن عبد الله  
 اسلم ابن عبید الله ابن حضرت عاصم ابن امیر المومنین حضرت عمر خطاب  
 رضی الله عنه شجره نسب مکی از خلفای این فقیر سید امین الدین  
 ابن محمد لیسین ابن سید محمود ابن سید داود ابن سید جعفر ابن سید اکبر

حالا این کتاب است مفقود آنچکه باستماع جلسه حضرت یاد است مینویسد بزرگ  
 بودند عمده المشائخین خواججه حسن که انجناب را بست و واسطه نسب بود از  
 حضرت امام محمد باقر علیه السلام آن بزرگ از علاقه ولایت تیراه و هرات  
 وارد شهر میند وستان گردیدند مجرد و اربطور سیاحت قبل در مقام  
 و بلی بدار السلطنت رسیده ملاقات از هر یکی مشائخین کرده متوجه دیار شرقی  
 شدند موضعیت قریب شهر متحصر اشتهار موضع دیوشانه که جای معبد  
 بود هندو در آنجا چند روز تشریف داشتند آنجای بهر سکونت بنجا طریقت  
 پسند افتاد و مردمان ساکنان آنجا قوم هندو معتقد شدند و نیز از مراد اهل اسلام  
 شیوخ انصاری که مسکن آنجا بود کردید بسیار الحاح و زاری بهر تقاضا  
 آنجا هرگاه آنها باعث اقامت حضرت شدند رای آنها بنظر شریف تحسن  
 افتاد و طرح اقامت پذیرفتند شیوخ آنجا مقصدین اکثر مرید شدند بعد چندی  
 سال اصرار کردند بهر متاهل شدن آنحضرت به بسیار که و جد قبول شد از آنجمله  
 یکی از مریدان راسخ الاعتقاد دختر خود در نکاح آنحضرت بزوجیت داد و بعد  
 چند می الله تعالی از ان بی بی عقیقه اولاد بخشید بسبب اقامت و عدم کمقوت  
 خاص در شیخ زادگان نوبت مصاهره افتاد از زبان مبارک پیوستگی  
 خود حضرت سید شاه غلام حسین جد بزرگوار خود استماع است  
 که چنان حضرت خواججه البزکات قدس سره بیان میکردند احوال بزرگان خود

انور باد کده خدای حضرت امام محمد باقر علیه السلام از بی بی فروه دختر  
 نجفستانه دختر حضرت قاسم بن محمد بن محمد بن حضرت صدیق اکبر رضی الله عنه  
 گردید حضرت امام محمد باقر مخاطب اند از حضرت رسول صلی الله علیه و سلم بدین  
 خطاب اسم محمد بن علی ابن حسین ابن علی هو ابی بقره فی علم الدین  
 اسم محمد لقب باقر شد بدین خطاب اصح باد از لطن پاک بی بی فروه فرزند  
 شدند چهار یکی امام زمانه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام امام زمانه  
 که فرموده اند شده مخاطب به رفاض قول لا تسبوا علی ابی بکر آنا  
 ولد بی مرتین مراد از ولد تنی نسبت صوری و معنوی چرا که از حضرت  
 قاسم جد مادی فیض یافتند بدانند که خدای حضرت قاسم بن محمد از حضرت  
 اسماء بنت عبد الرحمن ابن حضرت صدیق اکبر رضی الله عنهم  
 ثانی ولد حضرت امام محمد باقر علیه السلام امام عبد الله لقب  
 کتب الکریم سیومی حضرت اسمعیل چارمی سید ابراهیم بایشیند  
 نسبتاً کسی اولاد سید ابراهیم نیافت منتست با نجباب و ذکر حضرت امام  
 جعفر صادق و ذریت شان در نسب سیوم جدا گانه تحریر خواهد شد  
 اول ذکر اولاد حضرت اسمعیل میکند که جدا علی جنا حضرت سیده خوا  
 ابو البرکات قدس سره اند بدین منط تحریر است باید دانست در کتاب مص  
 ان حضرت بکتوب نسبتاً مریدیه است بخوبی این فقیه نسبت لثنی واسطه میرسد

این شهر گردید هرگاه راجه دولت راجه گویا رنج میر سید علی شاه  
 سبب تشریف بری اینجا خواست آنحضرت کردند انکار فقیر را چکار از راجه مقام  
 گویا چون حضرت صاحبزاده خورد و خواجه ابو الحسین قاصد شدند بسوی  
 گویا راجه چند اسرار و تشریف بردند چونکه بودند فرزند چشم و چراغ در  
 مفارقت بر خود داشتند بتیقار خود نیز مع تبع و لحقه تشریف بردند جانب  
 گویا در زمانه راجه مذکور بامارت گذشت چند سال بعد بهر گشتگی زمانه  
 چون بیجا بانی رانی ان راجه از اینجا جای تیرت معبد خود پسندیده افتاد  
 شهر آله آباد کردند خستیا را آنحضرت نیز مع تبع و لحقه فرزند ان و اینجا  
 تشریف آوردند از گویا و اقامت پذیر گشتند در اینجا تا مدت حیات  
 تشریف خود چنانچه در آن شهر بسال یک هزار و دصد و پنجاه و شش هجری است  
 هشتم شهر رمضان المبارک کردند انتقال نعش پاک سه ماه در ان زمین  
 بطور سبز و کردند تدفین بعد از اینجا آورده در شهر عظیم آباد پائین میر شدند  
 یافتند تدفین عمر شریف به نو و دوهفت رسیده بود ذکر اولاد آنحضرت  
 راسته دختر و دو پسر اولاد دختر کلانی میر احمد علی و میر برهان الدین  
 بودند و دختر ثانی از میر در اعلی ساکن شهر بنارس که خدا شده ذمی اولاد  
 شدند و دختر سیم آنحضرت والده میر محمد علی و خواهران ایشان بودند  
 و فرزند کلانی خواجه ابو الخیر رحمه الله علیه تنه دختر و دو فرزند ایشان یکی دختر

از انجناب سید خواجه حسن ابن خواجه ابو الحسن ابن خواجه علی ابن خواجه احمد  
 که بواسطه نسبت و سه پشت نسب از حضرت امام اسمعیل ابن محمد باقر علیه السلام  
 پیوندند بدانند سید شاه خواجه ابو البرکات قدس سره  
 ابن حضرت خواجه محمد شجاع ابن خواجه رزق الله که هفت و هشت  
 واسطه نسب فرزند ی بحضرت خواجه حسن قدس سره ساکن دیوانه است  
 مزار خواجه بسیار فیض آثار زیارت نموده است این خاکسار چند بار چنانچه  
 کیفیت آنحضرت مینویسد ضروری الارقام چرا که مرشدان مرشد و از پیران  
 احوال اند حضرت قطب العاشقین سید شاه خواجه ابو البرکات قدس سره  
 بعد تحصیل علم ضروری چند می نوکری سرکار نواب و راجه آن دیار بودند بعد  
 قلعداری بهرگاه طلب براه باطنی شد ترک کرده در شهر عظیم آباد رسید  
 بعد حصول بیعت از تربیت و صحبت جناب حضرت شاه رکن الدین  
 تخلص عشق قدس سره ابو العلامی مشرف بخلافات شده خصمت شدند  
 بهرگاه صاحبزاده حضرت عشق قدس سره شاه احمد حسین عرف چھوٹے  
 حضرت خلیفہ نوشته محرک تشریف آوری آنحضرت شدند به نسبت حصول  
 بیعت آنحضرت تشریف آوردند خود صاحبزاده مشرف به بیعت و تربیت  
 معنوی شدند و نیز خواجه زادگان اکثر مجبور شدند بهر قامت آن شهر  
 آنحضرت پذیرا گردند و اہل و عیال را از آنجا طلب داشته صورت اقامت



پسر ایشان سید شهاب الدین لال ولد سید احمد آلی ولد سید محمد معروف ابن  
 میر سید جنید ولد سید عثمان ثانی ابن سید عبد الوهاب ولد سید عثمان  
 شیر سوار پسر ایشان سید محمد یوسف بزرگ پوش ابن سید عبد القاسم  
 الحصول این بزرگوار از مدینه طیبیه حرکت کرده نسل بعد نسل سفر کردند و یار  
 و امصار هرات و بخارا و لاهور آخر در دہلی رسیده چند محلی اینجا اقامت  
 گزین شدند چرکه جای تخت سلطنت بود و اجاع درویشان و مشایخین  
 حصول ملاقات ازامرا اراکین نموده بطور سوخت در بارشاهی منصب  
 قضا کردند اختیار از اینجا رحلت گزین شده بسبب استقامت صیغه قضا  
 اینجا در موضع جونپور اقامت پذیر گشتند تا چند شیت فرزندان اینجا  
 اقامت گزین شدند بعد خلف ایشان میر سید محمد ابن مفتی  
 عبد الرحیم ولد سید عبد الرحمان پسر ایشان سید عاشق علی ولد  
 سید محمد فرید فرزندان سید ابراهیم از اینجا مراجعت کردند لبسوی  
 دیار شرقی قریب بهار موضع سرالوان برگشته و اول طرح اقامت  
 انداختند مع اهل و عیال خود در اینجا موضع مسکن ساختند از اینجا که در  
 و بارشاهی بود سوخت کمال بندر یعنی امرا اراکین چند موضع و بیات  
 بحصول فرمان شاهی بر مدد معاش یافتند و جای سکونت را بنام جد  
 بزرگوار موسوم فرید پور کردند بالاشد از صد سال که سکونت این بزرگوار

از میر محمد علی که خدا باقی جای دیگر و فرزند کلانی خواجه ابو محمد ثانی خواجه  
 ابوالاحمد فرزند دارند و خواجه حضرت خواجه ابوالحسن فرزند ثانی انحضرت  
 ایشان را دو فرزند و یک دختر صاحبزاده قضا کردند الا فرزند کلانی خواجه  
 علی حسین عرف میر نواب که خدای ایشان از دختر کلانی خواجه سلطان جان  
 گردید یک پسر و یک دختر که هشتاد و سه سال کردند انتقال بسال کمینار و صد و نود  
 و پنج هجری ثانی صاحبزاده خود انحضرت را هم عالی خواجه علی حسن عرف  
 خواجه نواب میر یک دختر و دو فرزند ایشان اند دختر از خواجه وحید جان این خواجه  
 میر بخان که خدا شد و پسر کلانی خواجه حسن نواب تمام ثانی را تسمیه خواجه  
 نواب حسن است هنوز که خدای هر دو برادران نشده و بجای تقریر تعیین یافته  
 شجره نسبت دوم باب اول در ذکر امام عبداللہ اولاد ایشان  
 ابن امام محمد باقر علیہ السلام - بیان نسب ولاد انحضرت و شجره  
 بیاید داشت سیدنا امام عبداللہ را دو فرزند که از پدر و نسبیت پیداست  
 یکی میر سید یحیی سید حبیب اللہ ذریت برود و برادر بسادات باقری  
 منسوبند و اولاد فرزند کلانی چونکه طویل است و آن نسبت خاص است  
 بنده مسکین فانی الا ذکر ذریت فرزند ثانی میکند شجره اول بیان نسبت  
 از جانب الامین نماید بطور تحریر سید حبیب اللہ خلعت ارشید سید برکت اللہ پسر  
 شان سید شهاب الدین نور الانوار ابن سید نجم الدین ولد محمد صوفی صادق

و خوبصورت و خوش مزاج و تحصیل علمی عربی فارسی حصول دویمی قاضی  
 وزیر حیدر را بنهم دی لیاقت و ذی علم از ایشان ملاقات است کلاسه را  
 ندیدم اوصاف ششیدم هر دو برادر از هر دو خواهر میر محمد قاسم ساکن گهرا  
 ابن میر حسام حیدر که خدا شد ندا و لا نشد باید دانست سید مبارک علی  
 ابن سید محمد اسحاق پانچ فرزند رتبه بلند هر یک عالیقدر و ولتمند لیسپر کلانی  
 سید برکت علی یک دختر النیان و سه پسر دختر زوجه میر امانت علی  
 که لیسپر علف بودند یک دختر از آن دختر شده لا ولد افتاد جهان و لیسپر کلانی را  
 نام سید امجد علی که از دختر قاضی سید اولاد علی ساکن سائین که خدا شد ندا  
 سید امجد علی چند دختر آن فرزند یک دختر محمد ظفر یک دختر از مولوی خیر علی  
 منسوب لا ولد و یک دختر از مولوی محمد فرید الدین لیسپرتی سید ادا علی که خدا  
 اولاد نشد حال دیگران معلوم نیست و لیسپرتانی مولوی سید امان علی  
 و لیسپر سوم مولوی سید فضل علی هر دو برادر بعد ده جلیل سرکاری بعد ده  
 دپٹی بودند ممتاز و مرنه از سید امان علی را و لیسپر دو دختر یک حافظ سید  
 احمد رضا و یکی سید محمد یحیی که از دختر قاضی محمد بخش ابن قاضی مولوی  
 عبد العلی که خدا شد ذمی اولاد است و دو خواهر آن یک زوجه مولوی عبدالحی  
 ابن مولوی واعظ الحی و یک دختر زوجه مولوی فخر الدین و شاد می اولین  
 حافظ احمد رضا از دختر عمر و یک دختر شاد از آن عقیقه اولاد و فرزند

است در آن دیار هر یک که از اینجا کردند سفر اختیار بسبب حصول عبادت  
 ذی اقتدار را ریاضت اندازی قابل فضل الهی کمال القصد سید ابی بن سید محمد فرید الدین  
 شان سید محمد اودیشان سید محمد یحیی بن سید نجم الدین بن سید محمد علی ولد سید عبدالکرم بن سید  
 عبدالقدوس بن سید محمد حسن بن سید محمد یوسف ولد مولانا سید محمد  
 اسحاق که در اخلاق بسیط شهمه آفاق از ایشان شد فریت اولاد بسیار  
 حالا منوچهر بایندیش سید محمد اسحاق زاد و فرزند یکی سید کرم علی  
 دومی سید مبارک علی پسر سید کرم علی سید فیض علی دو پسر ایشان یکی  
 سید صخر علی دو پسر ایشان سید سمیع علی و محمد بهرام سید اسمعیل علی  
 زاد و پسر دو دختر یک زوجه خواجه محمد حسن فی اولاد هستند و یکی زوجه  
 میر محمد قاسم ساکن کهر ایشان نیز ذی اولاد است پسر دو دختر و نام پسران  
 یک سید علی احمد دومی سید منور علی فی اولاد هستند همه حالا بایندیشند  
 سید فیض علی را پسر دو سید صابر علی ولد ایشان قاضی سید تبارک حسین  
 که از دختر قاضی نادر علی که خدا شدند پسر ایشان قاضی مولوی محمد نور حسین  
 جامع کمالات درینو لا منصب بهرامی اندیک پسر ایشان مولوی انوار احمد  
 ذی اولاد است ترقی مدارج باد باید دانست قاضی نادر علی که خدا از خواهر  
 میر حسام حیدر ساکن کهر و نیز میر حسام حیدر از خواهر قاضی نادر علی صاحب  
 قاضی صاحب مرحوم زاد و پسر یک قاضی امیر حیدر که بسیار مردم معقول و

از آنجا که این صاحبان به نسب سیادت واحد باقری بودند بهجه کیفیت  
 ایشان تبصره نگاشت و ترتیب نسب سلسله بدینطور بخیر تحریر می آرد  
 هر یک ازین خود را به نسب بدینطور شمارد مولوی نورالحسین ابن قاضی تبارک  
 ابن سید صابر علی ابن سید فیض علی ابن سید کرم علی ابن سید محمد اسحاق  
 ابن سید محمد یوسف ابن سید محمد محسن ابن سید عبدالقدوس ابن سید  
 عبدالکریم ابن سید محمد علی ابن سید نجم الدین ابن سید محمد محیی ابن سید  
 محمد داود ابن سید محمد ابراهیم ابن سید محمد فرید ابن سید عاشق علی ابن سید  
 عبدالرحمن ابن سید عبدالرحیم مفتی ابن سید محمد ابن سید محمد یوسف  
 برقعہ پوش ابن سید عثمان شیرسوار ابن سید عبدالوهاب ابن سید عثمان  
 ابن میر سید جنید ابن میر سید محمد معروف ابن سید احمد آبی ابن سید  
 شهاب الدین لالی ابن محمد صوفی صادق ابن سید نجم الدین ابن سید  
 شهاب الدین نورالانوار ابن سید برکت اللہ ابن سید حبیب اللہ ابن  
 امام عبداللہ کتب الکریم ملقب ابن حضرت امام محمد باقر علیہ السلام  
 ابن حضرت امام زین العابدین علیہ السلام الوارثین و نسبیت دوم  
 باب دوم در ذکر اولاد سید محمد یاشم ابن امام عبداللہ  
 ابن حضرت امام محمد باقر علیہ السلام باید دانست حضرت  
 امام عبداللہ را دو پسر ذکر اولاد پسر ثانی تحریر شد بانوار دوم حالا ذکر

و مولوی سید فضل علی رانیز دلیپ و دو دختر یکیز و جی حافظ سید محمد رضا  
 مذکور به بالا دوم زوجه محمد ظفر الی حق نواس سید امجد علی مرحوم و پسر کلانی  
 مولوی سید فتح الدین که از دختر مولوی سید امان علی که خدا ثانی سید  
 محمد یوسف که از دختر شیخ محمد یوسف ابن مولوی حامد رسول که خدا ذی  
 اند و شادی حافظ سید احمد رضا موضع مفتی گنج از خواهرزادی میسر  
 شاعر حسین گردید الله تعالی ذی اولاد کند و اسما دایمی باشد خورم و شاد  
 باید شنید پسر ثانی سید مبارک علی سید عظیم علی پنج پسر ایشان یکی مولوی  
 منظر علی دومی مولوی نیاز علی سید می صاحب علی چارمی میر محمد علی  
 پنجمی سید احمد علی پسر سید مبارک علی مولوی اشرف علی فرزند  
 رتبه بلند ایشان مولوی انظر علی ذی اولاد اند پسر چارمی سید مبارک علی  
 میر مراد علی ایشان اشش فرزند ذی اقبال رتبه بلند یک از ان  
 مولوی وارث علی لیاقت ظاہر باطنی نرود و دومی مولوی شیر علی  
 دختر ان ایشان از بر یک جای قرابت که خدا و از نکوحه و پسر شد بد پسر  
 سید می میر مراد علی مولوی مر علی چارمی سید بجان علی پنجمی مولوی نظر  
 ششم مولوی قادر علی که از خواهر مولوی فضل حسین مولوی قد حسین فرزند  
 شیخ نادر علی که خدا شدند یک دختر و یک پسر مولوی محمد نصیر بانی پنجمی پسر سید  
 مبارک علی میرا سد علی اولاد کنند از پنجهان بی بنیان بی باغ چنان

که در اکتساب سامیان زوجه های بزرگان و ذکر مصائبت نیزست مکتوب  
 بود فهوالمردیناید بیان باید دانست نام والده ماجده آنحضرت صلی الله  
 علیه وسلم سیدنا محمد بی بی آمنه دختر وهب ابن عبد المناف که معروف  
 است اسم والده ماجد عبد الله بن عبد المطلب وجه اولین آنحضرت صلی الله  
 علیه وسلم که ذی ولد شد نام المؤمنین خدیجه الکبریٰ دختر خلیفه فاطمه  
 بنت اسد نام والده حضرت جیدر کرار علی مرتضیٰ ابن ابیطالب زوجه  
 پاک سیدنا علی اسد الله الغالب بی تبول فاطمه الزهرا بنت حضرت  
 محمد رسول مقبول بکذا نام والده ماجده حضرت سید الشهدا امام حسین  
 علیه السلام حضرت بی بی تبول بنت رسول نام والده حضرت علی امام  
 زین العابدین ابن حضرت امام حسین بی بی شهر بانو کنت  
 ام عبد الله و اسم والده حضرت امام محمد باقر علیه السلام بی بی ام عبد الله  
 و عایشه ثانی و فاطمه ثانی بنت حضرت امام حسن مجتبیٰ علیه السلام  
 و نام والده حضرت امام عبد الله ابن امام محمد باقر علیه السلام بی بی فزوه  
 بنت حضرت قاسم بن محمد ابن صدیق اکبر نام والده میر سید ماشم  
 بی بی زلیخا بنت فقیه سید عقیل علوی نسب بود زوجه میر سید ماشم  
 بی بی زینب بنت سید احمد والده میر سید محسن بودند زوجه میر سید محسن  
 بی بی رضیه بنت سید حسن ابن سید علی که والده سید جعفر بودند زوجه سید

فرزندان حضرت میر سید یاشم پسر کلانی امام عبداللہ مینو لید بالاجمال  
 و بالتفصیل در شجرہ ثانی کہ ہست ذکر طولانی و کیفیت اخوان عجم زاد سید  
 عطا حسین عبد الرزاق ابن حضرت میر سید سلطان احمد ابن حضرت  
 سید شاہ غلام حسین باقری ابن سید شاہ ولی اللہ ابن حضرت سید  
 شاہ محمد حسین ابن میر سید محمد باصر ابن میر سید حسین ابن میر سید اولیا  
 ابن میر سید صدر جہان ابن میر سید قطب الدین ابن میر سید تقی الدین  
 عرف سید پوڑھی کہ از کالی تشریف آور دند بجاجی پور مسکن ساختند  
 ابن میر سید جلال الدین ابن میر سید محمد کالی ابن میر سید جمال الدین کالی  
 ابن میر سید علاء الدین کالپوی ابن میر سید تاج الدین ہلوی ابن میر سید اسماعیل ہلوی  
 ابن میر سید محمد اسحاق لاہوری ابن میر سید داؤد لاہوری ابن میر سید  
 محمد یعقوب لاہوری ابن میر سید یوسف طوسی ابن میر سید عبداللہ  
 طوسی ابن میر سید حسن طوسی ابن میر سید ابو القاسم طوسی ابن میر سید  
 ابراہیم مدقرشی ابن میر سید اسماعیل مدنی ابن میر سید حسین مدنی ابن میر سید  
 علی رسانہ مدنی ابن میر سید جعفر مدنی ابن میر سید محمد حسن مدنی ابن میر  
 سید یاشم بن امام عبداللہ کتب الکرم ابن حضرت امام محمد باقر  
 علیہ السلام رضی اللہ عنہ نقل الکتاب احتساب الانساب حضرت  
 میر سید ارشد کالی ابن میر سید جمال الدین کالی



زوجه ایشان بی بی کلثوم از مقام لاهور آمده بشهر دہلی اقامت کردند  
 اختیار فرزند رتبه بلندشان میر سید تاج الدین کتخانی ایشان  
 از بی بی عالیثم دختر سید عبد اللطیف بن سید عبد اللہ ابن سید الرحیم  
 ابن سید عبد الشکور گردید نسب علوی از انجا در دارالخیر احمر حاکم شد  
 در خدمت حضرت خواجہ بزرگ خواجہ معین الدین چشتی قدس البدعالی شرف  
 شرف بیعت حصول کردند و تربیت و تعلیم باطنیہ مشرف شدہ فیض یافتہ  
 شرف خلافت یافتند و مساجد ازت پیر دستگیر در دہلی طرح بود باش  
 ساختند و در صحبت جناب حضرت خواجہ قطب الدین بختیار کاکی  
 قدس سرہ در انجا ماندند باید شنید میر سید تاج الدین را یک فرزند  
 میر سید علاء الدین و یک دختر مسماۃ بی بی رحما از مولانا عبید اللہ  
 ابن سید عبد اللہ کتخانی شد ند از لطن بی بی مذکورہ دو پسر یک سید علی  
 دومی سید عبد العظیم و یک دختر بی بی زینب سید علاء الدین را حصول  
 شرف بیعت بطریق عالیہ چشتیہ و تربیت و ارشاد و خلافت از حضرت  
 شیخ الاسلام و المسلمین حضرت بابا فرید الدین گنج شکر بودہ بمقام  
 مالسی حاضر شدہ از انجا معاودت کردہ در شہر کالپی بمنصب  
 ولایت انجا اقامت پر دختند عجلہ محمود پورہ در عمد سلطنت آن دیار  
 محمود شاہ بادشاہ کہ خدای ایشان از مسماۃ عصمت النساء دختر

محمد جعفر بی بی آمنه دختر سید محمد عتیق صدیقی که والده میر سید علی  
 بودند زوجه ایشان بی بی صفیه بنت سید علی ابن سید محمد که والده میر  
 سید حسین بودند زوجه ایشان بی بی بنیه دختر سید عبد الرزاق ابن سید  
 عبد الکرم که والده سید ابراهیم بودند زوجه ایشان بی بی ناظمه بنت سید  
 جعفر ابن سید محمد اکبر که والده سید اسمعیل بودند زوجه ایشان بی بی  
 صفیه والده میر سید ابوالقاسم بی بی صفیه دختر فقیه عبد الله قریشی  
 نسب والده میر سید حسن زوجه میر حسن بی بی رقیه دختر سید طاهر ابن میر  
 سید حسین ابن بزرگوار از مدینه طیب آمده بهر سکونت کردند اختیار در آنجا  
 از طبق این بی بی اولاد شدند که میر سید الله کتخانی ایشان و شهر  
 گردید از بی بی خدیجه دختر سید محمد صدیق ابن سید علی ابن سید عمر ابن  
 احمد فرزند رتبه بلند ایشان میر سید محمد یوسف زوجه ایشان بی بی  
 رحمت بنت سید کمال الدین از طبق ابن عقیقه میر سید یعقوب بوجود  
 آمدند از شهر طوس شهر لاهور آمده آقامت کردند اختیار کتخانی  
 ایشان از بی بی شفقہ دختر سید احمد ضوی در آنجا شدند زنده رتبه بلند  
 ایشان میر سید داود زوجه ایشان بی بی سلیمه دختر سید محمد آفاق  
 فرزند ایشان میر سید محمد اسحاق زوجه ایشان بی بی مبارکه دختر میر  
 سید علی ابن عبد الواحد فرزند ایشان میر سید محمد اسمعیل قادر

بسوی دکن بمقام گلبرگ شریف سیومی میرسید محمد مؤلف کتاب  
 بحر المعانی از فرزندان سید عبدالقادر جیلانی چارمی میرسید محمد  
 بهمانی به رفعت شتباہ انقدر تصریح تخریر نمود تا باز نام از ره مقصود  
 باید نیست و نیز میرسید محمد کالپی مرید و خلیفہ سید جمال ولیاد شیر  
 مستر شد و خلیفہ حضرت سیدنا سید شاہ ابوالعلا قدس سرہ  
 کہ در عمد عالمگیر بادشاہ بودند ساکن شہر کالپی محلہ راچورہ حالاً  
 فرزندان شان بعبور و رای جمین میانندان را نام علی پور چورہ  
 ساختہ اند یعنی فرزندان سید شاہ ابوسعید عرف خیرات علی سید شاہ  
 نور احمد و سید شاہ طور احمد و سید شاہ سلطان احمد از مشایخ کمالین  
 وقت مراجعت سفر حج ملاقات ہست بخوبی ازین خاکسار الغرض آن  
 سید محمد کالپی از اجداد این فقیر ہستند مسکن حضرات اجداد بنر گوار  
 بجلہ محمود پورہ ہست مسجد و خانقاہ حالاً غیر آباد عمارت است در انجا کہ  
 از فرزندان نمائد در زایم خدام انجا بودند ورامضای مدت بالا از سالی  
 اینہم نیست معلوم کہ وجود انہا باقیست نامعدوم انور باد کہ خدای میرسید  
 محمد کالپی از دختر عم میرسید کمال الدین گردید از مساتہ بی بی عزت  
 و کہ خدای میرسید احمد از بی بی حرمت و کہ خدای میرسید ارشد  
 کالپی از بی بی عصمت ہرستہ خواہران اعیانی دختران میرسید کمال الدین

میر سید احمد ابن میر سید محمد دهلوی شده بود و دو فرزند رتبه بلند  
 از لطن ابن بی بی متولد شدند یکی سید جمال الدین و دیگری سید  
 کمال الدین میر سید جمال الدین در دہلی رفته مرید حضرت سلطان  
 المشائخین سید نظام الدین اولیا شدند تربیت باطنیہ یافتہ  
 مشرف بخلافت شدہ مراجعت بسوی شہر کالپی کردند واضح باد  
 شادی میر سید جمال الدین از بی بی زینب دختر عمہ گردید و کتبی دانی  
 سید کمال الدین کہ مرید و مرشد پدر بزرگوار خود بودند از دختر سید عالم علی  
 گردید نام آن بی بی معلوم نشد الا شہ دختر از دختر سید عالم علی شدند  
 ہر یک ہر یک برادران عمزد کہ خدا شدند باید دانست میر سید جمال الدین  
 راستہ فرزند رتبه بلندی میر سید محمد کالپی و دیگری میر سید احمد  
 سیو می میر سید ارشد کالپی این ہر دو برادر مرید و خلیفہ برادر  
 کلانی خود و بیعت و تربیت باطنیہ و خلافت میر سید محمد کالپی را از حضرت  
 مخدوم سید نصیر الدین چراغ دہلی قدس سرہ حصول و ایشانرا بعد  
 اخذ بیعت و تربیت وقت خلافت ملقب بسید محمد گیسو دراز  
 ساختند بایشینہ حضرت مخدوم نصیر الدین چراغ دهلوی چہار خلیفہ  
 بودند بنام سید محمد کی جد اعلیٰ این خاکسار کہ نہ کور شد و دیگری میر سید  
 محمد گیسو از مخاطب بندہ نواز زیدی نسب انالارض الانوار شان

بودند باقی از کتاب نسبتاً تمهید تفصیل خواهد نوشت و سبب تشریف آوری  
حضرت میر سید تقی الدین مع اهل و عیال این بود که داود شاه بادشاه دیار  
شستر بمقام حاجی پور این محدوده شاه بادشاه کاپی بمقام کاپی از مقام  
حاجی پور بحضور صاحبزادگان انجا بدین معنی عریضه پرداخت از حاضری  
بسبب حب جاہ معذور معاف نمایند قصور اگر کسی از صاحبزاده گان  
در اینجا مع اهل و عیال رند تشریف خاکسار نو از می که مشرف از بیعت شوم  
و از معاش و دجه کفالت مقرر سازم بدین سبب تشریف آوردند حضرت میر

نقی الدین عرف سید بودهی معسر زندان

نسبت سیوم باج و م در ذکر اولاد حضرت امام جعفر صادق  
علیه السلام و ذکر اولاد انجناب که باولیا الله است نسبت جعفری  
بر شجره و ثمره نسب واضح باد موزین سابقین خصوصاً مذکور ما میه در  
ذکر اولاد انحضرت نوشته آمد بسیار الا از تحقیق کتاب بحر الانساب یافت  
که این کتاب بالفعل هست نایاب نوشت و از احتساب الانساب نقل این کتاب  
مینویسد که انحضرت صادق علیه السلام بودند بدشت فرزندش سپرد و دو  
دختر سپرد اول کلانی حضرت امام موسی کاظم علیه السلام امام زمانه رضی الله  
و ثانی حضرت اسمعیل سیوم حضرت اسحاق چاری حضرت محمد  
پنجم حضرت عباس ششم حضرت علی و اسمای صاحبزادان بجایی

ابن میر سید علاء الدین بدانید هر سه برادرش نذری اولاد حسب المرأ  
 دو لیسر میر سید احمد را یک میر سید حسن و دومی میر سید حسین هر دو ذی ولد  
 شدند و میر سید ارشد را یک لیسر میر سید محمود و یک دختر بے بی حمیدہ  
 نام اولاد ایشان در انجو ارا نند و سید محمد کالپی را نیز دو لیسر شدند  
 یک سید جلال الدین و دومی سید نھال الدین که خدای ایشان از  
 دختران عم گردید یا خال دریافت نشد مفصل حال لا بسید نھال الدین دو  
 لیسر شدند یک سید معین الدین و دومی سید رشید الدین و یک دختر نام  
 بی بی خدیجہ مدعو بچول بے بے و سید جلال الدین را نیز دو لیسر و یک دختر  
 از لطن بے بی اسماء دختر میر سید ارشد کالپی فرزند کلا فی میر سید  
 تقی الدین عرف سید بوڈھی جد علی ابن خاکسار و ثانی میر سید  
 عبدالحی یک لیسر ایشان میر سید عبد المجید یک خواہر ایشان بے بے  
 نعمت النساء دختر سید عبدالحی و زوجہ میر سید قطب الدین ابن میر  
 سید تقی الدین و سید تقی الدین عرف سید بوڈھی راستہ فرزند از لطن  
 بی بی خدیجہ عرف بی بی پھول یکی سید قطب الدین مذکور الصد  
 دومی سید حامد عرف سید چاند سیومی سید علی ذکر اینها بمجل خود  
 نوشته خواهد شد انقدر از تالیف کتاب میر سید ارشد کالپی تحریر نمود  
 و باقی از بیاض جناب حضرت سید شاہ محمد سین کہ جد امجد این فقیر حقیر

هر دو خواهر اعیانی دختران حضرت میر سید علی ابن میر سید احمد ابن  
میر سید عبد الرحیم ابن میر سید کمال الدین ابن میر سید جمال الدین  
ابن میر سید نور الدین عمر ابن میر سید مجد الدین اطهر ابن حضرت سید

عباس ابن حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

شجره سیوم نسب نامه مادری حضرت شهاب الدین سیرورد  
باید دانست جد مادری حضرت شیخ اشینوخ شهاب الدین سهروردی قدس سره  
سید نجم الدین عبد الاحد ابن سید رشید الدین ابن سید فضل الله  
ابن سید عبید الله ابن سید عبد الله ابن سید اسد الله ابن سید  
محمد طاهر ابن سید احمد مطهر ابن سید حیدر ابن سید محمد رفیع القدر  
عرف سید رفیع الدین ابن سید مطهر ابن سید مظفر ابن میر سید  
اسحاق ابن حضرت امام سید جعفر صادق رضی الله عنه علیه السلام  
شجره چهارم در بیان نسب نامه حضرت علی احمد صابری قدس سره  
مخدوم سید علاء الدین علی احمد صابر ابن سید علی کلان ابن سید احمد  
حقانی ابن سید سمیع الدین ابن سید محمد رفیع الدین ابن سید محمود مقبول ربانی  
ابن سید مرمغانی ابن سید محمد کلانی ابن سید حسین بیابانی ابن سید احمد ابن سید حسن ابن  
سید عمر ابن سید اغر الدین ابن سید علی ثانی ابن سید محمد ابن حضرت امام جعفر صادق علیه السلام  
نسب مادری انجمن شیخ فارغی خواهر زاد حضرت بابا فخر الدین گنج اندام الله حضرت سید احمد صابری

امم فرقه بی بی ام فاطمه نوشته اند پس بدانید از هر یک که فرزند جاست  
 اولاد بسیار درین فرقه اهل سنن بسیار و نیز فرقه امامیه نیز جعفری نسب دارند  
 ذکر امام زمانه در نسب چهارم خواهد نوشت تفصیل الا اول نسب نسب درسی اولیا کیا که  
 از فرزندان حضرت شد می نویسد خصوصاً نسب نامه درسی حضرت غوث الثقلین محبوب بجانی رضی الله عنه

### شجره اول در ذکر نسب مادری حضرت غوث الثقلین

واضح باد جد مادری حضرت محبوب پاک رضی الله عنه سید ابو عبد الله صوفی  
 جیلانی ابن سید ابو اجمال ابن سید ابو محمد جیلانی ابن سید احمد طاهر  
 ابن سید عبد الله ابن میر سید کمال الدین ابن میر سید علی ابن میر سید علاء الدین

### ابن حضرت امام جعفر صادق رضی الله عنه

شجره دوم در ذکر نسب مادری حضرت خواجه معین الدین  
 خواجه ابو محمد ضیاء الدین جد مادری حضرت خواجه بزرگ ابن حضرت  
 سید عماد الملک ابن سید عبد الله ابن میر سید علی ابن سید ابو القاسم  
 ابن سید ابراهیم ابن سید حسین ابن سید یحیی ابن سید محمد ذکریا  
 ابن سید اسمعیل ابن حضرت امام جعفر صادق رضی الله عنه  
 باید شنید والده حضرت غوث الثقلین والده حضرت خواجه بزرگ  
 هر دو خواهر خالاتی پس بدان نام جدّه مادری حضرت غوث الثقلین  
 بی بی عازمه نام جدّه مادری حضرت خواجه بزرگ بی بی معصومه



محمد تاج فقیہ والدہ حضرت مخدوم الملک شاہ شرف الدین  
قدس سرہ واسم والدہ حضرت مخدوم شہاب الدین میر حکومت بے

راحت النساء دختر سید لطف اللہ

شجرہ ششم در بیان نسب نامہ حضرت فرید الدین عطار نیشاپوری  
حضرت سید فرید الدین عطار ابن سید اسمعیل ابن خواجہ محمد یارقی ابن سید نجم الدین  
وصل حق ابن سید نصیر الدین ابن سید نور اللہ ابن سید ابوبکر غلیجی ابن سید  
عبید اللہ ابن سید عبد اللہ ابن سید اسمعیل ابن حضرت جعفر صادق علیہ السلام  
سید محمد غوث گویا رمی ابن سید خلیل الدین ابن خواجہ عبد اللطیف  
ابن خواجہ معین ابن خواجہ خطب الدین آتش نیشاپوری ابن خواجہ بایزید

بار باری ابن حضرت خواجہ فرید الدین عطار قدس سرہ

نمرہ اول در نسب ماوری حضرت بابا فرید الدین گنج  
والدہ ماجدہ حضرت بابا فرید گنج شکر بے بی جمیلہ بنت سید وجہ الدین محمد  
ابن سید عمامہ الدین ابن سید کمال الدین ابن سید جمال الدین ابن سید احمد  
بدر الدین ابن سید حسن ابن سید علی ابن سید حامد ابن سید محمود ابن سید  
ابن سید عارف ابن سید اسمعیل ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام  
شجرہ ہفتم در بیان نسب نامہ حضرت مخدوم بدر الدین عالم  
حضرت مخدوم بدر الدین بدر عالم ابن سید ظہیر الدین صدر عالم ابن سید مظہر الدین

حلیہ بنت بی بی جمیلہ والدہ حضرت بابا فرید بر وایت تمانے نام والدہ

انجنا سبلی عصمت بنت مخدوم جمال الدین

شجرہ نیچ در بیان نسب نامہ حضرت مخدوم شہاب الدین

حضرت مخدوم سید شہاب الدین ابن سلطان سید شاہ محمد تاج الدین کاشغری  
 ابن سلطان سید ناصر الدین ابن سلطان سید یوسف ابن سلطان سید حمزہ  
 ابن سلطان سید حسین ابن سلطان سید قاسم ابن سلطان سید موسیٰ  
 ابن سلطان سید حمزہ ابن سلطان سید داؤد ابن سلطان سید کن الدین  
 ابن حضرت سید قطب الدین ابن حضرت سید محمد اسحاق ابن حضرت امام  
 جعفر صادق رضی اللہ عنہ نام زوجہ بی بی نور دختر سید وجہ الدین  
 چار دختران حضرت بودند بی بی رضیہ عرف بڑی بوا لے بی بی عتیقہ بی بی  
 حبیبہ بی بی جمال بی بی بدیہ زوجہ حضرت سلیمان لنگرزمین والدہ بی بی کمال اللہ  
 اکثر نام آن بی بی نیز بی بی کمال گویند جای حیرت کہ نام مادر و دختر و  
 اچہ کہ سند یافتہ تحریر خود م بی جمال زوجہ مخدوم شاہ حمید الدین ابن  
 مخدوم سید آدم صوفی ابن بی بی والدہ مخدوم شاہ تیم اللہ سفید بار بودند  
 بی بی حبیبہ زوجہ مخدوم سید موسیٰ بہانی ابن مخدوم سید شاہ مبارک ابن  
 بی بی والدہ حضرت مخدوم سید احمد چرم پوش اندو بی بی رضیہ زوجہ حضرت  
 مخدوم شاہ احمد کھی منیری ابن مخدوم شاہ اسماعیل نسیرہ حضرت نام

ابن سید یحییٰ ابن سید یوسف ابن سید ارشد با خدا ابن سید احمد بہا  
ابن سید محمد اسحاق ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

شجرہ ہم در بیان نسب میر سید علی ہمدانی

امیر کبیر سید علی ہمدانی ابن سید محمود ہمدانی ابن سید احمد ہمدانی ابن سید  
امام الدین ہمدانی ابن سید نور الدین ہمدانی ابن سید نصیر الدین ہمدانی  
ابن سید ظہیر الدین ہمدانی ابن سید طاهر ہمدانی ابن سید جلال الدین ہمدانی  
ابن سید جمال الدین ہمدانی ابن سید ابی یوسف عرف قاضی القضاۃ ہمدانی  
ابن سید یعقوب ہمدانی ابن سید یحییٰ ہمدانی ابن سید قیام الدین ہمدانی ابن  
سید قاسم ہمدانی ابن سید بُرہان الدین ہمدانی ابن سید امام محمد دریاچ

ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

شجرہ سیوم نسب امام سید لایت علی میر سید از حضرت سید علی  
سید شاہ ولایت علی ابن سید کریم بخش ابن سید میر علی ابن سید شاہ  
حسن علی ابن سید محمد فضل بن سید رفیع الدین ابن سید شاہ ولی ابن  
سید اعظم ابن سید نصیر الدین ابن سید راجع محمد ابن سید عبد اللہ ابن  
سید اشرف ابن حضرت سید اسحاق ابن سید صدر الدین ابن سید بدیع الدین  
ابن سید شمس الدین سیاح پوشل بن سید علاء الدین ہمدانی ابن سید محمد

ہمدانی ابن سید علی ہمدانی

ابن سید یونس ابن سید ادریس ابن سید عمر زید ابن سید حیدر اطر ابن  
 سید محمد مظفر ابن سید شهاب الدین ابن سید نور الدین ابن سید ذکی الدین  
 ابن سید خواجہ بقاء اللہ ابن سید خواجہ عطاء اللہ ابن سید عبد الحجیا ر ابن  
 سید ثناء اللہ ابن سید محمد شرف ابن سید عبد اللطیف ابن سید حسن اطر  
 ابن سید محمد اسحاق ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام  
 شجرہ ہشتم در بیان نسب نامہ سلطان سید شرف جہا نگیر  
 حضرت سید سلطان اشرف جہا نگیر ابن سید شاہ ابراہیم ابن سید شاہ  
 عماد الدین نور بخش ابن سید ظہیر الدین ابن سید تاج الدین بھلول ابن سید  
 ابن سید محمد مہندی ابن سید کمال الدین ابن مبارک الدین ابن سید جمال الدین  
 ابن سید عبد اللہ ابن سید حسین ابن سید احمد ابن سید حمزہ ابن سید علی اکبر  
 ابن سید موسیٰ ابن سید اسمعیل ابن سید ابو الحسن محمد ابن سید اسمعیل

ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

شجرہ دوم نسب نامہ سید امین الدین بیجا پوری یکی از خلفا سید محمد کیو  
 سید امین الدین بیجا پوری ابن سید بدر الدین ابن سید شفیع الدین  
 بیجا پوری ابن سید عبید اللہ ابن سید عید اللہ ابن سید عید الفتاح  
 ابن سید رفیع الدین محدث ابن سید ذکر یابا باقی ابن سید احمد کاشانی  
 ابن سید حسن ابن سید حسین ابن سید محسن ابن سید سلیمان ابن سید داؤد

عطار الله ابن حضرت سيد شاه وجهه الله ابن سيد شاه نظام الدين ابن  
 سيد شاه هدايت الله ابن سيد شاه محمد حسين ابن سيد شاه رحيم داد ابن سيد  
 شاه كريم داد ابن حضرت سيد محمد فرید ابن سيد محمد اسماعيل ابن نبیره حضرت  
 سيد محمد اسحاق ابن حضرت امام جعفر صادق رضی الله عنه که دو نام بجا  
 نمازند واضح باد و او غه سيد لطف حسين پانچ پسر کي سيد اکبر حسين و پسر  
 الايشان سيد محمد باقر و عباس علی پسر دوم حکيم سيد عابد حسين الايشان را  
 دو پسر کي سيد جعفر حسين ثانی ابو الحسن سيومی سيد اوسط حسين  
 پدر سيد سلطان چارمی عسکری حسين پدر محمد تقی پنجمي سيد ذکي حسين فرزند  
 اند و مير مبتلا حسين بنی عم الايشان پسر الايشان سيد عطا حسين سيد نظر حسين  
 وغيره انقدر دانست بنگاشت نسبت چهارم باب و دم در ذکر اولاد  
 حضرت امام موسی کاظم عليه السلام و نسبت نسب لي الله زنا  
 خصوصاً حضرت خواجه معين الدين چشتي قدس شجره و شجره  
 واضح باد و بخين مذہب مایه فرزندان امام حضرت موسی کاظم رضی الله عنه  
 شصت فرزند کرده اند تحریر یعنی سی بهفت پسر بیست سه دختر از سیزده  
 فرزند اولاد جاری در باقی عقاب نمائند بترقيم بن نقل از عقیدت ناگزير  
 الا انچک در کتاب است بحر الانساب و حساب الانساب مینویسد انفقير  
 حقیر عقدت پذیرا سامی فرزندان انحضرت انيست حضرت علی موسی رضا

## شجره چهارم نسب مادری قاضی محمد اجمل دام لطف

قاضی سید محمد اجل خال لا عظم ایشان شاه محمد واعظ عرف سید شاه ابدان ش  
 ابن سید شاه پیر علی ابن سید شاه میر علی ابن سید شاه حسن علی ابن سید  
 محمد فضل ابن سید رفیع الدین ابن سید شاه ولی ابن سید شاه عظیم ابن  
 سید نصیر الدین ابن سید رافع محمد ابن سید عبد الله ابن سید اشرف ابن حضرت  
 سید احمق ابن سید صدر الدین ابن سید بدر الدین ابن سید شمس الدین سیاه پوش  
 ابن سید علاء الدین بهدانی ابن سید محمد بهدانی ابن امیر کبیر سید علی  
 بهدانی جامع کتاب اوراد فحیمه جعفری نسب مذکوره بالا جعفری نسب  
 اکثر مشایخین انجوار اند چونکه نسب نامہ علی الترتیب سلسلہ نیافت نگاشت  
 خصوصاً اہل شیعہ خود را اکثر بدین نسب نامہ کی ازان در قرابت و مصاہرت  
 ابن خاکسار میر رمضان علی و نیز سید رضا علی ابن میر لویوسف علی درین نسب اند  
 و نیز از فرزندان آنحضرت امام صادق علیہ السلام نیز ذکی حسین ابن داود غہ  
 سید لطیف حسین اند و مریدی سید ابو الحسن ابن میر بہادر علی این ہر دو  
 بہم بستند حکیم سید عابد حسین ابن داود غہ سید لطیف حسین ابن میر نصر اللہ  
 ابن میر وارث علی ابن میر حسین ابن سید لطف اللہ ابن سید احمد عرف چولہای  
 ابن سید شاه غلام عطا ابن حضرت سید کمال الدین ابن حضرت سید جمال الدین  
 ابن سید ساء غلام شرف ابن حضرت سید شاه دعاء اللہ ابن حضرت سید شاه

قبل از ایام جوانی ثانی خواجه حسام الدین که حضرت خواجه لایت ایشان بمقام  
 سانبهر داده بودند حضور مانند تاجیات خطاب یافتند حسام الدین پیوسته  
 با خر عمر با ابدالان پیوستند سیوم فرزند حضرت خواجه حسام الدین  
 ذی اولاد شدند خواجه فخر الدین را دو فرزند یکی خواجه کن الدین کلانی  
 خلف ایشان خواجه زین الدین آینده کیفیت اولاد ایشان معلوم نشد  
 الا فرزند ثانی خواجه حسام الدین ابن خواجه فخر الدین که نام فرزند خود  
 بنام برادر خود نهادند خواجه حسام الدین را نیز دو فرزند یکی خواجه معین الدین  
 خور و کلانی که بعد ابا و اجداد در اجمیر شریف زیب سجاده گشتند و نام فرزند  
 ایشان خواجه زین الدین ثانی بود ثانی خواجه قیام الدین ملقب بر مال خلف  
 ایشان خواجه نجم الدین پس ایشان خواجه احمد کمال ولد ایشان خواجه  
 شهاب الدین فرزند ایشان خواجه یانیرید ثانی مقبول سبانی حضرت ایشان  
 عمر خود در سیاحت تمام گذرانیدند و در امصار و دیار بعد مدت مدید تشریف  
 آوردند در اجمیر شریف در آنوقت خادم نشناختند و انکار از فرزند  
 خواجه یانیرید کردند آخر به شهادت خواجه حسام الدین ناگوری که اولاد  
 سلطان التارکین بودند بادشاه وقت اعتماد بنود خدمت دیوانی تفویض  
 نمود خواجه حسام الدین عرف خواجه حسین ناگوری زیب سجاده آنحضرت  
 ایشان را کردند و دختر خود در عقد و نکاح ایشان دادند اولاد جاری شد

امام زمانه کلانی و حضرت ادریس ثانی و سیدنا ابراهیم و سیدنا موسی ثانی  
 و سیدنا عابد الله و سیدنا عبید الله و سیدنا یونس و سیدنا علی ثانی و سیدنا  
 اسمعیل و سیدنا یحیی خیر انچه در نسب ناما و لیاء الدیاء فتنه من است نسبت نگار و انوار  
 شجره اول نسب چهارم در نسب حضرت خواجه بزرگ معین الدین چشتی قدس سره  
 حضرت خواجه معین الدین چشتی سنجرى اجمیرى ابن حضرت خواجه غیاث الدین  
 سنجرى ابن خواجه نجم الدین طاهر ابن خواجه عبد الغفریز مطهر ابن خواجه سید موسی  
 مصفا ابن سید ادریس در حضرت امام موسی کاظم علیه السلام ابن حضرت امام جعفر صادق  
 علیه السلام

### نمره اول بر ذکر اولاد حضرت خواجه قدس سره

آورده اند بعد تکمیل فقر کمال حضرت خواجه بزرگ بکبر سنیه متا بل شدند اولاد  
 حسب بشارت و اشارت آنحضرت نبینا محمد صلی الله علیه و سلم نو دسالگی عقد و  
 نکاح کردند از دختر خجسته اختر سید وجهه الدین مشهوره و بی زوجه ثانی  
 بی بی آمنه الله دختر راجه آندیا و نام دختر سید وجهه الدین بی بی عصمت النساء  
 سیده لیسریک دختر دران عمر شریف حضرت خواجه در نیالیه بوجود آمدند و میگوند  
 بی بی حافظ جمال دختر آنحضرت از لطیف بی بی آمنه الله متولد شدند و با شیخ  
 رضی الدین ابن سلطان التارکین شیخ حمید الدین ناگوسى سواد الی که  
 اجل خلفاء حضرت خواجه بودند کتبی داشتند و فرمودند حضرت خواجه بزرگ  
 اولاد حمید الدین عین اولاد معین است و فرزند کلانی خواجه ابو سعید حلیت کردند



خواجه علاء الدین ابن خواجه علیم الدین مذکور الصدق قصد سفر کردند از اجیرت  
 فرزند یانیر الشیان شمس العارفین خواجه محمد داود حشمتی از دیار مغرب قاصد  
 دیدار مصار شرفی شدند از شهر علی سیر کرده بدین لواح رسیدند بجای اقامت  
 در محال کلبه سپیدیدند و حسب مجوزی و الحاح راجعاً بدارنجائی ساختند  
 بموضع کندوی پرگنه اکیل ضلع بهار در آنجا خبر گیر فقره وارد و صادر  
 کردند عاقل وقت بهر کفایت معین کردند و اتفاقاً شد پیداعرض اعراض پیران  
 که هست شیوه ایشان خصوصاً حاصل درویشان شامل شدند و اولاد شد  
 پیدا الا خود را شیخ گویانیدند و الله اعلم در اخفای سیادت چه بود مقصود  
 حالا اولاد اند فرزندان ایشان خواجه داود خواجه محمد یوسف بودند بطریقه  
 آباءی قائم ماندند پس الشیان خواجه عبید الرقیب پس الشیان خواجه محمد جمیل  
 خود را شیخ گویانیدند و ولد ایشان شیخ محمد خلیل اولاد ایشان جابجا در دیار  
 اقامت نمود و بسبب جهل و ناشصورت کفایت دانی چنانچه قاضی جعفر علی  
 ساکن موضع کندوی از فرزندان شیخ محمد جمیل اند و شیخ محمد لطیف ابن شیخ  
 محمد جمیل در موضع جان پور قریب جهان آباد جایز یافته متقیم شدند فرزندان  
 شیخ محمد لطیف شیخ محمد سبحان در جاجیری صورت معاش پیدا کردند شیخ  
 اقبال حسین غیره حاصل پس شاه محمد سبحان بودند شیخ محمد شرف پس الشیان  
 شیخ محب الله پس الشیان شاه محمد امان الله عرف شیخ امان پس الشیان شیخ

باید شنید شمره دوم فرزند خواجه بایزید ثانی خواجه شهاب الدین  
 بود فرزند ایشان خواجه محمد طاهر پسر ایشان خواجه غیاث الدین پسر ایشان  
 خواجه معین الدین ثالث پسر ایشان خواجه ابو النجیم طهر این بزرگ شد تکثیر الاولاد  
 هشت پسر ایشان متولد شدند یکی خواجه علیم الدین کلانی دوم خواجه معین الدین  
 ثانی سیوم خواجه شهاب الدین چهارم خواجه محمد طاهر پنجم خواجه محمد شاه ششم  
 خواجه شاه ولی محمد هفتم خواجه شاه محمود هشتم خواجه شاه محمد مسعود از آنجمله  
 چهار فرزند شد ندوی اولاد باقی چهار را عقاب نماند می نگارند اولاد چهار  
 برادر دراجیمیر شریف ماند یعنی خواجه معین الدین و خواجه شهاب الدین و خواجه  
 شاه محمد و خواجه شاه ولی محمد که نوبت بانوبت هر یک زریب سجاده حضرت  
 خواجه گشتند بعضی از اولاد مسافرت کردند خستیمار سیل مصاد و دیار هرگاه  
 به زیارت مزار رسید باجمیر شریف این خاکسار در سال یک هزار و صد  
 و شصت هجری چنین دریافت شد که در زمان چهل و هشت هجری منصب  
 دیوانگی زریب سجاده بودند شاه مهدی علی صاحب مالایجی شان  
 برادرزاده شان شاه سراج الدین اند زیارت خدمت اخنایب  
 آنچکه بود مقصود گشت کشود و نیز برادران شان شاه منیر الدین <sup>علیه السلام</sup> و دیگران  
 بودند اکنون دریافت شد که فرزند شاه سراج الدین زریب سجاده بخطاب  
 دیوانگی نند ما مور مبارک باد شمره سیوم روایت می نمایند هرگاه

چهار اندام صار و دیار بسلسله نسب برین نیافت کسی که منی نگاشت الا خوا  
 عرف خواجه میر جان داماد حکیم غلام نبی خان از اولاد از کیکی فرزندان خواجه  
 امیر کلال اند چهار فرزند شان اند یکی خواجه احمد حسین و یکی خواجه محمد حسین  
 عرف خواجه محمد امان خلف ایشان خواجه عبدالسلام سید موسی خواجه محمد حسین  
 عرف خواجه محمد زمان چارمی خواجه عبداللہ ہر کیکی اند محبت پناہ مکہ  
 شجرہ سیدوم نسب چارم در ذکر نسب حضرت مخدوم سید  
 احمد ملقب چرمپوش معہ ذکر اولاد مخدوم سید احمد مخاطب چرمپوش  
 ابن سید موسی ہمدانی ابن مخدوم سید مبارک ہمدانی ابن میر سید خضر ابن  
 سید ابراہیم ہمدانی ابن سید سلیمان ہمدانی ابن سید عبدالکریم ابن سید  
 عبدالحکیم ابن سید عبدالشکور ابن میر سید نعمت اللہ ابن میر سید عبدالحمید  
 ابن سید عبدالرحیم ابن میر سید اسحاق ابن میر سید احمد ابن میر سید محمود  
 ابن میر سید اسمعیل ابن سید عبدالرحمان ابن میر سید قاسم ابن میر سید نور  
 ابن میر سید یوسف ابن میر سید کن الدین ابن میر سید علاء الدین ابن میر سید  
 یحییٰ ابن میر سید ذکریا ابن میر سید حسن ابن سید قیصر ابن سید عمر ابن میر سید

عبداللہ ابن حضرت امام موسی کاظم علیہ السلام

شجرہ در ذکر نسب مادری و اولاد حضرت مخدوم سید احمد

مخاطب چرمپوش قدس سرہ

محمد زیان والد ایشان شیخ محمد باسط لیسر الشیخان شاه عید الرحمان عرف شیخ  
 رحمان بخش خلف ایشان شاه محمد و اهب حسین که از دختر نخستین دختر مولانا  
 غلام قادر رحمۃ اللہ علیہ که خدا شدند مولانا مفتی عدالت بودند علاقه ضلع بها  
 ابن شیخ غلام حیدر شاه و اهب حسین از دختر مولانا ششمین فرزند مولوی  
 منیر الدین احمد لیسر کلانی با وجود همه لیاقت حصول در عالم جوانی کردند  
 انتقال مولوی امیر الدین احمد لیسرانی بعد از سرکاری بنوراند موجود  
 سیوم نصر الدین احمد رفت از نیعالم بعالم جوانی الامولوی امیر الدین احمد  
 کتوا شده اند اللہ تعالی ذی اولاد کند شجره دوم نسب چهارم  
 باب دوم در ذکر نسب نامه حضرت خواجه نور الدین امیر کلال  
 باید دانست خواجه نور الدین امیر کلال پیر شد حضرت خواجه بهاؤ الدین نقشبند  
 قدس سره اند خواجه نور الدین امیر کلال بن خواجه امیر حمزه ابن امیر سید ابراهیم  
 ابن امیر سید محمد قصوری ابن امیر سید حسن مقبول ابن امیر سید عبد اللہ  
 شہید ابن امیر سید جعفر ابن امیر سید حسین ابن امیر سید علی ابن امیر سید حسن  
 ابن امیر سید احمد لقب حسین ابن امیر سید محمد علی ابن سید شریف موسی ابن  
 سید ابراهیم قاضی ثانی ابن حضرت امام موسی کاظم علیہ السلام باید دانست  
 فرزند حضرت امیر نور الدین کلال چهار بودند یکی سید حمزه و دیگری امیر  
 برهان الدین سیومی امیر محمد شاه چارمی امیر عمر اولاد هر فرزند نامدار

محمد حفیظ که خدا شدند دختر ایشان سماء اطیبه عرف بے بے اطورو والدہ  
 شاه امیر علی ابن شاه کریم بخش ابن شاه محمود اصل ابن شاه غلام بدر ابن شاه  
 وجه الدین فردوسی سید محمد ثانی راسته پسر یک سید شاه نجف علی ایشان را  
 دو دختر یک سماء دُجوین والدہ امیر علیخان ابن بہت علیخان و بی سماء  
 شوین روجه حاجی قنہ الطاف علی یک پسر ایشان شاه نور الحسن سرور  
 کہ از دختر قاضی صابر علی کہ خدا شدہ ذمی اولاد اند و خواہر ایشان از قاضی  
 وصی احمد ابن قاضی صابر علی کتخدا ذی اولاد اند پسر دوم سید محمد ثانی  
 سید شاه احمد علی دو پسر ایشان شدند یکی سید شاه احمد حسین و بی سید شاه  
 محمد حسین ایشان را دو پسر باو شان چند دختر سید محمد خلف الرشید سید محمد ثانی  
 سید شاه پیر بخش خلف الرشید ایشان سید شاه محمد دوم بخش  
 شاه کلن کہ بعد عرصہ رونق خانہ ان زریب مشایخی دادند پسر ایشان دو  
 سید ولایت حسین سید نورالحسین ہر دو موجود اند اللہ تعالی ترقی بخشہ  
 و شاه نور الحسن ثانی ابن شاه برکت حسین نیز از فرزندان اند کہ جد بزرگوار  
 ایشان در آل حضرت محمد دوم سید شاه احمد چرمپوش بودہ اند بدین سبب  
 سکونت نیز بہت و نیز شفقہ حکیم محبت بنین از فرزندانہ دیگر ان نیز میگویند  
 چون سلسلہ نیافت نوشت نسبت پنجم باب دوم در ذکر حضرت  
 امام علی موسی ضامنہ کہ فرزندان آنحضرت بر چہار شجرہ است و ثمرہ ان

باید نیست حضرت مخدوم سید احمد چرمپوش نواسه حضرت مخدوم سلطان  
 سید شهاب الدین پیر جگوت اندنام والده ماجد انجناب بی بی جمیعہ مدعو جیہ  
 بودند و نام زوجہ انجناب بنیہ اندالا و دو فرزند تبه بلند بودند انجناب را یکی  
 مخدوم شاه سید تاج الدین کلانی باقی دومی مخدوم سید شاه سراج الدین  
 ثانی علاوہ این دیگر اولاد نبود مخدوم شاه سراج الدین را یک پسر مخدوم سید  
 شاه عجمہ الرحمان کہ از دختر عم کلان بی بی و اسمع بنت مخدوم شاه تاج الدین  
 کہ خدا شدند دیگر دختر و پسر نبود و برادر یک پسر و یک دختر پس سید شاه  
 عبد الرحمان بعد عم کلان و والد خود زیب سجاده ماندند بعد خلف شان سید  
 شاه علی عرف مخدوم بدہ جانشین شدند بعد ایشان پسر ایشان  
 سید رکن الدین مدعو منجمین ولد ایشان سید شاه محمود علایق سجاده  
 شدند بعد ایشان خلف ایشان مخدوم سید نصیر الدین سجاده نشین ماند  
 پسر ایشان سید شاه حبیب اللہ ولد ایشان سید شاه محبوب اللہ پسر ایشان  
 سید شاه محمود ثانی خلف ایشان سید شاه محمد ولد ایشان سید شاه  
 سراج الدین ثانی فرزند ایشان سید شاه نور الدین ایشان سید  
 حبیب اللہ ابن ایشان سید شاه علی صغیر ابن ایشان سید شاه  
 محمد ثانی واضح باد سید شاه علی صغیر را یک پسر سید محمد ثانی و  
 یک دختر شاه مجیدہ کہ از سید شاه غلام مخدوم و میری نسب اند ابن سید شاه

نام والده حضرت خواجہ قطب الدین بن بی رضیہ بنت سید محمد ابن سید علی  
 ابن سید احمد ابن سید ابراہیم ابن سید آدم بن سید عالم ابن سید عالم ابن سید  
 عبد المجید ابن سید عبد المجید ابن سید عبد الرشید ابن سید حسن لد حضرت  
 امام علی موسی رضا علیہ السلام نسبت دوم ضروی نسب نامہ سید  
 شاہ ابو العلی مشہدی جد امجد حضرت مولوی حسن ضاقدین  
 سید شاہ ابو العلی ابن سید شاہ محمد حیات ابن سید شاہ محمد برکات ابن سید  
 مبارک ابن میر سید حنفی ابن میر سید مظفر ابن سید حیدر ابن سید شاہ ابو الحیۃ  
 ابن سید شاہ ابو البرکات ابن میر سید احمد ابن میر سید محمد ابن میر سید عبد اللہ  
 ابن سید عبد الجلیل ابن سید محمد طیل ابن سید جمیل ابن سید علی بزرگ ابن سید مصطفیٰ ابن سید  
 عبد اللہ اکبر ابن سید مجتبیٰ ابن سید ابراہیم مرقد پوش ابن حضرت امام علی موسی رضا  
 رضی اللہ عنہ علیہ السلام ذکر ذریت حضرت سید شاہ ابو العلی طویل است نسبت  
 قرابت و مصاہرت ازین فقیر حقیر فیر تحریر کرامات بعد ازین خواہد نوشت  
 نسبت بیوم نسب نامہ قاضی عبد الفتاح عرف قاضی بُری والاکو  
 جد امجد میر سید محمد قاضی سید عبد الشناح ابن میر سید عالم ابن سید ابو الفتح  
 ابن میر سید میر ابن میر سید محمد ابن میر سید زین العابدین ابن میر سید مبارک  
 ابن میر سید علی شیر جانی ابن میر سید علی اکبر ابن میر سید علی صفدر ابن میر  
 سید عبد اللہ ابن سید زین العابدین ابن سید محمد اعلیٰ ابن میر سید لوط

باید دانست حضرت امام علی موسی رضا علیه السلام اینچ فرزندان رتبه بلند و یک  
 دختر خجسته اترابی بی فاطمه ثانیه از پسر فرزندان سلسله نسب باقیست  
 خود را رضوی سید میگویند از آنکه نامیده فرزندانند و الله اعلم فرزندان و این حضرت  
 امام محمد تقی علیه السلام امام زمانه فرزند دهم امام محمد سید حسن فرزند سیموم  
 سید علی فرزند چهارم سید جعفر پنجم فرزند سید ابراهیم بودند اینهم  
 اجداد سیادات رضوی واضح با نسب حضرت پیر دستگیر خواجه قطب الدین  
 آوشتی لقب بختیار کاکی قدس سره از حضرت سید جعفر ابن حضرت امام  
 علی موسی رضا علیه السلام می پیوندند و خواجه قطب الدین بختیار کاکی  
 ارشد اخلافا حضرت خواجه معین الدین چشتی قدس سره ابن خواجه کمال الدین  
 آوشتی ابن سید محمد آوشتی ابن سید احمد آوشتی ابن سید حسام الدین ابن  
 سید رشید الدین ابن سید غنی الدین ابن سید حسن معروف ابن سید محمد  
 اسحاق ابن سید محمد جواد ابن سید علی سجاد ابن سید جعفر ثانی ابن حضرت  
 امام علی موسی رضا علیه السلام رضی الله عنه واضح باد حضرت خواجه  
 قطب الدین اهل بیت سابقه را با اشاره آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم طلاق دادند  
 بپارتافی متاهل شدند از لطن زوجة ثانیه که در اقران بودند و فرزند شدند  
 یکسید احمد دومی خواجه محمد سید خواجه احمد لیم سیزده سالگی بجز رحمت حق پیوستند  
 پسر ثانی خواجه محمد را یک پسر بودند خواجه کبیر زان بعد عقیاب حضرت نمودند



از ولایت تشریف آورند بصیغه طالب علمی در خانقاه حضرت مخدوم بدرالدین  
 بدر عالم در بهار وارد شدند مشغولی تدریس بودند روزی کرامات ایشان  
 بحضرت مخدوم بدر عالم عیان شد سید احمد کلانی و سید محمد ثانی را  
 نام بود حضرت مخدوم دختر خجسته اختر بی بی ابدال خود را خواستند بزوجهیت  
 یکی از اینها دهنده کلانی عذر آوردند و تجرد کردند اختیار چنانچه مزارشان  
 واقع موضع ندره معروف است سید محمد قبول کردند مزار ایشان بموضع  
 معافا واقع است از بطن بی بی ابدال اولاد شد ساکن موضع بی بی پور شدند  
 که جای چله بی بی ممدوحه مشهور است چنانچه انوضع و دیگر دیهات معانی بقبض  
 اولاد ایشان است از فرزندان ایشان یکی بزرگ راسته فرزند بود دوازده ساله  
 فرزند یک فرزند سید شاه اهل شد مذکور بالا و فرزند برادر دیگر سید عنایت علی  
 بودند خلف ایشان سید فرزند علی کتختائی ایشان از دختر میر مظفر حسین محرم  
 ساکن شینو پوره شد سید فرزند علی را دو فرزند یکی میر فرحت علی که از دختر  
 میر اولاد علی ابن سید شاه وارث علی که از اولاد دیوان سید جعفر قدس سر  
 بودند گردید اولاد ازین عالم رفتند و پسر ثانی میر فرزند علی میر اسمعیل علی اند  
 دوست شادی اولاد جاری شد چند دختران و دو پسر یکی سید واجد حسین  
 دومی سید احمد حسین خواهر کلانی ایشان زوجه شاه افطرس حسین تانیه زوج  
 سید امیرالدین نوآبادی ثالث زوجه پیاری صاحب بن قاضی محمد بخش محرم

ابن میر سید ابراهیم بن میر سید زین العابدین بن میر سید حسین عرف سید  
 عبد المطلب بن حضرت امام علی موسی رضا علیه السلام رضی الله عنه التوریه  
 سیادات رضوی نسب هستند بسیار بر شهر و امصار و دیار بلکه اکثر اندر پنجوا  
 از اولیاء کبار چون نسب نامه اولادشان مسلسل نیافت بدین وجه نگاشت  
 متعذر ماند و نیز اکثر فریب نامیده سیادات رضوی عویدار چنانچه در پنجوار و سواد  
 ساکنان موضع ابجمله که نسبت مصاهرت دارند واضح باد در زمان ماضی <sup>طین</sup> سیادت  
 بزرگ بودند مشاهیر منصب قضا داشتند قاضی سید عبد الاحد عرف قاضی بڑی  
 رضوی نسب بودند و فرزندان قاضی احمد علی اولاد ایشان شد بسیار  
 مصاهرت واقع شد از اولاد ایشان شهر فار موضع بهتیه و حضرت بهار  
 مذکره ذریع ایشان در تخته کتب خاندن نگاشت و نیز در موضع ساسین  
 ضلع پینه بزانه قریب بزرگ بودند منصب قضا قاضی سید اولاد علی والد ماجد  
 قاضی سید فضل حسین صدر اعلی مرحوم سپهالیشان قاضی سید رضا و سید محمد کاظم  
 و از بنی اعظام ایشان میر احمد حسین میر محمد و محمد بن سید شجاعت علی  
 در التوضع از سیادت رضوی اند و نیز صاحبان موضع نیالوان و نیز سید  
 شاه اهل الله رضوی را در نیم موضع مصاهرت واقع شد سید شاه اهل الله  
 جد مادری سید شاه عبد الرشید عرف شاه حجتی ابن سید شاه اطیب الله  
 قادری چنانچه منقول است دو سید زاده بزرگ از سیادات رضوی نسب

سیر کرده اصداد و دیار به بخارا اشرف آمده سکونت کردند اختیار پس بدین  
هر دو بنزر گوار در انجاستایل شدند به حبش شرفاء انجوار سید بخاری را دو فرزند  
شدند یکی سید احمد بدایونی ثانی سید محمد بدایونی و نیز دو دختر شدند خواجه عرب سید  
دانیال یکی مسموم بی بی زلیخا زوج سید احمد بدایونی نام ثانی معلوم نشد  
از بخارا فوت سکونت به شهر بدایون رسید و در حضرت سید احمد سید  
نظام الدین اولیا و کچوهرشان بی بی زینب نام حضرت محبوب  
آلی حضور بودند الا فرزند بی بی زینب دو یک سید تقی الدین نوح  
دو می سید رفیع الدین هارون هر دوی اولاد شد سید محمد بدایونی  
را یک فرزند حضرت جمال اولیا که مرید و خلیفه حضرت محبوب آلی برادر عماد  
بودند فرزند رتبه بلند ایشان سید شاه اسپر هجیم ایشان را ترتیب طاهری  
و باطنی از پدر بنزر گوار خود بود و خلف الرشید ایشان سید شاه فرید عرف  
سید طویل بخش مرید و خلیفه حضرت مخدوم نور قطب عالم بنده بودند  
سید فرید طویل بخش در بهار حبشیتان اقامت پذیر شدند بمجاها چاندی  
اولاد این هر یک که اسماء از شایخ کبار فرزند رتبه بلند ایشان سید معین الدین  
بهارى خلف الرشید ایشان سید نصیر الدین ثانی بهاری از بخارا دو فرزند  
شدند سید بیست دو فرزند سید محمد سلطان فرزند کلانی جدا مجدا جان  
چاندی پوره و سید بهاء الدین فرزند ثانی از اجدادها جان تکیه خود

و نواسه سید وحید الدین اشرف که از اولاد سلطان اشرف جهانگیر  
 معروف بودند حاصل از انجمله از سیه برادر فرزند یکی سید رمضان علی  
 بودند خلف الرشید ایشان میر سید غلام حسین سلموی دودلپوشان شدند  
 از دوز و جه یکی میر محمد حسین و اما سید محمد حسین نوآبادی لپشیشان سید حسین  
 و از زوجہ ثانی خلف الرشید ایشان سید حسین سته خواهر ایشان ذی اولاد اند شاد  
 علی حسین و بهار از دختر میر حسین ساکن باروری شده بودند و دختران ایشان از  
 نسبت ششم از باب دوم در ذکر حضرت امام محمد تقی علیه السلام مغرورین  
 باید دانست از تحریر یونحین سابقین نیز از کتاب بحر الانساب شش فرزند از حضرت  
 سیه پسر سیه و دختر فرزند اول حضرت امام علی نقی علیه السلام نام زمانه ثانی حضرت  
 موسی ثالث سید جعفر ثانی اولاد این هر دو بزرگوار سی اولیا و کبار اند از جایجا  
 ولی الله صاحب لایست آسوده اند بجز ارشان فالین الانوار به شجره اولی  
 نسبت ششم باب دوم در ذکر نسب حضرت سلطان المشائخین  
 سید نظام الدین احمد بدایونی حضرت سلطان الاولیاء  
 سید نظام الدین محبوب بانی ابن میر سید احمد بدایونی ابن سید خواجہ علی سخا  
 ابن سید عبداللہ ابن سید حسن ابن سید علی ابن سید احمد ابن سید عبداللہ ابن  
 سید مغرور حضرت سید جعفر ثانی ابن حضرت امام محمد تقی علیه السلام  
 باید دانست حضرت خواجہ علی حضرت سید دانیال عرف خواجہ عرب از جوار عرب

قطب بخش کتخا شدند پس دومی شاه قطب بخش شاه در گاهی والد ماجد سیده  
 خید بخش و شاه محمد سبحان را دو پس سیده شاه محمد مهدی که دومی اولاد شدند از دختر  
 پس دثانی سید محمد اکبر و فرزند شاه محمد سلطان از بطن بی رحمانی سیده شاه محمد باقر  
 و سید شاه اسمعیل ایشان یک پس سید علی حسن که از دختر مولوی سید شرف علی ابن  
 سید شاه یحیی علی کتخا شدند یک پس سید ایشان را سید حسن نام که از دختر شاه  
 تبارک حسین ابن شاه تئیم الله منسوب شاه محمد باقر چهار فرزند سید مسعود  
 و سید مقصود و سید مودود و فرزند کلانی سید محمود و حلت کردند هر یک را بهترین  
 جای نسب مصاهرت واقع است و پیش شاه محمد اسمعیل سید علی حسن نام از دختر مولوی  
 سید شرف علی کتخا شدند یک ملک بقا گشتند پس گشتند سید حسن نام از دختر  
 شاه تبارک حسین مرحوم کتخا است دومی ولد است و از شادی دیگر حضرت  
 شاه محمد سلطان رحمه الله علیه را فرزند دومی نام نامی شاه احمد حسین که از دختر  
 شاه قطب الدین میری کتخا شدند یک دختر و پسر دارند و شاه محمد جان را چهار  
 سید عابد حسین و سید زاهد حسین و سید صف حسین و سید کبیر حسین یکی از این حلت نمود  
 باقی دومی حیات دومی اولاد اند

لمعه دوم و بیان واقع دثانی بذریع سید شاه سبحان الدین  
 ابن حضرت محمد دوم نصیر الدین واضح باد فرزند دثانی و حضرت سید  
 سید نصیر الدین دیوان سیده بهار الدین بودند خلف ایشان بندگی دیوان سید

اولاد هر كس موجود اند

## لمعه اول در ذكر اولاد صاحبان چاندلويه

بايد دانست فرزند سيد محمد سلطان سيد شاه مظفر ولد الشان سيد شاه منصو  
ابن الشان سيد شاه محبوب پسر الشان ديوان سيد محمود ولد الشان ديوان سيد  
شاه غياث الله ابن الشان سيد شاه امير الله الشان چهار فرزند رتبه بلند  
كه پيدا شد شاخ هر كس سيد شاه صفى الله ولد كلانى و جناب حضرت سيد شاه  
احسان الله فرزند ثنائى بجاده نشين بجاي پسر سيمى سيد اهل الله چارسه  
سيد شاه فخر الله عرف شاه فخرى اين نيز فرزند اولاد اند و سيد شاه اهل الله  
را دختران بودند و سيد شاه صفى الله را بودند يك دختر بى بى صبيحه نام دختر  
اين بى بى را نام بى بى مسمازه و سيد شاه محمد و اصل كه بعد شاه امير على  
فردوسى بودند جناب حضرت سيد شاه احسان الله را يك دختر موسوم  
بى بى سلطانى كه از مير مظفر على ابن مير سيد حسن زيدى نسب كنداشدند  
از بطن اين عفيفه دو دختر بى بى رحمانى بى بى امانى و يك پسر جناب حضرت  
سيد شاه يحيى على قدس سره زوج بى بى رحمانى شاه محمد سلطان  
نيره سيد شاه احسان الله و دو خلف انحضرت شاه محمد بخش دويى  
شاه قطب بخش شاه محمد بخش را دو فرزند كى شاه محمد سلطان نذكر الله  
دو بى شاه محمد جان و يك دختر بى بى واجن كه از شاه محمد سجان ابن شاه

پسر ایشان سید شاه محمد اسحاق عرف شاه دهری که از دختر سید نجف حسین  
 ساکن محله باره درمی که خدا شدند ایشانرا چند دختر و یک پسر سید شاه عطاء  
 ذی اولاد هستند بیجا ده آبا اجداد زینت بخش اند و ذکر نسب مادر سی حضرت  
 شاه آفاق و آبا اجدادشان که از حضرت سید محمد سهروردی  
 نسلست انور اجداد مادر پیر خا شاه محمد آفاق سید محمد روشن علی ابن سید محمد  
 فاضل ابن سید محمد اکرم ابن سید محی الدین که مسبب سادات کاظمی بودند شادی  
 سید محمد روشن علی از دختر سید شاه علام محمد بن سید نور الدین بن سید محمد دوم عالم  
 ابن سید صدر عالم ولد میر سید محمد سهروردی زیدی نسب گردید و زوجه شیده  
 علام محمد دوم دختر قاضی سید فتح الله خطیب که شادی اولی بود ساکن مقام  
 شیخ پوره از ایشان سه پسرند یکی سید نور الدین دومی سید محمد صالح سیوم  
 سید فقیر محمد عرف فقیر سید محمد صالح لا ولد الا سید نور الدین رانیر سه پسر یکی سید  
 غلام مجتبی دومی سید غلام مرتضی سیومی سید غلام محمد پس بدانید سید غلام  
 مجتبی را یک پسر سید غلام منبری که از دختر عم خود سید غلام محمد کتبی داشتند و سید  
 غلام مرتضی رانیر یک پسر سید بیخوردار و دو دختر یک زوجه شاه محمد مبارک  
 ساکن محله چاند پوره دومی زوجه سید علی اکبر ساکن موضع شیخ پور و سید  
 غلام محمد رانیر سه پسر یکی سید غلام حامد عرف پانچو دومی میر سید میر عرف  
 چه کوثری سیومی سید تاج محمد لا ولد و جد مادر سید شاه علیم الدین پدر

شعیب با حق ولد ایشان سید شاه عبید الشان ایشان دیوان سید شاه  
 عبد الوهاب چهار فرزند ایشان کلانی دیوان سید شاه عبد الواحد  
 بودند و دو دختر بودند ایشان ثانی سید شاه جمال الدین سیومی سید شاه  
 حسام الدین چارمی سید شاه ذکی الدین بودند سید کمال الدین پسر  
 سید شاه جمال الدین از دختر عم کلانی خود منسوب یعنی از جدیه حضرت دیوان شاه  
 عبد الواحد مذکور القدر که یکی از اجداد حضرت شاه محمد آفاق عرف شاه  
 جانا نیز اجداد دیگران الا نسبت سلسله ایشان دریافت نشد شاه ذکی الدین  
 ثانی که پسران شاه فصیح الدین دو فرزند ایشان یکی شاه مراد علی پسر ایشان  
 شاه فرزند علی دومی شاه چمن پسرشان شاه نعمت الله و اما میروسی علی و از محل  
 دوم شاه ذکی الدین شاه محمد یحیی بودند و نیز شاه صفر حسین الدیاجید سید شاه  
 عبد الکرم و یکده هجرت سید شاه رحیم بخش پسر ایشان سید عبد الکرم هم  
 است باقی کیفیت دیگران دریافت نشد الا نسب جدی و مادری حضرت شاه  
 محمد آفاق نسبت قرابت قریبه از خسر پاره این خاکسار دریافت شد تبصیر می شود  
 باید نیست سید شاه جمال الدین را دو پسر یکی سید محمد یحیی ثانی سید شاه کمال الدین  
 ایشان را نیز دو پسر یکی سید شاه غلام شرف الدین ثانی سید شاه غلام محمد  
 ایشان را نیز دو پسر کلانی سید شاه حمایت الله ثانی سید شاه منور الله پسر  
 ایشان سید شاه علیم الدین ولد ایشان سید شاه محمد آفاق عرف شاه جانا



ویک خواهر الشیان بی بی لطیفه زوجه شاه علی بخش برادر شاه کریم بخش الدشاه  
 امیر علی واضح بادی سید محفوظ را نیز دو لیسر یک سید رضا علی ابن سید ناصر علی لیسر  
 شان شاه غلام محمد و مثنائی ولد الشیان سید احمد امداد خورشاه نور علی  
 بلخ لیسر الشیان سید علی جان ذی اولاد شده لاولد از نینجان قند لیسر دومی  
 سید محفوظ بودند سید معصوم لیسر الشیان سید غلام محمد و م لیسر شان سید شرف علی  
 و سید مشرف علی لیسر الشیان داود علی عرف و الهو و لیسر سید اشرف علی سید  
 امام علی پدر سید مردان علی داماود شاه ترابا حق دانا پوری دو خواهر ایشان  
 یک زوجه سید داود علی دومی زوجه سید الفت حسین ابن سید شاه فخر الدین  
 و چهار دختر سید اشرف علی بودند یکی زوجه شاه فخر الدین مذکور دومی  
 مادر شاه منگن سیومی را ذکر معلوم نیست الا چارمی زوجه میر محمد عاصم نواسه  
 حضرت شاه طلب الله موژوی خسر شاه محمد سجاد و انا پورے عہد  
 شجر نسبت نسباً میر سید خلیل الدین ابن حضرت سید  
 ابو سعید جعفر حضرت باڑه واضح بادی سید خلیل الدین ابن سید ابو سعید  
 دیوان سید محمد جعفر ابن میر سید اہل الله عرف سید مبارک حسینی ابن میر سید  
 اشرف عرف سید پیر محمد ابن سید محمد جلال و شہنشاہ ابن میر سید حامد عرف سید  
 چاند ابن سید محمود عرف سید پیاری بی بی سید اکبر ابن سید محمد ابن سید ضیاء الدین  
 ابن میر سید احمد ابن حضرت میر سید شہاب الدین ابن حضرت سید عبدالرزاق

شاه محمد آفاق سید محمد حفیظ ابن سید سیف الشون سید فقیر محمد فقیر ابن سید  
 محمد دوم عالم بن سید محمد سرودی مذکور بالا و جد مادری شاه منور الله جد  
 شاه محمد آفاق میر سیف الله مذکور صدر و سید فقیر محمد اود و لیسر و یک دختر  
 کلانی لیسر سید سیف الله ثانی سید روح الله لیسر سید سیف الله سید محمد حفیظ  
 و یک دختر زوجه شاه منور الله و بی دختر زوجه سید زین العابدین ساکن  
 محله مفتیان و دختر سید سیف الله والد شاه منور الله مرحوم و لیسر سید  
 محمد حفیظ سیده غلام محمد دوم جد مادری شاه امیر علی فردوسی ابن شاه  
 کریم بخش ابن شاه محمد اصل شاه امیر علی خسرا بن خاکسار و سید روح الله  
 ابن سید فقیر محمد لیسر سید محفوظ نام و دو خواهر ان ایسان یکی بی بی  
 پاچو زوجه شاه غلام حیدر ابن شاه وجه الدین که لا ولد و بعد ازین عالم و بی  
 بی بی بخمیا عرف ناچو زوجه شاه غلام بدر برادر شاه غلام حیدر فرزند  
 رتبه بلند شاه غلام بدر شاه محمد اصل جد شاه امیر علی شادی شاه  
 محمد اصل بجله چاند پوره از بی بی مسیح بنت بی بی صبیح دختر سیده صفی الله  
 و خواهر شاه محمد اصل ابن شاه غلام بدر بی بی بیگمائی زوجه سید فضل علی  
 ساکن محله باره دری که از اولاد سید فضل الله معروف سید گوسائین بودند  
 نواسه میر فضل علی سید خیر الدین حسین ابن سید شاه فتح علی ابن شاه  
 غلام عبد الله فرزند حضرت خواجه مود و دشتی ساکن شیخیه خورگر کریم

**نواب الطاف حسین خان** که از دختر خال خود **نواب تفضل حسین خان**  
 کتخدا شدند بی اولاد ازین جهان رفتند و یک خواهر ایشان نیز بودند لا ولد رفتند  
 پدایند خلف کلانی جناب حضرت شاه و داشت علی حسنا نام نامی بمنبر است گرامی  
 اولاد علی حسنا که زینب سجاده آبا بی بودند دو دختر ایشان یکی زوجه میر فرحت علی  
 مذکور الصدر لا ولد ثانی زوجه سید قادر احمد فری اولاد شدند یک دختر و چهار پسر  
 ایشان و دختر زوجه قاضی سید محمد اجمل بن قاضی احمد علی و پسر کلانی سیده  
 امیر الدین زینب سجاده جداری شده نام سجاوت برده لا ولد ازین عالم  
 رفتند و یکی سید امیر الدین ازین جهان رفتند بی اولاد سیومی سید شاه  
 محمدی حسین که بختی مقامی موصوف اند از محل ادبی یک پسر دارند سید احمد حسین  
 نام چارمی پسر برلیاقت و پسر سید شاه لطافت حسین بروت و سجاوت  
 معروف اند که خدای ایشان از دختر سید سجاوت حسین مرحوم گردید که دام  
 دختر شاه ابراهیم حسین نواب ادبی بودند الحاصل یک پسر است ایشاه لطافت از  
 سید شاه حسین که برلیاقت است خاکسار شاه که بختی ای آن از دختر مولوی  
 شاه حسین گردید و دختر آن اند پسر پسر و دخترش عالی مسرور دار و سیر سجاوت حسین  
 جدادری عزیز سید حسین ابن میر فرحت حسین کن موضع بهبه اقامت است بنو آبا  
 پسر کردند باعث انتظام معاش علاقه درگاه پیر و مریا که شجره نسب  
 نسبیت ششم باب دوم و ذکر نام و جد الدین چاکش قدس سره

ابن سید عبدالرحمن ابن سید عبدالعزیز ابن میران سید حسین خنگ سوار اجیری  
 ابن سید شاه برهان الدین ابن سید شاه ابوالموثی ابن حضرت سید ابراهیم  
 ابن حضرت امام محمد تقی علیه السلام ذکر در میتلین حضرت تبصریح انیکه  
 سید خلیل الدین ابن سید محمد جعفر را سه فرزند یکی سید جان عالم پسر ایشان  
 سید محمد جاهد و دومی سید سلطان عالم پسر ایشان سید محمد یاه سیومی که از همه بزرگ  
 کلانی سید صاحب عالم یک حبیبیه ایشان بی بی زهره که از سید ابراهیم خواهر او  
 سید صاحب عالم منسوبند یک دختر و یک پسر ایشان نام دختر بی بی محمدر و همه وجه  
 میرزا طاهر حسین شیخ پوری بودند پسر میرزا طاهر حسین سید امید علی که از دختر شاه احمد علی  
 کتخا شده ندید سعادت علی پسر ایشان هستند و دختر از میرزا ند علی ابن میرزا غنا  
 رضوی کتخا شده ند و پسر عالمیقدر ایشان کلانی میرزا رحمت علی که از دختر میرزا سید  
 اولاد علی ابن سید شاه ارت علی کتخا شده ند اولاد ازین عالم رفتند پسر ثانی  
 میرزا معین علی از چند رشاد می ایشان سه دختران دو پسر یکی سید واجد حسین  
 داماد مولوی سید اشرف علی نوابادی و دومی سید احمد حسین فی ولد اند  
 و از دختران کلانی زوجه شاه ظاهر حسین بهاری ثانی زوجه سید امیر الدین نواب  
 ثالث زوجه بهاری صاحب پسر بی بی زهره زوجه سید ابراهیم حضرت شاه  
 سید وارث علی بودند سه پسر ایشان یکی لا اولاد ازین عالم رفتند و دومی  
 میرزا فیض علی داماد نواب محمد حسن خان شیخ پوره ساکن در میرزا فیض علی

یکده ختر و یک پسر مخدوم عبداللہ عرف سید سجاد اکبر کتخدا ای ایشان از بی بی مخدوم  
 دختر سید مبارک بن سکندر گردید یک پسر ایشان سید ابو محمد عرف پیاری  
 و پسر سید شهاب الدین جویری سید زین العایدین کتخدا ای ایشان در آن  
 شد یک دختر ایشان بی بی حفیظہ کتخدا شدند از سید ابو محمد پیاری خلفت سید  
 سجاد اکبر پس سید ابو محمد پیاری را چهار پسر شدند یکی سید شیخ الدین و دیگری سید  
 فیض الدین هر دو اولاد الاسدی سید امام الدین کن موضع سنیر بلاسی  
 ذی اولاد شدند اولاد ایشان در آنجا بقصبہ سماضنخ آره و موضع بلاسی بزرگان  
 مولوی آل احمد و مای مخدوم پور کور و دیگر کنه اول یکی از ان شاه امیر حیدر  
 و شاه خمیر حیدر و غیره و در پنجپار میر تقی بخش و محمد بخش غیره الا خلف  
 چارمی علیم الدین عرف شاه بهیکه از آنجا در قصبہ چار آمده اقامت پذیر شدند  
 رونق بخش سجادہ حضرت مخدوم الملک شدند اولادشان کثیر همه مخدوم زاده  
 سابع حضرت اولاد ایشان هستند مفضل و ضمن احوال حضرت مخدوم الملک  
 خوابد نوشت که طول است شجره نسب نامہ حضرت خواجہ ابویوسف  
 ہمدانی مقتدر اسلسلہ نقشبندیہ تقوی السب بدانید حضرت خواجہ  
 ابویوسف ہمدانی ابن خواجہ عبداللہ ثانی ابن خواجہ قطب الدین یوسف  
 ابن سید جلال الدین بیابانی ابن سید محمد منظر ابن سید عبداللہ ابن حسین  
 ابن سید یحیی ابن سید موسی ثانی ابن سید احمد ثانی ابن سید موسی اکبر ابن

که خواهرزاده حضرت خواجہ نجیب الدین فردوسی و داماد این حضرت شرف الدین  
 بودند قدس سره سید وحید الدین ابن سید علاء الدین ابن سید شاه حسن  
 مصدق ابن سید شاه عباس ولد میر سید علی ابن سید شاه حیدر ابن سید تقی  
 ابن حضرت موسی مرقع پوش این حضرت امام محمد تقی علیه السلام رضی اللہ  
 باید دانست سید وحید الدین چله کش کتبی باشند از بی بی بار که دختر حضرت  
 مخدوم شاه ذکی الدین ابن حضرت مخدوم شاه شرف الدین قدس سره  
 بدانید پدر سید وحید الدین شیخ علاء الدین سید برادر بودند سید سکندر علی  
 و سید مس الدین ابنا سید حسن مصدق سید مس الدین عم شان کتبی شدند  
 از بی بی رقیه بنت مخدوم شاه جلیل الدین که برادر کلانی حضرت مخدوم الملک  
 قدس سره بودند از بطن این بی بی دو دختر یکی بی بی ماه خاتون دومی  
 بی بی جمال که از مبارک ابن سید سکندر علی مذکور کتبی باشند دومی اولاد  
 و کلانی دختر که از برادر عم زاد سید مبارک ابن سید سکندر کتبی باشند لا ولد رفتند  
 از پنجمان و فرزند بی بی جمال حضرت مخدوم ثربی بودند معروف ابن مبارک  
 فرزند ایشان بموضع کهرانت موضع اوترا لاری موجود اند میر بشارت علی  
 کهرانت و میر ابو القاسم اوترا باقی کیفیت سید وحید الدین چله کش این است  
 معروف است که از بطن بی بی بار که یک دختر موسومہ بی بی زمرہ بنویسند  
 شدند از سید شهاب الدین جویری علوی نسب بطن بی بی بار که بی بی

واضح باد جدمحمد و م شاه درویش مخدوم البوسید که نواز نواز اند سید  
 ابو جعفر لاؤ که نواز نسب نامہ سید ابو جعفر بنید طور سید ابو جعفر لاؤ که نواز  
 ابن سید شاه حسین قتال ابن حاجی سید نور العین عبد الرزاق کہ از اولاد حضرت  
 عوث الثقلین محی الدین سید عبد القادر جیلانی اند چونکہ نسب بالا نامحضرت  
 بادراک نرسید از تحریر متغذر گردند الا حاجی نور العین خواہن زادہ فیسخر اندہ جانشین  
 حضرت سلطان اشرف جہانگیر اند کہ انجناب نسب جعفری دارند بالا این صفحہ  
 تحریر شد حاجت مکرر تحریر نیست چونکہ حضرت کچھوچھ موضع بتیور اسلسلہ نعمت  
 و بیعت از انجناب است خود را بذریعہ آنحضرت نمایند مقصود از اولاد حسین  
 و انجناب بذات خاص حضور بودند مجرد متاہل نشدند پس بدانید اولاد سید حسین  
 قتال در مقام کچھوچھ اولاد سید البوسید موضع بتیور ضلع گیا است باید دانست  
 مخدوم شاه درویش را چہار پسر و یک دختر بودند بی لاؤ و کہ از مخدوم خود شیخ  
 منسوب شد اند از انجملہ سپہان یک پسر مخدوم سید سکندر مغضوب پدر کہ در جوار  
 پدر آسودہ اند لاؤ و بی سید حاد عوف سید چاند موضع شیخوہ متقل پنجپورہ  
 سکونت کردہ از اختیار جوار مخدوم شاہ مبارک جد بزرگوار ذی اولاد دفعہ  
 شیخوہ مشہور است سیدی مخدوم شاہ محمود کہ در پائین مزار پدر نامہ آسودہ اند جناب  
 مغرب جنوبا و لاؤ شان نیز یک فریق چارمی مخدوم شاہ محمد پسر کلانی  
 جانشین پدر کہ بعد مرقد والد ماجد ہم پهلوی مزار است جانب شرقی مدبر

سید محمد ابن سید احمد اکبر ابن سید موسی مرقع پوش ابن حضرت امام محمد تقی  
 علیه السلام از اولاد حضرت خواجه ابو یوسف بهمانی در دیار فارس مستند الادب و  
 خواجه فرید الدین و حاجی غلام الدین و سید نجم الدین مدعو شاه قدح حسین سولطان  
 مشرب اند و از فرزندان خواجه فرید الدین و سید الدوله خواجه وحید الدین  
 و خواجه زین العابدین بودند

لمعه نسب نامه حضرت خواجه محمود الخیر نقوی سرآید سلسله نقشبندیه  
 خواجه محمود الخیر نقوی ابن سلطان امیر کجی ابن امیر سلطان ابن سید کریم الدین  
 ابن سید اسد اللہ ابن سید قطب الدین یوسف ابن سید جلال بیابانی ابن سید  
 مطهر ابن سید عبد اللہ ابن سید حسن ابن سید کجی ابن سید موسی ثانی ابن سید  
 احمد ثانی ابن سید موسی اکبر ابن سید محمد ابن سید احمد اکبر ابن سید موسی مرقع پوش  
 ابن حضرت امام محمد تقی علیه السلام در بیت ایشان نیز در نجارست  
 لمعه ذکر نسب نامه سید محمد و م شاه در ولایت بتهوی نقوی نسب مع  
 بیان در بیت ایشان که موجود اند محمد و م سید شاه در ولایت بتهوی  
 ابن محمد و م سید شاه مبارک ابن محمد و م شاه ابو سعید بلقب که نواز ابن  
 محمد و م سید محمد ابن سید زین العابدین ابن سید محمود ابن سید شاه صفی الدین  
 ابن سید اعز الدین ابن سید حامد ابن سید حسین ابن سید موسی ابن سید  
 ابن سید محمد اعرج ابن سید احمد ابن سید موسی مرقع پوش ابن حضرت امام محمد تقی



سید مبارک اشرف سید برادر دویی سید محمود اشرف سید موسی سید نثار اشرف  
 دویی خواهر مولوی صاحبزاد مولوی سید کاظم علی نسب بودند اولاد شدند  
 اولاد سید موسی سید امداد اشرف عرف اچین میان دویی برادرشان سید  
 امانت اشرف سید موسی سید سلطان اشرف چارمی سید مقصود اشرف اولاد خواهر  
 چارمی سید محمد واسع و سید سلامت اند لمعه دوم و ذکر اولاد سید محمود  
 سید منظر احمدی ابن سید غلام حسن ابن سید غلام حسین ابن سید امیر الشیراز  
 سید صغیر الشیراز ابن سید دوست محمد ابن سید بایزید ابن سید کمال الدین ابن سید  
 شاه محمود ابن محمود شاه درویش ننبوی باید دانست سید غلام حسین ابن سید  
 امیر الشیراز سید لیسر کلانی سید شاه غلام حسن الشیراز و لیسر دختران فرزند کلانی  
 حکیم سید منظر احمدی یک لیسر الشیراز سید منظور احمدی ذی ولد دویی سید  
 احمدی هشت لیسر دود و دختران یکی خواهرزاده خود سید محمد حسن کتبخا کردند  
 دختر دویی از سید حسن رضا ابن سید رحمت حسین شادی شد ذی اولاد اند برادر سید  
 منظر احمدی سید راحت حسین امداد سید شاه عبد الکریم بانیپوری اولاد ایشان  
 چهار کی سید حسن رضا نکورد و بی سید رضا سید موسی سید محمد رضا چارمی سید رضا  
 نوجوان برادر لیسر تانی سید شاه غلام حسین سید غلام نبی فرزند ایشان  
 مولوی سید رضی الدین حسن و لیسر دو دختر دارند و سید نظام حسن لیسر ثالث  
 سید غلام حسین مرحوم دو فرزند الشیراز سید امیر الدین و سید نسیم الدین ثانی

ملعه اول در ذکر اولاد مخدوم شاه محمد قدس سره مولوی حکیم سید نواز شریف رسول  
 چهار برادر کلانی ایشان ثانی سید وحید اشرف سیلوی سید مادی اشرف  
 ایشان زاد و لیبر دو دختر چارمی سید هاشم مغفور مکنیز خیر ایشان اندینی عم منسوب است  
 یعنی از پسر سید وحید اشرف مذکور مولوی سید نواز شریف رسول بر از محل و یک دختر  
 ذی اولاد و از محل ثانی سته دختران این حضرات فرزند مولوی سید شاه  
 غلام رسول رحمة الله علیه که دو برادر و چهار خواهر بودند ذکر خواهران بعد از این  
 خواهد نوشت الا ذکر برادرشان حکیم سید اولاد علی یک پسر ایشان سید مادی علی  
 ذی اولاد اند و دو دختران یکی از سید مادی اشرف کتخادوی سید نسیم الدین  
 ابن سید نظام الدین احمد کتخاد اند سیمه فی اولاد هستند و مولوی غلام رسول ابن  
 سید شاه غلام مصطفی و برادرشان سید شاه غلام مجتبی ابنان سیده غلام مبارک  
 سید شاه مجتبی را دختران بودند فرزند دختران سید مجبوری مغرب و سید شاه  
 غلام مبارک ابن سید شاه عبد الرسول این هر دو پدر پسر را دیگر یک یک برادر  
 بودند اولادشان هستند الانام هر دو بزرگوار معلوم نیست الغرض سید شاه  
 عبد الرسول ابن سید شاه محمد حافظ ابن سید شاه محمد اسمعیل ابن سید شاه علی ابن  
 مخدوم سید شاه محمد ابن مخدوم سید شاه درویش ابن مخدوم مبارک و از اولاد  
 سید اسمعیل حکیم منظر حسن تهوی و از اولاد سید حافظ سید خرم حسین ابن سید مکرّم حسین  
 و اولاد برادر شاه عبد الرسول سید مبارک اشرف اند خواهر زاد سید مکرّم رسول

شجره دوم نسبت به قتم باب دوم ذکر نسب و اولاد خواجه قطب الدین  
 مودود حشمتی واضح باد سید قطب الدین مودود حشمتی ابن خواجه ابو یوسف حشمتی  
 ناصر الدین که خلیفه خال خود خواجه ابو محمد حشمتی بودند خواجه ابو یوسف حشمتی ابن  
 خواجه سمعان ابن خواجه سید ابراهیم ابن سید حسین ابن سید عبد الله ابن سید  
 ابن حضرت امام علی نقی رضی الله عنه مشهور حضرت خواجه عبد الله حشمتی ابن  
 خواجه سید اسد الله حشمتی از اولاد حضرت خواجه مودود حشمتی از مقام <sup>ط</sup> همسنگ  
 وارد این نواح و دیار شرقی شدند خبر سیاحت ایشان سینه به بزرگوار ایشان  
 نیز مع اهل و عیال تشریف آوردند درین دیار ایشانرا مشغول یافتند بقریه  
 شینجیه خود پرگشته ترست ضلع بهار آخر کار در آنجا صورت اقامت برپا  
 و معتقد شدند آنجا را خانقاه و مسجد کردند طیار و زمین بطور آئینه حاصل کردند  
 ده یازده چلوگ جهت اوقات صرفت وارد صادر چون نذر گذرانیدند سلطان  
 وقت تصویریه بهر کفایت اهل و عیال کردند قبول نسبت نامه ایشان  
 تا حضرت خواجه مودود حشمتی و ذکر ذریات شیخه عبد الله ابن  
 شیخه اسد الله ابن سید برهان الدین ابن سید عبد الرحمان ابن خواجه محمد جان  
 ابن خواجه محمد سمعان ابن خواجه منظور ابن خواجه قطب الدین مودود حشمتی  
 الحاصل فرزند خواجه سید عبد الله ابن سید اسد الله خواجه قطب الدین ثالث  
 بودند ولد ایشان سید تاج الدین محمد ابن ایشان شیخه عنایت الله

اکثر مشایخ آن ساکن موضع هتورا واسطه جانب جد مادری است  
نسبت هفتم باب دوم در ذکر حضرت امام علی نقی علیه السلام سلسله ذریه  
باید دانست بحضرت امام علی نقی رضی الله عنه سه فرزند و یک دختر با اتفاق یقین  
از بهر فرزند اولاد اند انور باد سپر کلانی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام  
امام زمانه ثانی حضرت حسین صغیر ثالث حضرت جعفر نسب نامه اولاد  
ایشان یافت نگاشت که از بهر یک اولیا و نامدار اند شجره اولی نسبت هفتم  
باب دوم در ذکر نسب نامه حضرت سید جلال الدین حسین  
مخدوم جهانیان جهان گشت سیادت بخاری نسوان ایشان اند مخدوم  
سید جلال الدین حسین بخاری ابن سید احمد کبیر بخاری شیخ سوار ابن سید  
جلال الدین بخاری بزرگ صاحب توشه ابن سید ابوالمؤید بخاری ابن سید محمد  
جعفر بخاری ابن سید محمد بخاری ابن سید محمود بخاری ابن سید عبد الله ابن  
سید احمد ابن سید علی صغیر ابن سید جعفر ثالث ابن حضرت امام علی نقی  
علیه السلام واضح باد صاحبزاده ثانی سید جلال بخاری بزرگ سید محمود بخاری  
و حضرت مخدوم بهاء الدین ذکر یا ملتانی قریشی خلیفه سید جلال الدین بزرگ  
بخاری اند فرزند ایشان مخدوم صدر الدین نبیره ایشان مخدوم ابو الفتح  
رکن الدین در ملتان این بزرگوار آسوده اند و سید جلال الدین بزرگ  
بخاری بمقام او چه آسوده اند مخدوم جهانیان در چاه کام اند

زوجه سید شاه علی احمد ابن سید غلام محمد دوم ساکن رهومی که خدا شدند  
 چند دختران ایشان خلف ایشان سید شاه علیجان رحلت کردند نوجوان  
 اعقاب نماند الا سید شافعی علی رازشادی ثانی که از دختر سید فضل علی  
 ساکن محله باره در می شد یک پسر یک دختر بود و آمدند نام دختر بی بی  
 لطیف النساء زوجه شاه علی نجش ابن شاه محمد و صل فردوسی از بطن این بی بی  
 دو پسر یک دختر یک پسر طفل و دیگر نوجوان رحیل ملک بقا گشتند الا دختر بی بی  
 مراد ان النساء زوجه میر مقرب حسین ابن مولوی ابوالحسن علی کابری را سه فرزند  
 دو طفل یکی نوجوان بشیر رحمت حسین نام بی که خدای فوت شدند عقاب نماند  
 و نام پسر شافعی علی سیده خیر الدین حسین که بدیار مغرب بجا بد روزگار عمر  
 بسر کردند نام آوری پیدا کرده بکمال عزت و جاه در شهر متهرا رحلت کردند  
 کسی اولاد نشد پسر دوم شاه محمد فصیح بودند سیده محمد علیج ایشان را نیز دو فرزند  
 رتبه بلند یکی سید ابوالحسن حسین و پسر ایشان یکی سید رحمت علی پسر سید موسی علی  
 دومی سید امجد علی پسر سید عباس علی ابن هر دو داماد شاه فخر الدین حسین  
 اولاد یافتند از بی عالم پسر دوم سیده محمد علیج سیده رحمان حسین بالیشان نیز  
 دو فرزند رتبه بلند یکی سیده فخر الدین حسین و بی سیده لطف حسین بالیشان  
 یک پسر سید وزیر علی و یک دختر که از سید موسی رضا ابن شاه علی رضا که خدا  
 شدند آخر اولاد فوت ازین عالم و شادی سیده فخر الدین حسین از خواهر

النور باو که از خلی ثانی سیده تاج الدین محمود اولاد کثیر انداز هر یک ملاقات  
 است حاصل الا خلف الرشید سیده عنایت الله را خلف سیده محمد فصیح  
 امیر ایشان یکی سید محمد وجه الله و لیس ایشان سید کریم الدین جد مادی  
 سید شاه مرد الفی ابن سید امام علی ساکن بهنوی دومی سید رمضان علی  
 لیس ایشان میر بشارت علی پدر سید محمدی ولد دوم سیده محمد فصیح سیده  
 غلام عبد الله و لیس ایشان شاه فتح علی عرف بهوری شادی اولی ایشان  
 بی بی سیم از خواهر سید شاه عسکری عرف لشکری بلخی گردید از لطن  
 این زوج یک پسر و یک دختر شدند نام دختر بی بی و صیحه زوج میر محمد علی  
 مادی میر عباس علی و خواهر ایشان مسماة شرف از وجه سید حمایت حسین آنگوی  
 یک دختر ایشان که از خواهر برادره ایشان سید اله بخش کتخدا شده ذی اولاد اند  
 لیس سیده فتح علی شاه انور علی که از مسماة ذاکره بنت شاه محمود اصل فردو  
 که عمه شاه امیر علی فردوسی بودند کتخدا شدند سیده لیس ایشان عابد حسین آجند سیر  
 زاهد حسین بطغولیت مرد اند الا سیده خیران ایشان یکی مسماة حیات بن وجه  
 میر رضا علی ابن میر یوسف علی غلام بادی لیس ایشان سید فدا علی یک دختری  
 دارد باقی سه خواهر اند سید فدا علی و دختر اوسط مسماة عطیه فاطمه عرف  
 شش از وجه شاه امیر علی ابن شاه کریم بخش خسلرین خاکسار سیده فخره ایشان  
 و یک پسر شاه وزیر علی یک پسر و یک دختر موجودی دومی دختر مسماة براتن

بالصوبه از آنجا که این خاکسار و نسب نامہ یافت منسوب آنحضرت و آن نسب  
 است یکے از اولیا و کبار عالی تبار آنرا مینویسد یکی نسب نامہ حضرت خواجہ محمد بہار الدین  
 نقشبند دومی نسب نامہ سید شاہ صادق حسینی یا غلطی کا تباران باشد نسب حضرت  
 امام علی نقی علیہ السلام نسبت حضرت امام حسن عسکری نوشتند انچیکہ نزد این فقیر حقیر بود  
 موجود تحریر نمود شجرہ اول در ذکر نسب نامہ حضرت خواجہ محمد  
 بہار الدین نقشبند قدس سرہ خواجہ محمد بہار الدین نقشبند ابن خواجہ  
 محمد عبد اللہ بخاری ابن خواجہ سید جلال الدین بخاری ابن سید بریان الدین  
 بخاری ابن سید کمال الدین بخاری ابن سید حسین بلقب محبوب ابن سیدین اکبر  
 ابن سید عبد اللہ ابن سید فخر الدین ابن سید محمود رمی ابن سید حسین مقبول ابن  
 سید حسین محمد تقی ابن سید عبد اللہ ابن سید محمد جامع ابن سید علی اکبر ابن حضرت  
 امام حسن عسکری رضی اللہ عنہ علیہ السلام باید دانست مہنوز اولاد حضرت خواجہ  
 در بخارا تشریف اند و درین نواح بزرگ تشریف آورده بودند خواجہ معین الدین  
 نام بود عرصہ چہل و پنج سال بود و ہنقد رعمر نیر و شتند خود را از اولاد آنحضرت  
 میکردند بیان خواجہ محمد میر عرف خواجہ میر درد و متخلص ابن خواجہ ناصر از اولاد اند  
 آنحضرت دہلوی از کتاب رشتحات و شجرۃ الیقین چنین دریافت شد کہ حضرت  
 خواجہ را دویسہ و چار دختران شدند با بالغ و نابالغ از سیالامخت ملک بقا بستند  
 جز صاحبزادی خود کہ نام بود قاطر ثانی نسب از خواجہ علی شدند کہ بلقب بودند

سید امام علی ابن سید اشرف علی ساکن موضع رهوی شد و دختر دهم پسر  
 کیفیت دختران مذکور شد پسر اوسط سید سخاوت سین نوجوان بمرد و پسر سیوم  
 سید شجاعت حسین داماد شاه امیر علی بنزلف را قلم التحریر و پسر دوازدهم البیان  
 هستند نام پسر سید احمد حسین سید فرحت حسین پسر کانی شاه فخر الدین حسین سید  
 الفت حسین که از دختر امون خود میر امام علی که خدا شد نماز لطن آن عقیقه  
 چند دختران اند واضح باد میر امام علی مذکور اچهار خواهر یکی زوجه فخر الدین  
 دومی والده شاه منگن پسر سیومی دریافت نشد الا چارمی زواجه سید محمد عام  
 که نواسه شان شاه محمد اکبر ابن شاه محمد سجاد اند دانا پوری ازین بزرگان  
 واسطه قرابت و مصاهرت بود کیفیت میدانست تبصیر بحکمر نمود بقیه اولاد  
 محل ثانی سید تاج الدین محمود که دهم و یوم اند کیفیت دریافت نشد  
 نسبت به ششم باب و م در ذکر حضرت امام حسن عسکری رضی الله عنه  
 بیان در سبک شان واضح باد در بیان فریقین مذمیه اهل سنن و  
 نیز اهل شیعه اولاد این امام الهام بخیر حضرت امام محمد مهدی علیه السلام  
 دیگر نیست زعم اهل تشیع که آن امام زمانه صاحب الامر اند و غیوبیت اند بتمام  
 سر من رای بوقت موعود ظهور خواهند نمود از ان غار و بیان اهل مذمیه  
 سینان اینکه آن امام را فرزند می بگویند آمدند مسلمان محمد نوجوان رحلت نمودند  
 از میالام و آنچکه در ظهور آیند این محمد مهدی موعود اند ابن سید عبد الله و الله اعلم



لمعه در ذکر اولاد سید فضل الله گوسائین بهار قیاس سره که مرقع باره دری  
 باید دانست حضرت سید فضل الله را دو فرزند مرتبه بلندیکه سید احمد مدعو عرف  
 سید پیری که از بهار پچاسته خاطر گشته سکونت کردند اختیار عقام کوثره اولاد  
 شان آنجا هستند و یکی سید نصیر الدین محمود در قصبه بهار رونق بسجاده کی دادند  
 اولاد اند و آنجا منسوب به دو فرقی سنیه امامیه اکثر احوال خلف سید نصیر الدین  
 بودند سید محمود را دو فرزند سید نصیر الدین از بهر دو اولاد شدند پس بدانید از بطن  
 اولی سید پیر یک دختر بے بے مریم نام دختر بے بے مریم شیده اهل الله قادری  
 مبارک حسینه و نام صاحبزادگان سید نصیر الدین از محل اولی یک سید تقی الدین  
 که بودند سجاده نشین و یکی سید صفی الدین سیدوم سید زین الدین پسین انید اولاد  
 سید تقی الدین بسجاده نشین در مقام شیخوۃ تصحیح نسب دریافت نشد الا انیکه  
 میر ظفر حسین پسر ایشان میر سید علی پسر ایشان میر سعادت علی نوانسه شیده  
 احمد علی بهاری و سید صفی الدین را دو پسر یک سید رکن الدین و دیگری سید  
 صابر علی سید رکن الدین را نیز دو پسر یک سید تاج الدین لا ولد و دیگری سید  
 منهاج الدین پسر ایشان سید برهان الدین خلف ایشان میر مهر علی و تسه خواهر  
 ایشان اولاد یک ازین دختران سیده مخدوم بخش ابن سید کریم بخش فردوسی  
 و اولاد یک دختر میر افضل علی داماد شاه محمد و اول فردوسی بدانید میر افضل علی  
 ابن میر اکمل علی که از ذریه سید فضل الله بودند و سید صابر علی ابن سید رکن الدین

از خواجہ عطاء الدین عطار داماد ذی ارشاد و خلفا ثانی دوزند از ایشان  
 شدند یکی خواجہ حسن عطار ثانی خواجہ حسین عطار و لد خواجہ حسن عطار خواجہ  
 یوسف عطار بود و نذران ابجد معلوم نیست کیفیت بالتصریح شجره دوم  
 و نسب نامہ سید شاہ صادق حسینی رحمۃ اللہ علیہ  
 کہ مشرب طریقیہ قادریہ و دانشمند مزارع فیض آثار بدایار جنوب لقمبہ گلشن آباد است سید شاہ  
 محمد صادق ابن حضرت سید شیر محمد قادری ابن سید امین الدین ابن سید  
 محمد راجع ابن سید اسد اللہ ابن سید علی راجع ابن سید امین الدین مدنی  
 ابن سید محمد صفی ابن سید محمد مدنی ابن سید احمد اصغر ابن سید علی اصغر ابن  
 حضرت امام حسن عسکری علیہ السلام واضح باد سماع است عمر این بزرگ یکصد و  
 شصت سال بود با شغال مدار نیہ فرزندان این بزرگ در قصبہ گلشن آباد عرف با سک  
 اند کثیر الاخلفا این خاکسار سید عبد الفتاح عرف مولوی اشرف علی مدرس مدرس  
 معمورہ بمبئی هستند از اولاد این بزرگ اند از بیان شان نسب نامہ میگارد مولوی  
 سید عبد الفتاح اشرف علی ابن سید عبد اللہ کاہی ابن سید مس الدین علی  
 ابن میر سید زین العابدین ابن مولوی سید الفتاح عرف سید امام الدین ابن میر  
 سید اسد اللہ عرف سید شیر محمد قادری ابن سید شاہ محمد صادق حسینی  
 سید اشرف علی نیز مقیم شہر ممبئی اند ذی اولاد اند چون ذکر اولاد ہر امام بیان  
 شد از نیجا در ذکر اولاد بزرگان بر بلعات می نویسد

و یک از آن سید موسی رضا قادری و سید شاه غلام بهیکه لیس‌الشیان سید امین الدین  
اند و اضح با دجناب سید شاه الطیب بودند برادر چهار نو سید برادر کلانی سید شاه  
کمال لایزال و اولاد برادر ثانی سید عبدالرزاق عرف شاه کهنوی و وی سید  
عبدالکریم پدر سید عبدالجلیل و خاص شاه الطیب را دو پسر دو دختر لیس‌الکلانی سید شاه  
عبدالرشید عرف شاه جمی از دختر عم خود و کتخراشدند و دختر ایشان شدند  
یک از سید فضل حسین بن میر سید احمد بن نوآبادی کتخراشدند که خواهر زاده نیز اند  
و وی از سید محمود بن میر عسکری حسین سلکن موضع کارا اولاد یک نماد برادر دوم  
سید شاه جمی سید امیر الله عرف بودی بودند از محل ولی ایشان اولاد نشد الا  
محل ثانی و اولاد یک خواهر سیده فضل حسین مذکور الصد و خواهر ایشان هر یکی ذی ولاد  
لمعه در ذکر نسب و فریت مخدوم شاه تیم الله سفید باز بن مخدوم شاه حمید الدین  
واضح باد سیده عبدالرشید عرف شاه دوم بن ابن عبید الوحید عرف شاه ثانی بن  
سید صدر عالم ابن قطب سید عالم بن سید احمدی ابن سید الاحد بن سید محبوب عالم  
ابن سید عزیز الله بن سید حبیب الله بن سید محمد فرید بن سیده رحیم الدین بن سید شاه  
فهم الدین بن سیده اسمعیل بن سید محمد جمیل بن سید کریم الله عرف حاجی محمد بهیکه  
ابن سید شاه فہیم الدین بن مخدوم شاه تیم الله سفید باز نسب بالا و نسب نامہ حضرت  
آدم صوفی جلال الشان در نسب دوم تحریر یافت حاجت نیست تحریر اکثر مشائخ  
نسب ما بری از جانب مخدوم شاه تیم الله سفید باز نیست الا اولاد آن حضرت حضرت

پسری شد محمد علی نام در ایام جوانی شد کام تمام الادو دختران بودند بسید علی  
 از یکی دختر پسری شد سید محمد اسلم نام ایشان سید محمد تقی و سید محمد خلیل که بموضع  
 کشن پور بوجه عروج کام سکونت کردند خستیار و اولاد دختر ثانی محمد اسلم  
 سید صابر علی و سید محمد مکمل بود باش بقصبه باڈه کردند اختیار اولاد ایشان  
 در آنجا ارباقی اولاد از وجه ثانی سید نفسیر الدین که پسری شدند چهار کی سید عاشق علی  
 دویم سید طالب علی سیومی سید مطلب چارمی سید تقی سید محمد تقی اولاد ایشان  
 در قصبه بار بعد ازین تصریح تمام کیفیت نسب ایشان دریافت نشد الا ملاقیان این خاکسار  
 بسیاری که از عمائد زمان سید امام الدین حسین سید ایداد حسین سید غلام نجف و میر شاه علی  
 و میر فرزند علی و میر کبر شیر ندرت امامیه الاسباده وارث علی ندرت سینه داشتند از آنجا که  
 ذریت اولاد سید فضل الله عین اولاد حضرت غوث الثقلین سید عبدالقادر جیلانی اند  
 لمعه دوم و ذکر نسب نامه میر سید محمد قادری امجیری تفصیل فریت حضرت  
 مابعدشان باید دانست سید شاه عبدالرشید عرف شاه جمی ابن سید شاه  
 الطیب القادری ابن سید شاه غلام رشید قادری ابن سید شاه محمد علی قادری  
 ابن سید شاه عبدالرشید قادری ابن سید شاد ابوالمعالی قادری ابن سید شاه  
 عبدالزاق قادری ابن سید شاه ابوالمظفر قادری ابن سید شاه معین الدین  
 قادری ابن سید شاه محمد قادری امجیری نسب بالا نشان نوشته شد حاجت تحریر  
 نیست چنانچه اولادیکه از اولاد سید محمد عیسی ابن سید بن علی امجیری اند

که قریب خانقاه مخدوم معروف است و دو برابر متفرق شدند و دیگر جاسکو  
 کردند اختیار او لاوالیشان هم گشتند در آن دیار آنکه سکونت کردند اختیار او لاکیز شاه  
 فیض علی الدشاه ولی جمیع دیوبندی سیده عسکری عرف شاه لشکری خال الاعظم سیده  
 انو علی حالدار آنجا انهم نماند آنخله از دریت بلخیان غیر آباد است در آنجا سکونت مردم با  
 است الا یک فرزند حضرت مخدوم محمد گوریامخدوم شاه جنید در موضع محی الدین پور  
 کردند قامت اختیار دریت شان در آنجا تربت سیدی بزرگوار آنها معلوم نشد الا از آن  
 شاه غلام شهنشاه ایشان سید پیکر سیده احمد حسین که پسر شان سیده ابراهیم  
 و وی سیده احمد حسین سیدی سیده عبدالعلی پسر ایشان سید محمود از دفعه ثانی  
 سیده فخر الاسلام که بچند واسطه نسب حضرت مخدوم احمد لنگر دریا میر خلیف الرشید  
 ایشان سیده فهم الدجهار پسر ایشان کلانی سید شاه توخته التوحید و دختر ایشان  
 سید زوجه قاضی حسن التوحید ابن قاضی محمد حسن التوحید کیفیت دختر دیگر  
 معلوم نشد خلف ثانی شاه فهم الد قاضی محمد حسن التوحید یک پسر و یک دختر  
 ایشان دختر نسو با ز شاه محمود اعظم مرحوم و پسر قاضی محمد حسن التوحید اباد  
 عم کلانی خود شاه توخته التوحید مذکور الصدیک پسر ایشان محسن التوحید اباد  
 مولوی محمد و اجد ابن قاضی طهارت التوحید و دختر قاضی احسن التوحید  
 که خدا از مولوی کبیر الدین احمد پسر سیوم قاضی طهارت التوحید  
 پسر سیومی شاه فهم الد قاضی طهارت التوحید

شاه دوم بن بودن شادی ایشان از خواهر شاه نورالحق ابن شاه عبدالحق ولد  
 حضرت شاه مجیب قادری شد یک پسر ایشان شاه محمد شرف عرف اچچونیان که از  
 خواهر مولوی شاه عبدغنی گنجا شد نه سکه پسرند مولوی محمد یعقوب پدر مولوی  
 محمد رضی دومی مولوی محمد ابراهیم لاوله سیومی مولوی محمد جواد الدراجد شاه وحید  
 و دختر شاه دوم بن علیه الرحمة مسماة وصیة از سید شاه اولیاء علی علم المحترم  
 این خاکسار که خدا شد یک دختر ایشان که از منتهی سید عبدالعزیز خوشنویس گنجا شد  
 لاولدند از نیالهم رفتند بعد در بیان نسبت نسب بلخیان که از اولاد حضرت  
 مولانا مظفر بلخی اند واضح باد مخدوم مولانا سید مظفر بلخی ابن مخدوم شاه  
 شمس الدین بلخی برادر ایشان مخدوم سید شاه مغربلخی ابن سید شاه شمس الدین را  
 فرزندار چند مخدوم سید شاه حسین بلخی مخاطب توشه التوحید است فرزند  
 رتبه بلند یکی از آن مخدوم شاه سلیمان که لاولد رفتند از نیجهان نوجوان  
 دومی مخدوم سید شاه سیف الدین فرزندان ایشان در موضع کھیری بازیدلو  
 اند و تیره در بخوار از اولادشان نامی بمنزلت گرامی شاه رستم علی بودند  
 سیومی فرزند که از همه بودند درجه بلند مخدوم شاه حسن بلخی که جانشین پدر عالی  
 شدند فرزند ایشان حضرت مخدوم شاه احمد قدس سره مخاطب لنگر دریا ابن  
 مخدوم شاه حسن بلخی سمندرتو حید بودند فرزند ایشان چهار از بهر کی شاخ  
 نمودار چنانچه دو فرزند نمودند جوار اما اجداد بسند تکیه ده در انجا ماندند و در محل بلخی

شاه ولایت علی بلخی نسب اند یعنی شاه بهایت علی بلخی چنانچه بهای فرزند  
 جد مادری خود اند شاه صاحب مدوح ذکر نسب بشاه عسکری عرف شاه  
 لشکری ساکن محله بلخی از اجداد بزرگان خسرو به باید دانست سید  
 شاه حسن عسکری عرف شاه لشکری ابن سید شاه محمد مدعی علی ابن سید شاه  
 حسن علی ابن سید شاه رحمة الله ابن سید شاه صدر الدین عرف شاه بدین ابن سید  
 حسام الدین ابن سید شاه سیف الدین ابن سید شاه سلطان محمد درویش  
 ابن حضرت مخدوم سید احمد لنگر دریا سید شاه حسن عسکری از دختر عم خود بی بی  
 دختر شاه محمد اشرف که خدا شد ندو لاد ایشان نشد لاد و خواهر ان ایشان بودند  
 یک مسماة نصیر از وجه شاه درگاه لاد و بی مسماة مسیحی از وجه شاه فتح علی مخدوم  
 از بطن این بی بی یک پسر یک دختر مسماة و مسیحی از وجه میر محمد علی مادر میر عباس علی  
 و مسماة شرف از وجه میر حمایت حسین نام پسر شاه نور علی از وجه مسماة ذاکره بنت  
 شاه محمد و اصل فردوسی شد دختر ایشان یک از ان خوشدامن اینجا کنساز  
 مذکور الصد را نیم ساکنان محله بلخی بودند که مدحه ذکر نسب بشاه  
 ولی احمد بلخی یک از ساکنان محله بلخی متممات بهار سید شاه ولی احمد ابن سید  
 شاه فیض علی ابن سید محمد طاهر ابن سید محمد اشرف ابن سید شاه عبد المجید  
 ابن سید شاه صدر الدین ابن سید شاه حسام الدین ابن سید شاه سیف الدین  
 ابن مشید سلطان محمد درویش ابن حضرت مخدوم سید احمد لنگر دریا و صنع باو

ایشان داماد شاه محمد واعظ ابن سید شاه فیض السد حاصل یک دختر و چهار  
 پسر ایشان پسر کلانی مولوی محمد واجد سید پسر ایشان چهار دختر و دو پسر یک بعد  
 دیگری از مولوی محمد باقر ساکن پیر بیگمہ منسوبی اولاد اندازان دو یک دختر  
 زوجہ سید ارشد ابن میر خادیم حسین و یکی زوجہ سید محمد حسن التوحید مذکور السید  
 ذی ولد اند دختر قاضی طہارت التوحید مرحوم زوجہ قاضی سید فضل حسین ابن قاضی  
 سید اولاد علی والد قاضی سید محمد رضا و سید محمد کاظم پسر دینی قاضی طہارت التوحید  
 مولوی حمید الدین عرف منگن داماد شاه محمد تقی مرحوم یک دختر و یک پسر محمد نور  
 پسر چارمی مولوی امیر الدین داماد مولوی محمد واعظ الحق و پسر سیوم شاه فیض الدین  
 سید طیب التوحید داماد سید فرزند علی ساکن گورگین سید پسر ایشان یکی سید  
 حبیب التوحید و دیگری سید قمر التوحید پسر ایشان دو یک نعمت التوحید و دیگری نعمت التوحید  
 و یک دختر ایشان زوجہ سید عمر دراز خواہن زاده اینجا کسار و پسر سیوم از نام نسب التوحید  
 ہست نام پسران شاه محمد واجد سید عبد العزیز و سید شرف الدین و محمد غوثی  
 و کر نسب سید شاه ولایت علی بلخی جانب جد مادر می و نسخ باد  
 والد سید ولایت علی سید کریم بخش ابن شاه میر علی و شاه ابدال بخش ابن شاه پیر علی  
 نواسہ سید شاه کمال الدین بلخی ابن شاه محمد عاقل بلخی ابن شاه سید شاہ عبد اللطیف  
 بلخی ابن سید شاہ ولی بلخی ابن سید شاہ درویش بلخی ابن سید شاہ ابراہیم بلخی ابن سید  
 شاہ سلطان بلخی ابن حضرت مخدوم سید احمد لنگ دریا و نیز خدادادی خاص سید



مجاهده بودند سید شاه امام بخش این شله بنده علی ابن شیخه محب البدر ابن  
 شیخه فصیح الدین از اولاد سپه چهارم مخدوم سید احمد لنگه دریا و سکونت ایشان نیز  
 بموضع بهار پوره متصل مناز فیض آثار حضرت مخدوم شیخه حسین توشسته <sup>جلو</sup>  
 قدس سره بلکه اکثر مناز بلخیان در اینجا است لمعه در بیان نسب حضرت  
 سید شاه محمد تقی رحمه الله معه ذکر ابا اجداد و اولاد ایشان شیخه  
 غلام مظفر ابن سید شاه علیم الدین ابن سید شاه محمد تقی بلخی ابن سید شاه غلام  
 ابن سید شاه برهان الدین ابن شیخه علیم الدین بزرگ ابن سید شاه نور محمد بلخی  
 ابن شیخه دولت ابن سید شاه محمد فرید ابن سید شاه جیون بلخی ابن شیخه  
 محمد حافظ ابن حضرت مخدوم سلطان ابراهیم ابن حضرت مخدوم سید شاه  
 احمد لنگه دریا قدس سره واضح باد حضرت شاه برهان الدین را دو <sup>خلعت</sup>  
 بودند یک سید شاه غلام مغر والد ماجد حضرت شاه محمد تقی دومی سید شاه غلام  
 والد ماجد سید شاه مخدوم بخش بالیشان یک اسپر مولوی کفایت علی پدر سید  
 ابراهیم حسین خواهر شاه مخدوم بخش زوجه قاضی بکیار می  
 کشمیری دوسپر بالیشان یک قاضی منظر حسین داماد جناب حضرت  
 مولوی سید حسن رضا اسپر قاضی منظر حسین السدره کونام دومی  
 قاضی ولایت حسین که شادی اولی از دختر شاه مخدوم بخش کردند از محل  
 یک اسپر قاضی احمد حسین و شادی ثانی از دختر حضرت شاه

سید فیض علی دوبرادر بودند و بی شاه رحم علی عرف سید شاه درگاه از  
 محل ثانی پسر ایشان شاه تصدیر علی و سید فیض علی را نیز دو پسر یک سید شاه  
 ولی احمد و بی سید شاه وصی احمد و الد سید نور الحسن و سید شاه ولی احمد که داماد  
 شیخ محمد سعید ابن شیخ محمد واسع بودند از لطیف این وجه مسماة رحیم دو پسر  
 و دو دختر پسر کلانی سید شاه علی احمد بلخی داماد منشی سید محمد خلیل خوشنویس  
 نوابادی زوجه شاه علی احمد مسماة وجهها النساء چند دختر ان ایشان ثانی  
 شاهید حسن احمد بلخی از محل اولی ایشان دو دختر یک زوجه سیده مبارک حسین  
 دومی زوجه سیده محمد کاظم حسین که هر دو داماد خواهرزاده ایشانند و از محل  
 ثانی یک دختر که از شاه صاحب حسین نواسه شاه فرزند علی که خدا دو پسر و  
 یک دختر زوجه سید شرف الدین حسین ابن سید کاظم حسین که خدا و دختر کلانی  
 مسماة ریاض النساء بی شاه ولی احمد زوجه حاج حضرت سیده فخر الدین حسین  
 والدہ جناب سید شاه مبارک حسین و دختر ثانی سید شاه ولی احمد مسماة حیا النساء  
 زوجه عم المحترم ابن خا کسار یعنی سیده مراد علی داماد پوری والدہ بامده برادر  
 عالیقدر حکیم سیده محمد کاظم حسین انیمه فی اولاد اند و کبر بلخیان که نسب  
 بصر محبت معلوم نیست الا در قرابت و مصابرت این فقیر اند که سیده جمال علی  
 که جزوی نسب ایشان نیز از فرزند مخدوم احمد لنگه دریا است پسر شاه صاحب  
 سید مظفر نام دارند و دو خواهر ان ایشان یکی سیده شجاع علی بلخی بسیار صاحب

نادر مولوی امین الله چارمی زوجه مولوی حمید الدین عرف مولوی منگن الحقی  
 پسرشان نورالدین پسر کلانی شاه صاحب سید شاه علیم الدین امام جناب حضرت  
 سید شاه غلام حسن قدس سره دومی سید شاه غلام شرف پدر شاه حبیبی  
 سیومی امین الدین خود رسال وفات یافت یک دختر سید شاه علیم الدین از خان  
 محمد معیل که خداوند از این فرزند موجود است محمد رشید و سید شاه غلام مظفر را  
 چهار پسر اند ترقی عمر باد وصل در بیان اولاد حضرت سید شاه  
 حاجی حافظ ابوتراب مشهوری رحمت الله علیه باید دانست جدا جدا  
 حضرت حافظ ابوتراب سید شاه ابو العلی مشهوری از سمت مغرب سیاحت  
 کرده بجوار حضرت بھار رسیدند موضع کوفین که مقام هست آب هوانجا پسند  
 خاطر افتاد و مقیم گشتند معاہل و عیال فرزند ارجمند در آنجا تولد شدند سید شاه  
 عبدالسلیم شادی ایشان بجانہ شرفاء بموضع موٹرا گردید چندی مقیم در آنجا  
 ماندند ہر گاہ بہ تحصیل علوم اوقات پرداختہ و بصلاحیت طبیعت ساختہ بجوالی  
 رسیدند فرزند ایشان گردید سیسی سید شاه عجمد الحکیم کہ خدای ایشان از دختر  
 حاجی شاه غلام محمد گردید واضح باد این حاجی غلام محمد از اولاد یا با  
 فرید الدین شکر گنج بوده اند و ہمسفر دیار و امصار سید شاه ابو العلی بودند  
 طریقہ حشیمہ در شتند از سید شاه ابو العلی قادری اقامت حاجی غلام محمد  
 بموضع دریا پور متصل فتوحہ کہ ہنوز سکونت آنجا ہست المحصول بنید اکبر

محمد تقی کردند از انهم یک پسر سید الدین نام و دختر قاضی بهکبیری از حکیم فیض علی  
 کتخدا ساکن مجلّه شعلیه پسرشان حکیم محمد امیر یک دختر زوجه سید ابوالحسن حسین ابن  
 مولوی کفایت عینی پسر دی اولاد اند و دختران شاه مخدوم بخش سیکه مادرشاه  
 بجل حسین ابن سید میان دویمی زوجه شاه امجد حسین بلخی مادر سید و ابراهیم  
 سیومی زوجه قاضی ولایت حسین مذکور حال دیگر دریافت نشد ذکر اولاد حضرت  
 شاه غلام مغر حضرت شاه محمد تقی خلف شاه غلام مغر چهار خواهران حضرت  
 شاه محمد تقی یک زوجه شاه غلام شهنشاه بلخی مذکور الصدردویمی زوجه شاه  
 مخدوم بخش مذکوره بالا سیومی مسماة آمنه بی بی زوجه حضرت شاه غلام حسن  
 قدس سره خلف حضرت مولانا سید حسن رضا قدس سره چارم را  
 حال معلوم نیست والده حضرت شاه محمد تقی خواهر مولانا سید حسن رضا ابن سید  
 شاه عبداللّه شادی اولی حضرت شاه محمد تقی از دختر خال خود سید شاه حیدر علی  
 گردید اولاد نشد بعد دوم شادی از دختر دوم شد یک فرزند رتبه بلند مولانا محمد میر  
 که شادی ایشان از خواهر سید شاه جمال علی بلخی پسر دختر شد که زوجه سید شاه  
 بجل حسین نام پسرشان شاه محمد نصیر شاه ولی الحسن شاه حسان فرزند  
 ایشانند نواسه حضرت سید میان و از شادی سیوم حضرت شاه محمد تقی <sup>علیه</sup> از خواهر  
 چهار دختر و پسر شد نزدیک دختر زوجه شاه نور الحسن ابن سید شاه محمد و اغط  
 دویمی زوجه قاضی ولایت حسین کشمیری سیومی زوجه قاضی مولوی امیر الحسن

فرمود آن بزرگ عمامه بر سر داری و خرقه و میگوئی هیچ ندارم در غلبه تشنگی عمامه  
 از سر بر آور و ند طلب آب و آن بزرگ کاسه آب از مشکینه بر آورد و گفت کمال  
 بر صبری بیک کاسه آب عمامه میدهی سید پاک عمامه خود بر سر نهاد و گفتند مرا طلب  
 نیست صابر خواهی یافت از اولاد امام صابون حضرت زین العابدین ششم  
 که بعد واقعه کربلا گاهی آب نخوردند بیا تشنه کامی غریزان و والد ماجد خود  
 می آرند قریب چهل سال بعد این واقعه بودند متاهل شدند گاهی آب نخوردند  
 بوقت کمال تشنگی بدجوت شیر می نوشیدند سبحان الله عجب بزرگ صاحب کمال  
 بودند چون مراجعت از سفر نمودند در وطن بمقام کسی را نیافتند چون بموضع  
 دریا پور رسیدند بعضی از قریبان یافتند از احوال و زوجه شاه مصطفی بودند  
 موجود و دختر منسوب بیان کردند احوال هر چند تجردی نخست شدند و متاهلی  
 ناپدید شدند باصره اراقان صورت عقد مناکحت شرعیه واقع شد از سکونت  
 موضع کوتن برخاسته خاطر شده و در نیموضع دریا پور وصل اقامت انداختند  
 بسبب موانست بزرگان اجماع در عمر شخص الکی از بطن آن عقیقه متولد شدند  
 دو فرزند یکی سید شاه محمد الدودی و دیگری سید شاه فیض الدود از هر یک اولاد  
 شدند ذی علم و شایخ عظام سید شاه محمد الدود سه پسر کلانی مولوی سید حسن  
 ثانی سید حمید علی سید شمس الدین سید محمد متخلص سید سلیمان بودند و اولاد یافتند از نیا عالم بزرگ  
 چهل سال سید فیض الدود سید کی سیدی الدودی سید محمد و غلط سیوه

فرزند حافظ البوترب شدند چون سایه الدین از سر ایشان در گذشت  
 سکونت آنجا ناگوار افتاد اکثر آمد و رفت به ملاقات امون خود بموضع دریای پورند که  
 بسبب البطمی نمودند آخر برای تحصیل علم ظاهر و باطن سفر کردند ختیار مردانه و مجرد  
 عمر ایشان بسبب آن بود و رغبت ایشان شاه مصطفی خاا ایشان را یک دختر تولد  
 شد پنج ساله عمر داشت که حیل ملک بقاشدند بزوجه خود وصیت کردند که روزگار  
 روز ناسید البوترب در اینجا از سفر خواهد رسید این دختر را باو منسوب کردم در جزو  
 او خواهد داد و سید البوترب بعد از سی سال بحصول کسب کمال در وطن رسید کیفیت  
 سفرشان بدینطور در آن سفر در هلی تحصیل علم نمودند و حفظ قرآن مجید چون  
 قریب فراع شدند باو شاه وقت خواست که بر سر ایشان دستافضیلت  
 بپندد و وجه کفایت تقرر سازد و بدین در بدر شاه بی بمانند پذیرا  
 خاطر یافتند و از آنجا سفر کردند ختیار روانه شدند بسوی حجاز قریب هشت سال  
 در حرین شهر یغین مقیم بوده هفت حج ادا کرده صحت حدیث کردند و خپد سال  
 مجاور می روضه اقدس حضرت سرور کائنات کردند و فری از روز مادران  
 حرین شهر یغین راه می پیوندن تنها جای تشنه کام شدند آب ناپید بود  
 مضطر شدند کمال در آنوقت بزرگی خضر وقت شدند بیکال بزرگی از تشنه  
 پاک هویدا مشکیزه در غیل آب و جام در دست پرسیدند ای سید چه  
 میخواهی گفتند آب تشنه دهنم بستم فرمودند چیزی نده گفتند هیچ ندارم

ذکر اولاد حضرت مولانا حسن ضامن سره و برادرشان سید شاه  
 حیدر علی باید دانست سید شاه حیدر علی را یک پسر سید حسن خوشنویس  
 با کمال اولاد نشود و دو خواهر ایشان بحضرت شاه محمد تقی که خدا یکی بعد دیگری  
 و خواهر سیوم که از سید شاه یار علی ابن سید شاه ضیا الحق عرف رتین چند  
 دختران ایشان و یک پسر نام محمد یوسف جابجا که خدا شد ندکی از مولوی  
 واعظ الحق پدر مولوی عبدالحق دویلی از محمد اکبر سیومی از پسر مولوی محمد  
 چارمی مادر شاه فیاض نجفی زوجه میر محمد حسین ابن میر علی سجاد پهلوار دمی دختر  
 ایشان از سید علیم الدین خلف سید هدایت حسین و اناپوری که خدا شد رحیم الدین  
 نام پسر است چند خواهران ایشان و جناب حضرت مولانا سید حسن ضامن  
 قدس سره را دو دختر یکی زوجه حکیم بختن دویلی زوجه قاضی مظفر حسین و خلف از سید  
 جناب حضرت سید شاه غلام حسن از خواهر حضرت شاه محمد تقی یعنی از بی بی  
 آمنه که خدا شد از بطین ابن بی بی یک پسر و یک دختر دختر خجسته اختر زوجه  
 سید شاه علیم الدین بلخی ابن جناب شاه محمد تقی رحمه الله علیه که مذکور اولاد بالا  
 تحریر شد الا خلف الرشید جناب حضرت سید شاه غلام حسن قدس سره سید  
 شاه محمد حسن عرف سید میان زوی مغروران بود و در ریافت عرب  
 و فارسی از خواهر مولوی کفایت حسین ابن شاه محمد و نم بخش که خدا شد ندی یعنی  
 از نساه بی بی سعیده با وجود یک جناب اناج المحترم بودند اھم الامیج کمالات





محمد منیر و سید شاه علیم الدین سید امانت حسین را از تربیت صحبت کامیاب  
 شده اند فقط کیفیت نسب و حالات این بزرگوار از تالیف کتابت سید  
 متخلص سلیم دریافت شد و نیز سلسله نسب بالاستماع از حضرت جد الامجد پیر و سید  
 شیاه غلام حسین قدس سره دانای پوری و انجناب رازمولانا حسین منیر تحقیق  
 شد از این صاحبان جرمصاهرت اخوت معنویت ذکر اولاد حضرت مخدوم  
 سید علی احمد صابر جامی یافت تحریر نمود و یکی از بزرگان  
 موضع بدین تواند واضح باد اگر چه پسرزند بودن حضرت مخدوم سید  
 صابر کسے جانگوز نیست الا از دختر پیر شد خال المحترم جناب حضرت بابا شیخ  
 فرید الدین گنج شکر است در کتابت کو چون یافت جائی درین اوراق نگاشت  
 اگر چه این بزرگوار خود را فریدی نامند الا نسب آنحضرت است باید دانست  
 نام فرزند آنحضرت حضرت مخدوم شیاه شعیب الدین ولد ایشان مخدوم  
 سید شاه بدر الدین پسر ایشان سید شاه رکن الدین خلف ایشان حافظ  
 عبدالرحیم پسر ایشان حاجی سید محمد مختار پسر ایشان سید عبدالکریم ولد ایشان  
 حافظ عبدالوهاب پسر ایشان حافظ عبید الشکور ولد ایشان حافظ عبدالعلیم  
 پسر ایشان سید امام الدین پسر ایشان سید محمد عیوض پسر ایشان سید فضل الدین  
 دو برادر یکے میرزا فضل الدین و میرزا سید محمد باسط عرف میرزا فہیم الدین پسر ایشان  
 که حافظ سید عبدالشکور و او و پسر یکے سید عبدالعلیم

ظاهراً و باطناً بود حصول مقید مراقبه مشغول جفا کشی بود و بر انجناب اتم بیعت  
 بایشان از جناب والد ماجد خود الا تحصیل تربیت باطنی و صحبت جناب حضرت  
 خال الاعظم حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره بود و الار و بروی الد  
 خود کردند انتقال العجری و پنج سال و دو فرزند و یک دختر یادگار خود گذاشتند دختر  
 شان زوجه شاه محمد نصیر ابن مولانا مهینیر یعنی از مسماة زینب و فرزند ایشان  
 یکی شاه ولی الحسین و دیگری سید حسان علی تزاید عمر کنند و خلف کلانی را خ اعظم  
 سید شاه تجمل حسین ثانی سید امانت حسین که تحصیل علم ظاهر و باطن کرده  
 نوجوان رفتند بسوی ملک بقا و کبدائی سیده تجمل حسین اول از دختر سیده  
 احمد حسین بارتانی جای شد از بهر دو اولاد نه الا شادی ثالث از خواهر سیده  
 محمد نصیر شکوای شد سیدی سید و میان آنهم در زمان طفولیت رحیل ملک بقا  
 شد بعد رحلت پدر بزرگوار که آنهم نوجوان کردند انتقال سجا و گی سجاده علی  
 غلطان شد عقاب نامند جز اولاد بنات و آیا برادران عزیزان کجا شدند  
 رفتند در بقا ولی از ماجدا شدند که واضح باد سید شاه تجمل حسین رابعیت  
 از جد ماجد خود الا تربیت باطنی از جناب حضرت پیر مرشد سید شاه  
 قمر الدین حسین قدس سره و چند سال صحبت بابرکت جناب حضرت سیده  
 مبارک حسین رحمة الله علیه بوده مجاز اجازت و خلافت طریقه ابو العالی  
 شدند و نیز همه برادران را تربیت باطنی از جناب حضرت پیر مرشد است مولانا

واضح باد مخدوم بدر عالم را یک دختر بی بی ابدال که از سید محمد بنسب ذوی اولاد  
 و فرزند مخدوم رتبه بلند مخدوم شاه سلطان بودند فرزند ایشان سید محمود  
 عرف سید جلگن زاده بی ولد ایشان سید احمد پیری اینده ترتیب کیفیت ذریه  
 ایشان دریافت نشد الا بسامشایخین اینچوارنسب بقراست انجناب نامندیکه  
 بزرگ سید حامد عرف سوپن از فرزندان انجناب بوده اند خواهر ایشان مسماة  
 بی بی جلگن الله جناب شاه تراب الحق و شار بهار الحق موژدی بودند و شاه  
 محمد فیاض ساکن بسوه منجملات بهار از فرزندان نامی انجناب اند ایشان بعض  
 فرزندان مخدوم بدر عالم دریافت شد که این مخدوم محمد و مخدوم شاه سلطان  
 جانشین اولاد نشد الا از دو برادران بیاتی اولاد یکی را بفرزندی خود قرار داد  
 زیب سجاده کردند فرار آنها واقع موضع سوه هست جد مادری جناب شاه  
 امیر الدین فردوسی سجاده نشین بودند و دختر و یک پسر شاه فیاض داماد  
 ایشان پسر حاجی نصیر الدین شیخپوری و دختر کلانی ایشان از شاه بهادر علی  
 ساکن شیخپور که خدا و ثانی از جناب حضرت شاه ولی الله فردوسی والد ماجد  
 شاه امیر الدین سجاده نشین شاه بهادر علی را و دختر کلانی زوجه شاه محمد علی  
 شعیب شیخپوری برادر زاده شان فرزند ارجمند ایشان چندیکه شاه عبدالعلی  
 داماد شاه امیر الدین حمزه الله علیه ثانی دختر شاه بهادر علی از جناب شاه امیر الدین  
 که خدا از لطف این بی دو پسر یک شاه امین الدین احمد و بی شاه محمد تقی

دویمی سید عبد المنعم لیسر ایشان سید عبد العظیم ولدشان محمد مقیم پسر ایشان  
 هجرت زمان ایشانرا سه پسر سید حاتم زمان و سید علی زمان نام سیوم یادست  
 دو پسر سید حاتم زمان یکی میر طفیل علی پدر سید عبد الغنی صاحب مان متوسط و خواهر  
 ایشان زوجه مولوی سید نواز شش رسول و نیز خواهر سید حاتم زمان والده ماجده  
 مولوی سید نواز شش رسول و نیز میر طفیل علی محبوب زمان پدر محمد زمان اند ذکر  
 اولاد سید عبد العظیم دو پسر ایشان سید امام الدین و سید جمال الدین پسر ایشان  
 سید کفایت الله ولدشان سید عبد الرحیم لیسر ایشان سید عبد الکبیر لیسر ایشان  
 سید عطا کریم و پسر سید امام الدین سید محمد عیوض ولد ایشان سید فضل الله  
 سه پسر ایشان سید فرخ حسین سید احمد حسین سید صغر حسین پسر ایشان  
 محمد حسین که از خواهر خواجه محمد حسن بنسوب شدند لا ولد و سید احمد حسین را دو فرزند  
 سید محمد یحیی و دویمی سید بدر الحسن عرف حمن بر دو لا ولد الا سید فرخ حسین او  
 فرزند یکی شرف حسین عرف داروغه عالم علی لا ولد برادر ایشان سید آل حسن  
 بالیشان دو پسر و دو دختر کلانی سید احمد حسین و دو پسر ایشان یکی مفقود  
 دویمی فضل حسین موجود و ثانی سید غانت حسین والده سید اکبر حسین و پسر  
 خواهر کلانی سید محمد ولی و ثانی زوجه شاه حسین علی والده مولوی عبد الغنی  
 و برادر ایشان همه اند آما از اولاد که

ذکر فرست حضرت مخدوم سید بدر الدین بدر عالم

حضرت صدیق اکبر بی بی ام النجیر بنت صخره بن عامر اندازدخت عم کتخا بودند  
 و این ذکر در کتاب تذکره صدیقیه کرده است تسطیر فقط در اینجا مقصود بیان  
 از ذریت آنحضرت است باید دانست آنحضرت صدیق اکبر رضی الله عنه سه پسر و دختر  
 بودند از هر متهر حضرت عائشه صدیقه زوجه محبویه حضرت سید المرسلین رضانی بی بی  
 اسماء زوجه حضرت زبیر بن عوف بن ابی ذالبه کتخا فرزند آن ایشان یکی عبد الله بن  
 زبیر دومی عروه بن زبیر سومی صعب ابن زبیر که از بی بی سکینه دختر خباب  
 سید الشهداء امام حسن علیه السلام کتخا شدند و کیفیت دختر ثالث در ریافت آتش  
 الا از فرزندان یکی عبد الله که از محل اولی بودند و خواهر عیالی ایشان بی بی اسماء  
 مذکور و از لطن بی بی ام رومان حضرت عائشه صدیقه و حضرت عبد الرحمن  
 و از بی بی اسماء بنت عمیس فقط حضرت محمد پس نسل بهر دو جاریست

قبل غازی و بعد غازی مشهور است نوشته می آید

و صل فصل اول در ذکر ارباب سیدنا عبد الرحمن قبل غازی

خواججه ابو نجیب منیاء الدین سهروردی و شیخ شاد الدین دالد حضرت شیخ  
 شهاب الدین سهروردی هر دو برادر اند و شیخ الشیوخ برادر زادشان ضمیمه  
 در ذکر نسب حضرت شیخ شهاب الدین ابن شیخ عماد الدین ابن شیخ نجم الدین  
 ابن شیخ محمد الدین ابن شیخ رفیع الدین ابن شیخ همد الدین ابن شیخ محمد هتین  
 ابن شیخ محمد بن ابن شیخ امین ابن شیخ علید الله ابن شیخ عبد الله ابن شیخ

و سرخواهران ایشان یکی منسوب از شاه بنده علی ابن شاه حسین علی و دیگری زوجه  
 شاه عبدالحی سید زوجه شاه محمد جعفر بنده شاه سلامت علی فردوسی ذی دلانند  
 و یکی شاه تهمورحوم از فرزندان مخدوم بدر عالم بودند معروف خواجه ایشان زوجه  
 میر محمدی علی عظیم آبادی ابن میر یوسف علی پسرشان سید اهریب بن عرف جوی  
 موجود اند و دختر شاه تهمورحوم از شیخ اکبر علی ساکن بزاز می که خدا پسرشان شیخ  
 اولاد علی اند باقی مولوی سید وزیر الدین صاحب نیز از نسب آن مخدوم فرزندی  
 خود میگردد بیان سلسله نسب دریافت نشد که نمی گاشست و نیز منشأ عنایت  
 در نسب از فرزندان حضرت میگویند و نیز در ضلع شرقی اکثر مردمان عالی تبار خود را گویند  
 چون از ذکر النساب سیادات فراغت یافت ذکر نسب اولاد و حضرات خلفاء  
 شلاسه مینماید تفصیل این بر فضل و ضمیمه تحریر نمود بعده ذکر اولاد انصار نوسید

## فصل اول در بیان نسب نامه حضرت عتیق ابا بکر صدیق رضی الله تعالی عنه و اولاد بر دو وصل و دو ضمیمه ماعنه

حضرت سیدنا ابا بکر صدیق عتیق و عبید الدنام ابن حضرت عثمان ابو قحطبه  
 کنیت شان ابن عامر ابن کعب ابن سعد بن تمیم ابن مره از اولاد نضر بن کنانیه  
 قریشی که از فرزندان حضرت اسمعیل بیچ الله علیه السلام بودند و تفرقه  
 نسب را حضرت صلی الله علیه و سلم از حضرت از پشت هفتم است و والده ماجده

ضمیمہ اول در ذکر نسب حضرت مخدوم حسام الدین جالسی

قدس سرہ کہ اولاد آنحضرت اند

حضرت مخدوم حسام الدین جالسی ابن شیخ امام الدین ولد شیخ قیام الدین ابن  
 شیخ بدر الدین ابن شیخ محمد اعظم ابن شیخ محمد اسلم ابن شیخ محمد مکرم ابن شیخ  
 محمد اہ ابن شیخ محمد جاہ ابن شیخ ظہیر الدین ابن شیخ عبد اللہ ابن شیخ صدر عالم  
 ابن شیخ دانیال ابن شیخ عبد اللطیف ابن شیخ محمد جمال ابن شیخ احمد کمال  
 ابن شیخ سلیمان ابن شیخ داؤد ابن شیخ مسعود ابن حضرت عاصم ابن  
 حضرت قاسم ابن محمد ابن ابی بکر فی الصدیق رضی اللہ عنہ چون نسب نامہ بالا  
 تحریر شد از اینجا ذکر اولاد مخدوم حسام الدین مینویسد صاحبان موضع جلال کوی  
 از اولاد حضرت مخدوم حسام الدین جالسی اند میر محمد قاسم ابن میر حسام حمید  
 ابن مولوی غلام نجف ابن شیخ محمد عارف اللہ و میر محمد کاظم و میر محمد رستم و میر محمد  
 ناظم ابنان میر فدا علی ابن شاہ ہدایت علی ابن شیخ عارف اللہ نسبت  
 سادات ایشان از جد اوری است شیخ محمد عارف اللہ ابن مولانا محمد جمال اللہ  
 ابن شیخ عبد الرحیم ابن شیخ عبد الغنی ابن نواب اولیس خان خان خطابی ابن  
 قاضی شیخ محمد ابن قاضی شیخ محمد سعید خان عرف قاضی چاند ابن قاضی شیخ  
 چاند عرف قاضی چلہہ ابن شاہ حسام الدین ثانی ابن حاجی الحرمین شیخ  
 رکن الدین ابن مخدوم شاہ حسام الدین جالسی دو برابر بودند دومی شیخ صدر الدین

عبد الجلیل بن شیخ ابوبکر تھانی معروف شیخ عبدالفتاح ابن شیخ محمد آدم ابن  
 شیخ محمد اسم ابن شیخ محمد نوح ابن شیخ محمد یوسف ابن شیخ اسمعیل ابن شیخ  
 ابرہیم ابن شیخ عبداللہ ابن شیخ محمد عتیق ابن حضرت عبدالرحمن ابن  
 حضرت صدیق اکبر ابن ابو قحافہ رضی اللہ عنہم واضح باد کیسکہ از دریت  
 شیخ شیوخ باشند ابن نسب نامہ ہر او کا نیست و دیگر کہ خود را صدیقی نامند  
 در بنجر شیخ صدیقی و نسب ہستند الا شیخ صدیقی کہ بردست خلیفہ اول ایمان  
 آوردند از صدق دل بچنین است تحریر از پیشوایان این حقیر فقیر انجان نمود

تحریر ہر کہ اند صدیقی ازین نسب قبل غارے اند

وصل و دم فصل اول در بیان اولاد حضرت محمد ابن ابابکر صدیق  
 بعد غازی رضی اللہ عنہ واضح باد حضرت محمد بن ابی بکر صدیق رضی اللہ عنہ  
 از بطن بی بی اسماء بنت عمیس تولد شدند و رب و رب و آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم  
 الحاصل شادی محمد ابن ابی بکر صدیق و طبقہ انصار باین گردید پس ایشان  
 خیر التابعین قاسم ابن محمد از دختر عم سیدنا عبد الرحمن کہ خدا شدند  
 از بی بی اسماء ثانیہ یک دختر ایشان و یک پسرختر بی بی فوہ  
 والدہ حضرت امام جعفر صادق و حضرت عبداللہ و اسمعیل سر زندان  
 حضرت امام محمد باقر علیہ السلام ام سیادات باقری و جعفری نام پر  
 سیدنا عاصم اولاد ایشان شیوخ بعد غارے معروف اند کہ



ابن قاضی نادر علی احقری ساکن شهر گمانی میر قاسم علی راسته پسر  
 دختر سپهر کلانی محمد حسن و بی محمد قمر الدین سیومی میر نجم الدین بر ما که خداوند  
 حاجا و میر محمد قاسم را از عقد کلخ ثانیه اولاد یک پسر است و باقی از اولاد  
 بزرگان بالا جامی تبه خواهد یافت بر شایه این کتاب خواهد گشت شیخ  
 محمد جمیل بن شیخ حجت الله بن شیخ هدایت الله نیز بیان نسب خویش بعد غاری میکند  
 فصل دوم در ذکر اولاد و نیز نسب نامه حضرت عمر خطاب رضی الله  
 و تحت این ذکر فریت بدو وصل و چند ضمیمه یکے حضرت بابا

فرید و بی حضرت شمس الدین حقانی

نسب نامه حضرت امیر المومنین عمر خطاب رضی الله

امیر المومنین حضرت عمر بن خطاب بن نفیل بن عبد الغری ابن ریاح ابن  
 عبد الله بن فطر ابن فلاح ابن عدی ابن کعب بن بوی بن غالب النسب  
 انحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و از حضرت عمر تفریق از کعب است جد هشتم  
 انحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و جد نهم ایشان دو والد حضرت عمر ختم نیت یازدهم  
 ابن مغیره بن عبد الله بن عمر بن مخدوم بن قصی بن کلاب ابو جبل بن هشام  
 ابن مغیره برادر عمر و مادر ایشان بود از بنی اعمام ام المومنین خدیجه الکبری  
 بنت خویلد بن اسد ابن عبد الغری ابن قصی بن کلاب کسانیکه ابو جبل را  
 از عم انحضرت شمارند غلط است واضح باد حضرت عمر را اولاد کثیر از پسر

اولاد ایشان چنانچه اند باید دانست قاضی محمد سعید عرف قاضی چاند برادران  
 چهار بودند یکی ایشان وی قاضی بدر جهان سیومی قاضی مبارک چار سے  
 قاضی احمد ذریات ایشان نیز حاجی باشند شیخ عبدالغنی نیز ابن نواب علی خان  
 مسہرادر یکی ایشان دومی شیخ حمید سیومی شیخ عبدالرسول و پسران شیخ  
 عبدالغنی نیز چار شیخ عبدالرحیم و شیخ ابو القاسم و شیخ عبدالرسول ثانی و شیخ  
 عبدالغفور شیخ عبدالرحیم رانیر چهار فرزند یکی مولانا محمد جمال دومی شاه محمد عبدالم  
 سیومی شاه عبدالجلیل چارم شیخ ہدایت اللہ از اجداد میر سلامت علی مولانا  
 محمد جمال اللہ رانیر چار پسر شیخ محمد عارف اللہ و شیخ محمد فضل و شیخ اہل الشہ  
 و شیخ مولانا داغظ اللہ مولوی عارف اللہ برادر و پسر یکی مولوی غلام نجف  
 پسر ایشان شیخ حسام چیدر و شیخ مصصام چیدر و شیخ ذوالفقار چیدر و دو دختر  
 یکی جدہ مادر سے شاہ حسین علی دومی زوجہ قاضی نادر علی ساکن شہر گہاٹی  
 پسر دومی مولوی عارف اللہ شیخ ہدایت علی پسر ایشان میر فدا علی چند خواہر  
 ایشان یکی از ان والدہ میر کرم حسین پسران میر فدا علی شیخ ہاشم از محل اولی  
 محمد کاظم و محمد ناظم و یک دختر از زوجہ ثانیہ زوجہ شیخ ہادی حسین ابن منشی  
 رجب علی و محمد کاظم ہر شہ برادر ذی اولاد اند و نیز شیخ ہادی حسین نیز حسام  
 را یک فرزند میر محمد قاسم و سہ خواہران یکی زوجہ مولوی ابوالحسن ابن مولوی  
 سید وجہ اللہ دومی زوجہ قاضی امیر حیدر و سیومی زوجہ مولوی وزیر حیدر

پند وی بودند واضح باد و محمد و حمصام الدین ابن شیخ اقلشام الدین حزن  
 خواجده دشمنان شاه جلال الدین ابن بزرگ نیز از خلفاء حضرت سلطان  
 الاولیا نظام الدین محبوب بخانی قدس سره بودند شیخ جلال الدین ابن شیخ  
 معین الدین ابن شیخ زین الدین ابن شیخ صدر الدین ابن حضرت بدر الدین  
 سلیمان ولد حضرت بابا فرید الدین گنج شکر قدس سره و اولاد حضرت حمصام الدین  
 اندلسیار بهر دیار الا بخت واسطه یا هشت ایشان شاه کریم الدین بودند معروف  
 شاه کریم این بزرگ از مقام مانکیور درین دیار لقبه حمیره مع اهل و عیال  
 وارد شدند درینجا تکیه ساخته محله صاحب گنج مع اهل و عیال باز بسوی دکن حرکت  
 کردند الا یک پسر خویش اسمی شاه کبیر الدین بر آن تکیه جانشین کرده و قند مزار  
 در وطن است شیخ کبیر الدین بدان منزین یک چک آباد کردند بنام والد و اجداد  
 خود کریم چک ترتیب نام معلوم نیست الاحضرت شاه عزت الله و حکیم  
 مسیح الله از فرزندان ایشانند هر دو برادر طریقه چشتیه گذشتند مرید حضرت  
 شاه عصمت الله قادری که مرید و خلیفه حضرت مولانا وارث رسول نما  
 بودند تربیت و خدانت یافتند پسر شیخ حکیم مسیح الله شیخ قاسم و یک خواهر  
 ایشان در مقام گهلبه از تکیه شیخ با سو که خدا شدند و شیخ قاسم از دختر غم خود  
 شاه عزت الله که خدا شدند و اولاد یکی شیخ عسکری و الد حکیم شاه ممد حسین  
 و دیگری شیخ غالب علی پدر شیخ محمد جعفر سیدی منشی عنایت حسین پدر شیخ

و خضر صغیر و کبیر یعنی عبداللہ ابن عمر و خواہر اعیانی الشبان امام المؤمنین حفظہ  
از یک لطف اندوزید بن عمر از لطف خضر حضرت علی اولاد نماند و عبد الرحمن اکبر و  
عبید اللہ و عاضم بن عمر و عبد اللہ اوسط و عبد اللہ صغیر و عبد الرحمن صغیر و عیاض  
و ابو شحر از البطان مختلف خواجہ عبید اللہ اوی ابن خواجہ زید ابن شیخ عمر ابن  
شیخ ابوبکر ابن شیخ عبید ابن شیخ محمد سعید ابن شیخ زید صغیر ابن خضر

عمر بن خطاب رضی اللہ عنہ

وصل اول فصل دوم در ذکر نسب حضرت شیخ المسلمین

بابا فرید شکر گنج قدس سرہ

حضرت شیخ فرید الدین ابن شیخ جمال الدین سلیمان ابن تفرج شاہ  
والی کابل ابن شیخ محمد داؤد ابن شیخ محمد خلیل ابن شیخ عبد الجلیل ابن  
شیخ عبد الجبار ابن شیخ عبد اللہ صحرای ابن شیخ عمر عطار ابن شیخ محمد ذکریا  
ابن شیخ ابراہیم ابن شیخ قاسم ابن حضرت عبد اللہ ابن حضرت عمر خطاب  
رضی اللہ عنہ باید دانست حضرت بابا فرید را دور و جہ فرزندان کثیر ہر یک  
کامل فقیر الاولاد جاری ماند از ہر یک شیخ نصیر الدین کلانی ثانی شیخ  
بدل الدین سلمان سیومی شیخ کبیر الدین چارمی شیخ یعقوب شیخ  
بدل الدین سلمان زبیدہ سجادہ حضرت شدند کہ ضمیمہ اول در  
ذکر حسام الدین مانکیوی کہ مرید و خلیفہ حضرت نور قطب عالم

مولانا شیخ عبدالحق محدث دہلوی ابن شیخ سیف الدین ابن شیخ فتح الدین  
 ابن شیخ کریم الدین ابن شیخ سیف الدین برادر محمد دوم شیخ حسام الدین بایکپوری  
 ابن شیخ احتشام الدین خواجہ دانشمند ابن شیخ جلال الدین ابن شیخ معین الدین  
 ابن شیخ زین الدین ابن شیخ صدر الدین ابن حضرت بدر الدین سلیمان ابن حضرت  
 بابا فرید الدین گنج شکر قدس سره ضمیمہ سوم فصل دوم اصل اول شیخ  
 نصیر الدین عرف شیخ پیاری واضح باد شیخ نصیر الدین پیاری ابن شیخ  
 فیض اللہ ابن شیخ امان اللہ ابن شیخ کبیر الدین ابن محمد دم نصیر الدین خلف  
 کلانی حضرت مقبول ربانی بابا فرید الدین گنج شکر قدس سره باند و انست شیخ  
 امان اللہ رحمہ اللہ علیہ جانشین نصیر الدین از حضرت پاکپتن شریف بطریق حسیا  
 در پنجوارا حسب حکم ولایت درین دیار عمر ضعیف جد بزرگوار شریف آور دند در  
 دہلی چندری اقامت کردہ آخر بمقام کالیسی رسیدند و رانجا از حضرت سید  
 جمال الدین ابن سید علا الدین کہ جلال علی انجا کسار بودند و طرقہ چشتیہ داشتند  
 بسبب ارتباط ملاقات دست داد حضرت سید جمال الدین خودستند اقامت نمایند  
 بدینچوار فرمودند در جواب حضرت شیخ امان اللہ ای برادر دو قطب در یک اثر  
 نمی گنجند آخر کار از رانجا محافل و عیال بنواح حضرت بہار رسیدند و رانجا جای  
 پسند ساخته بنا را واد و خانقاہ نمودند و مزید و مستر شدند و رانجا پدید آمدند  
 نام آن محلہ چشتیانہ شد مشہور از شرفا و رانجا نوبت صورت مصاہرت افتاد

احمد حسین شیخ شرف الدین چارمی شاه فضل علی پدر شیخ حبیب حسین پنجمی شاه  
 شجاع علی لاولد بلا سند حضرت شاه غزوات الله را دو دختر و چهار پسر  
 مذکور العذر ثانی مادر شیخ قطب الدین پدر شیخ قاسم علی داماد حضرت حکیم منظر حسین  
 قدس سره خلف کلانی حضرت شاه حکیم فرحت الله قدس سره طویل الذکر ثانی  
 شیخ امیر الله سیومی پدر شیخ محمد عوض چارم پدر شیخ ولی الله حضرت حکیم شاه  
 فرحت الله مخا طیب بابا حسن و ست یک از مریدان و خلیفه اجل  
 محمد و شاه حسن علی قدس سره و موسی الیو العلاء چهار فرزند حضرت ایشان  
 کلانی شیخ قمر الدین حسین و پسر ایشان شیخ خیراتی و شیخ علی حسین باقی فرزند پنهان  
 ثانی مقبول ثانی حضرت حکیم شاه منظر حسین با کمال خوش خصال قدس سره  
 چند دختران با حضرت کلانی از منتهی قاسم علی که خدا و خلف ایشان حکیم محمد  
 و مقبول حسین دختر ثانی از شیخ منظر حسین برادر زاده انحضرت که خدا خلف ایشان  
 حکیم محمد نصیر تالفا از حکیم محمد مهدی حسین که خدا شش فرزند ایشان و یک دختر باقی  
 در قرآن که خدا الا خلف الرشید انحضرت حکیم خورشید حسین مع الفضل کمال پسر  
 ایشان شاه فرحت حسن و چند خواهران ایشان و خلف سیومی انحضرت حاج  
 شمس الدین لاولد چارمی حکیم سعادت علی صاحب لیس ایشان شیخ منظر حسین و شیخ  
 مرتضی حسین و شیخ اظهار حسن هر سه برادر جمیع صفت موصوفه بودند  
 ضرر در ذکر نسب لامناشی عجم بلوی محدث که فرزند برادرانند

ایشان هر یک از دختران عم که خدا شده نکلا فی لپس شرح مغر الدین ثانی ایشانرا  
 نیز سه لپسری که شیخ مغر الاسلام و وی شیخ رکن الاسلام سیومی شیخ فتح الاسلام بن  
 شیخ مغر الاسلام جدا علی شاه اظهر حسین ابن میر حسین بخش سادات مادریت  
 با ایشان میر حسین بخش ابن شیخ قلندر علی ابن شیخ ابوتراب ابن شیخ الاسلام  
 ابن شیخ عبدالسلام ابن شیخ مغر الاسلام ابن شیخ مغر الدین ابن شیخ منهاج الدین  
 ابن شیخ نصیر الدین پایزی ابن شیخ فیض الدین ابن شیخ فیض الدین معلوم باد باید  
 شنید لپسردوم شیخ مغر الدین شیخ رکن الاسلام بودند جدا علی مولوی مغر الدین  
 مرحوم کورجی ابن شاه قطب الدین عرف شاه بساون ابن شیخ محمد مراد  
 ابن شیخ محمد جواد ابن شیخ محمد ذکریا ابن شیخ محمد یحییٰ ابن شیخ رکن الاسلام ابن  
 شیخ مغر الدین مذکور الصدوق اصح باد شیخ محمد مراد و لپسری که مذکور بالا شاه  
 قطب الدین عرف شاه بساون که یکی از مریدان و خلفای نامدار حضرت  
 قطب العالم مخدوم شاه محمد معتمدین سرکه بودند ثانی لپسری که برکت حسین ابن  
 شیخ الفت حسین لپسشان شیخ عبدالحسین ابن عالم لا ولد قلندر و شادی حضرت  
 شاه قطب الدین بساون از دختر میر سید علی ارشد گردید نام آن بی بی لعلن  
 بنت بی بی علیر دختر میر سید محمد با عمر ابن میر سید حسین ابن میر سید اولیا ابن میر  
 صدر جهان و نسب نام میر سید علی ارشد بدینطور ابن میر سید عبدالشکور  
 ابن میر سید محمد فضل ابن میر سید عبدالواحد ابن میر سید صدر جهان مذکور الصدوق

الحاصل بعد چند می شیخ فیض الله از اولاد ایشان خواسته خاطر گشته معاً به بلوچستان  
 قریب وانا پور بموضع سید پور دیکه که مردان ایشان در آنجا بودند اقامت  
 ساختند بگونه بهلولاری ضلع بلوچستان در آنجا مردان ایشان فرقه رمیداران آن  
 قوم خلجی منصب چودریائی داشتند شرط خدمت بجای آوردند بعد مصای  
 چند سال در اولاد پیر اولاد مریدان بصورت ظهوری ادبیان صورت نفاذ پیدا  
 بسبب عتقانی که پیشین دندنا گوار طبع انحضرات گشت قصد مرجع بسوی  
 بهار اقامت ایشان ساختند چون عزیمت اینطور شد پیران شیعوی ساکن  
 کوزجی این مضمون شد بهویدا شیوخ آنجا حاضر شده بالکل در آنجا بر دیشان  
 فرمودند آخر از شما نیز روزی چنین اموقع اید سر بر قدم پیران نهاده عرض  
 ساختند مادر آنجا بطور عایا خواهم ماند حضور مالک مختار و من تا بعد از  
 چون بطور غربت در آنجا بردند صورت قیام فتادام انوضع بنام یک از فرزندان  
 خود شیخ عنایت الله چشتی پور عنایت الله ساختند بمرشد پیران و انا پور  
 قریب یک و نیم کرده فاصله داد و باید دانست شیخ عنایت الله ابن شیخ فیض الله  
 را علاوه دختران یک پسری بود شیخ رحمه الله و دو دختران سه شیخ عنایت الله را  
 از پسرن برادر ایشان شیخ نصیر الدین پاریسی که خدا شد و نام پسرن شیخ رحمه الله  
 شیخ اغر الدین و شیخ تاج الدین و شیخ عزیز الدین و پسرن شیخ نصیر الدین که از  
 خواهران شیخ رحمه الله که خدا شدند یکی از ان شیخ مناج الدین سلسله پسرن



یک مفتی امیر الله که در علم فارسی بی نظیر بود نذا از تلمذ ثانی یک پسر احمد نادر و یک دختر  
 محمود هست موجود و پسر ثانی مولوی صاحب مدوح مولوی محمد اکبر که در عربی و فارسی  
 داشتند مهارت تمام که خدا از دختر خالاتی مسماة محمد و مرشدند و پسر ایشان  
 بوجود آمدند امید علی و نظیر حسین هر دو لاولد و پسر سیوم شاه محمد ضحیر شاد و  
 ایشان در مقام منیر گردیدند و دختر شاه لطف علی مرحوم یک پسر با ایشان بود  
 اند محمد خلیل که فدائی ایشان از دختر مولوی اشرف علی نوآبادی شد یک دختر  
 و یک پسر شد شاه آفتاب حیدر طال الله عمره و قدره و پسر چارمی حضرت مولانا  
 شاه محمد خیرانی که و ازید چوهر صفائی از زوجه سلیم ایشان اولاد اند و شادی مولو  
 عزیز الله رحمه الله علیه از مسماة جمیع حضرت بی ناظمه و وجه شاه تاج الدین نوآبادی  
 شد و از عقد ثانیة دختران پسران بوجود آمدند و از جوان فوت شدند و اند موجود  
 اولاد حسین و مهدی حسین و یک خواهرشان واضح باد پسران شیخ فتح الاسلام  
 ابن شیخ مغیر الدین یکی شیخ وارث علی و دیگری شیخ فخر الاسلام سیومی شیخ بدرالاسلام  
 چارمی شیخ الاسلام منجم حاتم شرفی حضرت شاه محمد ولی لاریب ولی و شیخ  
 وقت بودند بارشاد مرشد طریقه نقشبندیه شدند و اولاد ایشان بجای تحریر  
 خواهم کرد و در اینجا ذکر پسران شیخ رحمه الله ابن شیخ عنایت الله ابن شیخ فیض الله  
 مینمایم بداند شیخ اعمر الدین اولین و دختر ایشان بودند از بنی اعلام که خدا شدند  
 و دیگری شیخ عزیز الدین که ایشان شیخ ابو الفتح ایشان را چهار فرزند بر تبر بلبند

که خدای میر سید عبد الواحد از دختر خال خود قاضی عماد الدین ابن قاضی سید  
 عبد الفتاح عرف قاضی بڑی گردید و شادی پسر ایشان نیز از دختر عم گردید  
 و شادی میر سید عبد الشکور از دختر میر عنایت الله بی بی پور شد الحاصل حضرت  
 شاه قطب الدین بسا دن را دو پسر یک دختر پسر کلانی منشی محمد غوث که از بی بی  
 نعیمه بی بی و حاصله که زوجه شاه وحید الاسلام بودند که خدا منشی محمد غوث  
 عرف دامن را یک پسر و یک دختر سماء منیر اعوف سنوین که از منشی امیر الله  
 پسر کلانی مولوی غفر الله ابن شاه قطب الدین که خدا شدند اولاد مانند الا  
 پسر منشی محمد غوث مولوی فرحت علی کاشف سرخفی و جلی از دختر شاه  
 ابراهیم حسین نو آبادی که خانام آن بی بی سماء بیگم یک دختر ایشان بی بی  
 حریم زوجه اولی سید شاه حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی ابن حضرت  
 شاه یحیی علی از بطن این بی بی دو پسر یک دختر زوجه میر واجد حسین ابن میر  
 اسمعیل علی و نام پسران سید شاه محمد قاسم که از دختر میر عبد الحسین بن اسمیر بی بی  
 که خدا شدند یک پسر سیدی محمد حسین پسر دومی شاه محمد واجد اند اینده خود است  
 منشی محمد غوث اندو پسر دوم شاه قطب الدین عرف شاه بسا دن مولوی غفر الله  
 رحمه الله علیه که بعلم عربیت و فارسی تبحر داشتند و ذی فنون و ذی جمال سعیت  
 هر دو برادر را از جناب والد ماجد خود هست الامولوی صاحب عمر اخیر تربیت علم  
 باطن از برادر زاده خود حضرت شاه قمر الدین حسین یافتند فرزند مولانا چاهار

در بنی اعمام و احوال که خدا شدند و پدر دوم شیخ فخر الاسلام بودند شاه حمید الاسلام  
 دو دختر ایشان یکی از بنی اعمام که خدا و بی زوجه میر حسین بخش از ان بطن  
 یک دختر مسماة بخشا النساء زوجه مولوی اشرف علی لویا بادی مادر میر حسین علی  
 پسر پنجم شیخ فتح الله شیخ الاسلام مذکور بالا از دختر میر سید رکن عالم دانا پور سے  
 که خدا شدند از بطن آن عقیقه شیخ ابوتراب پدر شیخ قلندر علی دویمی دختر مسماة  
 از شیخ احمد شاه لپیشان محمد شاه دختر سیومی منسوب از پسر شاه محمد ولی از شیخ  
 کرم علی درینجا ذکر فرزند ان باشد تمام وصل دوم فصل اول در بیان  
 احوال نسب حضرت مخدوم شمس الدین حقانی ادهمی  
 واضح باد حضرت مخدوم شمس الدین حقانی که اهل مزار و موضع بلور می علاقہ  
 بہار دریت ایشان اند بسیار اکثر صاحب تبال بعضی اولاد ایشان نسب  
 ایشان سیادات شمارند بسبب دہمت حضرت مولانا منظر قدس سرہ باید دانست  
 نسب دہمت حضرت مولانا بابا جواد ایشان است جانب مادر نیست جدی سیادت  
 ہستند از اولاد حضرت حسین صغرا بن حضرت امام زین العابدین رضی اللہ عنہ  
 و حضرت سلطان ابراہیم جدی نسب دہمتی دارند و بواسطہ اندابناء ملوک کہ

نسب نامہ حضرت مخدوم شمس الدین حقانی

مولانا مخدوم شمس الدین حقانی ابن شاه ابو محمد ابن شاه محمود عالم بن مخدوم  
 شاه قاضی احمد ابن مخدوم شاه عبید اللہ ابن شاه عبد الاحد ابن شاه

یک شیخ ابو الغیث دوی شیخ ابواللیث سیموی شیخ ابوالولیس چارمی شیخ محمد ویش  
 باید دانست این هه برادران را بجز فرزند دختر نبیره مانا ندچا نچا زاد و دختر  
 شاه محمد ویش شیخ محمد مروج و مولوی عزیز الله و نند و از اولاد و دختری شاه  
 ابوالولیس چند دختران و از اولاد دختر شاه ابوالغیث شیخ مارون ساکن  
 شیخچوه کلان و کفایت رزندان شیخ ابواللیث دریافت نشد الا شیخ تاج الدین ابن  
 شیخ نصیر الدین اود و پسر ندیک شیخ منهاج الدین دوی شیخ سراج الدین پسر  
 شیخ منهاج الدین شیخ رفیع الدین و پسر شیخ سراج الدین شیخ محمدی پسر ایشان  
 شیخ فیروز عبد الجب شیخ امام بخش کور پشت زبان درشت کورجوی از نیجا ذکر فرست  
 شیخ فتح الاسلام معنوی لیدیکل زان پنج برادر شیخ وارث علی با حدنا کتھا و حجاب  
 یک شاه محمد دلی مذکور الصدراست فرزندان ایشان پسر اول شیخ غلام علی لا ولد  
 دوی شیخ کرم علی از دختر شیخ الاسلام شد ندکتھا اعتقا با ایشان نما ندسیو  
 شیخ نور علی که در دیاشند غریق رحمت از دو دختر شان اولاد ماند و یک پسر  
 شیخ فہیم الله لا ولد نام دختران بی بی ناطله و بی بی و احله مذکور بالا سیو  
 شیخ فتح الاسلام را پسر شیخ الاسلام الدواد شیخ ابوتراب پدر شیخ قلندر علی  
 والد میر حسین بخش و پسر سیمو شیخ پدر الاسلام شیخ عظیم الله پدر شیخ رفعت الله  
 پسر ایشان شیخ عزت الله و پسر چارمی شیخ فتح الاسلام شیخ فخر الاسلام و پسر  
 ایشان شیخ حسن علی پدر شیخ هدایت علی و نیز دختران ایشان بودند

خیمه دوم در ذکر پسر ثانی شیخ عجل الله فرجه میران فرزند ایشان سید  
 پسر ثانی شاه عبدالاحد عرف میران قاضی عبدالغفر نیر ولد ایشان قاضی محمود  
 فرزند ایشان از انجمله کیفیت و سپهر مینو لیسید که قاضی شیخ هدایت الله پدر قاضی  
 محی الدین مبارک پسر ایشان شیخ مسیح الله سپهر و بی قاضی محمود ابن شیخ  
 لطف الله ایشان نیر و سپهر یک شیخ عاشق محی الدین ابن شیخ غلام محی الدین  
 پسر ایشان قاضی پیر علی والد قاضی اسد علی دولت پوری و پسر ثانی شیخ  
 لطف الله شیخ غلام بدر الدین خلف ایشان شیخ غلام حیدر که خدای ایشان  
 در اولاد حضرت خواجه زین الدین برادر خواجه کمال الدین علامه خلیفه و خواجه  
 حضرت مخدوم نصیر الدین چراغ دهلوی گردید که آنحضرت در نسب علوی بودند  
 شیخ غلام حیدر سپهر یک دختر نام دختر بی بی حیات زن روجه مولوی بدیع الزما  
 دختر ثانی بی بی و جوجه میر عابد علی دانا پوری الحاصل پسر کلانی مولوی  
 غلام قادر مفتی یکم دختر ایشان از شیخ و اهب حسین ولد حضرت خواجه بزرگ  
 که خدا شد ندسه سپهر یک مولوی منیر الدین احمد افضل کمال موصوف اردنیا  
 محصور فتنه و دوی مولوی امیر الدین احمد ثالث نصیر الدین نوجوان فیت  
 از نیعالم و پسر ثانی شیخ غلام حیدر شیخ مادر علی ایشان را دو سپهر و دو دختر یک  
 روجه میر قادر علی والده نصر الدین و دوی والده مولوی ال احمد و محمد حید  
 فرزند کلانی مولوی فضل حسین و ثانی مولوی اشرف حسین عرف مولوی قدس

علی اکبر ابن محمد دوم شاه علی صفرا بن محمد دوم شاه عبدالفتاح جیول ابن محمد  
 شاه محمد سحاقی ابن شیخ محمد یونس ابن شیخ محمد داود ابن شیخ محمد ابن حضرت  
 سلطان ابراهیم ابن سلطان ابو الفتح لقب سلطان ادبم ابن سلطان ابو ناصر  
 محمد ناشم بن شیخ محمد مسلم ابن شیخ عبداللہ ابن حضرت عاصم ابن حضرت  
 امیر المومنین عمر ابن الخطاب نسب نامہ حضرت امیر المومنین عمر فاروق در ذیل  
 ذکر فرید بیان تحریر شد ابن نسب فاروقی حقانیدہ ہست در ذیل بیان شد  
 شجرہ ضمیمہ اول در ذکر نسب حضرت قطب العالم محمد دوم شاه  
 محمد منعم قدس سرہ باید دانست فرزند حضرت محمد دوم شمس الدین  
 حقانی شاه کمال الدین بودند یا نیست نام ثانی الحصول پسر شاه کمال الدین  
 شیخ نجم الدین پسر الشان شیخ بدیع الدین ولد الشان شیخ محمد ابن الشان شاہ  
 محمد امجد ابن شاہ مہجول مقبول رسول ولد الشان شیخ عبدالاحد عرف میران شاہ  
 پسر الشان دیوکی شیخ محمد نعیم ابن شیخ عبدالکریم ابن شیخ امان اللہ الشان را دو  
 پسر یک دختر مساقی بی صما برہ با کمال و کلانی پسر شیخ رحمۃ اللہ در متی  
 الشان شد چنانچہ سبہ یا نواسہ الشان شاہ محمد سدا بودند پسر الشان شاہ المحسن  
 والد ماجد قاضی مولوی امیر الحسن او لا و دختری شاہ محمد سدا قاضی مردان علی  
 بودند سلام پوری و ولد ثانی مقبول ربانی حضرت شاہ محمد منعم قدس سرہ

پیران این خاک را فقیر حقیر

فصل سیوم در بیان حالات و نسب امیر المومنین عثمان غنی رضی الله عنه  
 بیک وصل و ضمیمه باید دانست حضرت امیر المومنین عثمان غنی ابن عفان  
 ابن ابی عاص ابن امیه بن عبد شمس بن عبد مناف تفرد در نسب از حضرت  
 صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت عثمان رضی الله عنه از چهار شیت نسب است  
 امین بنی امیه و آنحضرت اند بنی هاشم و آله حضرت عثمان بنی بی اروی ختر  
 که نیر بن ربیع بن حبیب بن عبد شمس کنکور الصدرو مادر بی بی اروی بی بی  
 بیضا عمه آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم واضح باد از واج حضرت عثمان  
 کثیر الادود و خمران آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم یک بعد دیگری زوجه نجباء  
 شد ندیک بی بی رقیه دوی بی بی ام کلثوم از هر دو اولاد نشد عقاب مانند  
 جزئیات حضرت نبی شش تن وجه بودند از هر یک اولاد از آل آنها معروف  
 بر شیخ عثمانی نام فرزندان حضرت امیر عمر و عبد الله اکبر و عبد الله صغرو ابان  
 و خالد و سعید و عقیله و ولید و حبیبه و مغیره و عبد الملک یازده پسر نوشته اند مورخان  
 و شش دختر کسب نامه از ذریات هر فرزند یافت و نه از ترتیب سلسله الانساب  
 ولی کاملین حضرت مخدوم جلال الدین کبیر ادلیا پانی پتی و از فرزندان آن  
 بزرگ در اینجا نیز رسیدند حضرت جلال الدین کبیر اولیا ابن خواجه  
 شاه محمود ابن خواجه شاه یعقوب ابن شاه خواجه علی ابن خواجه اسمعیل  
 ابن خواجه محمد ابن خواجه عبد الله معروف بخواجه ابوبکر شبلی ابن حضرت عثمان

از خواهر قاضی محمد بخش که خدا یک فرزند محمد امین و پسر سیوم شیخ علام حیدر  
 شیخ صفدر علی فرزند ایشان شیخ محمد جعفر ذی اولاد هستند واضح باد یکی  
 از رؤسا انجوار شیخ نواز شحسین و برادر ایشان شیخ ارادت حسین از فرزندان  
 محترم حقانی معروف و نازشادی اول شیخ نواز شحسین از خواهر مولوی  
 و اعطای شده بود از آن یک دختر بے بے وزیرین روجه شیخ محمد حیات  
 لاولد و پسر شیخ ولایت حسین داماد شاه شرافت علی فردوسی از محل اولی یک  
 پسر محمد حسن لاولد رفت از نیام و از شادی ثانیه شیخ عبدالصمد که موجود اند  
 و شادی ثانیه شیخ نواز شحسین از صبیبه کلانی شاه واجد علی فردوسی ساکن  
 موضع ساینه برادر کلانی شاه شرافت علی فردوسی بودند گردید از لطن آن  
 زوجه دو فرزند و یک دختر زوجه شاه فیاض الدین ابن شیخ ارادت حسین  
 و پسر کلانی شیخ محمد حسین ذی ولد اند و ثانی مولوی محمد جمل مرحوم که از دختر  
 عم خود شدند که خدا یعنی از دختر شیخ ارادت حسین سه فرزند ستم بلند کلانی  
 مولوی احمد حسین ثانی شاه طو حسین ثالث شیخ نور الحسن اند ذی اولاد هستند  
 و شیخ ارادت حسین را از شادی اول یک پسر شیخ محمد حسین داماد قاضی اسد علی  
 لاولد و از شادی ثانی که در سهرام گردید از صبیبه شاه شمس الدین یک دختر  
 زوجه شیخ محمد جمل مذکور و پسر شاه فیاض الدین اولاد نشد باقی اولاد حضرت

شمس الدین حقانی در جوار بهار هستند



از جمال ایشان صورت بجا بست یا قند و خمر و نبر و حیث ایشان دادند آخر بقا  
 و یوره کیک ساخته میقیم شدند بعد مضای چند از انجا شاه ماهر و بطور سیاحت  
 در نیوان آمدند و با جانی معتقد شده از زمین چاکن قریب صد یک معافی نذران نمود  
 حالا آن علاقه موضع چاکن مشهور سپهر یکم است و حزار شاه ماهر و موضع  
 سعدی پور است حالا بتفصیل کیفیت دریت نیست بجزرت شاه ماهر و  
 و فرزند بودند که لانا شاه رحمة الله و می شاه عزیز الله ایشان را  
 و و پس شدند نام پسر شاه رحمة الله شاه هلایت الله بخشید و تعالی ایشان را  
 پسر چهار هر یک عالی تبار که شاه حبیب الله و می شاه محب الله سیومی  
 شاه اهل الله چارمی شاه کریم الله بفضل هر یک ذی اولاد بداند شاه  
 حبیب الله راسه پسر که شاه کمال الحق و و پسر ایشان یکی شاه کاظم علی پسر  
 ایشان محمد اشرف و می شاه انور علی ذی ولد اند سیومی شاه مقبول علی  
 اینهم ذی اولاد و متوسط خلف شاه حبیب الله مولوی علی رضا از دختر شاه  
 کریم الله که خدا یک پسر و یک دختر اولاد دختر علی حسن موجود و پسر شاه موسی رضا  
 مرحوم لا ولد فرستند و شاه اهل الله را دو دختر که از برادرزاده شاه بنده  
 کتخدا و می جای دیگر در اقران و شاه کریم الله را یک پسر شاه احمدین  
 لا ولد فرستند از نیغال و دختر و جبه مولوی علی رضا و شاه محبت را چند  
 دختران و و پسر که شاه بنده علی ایشان را دو پسر و دو دختر نام پسران

ابن خواجه عبد الغزیز ابن خواجه عبد الرحمان ابن خواجه دریا الحق ابن خواجه  
عبد الغزیز ابن خواجه خالد ابن خواجه عبد الغزیز ابن حضرت عبد الرحمان  
ابن حضرت امیر عمر ابن امیر المومنین حضرت عثمان کنون ذکر نسب تحت میثاق

### نسب نامه شاه حسین علی مولوی علی رضا

از ذریت اجمالا و تفصیلا نسبت مولوی عبد الفتی ابن شاه حسین علی ابن جوگ  
وارث علی ابن شاه محب اللہ ابن شاه ہدایت اللہ ابن شاه رحمۃ اللہ ابن شاه  
ماہر و ابن شاه محمد ابن شاه معروف ابن شاه منصور ابن مخدوم شاه  
برٹان الدین عرف بندگی شاه خوند میان دیو رومی ابن شاه برنوردار  
ابن شاه محمد اسحاق ابن شاه سلیمان ابن شاه داؤد ابن شاه عبد القدوس  
ابن شاه شعیب ثانی ابن مخدوم شاه جلال الدین کبیر الاولیا باخشیہ الصابری  
یعنی خلیفہ بودند حضرت خواجه شمس الدین ترک یابی بنی کہ مرید خلیفہ حضرت مخدوم  
سید علی احمد صابر بودند نسب نامہ بالا تحریر شد ماسبق حاجت تحریر  
مکرر نیست باید دانست جد البجد شاه ماہر و شاه سلیمان از پانی پت وار و ایندندار  
گشتند مجرد وار بطور سیاحت تا در حضرت بہار رسید شرف بیعت حصول در  
طریقہ فردوسیہ نمودند حصول و متاہل شدند از فرزندان ایشان بندگی  
شاه خود میان از انجا بر خاستہ خاطر گشتہ قصد سفر دیار مغرب کردند  
چون بمقام تہہور رسیدند چندی مقیم شدند چون مخدوم شاه در ویش

البوم فیصل سیم بعد وصل در ذکر اولاد حضرت عثمان جابجا ایستادند  
 باید دانست مولوی غلام امام متخلص شهبید نسب نامہ خود عثمانیہ میکردند بسیار  
 ونیز در فتحپور سکر سیون عثمانی اند و در یار عرب بسیار تبرکستان در خوار  
 بمقام سمسر ام یکی از فرزندان شاه محمد کبیر الدین بودند شاه قیام الدین  
 شاه شمس الدین پسینود الاولاد و دخترے یکی از برادرزادگان خود را مسمی  
 شاه کبیر الدین منبی کرده جانشین و بر خود نمودند چند شادی ایشان شد  
 از کسی اولاد نشد الاولاد و برادر ایشان برادر متوسط شاه فخر الدین از  
 خواہن زادی شاه تراب الحق کہ خدا و پسر ایشان یکی شاه محی الدین عرفہ  
 لالامیان کہ حال اسجادہ نشین اند و دیگر شاه غزالدین و یک خواہر ایشان از شاه  
 فرید الدین کہ خدا می اولاد و برادر خود شاه نجم الدین راد و پسر یکے شاه فرید الدین  
 دومی شاه حمید الدین باقی اقارب ایشان در موضع رحبت برکنہ بنجر و گی اند  
 باید دانست ہر گاہ ذکر نسب حضرت خواجہ ابوبکر شہید قدس سرہ گردید بہ نسبت  
 عثمانیہ لازم افتاد ذکر نسب حضرت خواجہ ابوالقاسم جنید بغدادی  
 کہ نسب فاروقی دارند بدین منط حضرت خواجہ جنید بغدادی ابن خواجہ زید  
 ابن شیخ عمر ابن شیخ ابوبکر ابن خواجہ عبید ابن شیخ سعد ابن شیخ زید ابن  
 امیر المؤمنین حضرت عمر خطاب رضی اللہ عنہ اکثر مشائخین خود را منسوب  
 نسب جنید یہ میکنند الا اختلاف است در شیخ و سیادت مولوی سید

شاه برکت حسین شاه امیرالدین حسین پسر الشان مولوی عسکری پسر شاه  
 برکت حسین شاه طو پسر ابن کیسری و یک دختر شاه بنده علی زوجه شاه داود علی  
 پدر شاه تراب علی ساکن بیهیگه یک و دختر ثانی زوجه قاضی قاسم علی ساکن  
 پالی پسر شدند قاضی تبه و اولاد رفتند از بیغالم و خلعت دو شاه محب الله  
 مولوی وارث علی و دو پسر الشان و دو دختر یک عسوان شاه منور علی ابن شاه  
 فضل کریم پسر الشان شاه اکرم علی دیگری که خدا از شاه رمضان علی  
 ذی اولاد اند و پسر کلانی مولوی وارث علی شاه حسین علی پنج پسر الشان  
 و یک دختر زوجه شاه شجاعت حسین ابن شاه امجد حسین ابن شاه امام علی  
 انصاری که خدا یک دختر و پسر دارند و از پسران کلانی مولوی عبد الله  
 یک پسر الشان مولوی عبد الرشید داماد داروغه قد حسین ساکن شاپو بیگم  
 چارمی نیز مولوی محمد تقی داماد الشان ذی ولد اند و مولوی محمد تقی پسر سیوم  
 داماد میر علی حسن ساکن میران بیگم ذی ولد اند و پسر خضر مولوی محمد ذکی  
 داماد غم خورد اند باید دست مولوی باقر علی برادر خورشاه حسین علی  
 از دختر مولوی محمد اجد بختی که نزد از لطن ابن زوجه یک دختر و مولوی  
 عزیز اسد ابن شاه ماهر و را دو پسر یک شاه محمد و اعظم پسر الشان شاه  
 مبارک علی پسر الشان شاه فضل کریم که از دختر شاه محب الله خدا پنج  
 پسران شاه منور علی و شاه امیر علی و شاه عباس علی و یک حاجی اند و والد

بود و بعضی از خواریان میگویند چون مولانا ابوبکر ابن مولانا محمد اسماعیل  
 از قیفال وارد شهر بغداد شدند که علمای ربانی بودند و حاجه محمد نامی  
 در خدمت آنحضرت حاضر شده و صحبت تربیت یافته مشرب نعمت شدند چون  
 مولانا جانب شش آمده اقامت پذیر شدند چند سال ایشان نیز بیت  
 و رک صحبت و مقام شاش رسیده مقیم شدند و در کتاب تحفه الابرار که  
 تصنیف یلی از یاران آنحضرت است دیدیم که حضرت حاجه محمد نامی  
 بچند واسطه اولاد حضرت حاجه عبداللہ انصاری اند و آنحضرت حاجه از اولاد  
 سعد بن معاذ انصاری اند که از اهل صحاب و انصار حضرت سعد رسیده ابرار  
 بوده اند و اسم علم و نسبت نسب فاروقی از جانب جد مادری است  
 که حاجه داود و جد مادری حضرت حاجه احرار فاروقی نسب دارند و خال ایشان  
 حاجه ابراهیم ابن حاجه داود ابن حاجه خاوند ظهور این شیخ عمر  
 باستانی که هفتمده یا شانزده واسطه در نسبت نسب آنحضرت فاروقی  
 اعظم دارند و شیخ عمر قدس سره از اولیاء کاملین بوده اند از اولاد حضرت  
 عبداللہ ابن عمر رضی اللہ عنہ این ذکر در رشحات نیز هست و والد  
 حاجه داود و جد آنحضرت حاجه احرار نسبت بیادات دارند و هم مذکور در کتاب  
 رشحات است که میفرمودند حضرت جائیگه سیادت علوی میباشند  
 اقامت فقیر بسد شوارخیال آداب ضمیمه شجره واضح باد و فرزند رتبہ بلند

اولاد علی جوینوری متخلص به کاهش نسب خود منسوب بحضرت جنید میگرداند  
حضرت خواجه جنید را سید میگفتند این غلط فهمی شان هست که میگفتند نسب نام  
حضرت جنید همین است و مولوی عید اللطیف که منصب حکومت در کلکته  
اند و پوئی مجسٹریٹ بهر خید از او شان ملاقات نداریم الا محمد الد و له خواهر زاده  
شان یکی از مردان است اینجا کسار و بیان نموده که از جانب ماوری نسب  
جنید یہ ہستم الا شیخ فاروقی بودند حضرت خواجه جنید اکثر نسب میدیم

بدرار شرفی بستند و الله اعلم

شجره نسب نسبت حضرت خواجه ناصر الدین عبید اللہ احرار

بذکر فاروقی و انصاری

باید دانست یکے از صاحبان مصنف کتاب شجره طیبہ کہ از فرزندان حضرت  
خواجه نسبت دارند خود را احرامی بہ نسب بیان مینمایند و اولاد شان اکثر  
منصب قضا بوده اند ذکر نسب بالابہ نسبت سادات و بہ نسب فاروقی کرده اند  
فقط نسبت خود بہ نسب انجناب و ذکر اولاد و دیگر یک طبقہ اولاد انجناب است  
در عظیم آباد بلکہ معروف اند بخواجه زاده بعض از مینا سب سادات مینمایند  
غرض تیفق حقیر از حجت و بحث بہست ایچہ کہ معلوم است بیان مینماید دلیل  
از کتاب رشحات و تحفۃ الابرار و نیز بیع بزرگوار از کتاب رشحات  
بیان مینمایم جد علی حضرت خواجه احرار خواجه محمد نامی را وطن قدیم و بغداد

گردید در آنجا از عرصه اقامت حضرت عمده السالکین سید السیادت  
 امیر تقی الدین کرمانی بود با خود با وصیت و مجالست ربطا رونمود بلکه  
 نوبت مصابرت رسید یعنی سده دختران حضرت خواجه عبید اللہ حرا  
 بسفر نزد امیر تقی الدین کرمانی گنجد شدند و فرزند حضرت خواجه خواجگاناماد  
 حضرت تقی الدین بودند از لطن آن عقیقه سه فرزند ایشان کلانی خواجه  
 نظام الدین هادی دوی خواجه خاوند محمود سیو خواجه عبدالحق مشت  
 محی الدین ابیخضر جانشین جد بزرگوار شده فیض بخشی خلق الله مشهور بودند که  
 سلسله نسب صوری و معنوی از ایشان جاریست و شادی ثانی حضرت  
 خواجگان از دختر خواجه نظام الدین اولاد حاصل بدایه گردیده سپهرین زوج  
 نیز شدند خواجه عبد العیلم خواجه عبد الشمید خواجه ابو الفیض پدر  
 بزرگوار خواجه محمد فیض معروف بخواجه فیضی که جد مادی جناب حضرت سید  
 ابو العلا قدس سره بودند نسب نامہ حضرت محبوب جل علا در ذکر اولاد امام  
 عبد اللہ با سابق تحریر شد منقول است چون انتقال حضرت امیر تقی الدین  
 کرمانی در سمرقند شد حضرت خواجه عبید اللہ حرا انصاری میرزا مدفن برد و شش  
 بردند و نماز جنازه او کردند باقی ذکر فرزندان حضرت خواجه محمد یحیی  
 خلف ثانی حضرت خواجه سه فرزند ایشان خواجه محمد زکریا خواجه عبد الباقی  
 خواجه محمد امین دو فرزند حضرت خواجه محمد یحیی شهبید که همراه بودند خواجه محمد

خواجه محمد نامی خواجه شهاب الدین شاشی بخواجه شهاب الدین شاشی  
 دو فرزند کلانی خواجه محمد شاشی ثانی خواجه محمد شاشی والد ماجد حضرت  
 خواجه عبید الله احرار قدس سره و سکونت جد مادری ایشان شیخ داود  
 در تاشکند علاقه دهم با غستانی حضرت خواجه احرار نشو و نما ظاهر و  
 تربیت از جد مادری و خال خود حصول کردند تحصیل علم هر بنوده بیعت  
 از حضرت مولانا یعقوب چرخ که یکی از اهل خلفاء حضرت خواجه نقشبند به الله  
 قدس سره بودند حاصل بعد حصول فیضانی دیدار جناب ظاهر و باطن آنحضرت  
 را شغل کشمکاری بود حصول معاش از زراعت بود نه تجارت در سبب  
 ظاهری از مال و اموال عزت و جاه و اهل دنیا تو نگه متمول میدانستند حالانکه  
 مقوله حضرت خواجه احرار است این میخ زرد در گل است نکه در دل  
 چو فقر اندر قبائی شایسته آمد که بتدبیر عبید الله سبب آمد که  
 مقوله حضرت مولانا جامی رحمه الله است منقول است در اقامت موضع  
 تاشکند آنحضرت متاهل شدند فرزندان بوجود آمدند و ولپس خند  
 دختر و پنج پاد از بطن زوجه اولی خواجه عبید الله عرف خواجه محمد علی  
 عالم و فاضل حضرت خواجه محمد علی رحمه الله تربیت تعلیم به نسبت بطون اند  
 والد ماجد خود هست بحجت صوری و معنوی و عهده خواهران ایشان هرگاه  
 هرگاه اقامت حضرت احرار مجوزی سلاطین وقت تیموریه بمقام سحر قدس



احمد حسین حافظ چهارم خواجه علی حسین دختر گدشته رحلت کرد که از سید حسن  
 منسوب شد پنجم خود سال کرد انتقال باقی دختران کلانی از میر عایت حسین  
 رئیس شهر که خدا شد چند دختران ایشان الایک پسر میر احمد حسین ثانی  
 کتخدا از شیخ بشارت حسین رئیس شهر یک دختر و یک پسر ایشان پیاری صاحب  
 که از دختر خاله کلانی کتخدا ذی ولد نیست سیومی از حکیم خواجه محمد حسین عرف  
 خواجه امان ابن خواجه میر بخان نواسه حکیم غلام نبی صاحب بودند چون یک فرزند  
 گدشته روجه شان رحیل ملک بفا شدند نام ولد حکیم خواجه عبد السلام که  
 موجود اند دختر چارمی روجه اخوی ام حضرت سید شاه مبارک حسین ذی ولد  
 شش پسر شد از انجمله موجود شاه عزیز الدین حسین و سید شرف الدین حسین  
 و سید رضی الدین حسین و دختر پنجم خواجه ذاکر حوم روجه خواجه علی مرزا  
 ابن خواجه اشرف علی ذی ولد اند و فرزند سیومی خواجه علی دوست  
 خواجه عبد الله فرزند ایشان حکیم خواجه عبد السید عبد الله ایشان ترکی تمام شد

از نیجا ذکر نسب ذریات خواجه محمدی خان میکنم که

واضح باد خواجه محمدی خان از بطن بی بی برمانی بیگم چار پسر و دو دختر  
 از انجمله زوج یک دختر میر مولا بخش که پسر شان میر الهی بخش نواسه خواجه  
 محمدی خان بجز روجه ایشان حال اولاد دریافت نشد دختر کلانی از  
 خواجه محمد و همه الله خان که خدا بفضله شدند اولاد کثیر یعنی سته پسر

وخواجہ عبدالباقی ہردو معیت پذیر گوار شدند شہید رسیدند بترجا  
 مجید الاخواجہ محمد بن کہ محض طفل بودند از مہلکہ جانبر شدند تربیت و تعلیم ظاہر  
 و باطن از برادر عمر و خواجہ عبدالحق یافتند اولاد ایشان کثیر است سبحان اللہ  
 این واقعہ مثل کرد با و باقی یک فرزند مثل حضرت امام زین العابدین علیہ السلام  
 پدر جملہ سادات اندک حاصل فرزند خواجہ محمد امین خواجہ نور العین سپہریشان  
 خواجہ نور الدین خواجہ محمد بن ایشان خواجہ محمد احمد سپہریشان خواجہ  
 عبد الفتاح ابنہ خواجہ علی دوست رحمہم اللہ علیہم سپہریشان یکی  
 خواجہ محمدی خان کہ از سماء بر یانی بیگم دختر خواجہ برمان الدین نظام الملک  
 صوبہ ملک و کس بودند کہ خدا شد بدین نسبت بمراتب عز و جاہ رسیدہ آخر  
 اولاد گذشتہ بمعزل نصرانی و سلطانی شہید شدند ذریات ایشان کثیر مثل  
 ثم جنت النعم و فرزند دوم خواجہ علی دوست خواجہ رحمتہ اللہ ولد ایشان  
 خواجہ نصرت اللہ ابن خواجہ امین اللہ ولد خواجہ محمد امین عرف خواجہ دگر  
 اولاد شد کثیر و یکی آمدند لقب پیر از دختر خجستہ اختر مینون رئیس شہر  
 کہ ہنر لفظ شاہ خیر الدین زبدۃ المشائخین بودند کہ خدا شدند حسب  
 تمنیت و ارثیت بر کل ملکیت شاہ صاحب موصوف اولاد ایشانند خواجہ کہ  
 صاحب پانچ پسر و پنج دختر خواجہ ابوالحسن سپہر کلانی زوی ولد شدہ لا اولد  
 شدند سپہر ثانی خواجہ محمد حسن بودند سپہر ایشان سید حسن اند سیوم خواجہ

لاولد خواجه علی غلام خان را یک دختر زوجه میر غلام خف ساکن باره در سی پیشان  
 میر خف حسین و میر کلب حسین نام نامی پس خواجه مدوح خواجه کاظم خان  
 دو دختر ایشان یکی والدۀ خواجه علی رضا نذ کوره بالادویم والدۀ خواجه  
 امام الدین عرف میر مرزا ابن مرزا ولی محمد خان ابن مرزا بهادر بیگ خان  
 دو پسر شدند ایشان یکی خواجه بدر الدین خان ثانی خواجه شمس الدین خان  
 عرف محمد نواب هر دو لاولد و برادر خور و خواجه میر مرزا خواجه امیر جان انهم لاولد  
 شدند و سہ فرزند بخواجه کاظم خان کلانی خواجه فرزند علی خان دو پسر  
 ایشان یکی خواجه نوز جان عرف خواجه خوجم دویی خواجه محمد نیکان ثانی پسر ایشان  
 خواجه شرف علی دسوی خواجه نجف علی خان لاولد ثانی خواجه  
 حسین علی خان که از دختر میر باقر علی مدوح کتخا شدند پنج فرزند و یک  
 دختر زوجه خواجه علی رضا نام پسران خواجه محمود جان دو پسر یکی مسعود جان  
 فرزند کلانی خواجه صاحب خواجه عابد علی خان عرف خواجه جان که از دختر  
 عمه خود که خدا شدند لاولد رفتند ازین عالم فرزند ثانی خواجه طالب علی خان  
 عرف خواجه سلطان جان داماد خواجه خان بهادر خان سه پسر شدند زنده نه ماندند  
 الا دختران چهار یکی زوجه خواجه علی حسین عرف میر نواب ابن حضرت خواجه  
 ابوالحسن ابن حضرت سید شاه ابوالبرکات الغرض از بطن آن زوجه  
 یک پسر و یک دختر موجود و دختر ثانی زوجه نواب وزیر علی خان لاولد و دختر

از آنجمله یک خواجه محمد شاه و الد خواجه محمود شاه که از دختر میر باقر علی کتخدا شدند  
 خلف ایشان خواجه عنزی خان بودند که از دختر خواجه فخر الدین خواجه  
 مایهتاب که خدا بودند و دومی خواجه آفتاب از محل اولی و دو پسری که خواجه  
 محمد یوسف که شادی قبل ایشان از خواهر خواجه حسین علی خان شده بود چند  
 دختر و یک پسر خواجه علی رضا ایشان منسوب از دختر خواجه حسین علیخان  
 دو پسر و دو دختر شدند اولاد یک پسر و یک دختر بانی دومی خواجه محمد حسن  
 که از صبیحیاب حضرت شاه رکن الدین عشق قدس سره که خدا شدند یک  
 دختر که لا ولد و فرزند رتبه بلند جناب خواجه لطیف علی رحمة الله علیه شادی  
 ایشان از دختر خاله خود شده بود یک پسر شده و دوازده ساله عمر صلت کردند  
 و از بطن ثانیه دو فرزند یک خواجه علی مرزا لا ولد کلانی خواجه لطیف علی  
 عرف شاه میا بخان که از دختر شاه اقبال حسین کتخدا شده سه پسر ایشان  
 و یک دختر و دو پسر خواجه آفتاب از محل ثانیه بودند خواجه محمد امین و خواجه خسرو  
 و پسر سیوم خواجه محمد وجه خواجه مایهتاب بودند و ولد ایشان خواجه فخر الدین چون  
 از ذکر اولاد دختری خواجه میری خان فراغت یافت از اینجا ذکر اولاد پسری  
 مینمایم مگر در ذکر پسران خواجه محمدی خان مرحوم اضحی باد  
 خواجه محمدی خان را چهار پسر کلان خواجه علی اعظم خان ثانی خواجه  
 عاصم خان سیوم خواجه محترم خان چهارم خواجه مکرّم خان سیوم پنجم

## ذکر اولاد خواجه علی اعظم خان

باید دانست خواجه علی اعظم خان فرزند کلانی خواجه محمدی خان و ثانی  
 خواجه محمد عیاض خان سیومی خواجه محترم خان چارمی خواجه مکرّم خان  
 این هر دو برادر سیومی و چارمی لاولد از فرزندان خواجه محمدی خان  
 الا ماند اولاد کلانی و ثانی خواجه علی اعظم خان یک دختر زوجه سید  
 غلام نجف که از زیات حضرت سید فضل الله قدس سره لیسید  
 غلام نجف دوشند یکی سید نجف حسین دومی سید کلب حسین و خلفه  
 خواجه علی اعظم خان خواجه محمد کاظم خان بایشان دو دختر و سه پسر  
 خواجه فرزند علی خان کلانی و خواجه حسین علی خان ثانی  
 سیوم خواجه نجف علی خان که لاولد ماند خواجه فرزند علی خان راد پسر  
 یک خواجه نور خان عرف خواجه خوجم دومی خواجه محمدی ثانی و دلالتیان  
 خواجه اشرف علی زیاده کیفیت معلوم نشد خواجه حسین علی خان  
 که خدا شدند از دختر میر باقر علی یک از رؤساء مشه هرنج لیسید و دخترانشان  
 یک خواجه عابد علی خان عرف خواجه جان از دختر عمه خود که خدا شدند  
 بی اولاد رفتند از پنهان ثانی لیسید خواجه طالب علی خان عرف خواجه  
 سلطان جان که از دختر راجه خان بهادر خان که خدا شدند چهار دختر  
 ایشان یکی زوجه جناب خواجه علی حسین عرف میر نواب یک دختر و یک لیسید

سیوم لاولد رفت از نیالم و دختر چهارم و زوجه خواجه محمود جان ابن خواجه علی رضا  
 و فرزند سیوم خواجه ابو الحسن خان عرف خواجه حسن جان که شادی  
 ایشان از دختر خواجه محمود شاه شده بود اولاد نشد و سپهر چهارم خواجه  
 محمد حسن خان عرف خواجه میر نجان ایشان که خدا از دختر خواجه عیسی بن  
 ابن شاه ناصر الدین خلف حضرت مولانا بریان الدین قدس سره یک سپهر  
 ایشان خواجه وحید جان و دو وار محل ثانیه محمد جان و قدرت جان چون طلت  
 کردند خواجه محب بلی لطف مودت خاندان ایشان شد خرم گویا ختم خواجه جان  
 و بر او خور و ایشان خواجه وزیر جان بودند لاولد و از عقد ثانیه خواجه  
 حسین علی خان چهار خواجه علی حسین اندر شمره دکر اولاد خواجه  
 عاصم خان مرحوم سپهر ایشان و یک دختر و زوجه ثانی خواجه محمد یوسف  
 که یک دختر از ایشان سماء با و شاه بیگم زوجه ثانیه حضرت سید شاه  
 قمر الدین حسین با قسری نسبت قدس سره فرزند ی بوجود آمدند سید  
 سلامت حسین نام بطفولیت رحلت نمودند و نیز خواجه محمد آفتاب  
 را از محل دوم و دو دختر و دو سپهر یکی خواجه محمد امین و یکی خواجه خسرو لاولد فرستند  
 از نیالم علی نه کیفیت دختران نیز همین و خواجه محمد باهتاب را یک سپهر  
 فخر الشدیک دختر ایشان زوجه خواجه غنیز جان ابن خواجه محمود شاه  
 ابن خواجه محمد شاه ابن خواجه محمد وجه مورت اعلى هر سه برادر می

فرزند ثانی خواجه محمدی خان خواجه عاصم خان سه سپهر ایشان و یک دختر  
 خلف اولین خواجه جعفر دومی خواجه اکبر سیومی خواجه اصغر و دختران  
 بودند هر دو برادران الایسر خواجه اکبر خواجه امیر علی عرف خواجه کلو  
 دومی خواجه وزیر نو جوان رحلت کردند اعتقاد منانند الا اولاد خواجه  
 امیر علی صاحب شد باقی منانند و خواهر ایشان از جناب حضرت خواجه ابو الحخیر  
 رحمۃ اللہ علیہ منسوب شدند و دو فرزند ایشان خواجه ابو محمد و خواجه ابو احمد دختر یکی  
 از ان هر دو برادر خواجه جعفر یا خواجه اصغر زوجه عالیه جناب حضرت خواجه  
 ابو الحسین قدس سره الله و فرزند و یک دختر بوجود آمدند کیفیت تبصریح  
 در ذکر انساب جناب حضرت صاحب قدس سره شده نوشته نیست احتیاج  
 تسوید تکریر الی الحاصل بعد رحلت محب و مشفق خواجه محمد حسن خان عرف خواجه  
 میرنجان ادخل فی روضه الجنان گویا شد تمام و ختم خواجگان اخلاق  
 که داشتند بمندول باین فقیه حقیر نگنجد در بیان و نه بحیطه تحریر مردم مغفور  
 کیفیت احرار باین بزرگان قصبه شهر کهائی سکونت که اکثر  
 داشتند منصب قضا در کتاب شجره طیبہ تبصریح تحریر است احتیاج نکرد  
 بسیار عماید بزرگان بوده اند شجره اصل فصل بلامصل  
 در ذکر جناب حضرت شاه فرما و قدس سره و  
 حضرت شاه رکن الدین عشق قدس سره

ایشان دویمی ثواب وزیر علی خان که نذا اولاد نیست سیومی لا ولد رفتند از ایشان  
 چارمی زوجه خواجه محمود خان ابن خواجه علی رضا دوپسر ایشان  
 پسر سیومی خواجه ابوالحسن عرف خواجه حسن جان که از دختر خواجه  
 محمود شاه که خدا شدند لا ولد ماندند چارمی خواجه محمد حسن خان  
 عرف خواجه میرنجان که از دختر خواجه عین الدین ابن شاه ناصر الدین  
 که خدا شدند یک پسر از پنجمه باقیست می خواجه وحید خان  
 دوپسر از محل ثانیه خواجه محمد جان و قدرت خان موجود اند و بعد چارمی  
 پسر پنجمی خواجه علی حسین عرف خواجه وزیر خان لا ولد رفتند و عین  
 جوانی و از محل دیگر خواجه حسین علی خان یک پسر خواجه علی حسین  
 موجود می او لا دارند باقی از یک خواهر خواجه صاحب زوجه خواجه  
 محمد یوسف پسر ایشان خواجه علی رضا که از دختر خواجه صاحب که خدا  
 شدند دوپسر و دو دختر شدند ذکر اولاد دختر چه نویسم پسر خواجه  
 محمود خان نام دویمی خواهر خواجه صاحب زوجه مرزا ولی محمد خان  
 ابن مرزا بهادر بیگ خان دو فرزند ایشان شدند یکی خواجه امام الدین خان  
 عرف میر مرزا دویمی مرزا امیر خان لا ولد از پنجهان بی بنیان رفتند کلانی را  
 که که خدائی از دختر عمه شده بود دوپسر شدند بدر الدین خان و دویمی  
 شمس الدین خان هر یک که نوجوان از نسیع الم رفتند اعقاب یکے نمانند



نوشته نمودند تا درون جای اقامت ولایت شد تجویر شهر دلی  
 درین عرصه والد ماجد ایشان کردند انتقال در شهر دلی بجای سکونت پدری  
 بمحله مغلیه که در آن زمان بسیار آباد اقامت پذیر شدند جناب حضرت  
 شاه مجذوب و مشغول شدند بر شد و رشا و خلاق به تعلیم اسرار و قالیق سیر  
 ازان از دیگرے شدند فایق آخر قبول کردند خلفای هر چهار کی شاه ضیاء الدین  
 دومی شاه مجذوب و رگاہی این هر دو وزیر سایه دولت نعمت اقامت شهر دلی  
 کردند ختیار سیومی حضرت میر سید اسد الله خلفا را مالی آخیر شدند چنانچه  
 چارمی از خلفاء عظامی مولانا برهان الدین درین عرصه نوبت انجام شادی  
 نیز گردید در زمره امراء اراکین تیموریه از دختر خجسته اختر مرزا سعد الله  
 نجیب الدوله مخاطب نام آن بی بی بوده سماء فرحانه بیگم جناب حضرت  
 قطب الارشاد شاه مجذوب و رشا از لطن آن عقیقه پیدا شدند یک  
 دختر خجسته اختر نام نهادند بی بی عصمت النساء بیگم عرف بود صاحب  
 بهنگام سن بلوغیت دادند باز دواج از شیخ محمد کریم ابن شیخ طفیل علی  
 که نسب نسبت استند فاروقی از اولاد حضرت عمر ابن الخطاب رضی الله  
 چون کیفیت نسب نسبت علی الترتیب مسلسل نیافت آنچکه دانست تحریر نمود  
 الحصول از لطن زان عقیقه پیدا شد کمال فخر و رتبه بلند زبده  
 فیضان حضرت خواجہ نقشبند مسمی شدند به شاه رکن الدین تخلص عشق بودند

چون الداجه ایشان نواب امین الدوله بسوی برانپور جهت بند و بست ملکی  
 و مالی میفرستد تعلق گزیده همراه برقتند درین شهر مانند و غیبت پدر بزرگوار  
 بحیثیت چند نوبت لغت بلند شد نوبت بیعت رسید و تربیت استغراق  
 شد و امسکیر کمال از کار دنیاوی باز ماند بسبب انحلال و از او ستاد نیر  
 بدست آمد پس رسید احوال از آنجا که حضرت باری را بوده افضل درین  
 شریف پیدا شد کمال هرگاه نواب شیخ محمد سمیع امین الدوله مراجعت نمود  
 از قصیه برانپور کیفیت صاحبزاده دیده حیرت شد پید او از استادشان  
 جمله حالات غیبت شد هویدا در قلب ایشان پیدا شد انتشار کمال اهل دنیا  
 را بدنیاداری بود خیال روزی صاحبزاده خویش را همراه بردند بهر ملازمت  
 بعد جلسه چند بلب خود آوردند کلمه شکایت یا حضرت منم یکم از مجرائی دربار  
 بادشاهی یک پسر است کیفیت عجیب دارد از صحبت بابرکت گویا کشتی رسید  
 در تباهی لایق خدمات سلطنت دربارشاهی نماند آنحضرت فرمودند در  
 جواب ای شیخ صاحب میخواهی که این طفل باشد یکی از مجرای شاهای دردمست  
 بخوبی آگاهی که امر او سلاطین را نه پیشین درویش سیرت در اندیکجای  
 ای صاحب این واقع که بس اندست جای ملال بلکه صورت است دولت  
 برای جابه بجز رضا و تسلیم هیچ نماند چاره شکریه بجا آوردند تسلیم میکردند  
 بعد چندی وصحبت چنان شد فیضیاب و کامیاب مثال خلافت

پس بوغیت فرسیده بودند جناب حضرت عشق قدس سره را تر و نسبت شد  
 تلاش مصابرت بشرف اینجوار آخر فقر نسبت صاحبزادی خرد از شاه  
 قتل احمد بن جناب حضرت شاه دانش علی قدس سره که یکی از خلفاء حضرت  
 عشق قدس سره بودند یافت باصرار مجانب و معتقدین صلاح این امر بشو  
 از جناب مولوی سید حسن ضا قدس سره نمودند آخر باصرار تمام که خدا  
 صاحبزاده کلانی از آن حضرت شد انجام حاصل از لطن زوجه حضرت یک دختر  
 شدند و دو پسر انجام شادی دختر از جناب خواجه محمد محسن گردید یک دختر  
 و یک پسر درآمدند بوجود دختر از میر حیدر علی منسوب شد از پنجهان بی ایا  
 رفتند و نام نامی سپهر الیقدر خواجه لطف علی ملقب خواجه مرزا و صاحبزاده  
 ثانی که از شاه قتل احمد صاحب که خدا شدند پسر شد یک دختر منسوب شدند  
 از میر غلام رسول بالیشان نیز شد یک دختر مسماه حنیف بیگم از جناب  
 خواجه لطف علی صاحب شدند که یک پسر درآمد بوجود مسماه خواجه  
 القات علی مدعو نور خان خیر زانه بوغیت رحیل ملک بقا شدند اولاد  
 فرزند رتبه بلند از محل شدند که عظامی نام نامی خواجه لطیف علی  
 عرف شاه میا بنان ثانی خواجه الطاف علی عرف خواجه علی مرزا  
 شادی هر دو برادر یکجا شد از دختران شاه اقبال علی که از اولاد آن  
 مخدوم شاه بدر الدین مرزا شاه باز پور اند ثانی از نیالام لاولد رفتند

شایده در حین طفولیت از سپارد محبت و ایستد پای گفت باشد مرزا گسیا معروف  
 شدند لقصه آنحضرت را ترسبت باطن و حصول سمیت بطریق عالمیه نقشبندی  
 از حضرت مولانا برهان الدین نداناست که از خلفاء جلیل جدادری  
 ایشان بودند و نیز در حین اقامت بیک شهر در شهر عظیم آباد دوازده  
 سال ماند حصول صحبت و تربیت و نیز اجازت و خلافت از حضرت قطب العالم  
 جناب حضرت شاه محمد معتمد قدس سره که این حضرت نیز از ایلان جدادری  
 آنحضرت بوده اند الحاصل جناب حضرت عشق قدس سره که مال تنک و مرنشی  
 باین وجاهت و لیاقت گذرانیدند در ویشته معتد به بود صرف خانقاہ و در  
 خود مکان درست ساختند چنانچه فیض شد حضرت عشق قدس سره  
 خطاب آتای دلپر مردم ای عشق که میارک بود به تہجہ کو میرزائی کہ  
 در شهر عظیم آباد در ویشته را بگرد فرار رسید و از مشایخین ناخوار نجوش اطوار  
 سلسلہ پیرتند ہر گاہ رسید خبر کہ مولانا برهان الدین کردند رحلت پیوستند  
 بجوار رحمت در علاقہ لکنو بمقام اقامت داشتند بمحور استماع این خبر  
 چند مردیان معتمد را فرستاد ہر آردن اہل عیال بسوی لکنو خالص ہو  
 یا لاخر مردیان عالمیقام معہ خدام آوردند بسواری رتہ و پاکی باعزاز و  
 اکرام واضح با حضرت مولانا برهان الدین خداما بودند و  
 دختران نوجوان و صاحبزادہ سہ ہشاہ ناصر الدین دوازده سالہ بود

واضح باد یکی از مشایخین کبار از اولاد انصار از دیار مغرب وارد اینجا شدند  
 و برادر اعیانی شاه شمس الدین عرف شاه سمن مخدوم نام دیگر بر او معلوم  
 نشد در حضرت بهار رسیده بیعت بطریق چشتیه نصریه حصول از  
 خلفاء مخدوم شاه تیم الله سفید باز و در صحبت و تربیت یافتند فیضان کمال  
 در مقام اول تکیه ساختند اقامت پذیر شدند اولاد ایشان بابر در ایشان  
 شد جاری بچند واسطه شاه امام علی عرف شاه بدلو صاحب سجاده پنج  
 پسر ایشان شدند و یک دختر مسماة قدرا شادی از میر جان علی شد از محل  
 اولی برادر میر سلامت علی ساکن چونپور برگشته اول از ان دختر شد و نام پسر  
 کلانی شاه امجد حسین بعد پدر خود زیب سجاده بودند شادی ایشان  
 در اول شد یکی از دختران عمه او شاه حسین علی ابن مولوی وارث علی  
 پسر شاه امجد حسین شاه شجاعت حسین داماد مولوی شاه حسین علی  
 مذکور و یک دختر و یک پسر ایشان و برادر ثانی شاه امجد حسین بودند شاه  
 مراد حسین یک دختر یک پسر ایشان شاه سخاوت حسین دختر زوجه  
 اولی شاه راحت بن میره میر حمید علی مرحوم شاه امداد حسین پسر ثالث  
 شادی ایشان در موضع قاضی چک برگشته مسووده ضلع پٹنه شد در کفویت  
 مولوی غلام قادر مرحوم مفتی چک پسر و یک دختر ایشان چهارم پسر شاه امام علی  
 اند شاه نیر حسین یک دختر و دو پسر ایشان هستند پنجم پسر شاه امام علی

الانسیر و یک دختر اند بصاحب کلانے خدا یا تکیه آباد باشد مشرق و در ذکر  
 نسب انصاری که آمدند ورنجوار معروف به شیخ انصاری خصوصاً  
 در بهار باید دانست بندگانگی مخدوم و ششمند که اقامت خود ساختند  
 بموضع منوره علاقه بهار میگویند جریب خود در اینجا نصب کردند و گفتند این  
 مورچه چنانچه بدان نام معروف شد الغرض انجناب و نسب انصاری شیخ  
 انداز اولاد حضرت ابو دردا انصاری که صحاب کبار انحضرت صلی الله علیه وسلم  
 بودند و سرزند از چند این بزرگ بندگانگی شاه عبداللطیف از دختر  
 مخدوم شاه دوست منیری که خدا شد مذوی اولاد شدند نام این بندگانگی  
 شاه عبداللطیف شیخ عبدالوهاب ابنه شیخ صدر الدین ابنه شیخ برطی  
 طیب ابنه شیخ عبدالغنی ابنه شیخ عبدالاحد ابنه شیخ عبدالجلیل ابنه شیخ  
 محمد خلیل ابنه شاه غلام محمد و الله شاه سیف الله موثر وی نواسه  
 ایشان شاه الطیب الله ابن مولوی شاه امین الله شاه طیب الله و پسر  
 چهار دختر همه را قران که خدا دی اولاد الافرنده کلانی شاه محمد بهاء الحق  
 معدن جود و سخا نشاندند که خدا اولاد شد برادر ثانی شاه  
 تراب الحق که فرج عمه این خاکسار بودند ذکر اولادشان در ذیل ذکر  
 فرزندان حضرت جد اجد خود خواهد نمود

ضمیمه در نسب انصاری صاحبان اول

رد و ثمره ثمره اول در ذکر اولاد مخدوم شاه جلال منیر سی والد مخدوم شاه  
 شعیب رحمه الله علیه ثمره دوم در ذکر اولاد مخدوم شاه سلیمان لکنیزین  
 قدس سره باید دانست حضرت امام محمد تاج فقیه که ذکر نسب نامه ایشان بالا تحریر شد  
 قریشی هاشمی مطلبه انداز اولاد عم آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم سبب ورود  
 ایند یار حسن است در قصبه منیر پستان کفار بود و ریت شد مد غلط راجه مینار  
 نام داشت در حق مسلمان از عالم خیب با حکم حضرت بنیادین پناه مع اهل  
 و دو لیسر خود وارد شدند بدین و یار راجه مینار چون دخیگ شکست یافت  
 فتح اهل اسلام نصیب حضرت امام تاج فقیه در انوضع طرح اقامت انداختند  
 هرگاه از وجه شان کردند انتقال پیدا شد حزن و ملال ولایت این دیار  
 بهر دو فرزند ان تفویض نموده و از آن لبوی مکه معظمه گشتند فرزندان  
 مخدوم شاه اسرائیل ثانی مخدوم شاه اسمعیل بهر دو برادر با خود ما  
 بموافقت ولایت بمقیم شدند و حضرت امام محمد تاج فقیه در مکه معظمه رفته  
 از خواهرزوجه عقد نکاح پرداختند یک لیسر شدند مخدوم شاه عبد الغیر  
 نام حسب صیت پدر بعد انتقال شان بهر ملاقات برادران رسیدند بعد  
 او را که تعرف و نشان خاندان بمراجعت پرداختند چنانچه مخدوم شاه عبد الغیر  
 همراه برادرانند مخدوم شاه اسمعیل حسب یم ولایت عبور گنگ در ضلع  
 تربت اقامت پرداختند اولاد از هر یک برادران جاری شد حالا تحریر نماید

شاه رحمت علی ذی اولاد هستند باقی دیگر کیفیات ایشان دریافت نشد  
از آنجا که بزرگان نامی بودند آنچنانچه که دانست تحریر نمود بانی در حضرت  
بهار شهر و محله نصاری است شیوخ نصاری بوده اباد از آنجا یک بزرگ  
بود شیخ محمد منیر ابن شیخ محمد شیر زوج خواهر منشی سید محمد خلیل خوشنویس دیگر  
بزرگ از اولیا و کبار متصل جهان آباد اند اهل فرار اولاد ایشان ذی اقتدار  
یک از آن شیخ عبد القادر وکیل و از نواسگان مولوی عبد القادر ابن حکیم  
مولوی فیاض علی ابن مولوی افضل نسب جدی فاروقی دارند علم ایشان  
کلانی مولوی محمد اسماعیل ثانی مولوی محمد فرید اند و ثالث مولوی فخر حسین الایک  
برادر مولوی عبد القادر حافظ ابو احمد هر دو ذی اولاد اند و برادر مولوی  
افضل علی حکیم بجله و دیگر نام شان معلوم نیست زوج خواهر حضرت شاه  
غلام حسن ابن جبا حضرت مولانا سید حسن رضا یک دختر شد ایشان را نامی  
مسماة بصیر از وجه مولوی صفدر حسن اولاد نشد

پنجم فصل تحقیقات اصل نسل مبنی بر سلسله فرع در ذکر فرزندان  
حضرت امام محمد تاج فقیه

فرع اول بذکر فریت محمد دوم شاه اسماعیل قدس سره  
فرع دوم بذکر اولاد محمد دوم شاه اسرائیل قدس سره  
فرع سیوم در ذکر اولاد محمد دوم شاه عبد الغفر قدس سره



خلف ایشان بودند شاه بنده علی داماد کلانی جناب شاه امیرالدین  
ممدوح اینقدر دانست نوشت

فرع دوم اصل اول در بیان اولاد و ذریه مخدوم شاه  
اسرائیل بن امام محمد تاج فقیه قدس سره

واضح باد حضرت مخدوم شاه اسرائیل را دو فرزند رتبه بلند کلانی بودند مخدوم  
یحییٰ منیری ثانی مخدوم شاه منطفر که در جوانی رحلت کردند اولاد مناندا  
حضرت مخدوم یحییٰ راکتخدا ای انبئی بنی رضیه نبی مخدوم شاه شهاب الدین  
پیر گلجوت گردند از بطن آن مخدوم چهار فرزند مراتب بلند شدند از هم  
برادران خورد مخدوم شاه حبیب الدین که همراه برادر زاده خود مخدوم شاه  
ذکی الدین ابن مخدوم شرف الدین بمقام شکوه رحلت کردند اولاد بودند  
کلانی مخدوم شاه خلیل الدین که مرید و خلیفه الداماد خود بودند سکونت در  
مقام منیر داشتند نیز در انجام از موجود و فرزند ایشان یکی مخدوم شاه شرف  
خلف کلانی حضرت مخدوم یحییٰ منیری قدس سره مخدوم شاه خلیل الدین و  
پسر ایشان مخدوم شرف الدین و مخدوم منور الدین هر دو برادر مرید فضیلت  
علم المحترم حضرت مخدوم شاه شرف الدین بهاری بودند اولاد مخدوم شاه  
شرف الدین جاری شد بدرجه هفتم انجناب در نسب حضرت مخدوم شاه  
دولت منیری عالی تبار فیض آثار شده اند عقاب نماند برادرشان شاه

فرع اول در بیان اولاد مخدوم شاه اسمعیل بن حضرت امام  
 محمد تاج فقیه قدس سره واضح باد مخدوم شاه اسمعیل را شدند فرزند  
 چهارم هر یک صاحب مقام عالی تبار یکی از ان جمله کلانی مخدوم شاه ابراهیم  
 ثانی مخدوم شاه منہاج الدین سیومی مخدوم شاه صلاح الدین چاکر  
 مخدوم شاه ضیاء الدین پس بدانید این هر دو برادر مخدوم شاه منہاج الدین  
 و مخدوم شاه ضیاء الدین را اولاد نشد الا هر دو برادر ذی اولاد شدند پسر  
 مخدوم شاه ابراهیم مخدوم شاه عیسی اولاد ایشان بمقام کچانوه موجود است  
 الا از نام آنها خبر نیست الا دختر مخدوم شاه ابراهیم از مخدوم شاه  
 جلال نمیری ابن مخدوم شاه عبد العزیز که خلا شدند و ولد الرشیدشان  
 مخدوم شاه شعیب قدس سره شیخیوی صاحب ولایت الا مخدوم شاه  
 صلاح الدین را خلف الرشید مخدوم شاه علاء عرف شاه قاض بودند و  
 پسر ایشان یکی مخدوم شاه ابو الفتح هدایت الله سرست اولاد ایشان  
 مشایخین موضع سیوره هستند پیش ازین نام دریافت نشد و پسر ثانی  
 مخدوم شاه صلاح الدین مخدوم شاه معروف بودند پسر ایشان مخدوم شاه  
 علی پسر ایشان مخدوم شاه مبارک مشایخین موضع جنده از اولاد این  
 بزرگ هستند یکی از ان مشایخین شاه حسین علی سجاده نشین انجا  
 پیر جناب شاه امیر الدین سجاده نشین حضرت مخدوم الملک بودند

یک دختر ایشان بی بی رقیه نام از مخدوم شاه شمس الدین عم سید وحید الدین  
چلک کش که خدا شدند و دختر شدند با ایشان بی بی ماه خاتون دو  
بی جمال هر دو از برادران عمرزاد که خدا شدند از سید سکندر رسید که بر اولاد  
سید سکندر جاری شد بموضع او ترالاری موجود اند و نیز در موضع گهرات  
سید بشارت علی و غیره زیاده ازین کیفیت معلوم نیست الا فرزند مرتبه بلند  
متوسط حضرت یحیی منیری مخدوم الملک مخدوم شاه شرف الدین احمد  
صاحب ولایت علاقه صوبه بهار با حضرت یک فرزند مرتبه بلند مخدوم شاه  
فرکی الدین بحالت مستی در عقب پدر بزرگوار جان سخن نمودند تسلیم بمقام شکوه  
کتخت انجانه سیادت شده بودند یک دختر ایشان بی بی بار که از سید وحید الدین  
چلک کش ابن مولانا سید علیرالدین که خدا شدند نسب نامه ایشان  
در سیادت تحریر شده است الحصول سید وحید الدین را یک پسر و یک دختر  
نام پسر سید سجاد اکبر و نام دختر بی بی زهره از سید شهاب الدین جوهر  
که خدا شدند علوی نسب بودند حالات ذریه فرزندان برادر و خواهر خواهند  
در ذیل گفت مخدوم الملک داروست چرا که ذکر طویل است اولاد مخدوم الملک  
از در باب ایشان مراد است

فرع سوم اصل اول وریان اولاد مخدوم شاه عبید الغفر زیمینی برادر  
شمار اول در ذکر اولاد مخدوم شاه جمال منیری و اولاد مخدوم شاه شعیب

جلال الدین را فرزند شد نسب بعد نسب علی الترتیب سجاده نشین  
 قائم است چنانچه بزمان ابن فقیر شاه قطب الدین احمد ابن شاه مبارک حسین  
 عرف شاه دهومن بودند حال داد شاه قطب الدین بعد شاه احمد حسین  
 ابن حضرت شاه محمد سلطان بهاری محله چاند پوره جانشین فی اولاد اندو  
 برادر شاه مبارک حسین شاه لطف علی رادولپش شاه منور و شاه بهسکین دو  
 خواهر ایشان یکی زوج شاه محمد صغری و دیگری لعل الدین محمد خلیل لعل الدین  
 احتشام حیدر و نیریک دختر و دو فرزند دختر ثانی شاه لطف علی شاه اولاد  
 و شاه فرزند علی در اینجا نسب بالا حضرت شاه مبارک حسین منبوسید و در اینجا  
 شاه مبارک حسین عرف شاه دهومن شاه لطف علی ابنا شاه محمد محمود  
 ابن شاه محمد ملی ابن شاه عنایت الله ابن شاه اشرف منیری ابن شاه  
 محمود حافظ ابن شاه محمد ابن شاه جلال الدین که برادر اعیانی مخدوم شاه  
 دولت منیری بوده اند ابن شاه عبد الملک ابن شاه محمد اشرف منیری ابن  
 شاه محمود ابن شاه سلطان ابن مخدوم شاه حسام الدین عرف شاه  
 جهان ابن شاه اشرف الدین ابن مخدوم شاه خلیل الدین ابن مخدوم  
 شاه یحیی منیری ابن مخدوم شاه اسماعیل ابن امام محمد تاج فقیه قدس سره  
 فرزند دوم مخدوم شاه خلیل الدین ابن مخدوم شاه یحیی منیری و فرزند  
 برادر خود مخدوم الملک شاه اشرف الدین احمد چنانچه در باب الین مزار برآورده اند

و سلسله لشک جاری میخوام عزت اختیار کنم بگوشه شوم متواری دران روز  
 جداوری ایشان بطفلان مانع شدند شعیب را همراه گیورستان مبرو گفتند  
 و بیوقت این طفل را کیفیت کشف القبور پیدا شده تا کید بر معلم ایشان نیز  
 گفتند و خبر تو بیخ هرگز باین عزیز رواندارید این ولی الهی است یکله از واصلان  
 گرچه بعمر خود است حکایت است روزی همراه او ستاد خود بهر کاری  
 میرفتند در اثنا راه دیدند کمنه دیوار حبت کرده بروی او ارشدند سوار چون  
 معلم از پس ایشان و دان بجکم ایشان دیوار شد روان نقل میکنند هنوز  
 موضع کجا نوان ان دیوار همچنان موجود است مردمان زیارت او میکنند  
 بر خاص و عام میشود فاتر المرام هرگاه جداوری ایشان یافتند وفات  
 عمرش نژده ساله درالوقت بود از اجازت مادر خود روانه بسوی منیر شدند چنگ  
 در اینجا قیام کرده از زیارات فرار پدر و جد بزرگوار فراغت یافته از اینجا حرکت  
 کرده در قصبه وانا پور جاس عافیت یافته گوشه نشین ماندند و ریادهای  
 مشغول شدند بعد چندی چون چله تمام شد از اینجا روانه شدند بسوی  
 را جگیر خبر برادر مظلوم خود شنیده بودند که در اینجا مخدوم الملک گوشه نشین اند  
 چون اندر چله حضرت مخدوم را آمدن ایشان مشکشف گشت بیروان آمده  
 ملاقات کردند و گفتند ای تانها درین بگل بیابان میانم و تو نوجوان هستی  
 جایی خطر است از شیر و اژدها و نهرا را اینجا مباحش ما نادان روانه سر باطن

شمره دوم فرج سوم در ذکر اولاد محمدرقم شاه سلیمان لنگر مین  
 بیان شمره اول و طالات مخدوم شاه جلال منیری ابن مخدوم شاه  
 عبدالغفور واضح باد که خدای مخدوم شاه جلال منیری از صبیبه مخدوم شاه  
 ابوبکر برادر مخدوم شاه عیسی بیان مخدوم شاه ابراهیم ابن مخدوم شاه  
 اسمعیل گرد نام آن بی بی سعیده از طین این بی بی یکفرزند ترسیه بلند  
 مخدوم شاه شعیب قدس سره دیگر اولاد نشد احوصل مخدوم شاه شعیب  
 قدس سره در ایام طفولیت از جانب پدر شد یتیم پرورش یافتند از خانه مای  
 جدمادری ایشان تربیت و تعلیم نمودند بمقام کجا نوان رحلت پدر شد بمقام

### قصیه منیر

بیان حالات شیخ المسلمین حضرت مخدوم شاه شعیب قدس سره سره مخدوم منیری  
 واضح باد وقت رحلت پدر بزرگوار عمر هفت ساله بودند هرگاه بیس شعور رسیدند  
 روز بروز در جسم لاغری عیان شد از والد ایشان کیفیت خورش و نوش  
 پرسیدند در جواب گفتند در طعام خود نوش نوشی دروغ نیست الا خایان لا عجب  
 شده چون از ایشان پرسیدند سبب لاغری جسم و اتفاقات نمودن در خوردن و آشامیدن  
 عرض ساخت هرگز مرا غم تنیمی میت و نه شکایت زرق میکنم الا اجر ای یکروز  
 چنین ست سوی گورستان رفته بودم دیدم چند مردگان قبر مبتلا بفتاب اند  
 در حق ایشان دعا و مغفرت نمودم ازان روز مرا سبب خدا تعالی طاریست

بی آب و دانه پنیت چهل سال بیرون شهر جدا جدا هر دو غلت نشین شدند  
 بی آب و دانه و هر دو جای را از هر چهار طرف دیوار کرده راه آمد و رشت کردند  
 مسدود و نقل نمایند این ماجرا را بالا شد از چهل سال اراکین در آنوقت نیز  
 راجه بمرد آلادران زمان نمیره راجه مذکور بجهت راجگی بود بعضی کسان  
 ویرنه آنوقت ماکفیت شنیده این شرط چله راجه را کردند خبردار راجه در آنوقت  
 این کیفیت شنیده معماران را حکم جاسی هر دو چله واکردن دادند چون جاسی  
 جوگی کشا و نذر استخوان بوسیده چیزی نیافتند الا چون جاسی غارتخانه انحضرت  
 واکردند آثار حیات یافتند ذکر نفاس بود جاری فوراً راجه با احتیاط تمام انحضرت  
 را جاسی محفوظ واکرده داشت و از بایش روغن و غذای حقیقت مهتم نمیداشت  
 شد بعد یکماه قوت جسمانی شد حصول از راجه شده خوشنود و عا کرده در حق  
 شان از اینجا مراجعت سوی موضع پنجپوره نمودند درینحال انتقال مخدوم الملک  
 قدس سره کردند و نیز رحلت مولانا مظهرست از دیار زمانه منقولست که حضرت  
 مخدوم الملک وقت انتقال بمولانا مظهر بلخی قدس سره چنین فرمودند  
 که روزی از روزنا برادر من شاه شعیب درین نواح خواهد رسید خبر بیت چند  
 نوبت بیعت نرسیده است این تبرکات و خرقة فقیر با و رسانی و هر که گوید این  
 مدانی چنانچه انتظار می کشیده وقت رحلت اینها تقویض به مخدوم شاه حسن  
 کرده بودند بدان وصیت هرگاه مخدوم شاه شعیب رسیدند بمقام پنجپوره

تلقین کرده ایشانرا رخصت نمودندی آرند از آنجا جانب دیار شرقی عازم  
 سفر شدند در اثنا راه به مقام شیخپوره در دامن جبال بیرون آبادی  
 جائے عزلت نشین گردیدند چون ساکنان آنجا ملک زادگانرا خبر شد مجبور  
 بهر استقامت آبادی و معتقدانرا کرامات شدند فرمودند شما نیز درین بیابان  
 اگر جوارحیت میخواهند چون این کیفیت بوالده ماجده ایشان رسید از  
 مفارقت شده بود بهر دیدار نورالابصار تشریف آوردند ایشانرا انکشاف  
 این امر دست داد بهر ملازمت والده ماجده بطور استقبال رفتند بمقام  
 تورپرگنه غیاثپور ملازمت شد حصول عرض کردند جائیکه میباشم بخطر  
 از فرزندگان تشریفبری آنخدمه در آنجا مناسبست در آنجا تشریف  
 دارند امروز پنجشنبه در آنجا به زیارت خواهیم رسید میگویند تاجیات و  
 ماجده همین معمول داشتند به زیارت میرفتند هر چند وفات والده آنجا  
 در آن موضع ست زیارت عام و خاص القصد چون ازین تعلق طماننت  
 قلب شد از شیخپوره سفر دیار شرقی نمودند بعد طی منازل رسیدند بمقام  
 که کوچ بهار زمانه والی آنجا راجه بود از قوم بهنود او معتقد جوگی سید  
 بود جایی چله نامیکرد از جوگی ملاقات کردند پرسیدند تو چله میکشی یا چلی گفت  
 چله میدانم الا چلی چیست فرمودند مخدوم چلی گوشه نشینی دوازده سال را گویند  
 و چله چهل سال باشد آخر بمقاله راجه آنجا رود ن او هر دو قصد چله کردند



و اما میه نذهب سکونت ایشان فریب فرار و سکونت اهل سنن بیرون آبادی  
 قصبه جانب مغرب معروف است میگفته شنبخوره در انجا مشایخان میمانند باید  
 دانست لقب چهار فرزندان مخدوم حسین ست کلانی پسرش بهار الدین  
 ثانی شاه محمد منصور سومی شاه مظفر این هر سه از یک مادر دارند و اولاد سومی  
 دومی و لاد الا جانشینی ترتیباً و امر بیت در برادران یکے بعد دیگری ماند چارمی  
 شاه حیدر عرف شاه خدا بخش الساصل شاه مظفر را پسر شاه نظام الدین  
 که از دختر عم خود شاه خدا بخش شد نذک خدا و بعدشان زیر سجاده گشتند و  
 پسر شاه خدا بخش شاه غلام حیدر هر دو دومی اولاد الا طبقه اهل تسنن از اولاد  
 شاه نظام الدین اند و طبقه اهل تشیع از اولاد شاه غلام حیدر در اولاد ایشان  
 امرای دمی جا و صاحب منصب اند از ایز حسین خان و محمد حسن خان و محمد کبی  
 خان خلعت نواب ابوالقاسم خان و غیره چنانچه زائر حسین خان و محمد کبی خان  
 و یکی از نواسه محمد حسن خان نواب الطاف حسین خان و برادر علی قاسم خان <sup>نواب</sup>  
 ابراهیم خان خلعت ایشان نواب نصیر الدین علی خان چند فرزندان ایشان  
 نواب عنایت حسین خان و نواب غلام علی خان و علی محمد خان و عزت علی خان  
 و علی بخش خان و نیز اولاد برادر نواب نصیر الدین علی خان موجود اند اولاد  
 و اطراف موضع تیلاده شاه احمد حسین مرحوم و نیز در اطراف اند بدین مذهب  
 و آنانکه در مذهب سنیه اند سکونت پذیر بگیه اند شاه تراب علی سجاده و دودا

در یافتند حال انتقال این بزرگوار قصد کرده به زیارت مزار در آنوقت محمد  
 شاه حسین نیز متکلف بودند این حال در یافته فرزند خود محمد شاه حسن را  
 مع خرقه و تبرکات روانه سوی شیخپوره کردند بدان وصیت می کردند در اثنا  
 راه ملاقات شد از هر دو بزرگوار زیر درختی معانقه و مصافحه با خود باگشت  
 بعد ساعتی تبرکات آورده خویش مع خرقه پیش کردند چنانچه با وضو شده آن  
 خرقه را پوشیدند و سرنجیب در مراقبه شدند گفتند البته ازین خرقه فیض کمال  
 شد حصول آلاهنوز امر بیت بجانا ورده ام بدستور معمول دست خود بسیار  
 بیعت نمایم محمد شاه حسن کمال عجز و اعتذار شامل شدند فرمودند آنچه که  
 والد بزرگوار گفته بودند از آن دریغ مدار این دست شما دست شرف الدین  
 قدس سره است احاصل بعد حصول امر بیت هر دو بزرگوار از یکدیگر خجسته  
 شدند محمد شاه شعیب جانب شیخپوره روانه شدند و محمد شاه حسن بسوی  
 بهار آمدند و ماجرای از پدر بزرگوار بیان کردند حاصل کلام اقامت  
 محمد شاه شعیب در مقام شیخپوره شد حال که جای مزار است مشهور مکاسن  
 واضح باد حضرت محمد یک عقد و نکاح در کفویت خود کردند از بطن آن روح  
 سه پسر از بطن دختر سلطانین یک پسر از هر دو زوج و اولاد شد جاری حرکات  
 کرامات و حالات آنحضرت بسیار است از کتاب تصنیف یکی از خلفا نشان  
 انتخاب کرده نوشت بطور اختصار از اولاد آنمحمد و هم و فریق اندسینه مذہب

شاه حسن علی ابن شاه محمد امام ابن شاه اکرام ابن شاه ابوالفتح  
 ابن شاه عبدالرزاق ابن شاه محمد جلال ابن شاه محمد فیروز ابن شاه  
 نظام الدین ابن شاه مظفر ابن مخدوم شاه شعیب قدس سره  
 این مخدوم شاه جلال نسیری و شاه عالم علی علیه الرحمة را یکدختر و یک پسر  
 شاه جلال الدین لا ولد الا اولاد و دختر سه پسر یک شاه ممدی علی  
 که بعد خال خود شاه جلال الدین علیه الرحمة سجاد و نشین شدند چون پسر  
 نداشتند بعد ایشان برادر خود را ایشان شاه واعظ علی صاحب  
 سجاد و نشین کردند حالا موجود و سی اولاد اند و برادر متوسط ایشان را  
 امام بنامیت الابرار ملاقات کرده است از آنجا که پسران طریقت بودند  
 و تحریر کیفیت نسب بر خود واجب دانست نوشت و شاه واعظ علی صاحب  
 جدی نسب از حضرت شمس الدین حنفی دارند

شمره دوم فرع سوم اصل اول در ذکر نسب و اولاد حضرت  
 مخدوم شاه سلیمان لنگرزمین که سکونت در موضع نوا باده  
 خور و عظیم آباد و دانا پور دارند

باید دانست مخدوم شاه سلیمان لنگرزمین ابن مخدوم شاه عبدالعزیز  
 ابن حضرت امام محمد تاج ققیبه فرزند کلاسه پائانی حضرت مخدوم شاه عبدالعزیز  
 اندشادی ایشان از دختر مخدوم شاه شهاب الدین عرب پسر جلوت

وخواهرزاده ایشان شاه جمال علی سپهپاشان شاه مظفر و یکی از فرزندان  
 مخدوم مظفر حسین جان و میر اسید علی صاحب و میر سعادت علی نسب جدی ایشان  
 بحضرت سید شاه فضل السعید سید گو سائین و میر شاه محمد علی صاحب  
 و شاه لطافت علی صاحب و میر عبدالحسین و اخوان نیز ایشان اند که نام هر یکی  
 یا نیست الا ترتیباً واسطه نسب و دوبرگ که به یکی نسبت قرابت و دومی سلسله  
 بیعت است مینویسد آنچه که یافت دریافت یا بداند است یعنی از فرزندان  
 حضرت شاه نظام الدین ابن شاه مظفر ابن مخدوم شاه شعیب  
 قدس سره جناب شاه ابراهیم حسین نوآبادی که در قرابت برادر جد ماجد  
 این فقیه حقیر اند اول کیفیت نسب شان تحریر میسازد یعنی شاه ابراهیم  
 ابن شاه فتح علی ابن شاه محمد صفی ابن شاه محمد رفیع ابن شاه عبد الغفر  
 ابن شاه عبد الرزاق ابن شاه جلال ابن شاه فیروز ابن شاه نظام الدین  
 ابن مخدوم شاه مظفر ابن مخدوم شاه شعیب قدس سره ابن مخدوم  
 شاه جلال منیری ابن مخدوم شاه عبد العزیز ابن مخدوم شاه  
 امام محمد تاج فقیه ذکر اولاد و برادران ایشان بعد ازین در ذیل حضرت  
 نوآبادی خواهند نوشت در اینجا ذکر نسب حضرت مخدوم شاه حسن علی  
 قدس سره مینویسد واضح باد حضرت مخدوم شاه حسن علی و شاه عالم علی  
 هر دو برادر از فرزندان حضرت مخدوم شاه شعیب قدس سره اند یعنی مخدوم

الاولیا محبوب الهی نظام الدین لویا بودند بطریق چشتیه نظامیه  
 سراجیه بودند الفقه حسب تفویض ولایت از امر سر خود سکونت در نواباوه نمودند  
 قریب به موقع یکمکه پور سه فرزند حضرت مخدوم شاه احمد چشتی بودند یکی مخدوم  
 شاه حسن عرف مخدوم شاه بڑی و دو دختر مل با ایشان بودند هر یکی  
 از برادر زادگان کتختاد و می مخدوم شاه حسین متوسط برادر فرزند ایشان  
 مخدوم شاه عبدالرزاق پسر ایشان مخدوم شاه عبدالمجید ولد ایشان مخدوم  
 شاه عبدالحی یک دختر ایشان بی بی تا جا روجه میر سید محمود ابن میر سید محمد  
 ابن میر سید صدر جهان یا قری نسب دانا پوری و نیز حضرت مخدوم شاه  
 عبدالمجید ابن مخدوم شاه عبدالرزاق را یک دختر بی بی شرفه و چه  
 میر سید محمد اکبر ابن قاضی سید عمار الدین ابن قاضی سید عبدالفتاح عمو  
 قاضی بڑی رضوی نسب دانا پوری سه فرزند حضرت میر سید اکبر بزرگو  
 میر سید جهانگیر که بیعت و تربیت ایشان را از جد مادری مخدوم شاه عبدالمجید  
 بود دوم میر سید مکارم پدر میر سید اکرم سوم میر سید مقتدر والد ماجد قاضی  
 سید رکن عالم حالا اولاد دختر بی این بر سه برادر اند از انجمله ابن خاکسار  
 و برادران عم زاد را نواسگی میر سید محمد ابن میر سید جهانگیر قدس سره و  
 از نواسگان میر سید سید عالم ابن قاضی سید رکن عالم حیرین بخش  
 کوچوی والد ماجد شاه انظر حسین دویم شیخ محمد یار جد شاه داود دوم

گردیده نام آن بی بی تحقیق این خاکسار از کتاب تصنیف شاه محمد و شش  
 فردوسی بی بی پدید و از بیان صاحبان نوآباده که اولاد اند بی بی کمال  
 الحاصل از بطن این بی بی یک دختر و یک پسر شد و نام دختر بی بی  
 کمال روجه محمد و شاه حسام الدین والده محمد و شاه حسین غریب  
 دیوگر پوش که در پورینه فرار واقع است و یک خواهر نیز ایشان مسماة  
 بی بی دولت الحاصل فرار همه محمد و شاه سلیمان و بی بی کمال و مادر  
 و دختر ایشان در موضع کاکو واقع اولاد این حضرت اند باستماع آمده اولاد  
 پسرین اولاد بی بی کمال اند

شمره سوم فرع سوم اصل اول در ذکر اولاد محمد و شاه عطار السد  
 قدس سره واضح باد محمد و شاه عطار السد ابن محمد و شاه سلیمان  
 لشکر زمین که نواسه حضرت پیرچگجوت اند یک خلفه ارشید ایشان محمد و شاه  
 شاج الدین انبه محمد و شاه عبدالملک ابنه شاه عبدالغنی ابنه شاه عبدالوهاب  
 انبه محمد و شاه احمد چستی قدس سره فرار ابن همه بزرگوار در جوار جد پدر  
 بزرگوار است باطراف موضع کاکو آلا محمد و شاه احمد چستی را بیعت و تربیت  
 از حضرت دیوان شاه محمد سلطان چاند پوری محله منحللات حضرت بهار  
 که بنیره این محمد و دیوان شاه فرید طویل بخش ابن دیوان سید شاه بزرگم  
 ابن سید شاه جمال اولیا ابن سید محمد بدوئی که برادر عم زاد حضرت سلطانی

نزوح بی بی بلا قن لاولد دومی شاه منیر الحق و دو دختر ایشان هر دو  
 لاولد و یک پسر شاه محی الحق عرف بالوکسی پسر و دختر ایشان نیست  
 الا پسر کلان شاه نور الحق شاه ضیاء الحق بودند از سماه یحیی دختر  
 سیر سید حامد محمود ابن میر سید محمد که خدا سه دختر از بطن این بی بی یک سماء  
 مخدومه زوجه جناب حضرت سید شاه یحیی علی ذی اولاد دومی سماه سیمه  
 لاولد سومی سماء سکینه زوجه شاه معین الحق عرف شاه محمد یعقوب  
 ابن مولوی شاه بدر الحق ابن مولوی شاه امین الدنکوردی صدر از بطن  
 این بی بی یک دختر و سه پسر شدند بجز دختر همه ذی ولد اند نام دختر سماء  
 حسینا زوجه اولی میر سید هدایت حسین عرف سید چلو ابن میر مظفر حسین  
 لاولد این جهان وفات یافتند پسر کلانی شاه ظهیر الحق از دختر  
 میر سید حامد حسین شادی کردند یک پسر و یک دختر ایشان نام پسر شاه  
 فرید الحق از دختر خال کلان خود که خدا یعنی از دختر سید محمد حسین  
 هنوز اولاد نیست از دختر از سید الفت حسین ابن سید محمد حسین ابن  
 سید شاه غلام حسین شملوی الا شادی دوم ست سید الفت حسین پسر ثانی  
 شاه منظر الحق از دختر خالاسی خود منسوب شدند نام زوجه شان سماء  
 فضیلت النساء مدغوفجوز از بطن این بی بی چهار پسر و سه دختر و پسر  
 در ایام صغری رحلت یافتند اولاد و پسر ذی ولد اند کلان شاه نصیر الحق

گفت این بزرگوار شصت و پنج در ذیل اینها نوشته خواهد شد الا اولاد بسری فقط  
مخدوم شاه خوند شیخ هنوز موجود است این بزرگوار مخدوم شاه خوند شیخ  
از انجا براسته قریب یک کوه موضع آباد کرده تکیه ساخته معروف نوآباد  
خور و دان معروف نوآباد کلان است ضخیمه شمره سوم خلف الرشید مخدوم  
خوند شیخ دیوان شاه تیم السدانه شاه تاج الدین محمد ابنه شاه عنایت السد  
که از نام ایشان چک آبادست و دو فرزند ایشان رتبه بلند یکی مولوی شاه  
طیغور السد و ابراهیم زاده ایشان میر سید احمد و دختران ایشان یکی بی بی  
ترتیباً زوجه شاه بدر الحق دومی ترکیباً زوجه میر سید حامد محمود ابن میر  
سید محمد ثانی نوآباد کلان اولاد دخترهای ایشان شد و مولوی شاه طیفور السد  
لا ولد الا برادر ثانی ایشان مولوی شاه منور السد ابن شاه عنایت السد  
اولاد شد خلا اولاد ایشان موجود اند مولوی شاه منور السد زوجه ایشان  
عمه میر سید و حجه الدین عرف سید بولن بودند سه پسر مولوی شاه منور السد از انجمله  
یکی شاه خلیل السد اولاد ایشان شد دومی شاه مسیح السد یک دختر ایشان  
سماته جمیل زوجه شاه نور الحق پسر کلان مولوی شاه امین السد و پسر  
شند بن شاه مسیح السد یکی شاه مطیع السد دومی شاه ثناء السد و اولاد  
الا پسر کلان شاه منور السد مولوی شاه امین السد بودند الا کلان  
پسر شاه امین السد شاه نور الحق بودند سه پسر ایشان یکی شاه محمد غیب الحق



انحضرت بقربت عم المظفر امین خاکسار بودند و هر دو برادران شاه مظفر الحق  
 و شاه غفور الحق میر بد بطریق عالیہ شتیبه نظامیہ از پدر بزرگوار خود اند  
 الاتربیت یافته باطنه و خلافت نعمت بسلسلہ ابوالعلائیہ از جناب حضرت سید  
 شاه یحیی علی قدس سره اند استعالی مع ذریات ایشان از فائز مرلم دارند  
 ثمره فرع دوم اصل اولی بقبیله ذریت حضرت امام تاج فقه پسر سوم  
 مولوی شاه ابن الشاہ طیب السد فواسه حضرت شاه سیف السد

### موردی منجملات بہار

واضح باد حضرت شاه طیب السد پسر ثالث مولوی شاه امین السد در موضع  
 موڑہ در کنار تربیت جد بادی خود شاه سیف السد حتمہ السد علیہ مانند  
 کتخانی ایشان در اولاد مخدوم شاه بدر الدین بدر عالم زاہدی گردید از  
 مسماۃ جگن دو برادر ایشان یکے میر سیف الدین عرف میر سوبن نام  
 دیگری یادیت اسحاق جناب طیب السد از بطن امین بی بی چہار دختر  
 و دو پسر یکے مشتق شد از ذات شاه بہار الحق کہ صاحب جود و سخا بہر ذات  
 تکلف نہ لباس داشتند و نہ در خورش نوش مجرماندند نہ پذیرا کردند تعلق  
 اہل و عیال اولاد برادرشان اولاد ایشان ہستند برادر ایشان شاه  
 تراب الحق رنج عمہ امین خاکسار ذکر اولاد ایشان و شخص اولاد جدا  
 خود خواہند نوشت طویل الذکر است پنج پسر و دو دختر ایشان ذی ولد شدند

شادی اولی از دختر غم خور و خود گرد و نداد و دهست یک پسر محمد کبیر و دختر  
نیز اند بعد رحلت زوجه خود شادی ثانی کردند در قصبه منیر از دختر شاه  
اولاد علی ازین زوجه نیز اولاد اند و برادر ثانی ایشان شاه ضعیف الحق  
از دختر سید شاه علی حسین ابن سید شاه غلام حسین شملوی که خدا شد  
بفضلہ فی اولاد اند و خواهر ان ایشان یک زوجه اولی سید الفت حسین  
نکود که خدا از ان نیز اولاد اند و ثانی زوجه شاه محمد نظام الدین ابن شاه  
غفور الحق که خدا پسر و دختر ان موجود یک زوجه شاه محمد واجد ابن  
شاه حسین علی روی هنوز ناکد خدا پسر حافظ حسام الدین طال سعید  
و علمه همه و جوه یمنیق است پسر سوم شاه غفور الحق که خدائی ایشان نیز  
از دختر خود و خاله ایشان گردید سماء بصیر النساء عون بسود دختر جناب حضرت  
سید شاه سجی علی یک پسر ایشان شاه محمد نظام الدین نکود بالا از دختر  
عم اوسط که خدا نکود پسر دختر ایشان با قبل کرده اولاد و خواهر ان ایشان  
یک زوجه اولی شاه نصیر الحق نکود ثانی زوجه پسر دیوان مولانا بخش  
نام در نیوقت یاد نماذ بفضلہ فی اولاد اند و یک خواهر شاه نصیر الحق زوجه  
سید محمد ناظم ابن سید شاه حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی ابن  
جناب حضرت سید شاه سجی علی و پدر و برادر شاه نصیر الحق و شاه ضعیف الحق  
و شاه محمد نظام الدین توانه جناب حضرت شاه سجی علی قدس سره اند و

شاه ذکی الدین حسب روایت بمقام شکر و سیه اقامت بود و خانه شرفا  
 از سیادت عقد نکاح نمودند یک دختر نخست از خرد متولد شدند بی بی بار که نام  
 بود چون از غضب و جلال و الدخدر حلت بدان مقام کردند چند کسان از آنجا  
 آن بی بی موصوفه را آوردند ایام رضاعت نیز ختم نشده بود و عرض کردند  
 آنما که یا محمد دم این دختر پسر آنحضرت است فرمودند اگر همچنین است خود بخود  
 نزد من آید می آرند آن معصیه تر زمین را نو کرده برانوے مبارک حضرت محمد دم  
 الملک آمده نشیند محمد دم بر حال تنهایی او شدند اشکبار گرفتند بکنار میگویند بر  
 پشت مبارک حضرت محمد دم الملک یک مسه سرخ رنگ بود آنرا آن وقت العین  
 از لب خود میکیدند شیر می برآمد از کلمات اولیا عجب نیست اسحاق اصل این  
 ناز پرورش یافتند چو بالغه شدند از سید و حید الدین چاکش ابن سید  
 علار الدین کتخدا کردند و سید و حید الدین خواهر اده نیز مرشد حضرت  
 محمد دم بودند یعنی همیشه زاده خواهر نجیب الدین فردوسی قدس سره شوق  
 از بطن بی بی بار که سید و حید الدین را دو فرزند شدند یک پسر و یک  
 دختر اسم مبارک پسر سید عبداللهم المدعوسجا و اکبر شادی ایشان در کفایت  
 جدی کردند یک پسر ایشان سید ابو محمد عرف سید پیار و نام دختر سید  
 و حید الدین بی بی زهره بود از سید شهاب الدین جوهری علوی نسب  
 که خدا شدند یک پسر و یک دختر متولد شدند نام پسر سید زین العابدین و نام

و خواهر ایشان یکی والده میر محمد حاصم یک دختر ایشان کتخدا از شاه  
 محمد سجاد بن جناب شاه تراب الحق مذکور و اولاد دختر ثانی بودند و دختر یک  
 بی بی مبارک زوجه شاه فخر الدین برادر او وسط شاه کبیر الدین سجاده نشین  
 مقام سهرام والده شاه محی الدین عرف لالامیان ذی اولاد اند  
 و دختر ثانی بی بی سلامت بموضع رحبت در اتران که خدا آنهم ذی اولاد  
 اند باقی حال که دختران بخوبی معلوم نیست شاید یکی از میر عنایت علی که خدا  
 بودند ثانی اولاد شاه طیب السمر حرم از محل ثانیه یک دختر و سه پسر یکی  
 شیخ صادق علی والدناظر و لا در علی و دیگری شیخ خورشید علی والد شیخ قربانعلی  
 سومی دارنده ولایت علی بود

فرع چهارم اصل اول شجره اولاد حضرت مخدوم الملک شاه  
 شرف الدین فردوسی بر چند ثمر و یک شجر که طویل الذکر است  
 بتصریح بیان میکنند

باید دانست حالات و کرامات آنحضرت مخدوم الملک در کتاب مولود شرفی  
 بخوبی بیان کرده است این فقیر حقیر چونکه این کتاب نسب نامه بود و اینجا  
 حاجت تحریر نبود و نسب نامه بالا حضرت امام محمد تاج فقیر با قبل تحریر شد  
 احتیاج مکرر تحریر نیست باید شنید حضرت مخدوم الملک در مقام سنا  
 گانون متاهل شدند از بطن آن بی بی یک پسر عالی قدر متولد شدند

شدند و شاه عجب الدلی را یک پسر شدیحی نام اولاد نام و میر سید عبد القادر  
 را اولاد نشد الا دو برادر شدند و می اولاد سید عبد السلام و سید شاه مصطفی  
 اند ما جرای مرام مفصلاً نوشته می آید باید شنید فرزند شاه مصطفی شاه  
 قطب علی و پسر ایشان شدند یکی شاه نظام الدین و دومی شاه  
 حسام الدین ذاکر اولاد ایشان بعد ذکرا اولاد برادر کلان خوانده نمود حالا  
 ذکرا اولاد شاه نظام الدین بن شاه قطب علی مینمایم که بیان طویل است  
 شمره در بیان اولاد شاه نظام الدین ابن شاه قطب علی  
 باید دانست شاه نظام الدین را شدند چهار پسر از آنجمله یکی شاه علی بخش  
 و دومی شاه مصطفی ثانی سومی شاه فیض علی چارمی شاه عبد الغفر  
 که لا ولد رفتند از خالم از فرزندان شاه علی بخش یک قطب علی ثانی  
 و دومی شاه اسد علی لا ولد الا شاه قطب علی ثانی را یکی شاه نظر علی لا ولد  
 و دومی شاه رحمت الدین عرف شاه و دهورن ایشان را یک دختر  
 روجه نشی کریم بخش و سه پسر یکی شاه نور الدین احمد دعوت شاه ببا  
 که خدائی ایشان از دختر خود دهری حبیب الدگر دید یک پسر و یک دختر  
 ایشان دختر روجه شاه امیر علی ابن منتی سید کریم بخش پسر ایشان شاه  
 محبوب حسین و پسر شاه ببا و ن شاه خورشید حسین که از دختر عم اوسط  
 کتخا شدند و دومی شاه کریم الدین و دختر ایشان یکی روجه شاه خورشید حسین

دختر بی حفظه از سید ابو محمد یاری کتخدا شدند از لطن این بی بی چهار پسر  
 متولد شدند یکی شاه مسیح الدین و دومی شاه فصیح الدین هر دو اولاد سومی شاه  
 امام الدین اولاد ایشان گشتند بسیار در اردل و علاقه سهار سوجو داند و نیز فرزند  
 این بزرگوار در اسحاق در مقام بدر اباد قریب اردل منزله سید وحید الدین  
 چلکشیست و بمقام سیراقرب پلاسی مرقد این بزرگوار است الا  
 فرزند چارمی سید شاه علیم الدین عرف شاه بیکه را که معذور از پاسبان بود  
 خدام درگاه مخدوم الملک در انجا رفته در حضرت بهار آورده مسند نشین سجاده  
 متبرکه نمودند و در رات درگاه غیره پیشکش آنحضرت و اولاد ایشان بعد  
 حصه دهم یا چهارم حصه خود را کردند و خدمات بطور خادمیت بجا آوردند چون  
 سلسله اقامت شد اولاد این بزرگ مخدوم زاده معروف شدند در جومات  
 خلایق در سرکار ایشان روداد واضح باد حضرت سید شاه علیم الدین را  
 دو فرزند یک شاه لعل و دومی شاه جلال کلانی را اولاد نشد الا  
 فرزند شد بشاه جلال سمی شاه خوند لپس ایشان شاه محمد لپس ایشان سید  
 شاه احمد فرزند ایشان شدند کثیر شجره اولاد سید شاه احمد شش پسرینی  
 بر شمر چند از ان جمله یک شاه محمد دومی شاه مصطفی سومی شاه بهادر علی  
 چارمی شاه عبد السلام پنجمی شاه عبد القادر ششم شاه عبدالحی  
 انقصه شاه محمد را یک پسر شاه عبدالحکیم دومی شاه عبدالحلیم هر دو برادر اولاد

مصطفیٰ ابن شاه نظام الدین مذکورہ بالا ذمی اولاد شدہ یکے شاه  
مر قاضی انجش و دومی شاه جلال الدین سومی شاه یحییٰ علی پس  
شاه مر قاضی انجش رانیر سپر یکے شاه عموث علی دومی شاه قتمعلی سومی شاه  
فیض علی کیفیت ذمی و لدی شاه عموث علی دریافت نشد آلا بہر دو ہر او شاه  
فتح علی و شاه فیض علی اولاد شدند

### شمارہ سیوم

پسر شاه فتح علی یکے شاه حمید الدین دومی شاه فرحت علی سومی شاه امان  
عزت منو پسر شاه حمید الدین شاه بخشش علی دومی شاه قاسم علی  
و شاه محمد سعید ہمہ ذمی اولاد شدہ ازین عالم بی اولاد شدند

### شمارہ چہارم در ذکر اولاد شاه فقیر علی

شاه فقیر علی را دو پسر کی شاه لطف علی اولاد ایشان نشد دومی شاه  
افضل علی چہار پسر ایشان ہر یکے عالی تبار ذمی اقتدار یکا از انجمل  
شاه واجد علی متوطن موضع سانہ قیام در خسرو پورہ کردند چند دختر ایشان  
و دو پسر یکے دختر زوہب شیخ نواز شہ حسین کہ پسر و یک دختر از بطن این بی بی  
شیخ محمد اہل و تجمل حسین کیفیت ایشان بالا نوشتہ شدہ است و فصل دوم  
در ذکر شیوخ فاروقی نسب آلا دختر ثانی زوجہ مصاحب علی خان و دختر ثالث  
زوجہ میر یار علی ساکن پور نہ پر گنہ ار دل مادر مادر حسین ذمی ولد اند

مذکوره بالا دومی روجه شاه فرزند علی پسر خود نشی کریم بخش مذکور الصداق  
سومی شاه منیرالدین احمد عرف شاه محمدی در مقام راجگیر در قرا  
شد شادی ایشان دو پسر و دو دختر ایشان یک روجه میان جان علی بن  
نشی رمضان علی دومی روجه شاه وحیدالدین ابن میر قاسم علی ساکن  
سوه و صفت کلا فی شاه منیرالدین احمد عرف شاه محمدی شاه قمرالدین  
و شادی ایشان از دختر میر امانت علی مرحوم گردید یک بعد دیگر  
و صفت ثانی شاه صاحب مدوح مولوی وحیدالدین شادی ایشان  
نیز یک بعد دیگر از صبیبه میر شرافت کریم گردید کیفیت ذی و لدی هر  
دو صاحب معلوم نیست

### شماره دوم در ذکر فرزندان شاه فیض علی ابن شاه نظام الدین

پیشیند فرزند شاه فیض علی ابن شاه نظام الدین چهار بودند از آنچکه یک  
شاه حسین علی دومی شاه غلام شرف الدین سومی شاه کریم  
نقض این سه برادران لا ولد رفتند ازین عالم الا دومی ولد فرزند چاکر  
شاه عظیم الدین دو پسر ایشان یک مظفر علی دومی شاه کریم الدین  
ثانی ایشان نیز دو پسر یک شاه احمد علی دومی بدو ح عرف شاه  
بدو و حد تعین لا ولد پسر شاه مظفر علی شاه علی بخش بودند پسر ایشان  
شاه تراب علی پسر ایشان محمد یعقوب عرف دثری مغفور و النجیر الا شاه



یک دختر ایشان زوجه امیر علی خان ابن همت علی خان سه پسر و یک دختر  
 زوجه چودهری ظهور الحق ابن چودهری واحد علی دودختر و یک پسر ایشان  
 محمد واعظ الدین نام مادر ایشان سماته قدیرا انسانیت سماته حسینا نام  
 پسران وزیر علی خان از دختر خال خود شاه لطیف احمد ابن شاه  
 شرافت علی که خدا شد پسر ایشان داماد چودهری ظهور الحق دودختر خال  
 بوزیر علی خان منسوب یکی بعد دیگر سه پسر سوم فدا علی خان داماد شاه  
 بنده علی داماد کلانی جناب حضرت شاه امیر الدین رحمة الله علیه پسر سوم  
 اقبال علیخان داماد شاه لطیف احمد خال خود یک دختر و چودهری  
 واعظ الدین مذکور و پسر محمد سخی هر یکی له اند پسر شاه شرافت علی علیه الرحمة  
 شاه لطیف احمد داماد راجه اسد الدیک پسر ایشان بود محمد خلیل بصر  
 چهار سالگی رحلت نمود و الا پنج دختران ایشان مذکور سه دختر کردند متوسط و دختر  
 زوجه شاه محمد تقی ابن شاه امیر الدین رحمة الله علیه ذمی ولد و یک دختر  
 در انجوار که خدا شد در اقران ان جوار

شمره پنجم در ذکر اولاد شاه عوث علی ابن شاه مرفعی انجش ابن  
 شاه مصطفی

مذکوره بالا باید دانست بشاه عوث علی چند دختران الا یک پسر شاه احمد علی  
 با ایشان یک دختر و یک پسر شاه واحد علی خواهر ایشان زوجه شاه

پسر کلانی شاه امیر علی داماد شاه علی انجمن پشپوری ذوی ولد شدند پسر  
 ثانی شاه فرزند علی داماد شاه سلامت علی عم خود ذوی ولد شدند پسر دومی شاه  
 افضل علی شاه ذاکر علی داماد خال خود شاه عاشوری یک پسر  
 پسران شاه ابوتراب داماد عم خود شاه سلامت علی پسر ایشان شاه وجه الدین  
 پسر امیر علی سومی شاه سلامت علی ابن شاه افضل علی سه پسر  
 پنج دختر اینان یک دختر روجه شاه فرزند علی ابن شاه واجد علی و دو دختر  
 روجه شاه ابوتراب یکی بعد دیگری و یک دختر روجه شاه براتی و یک دختر روجه  
 شیخ محمد حسین الا فرزند کلانی ولایت حسین داماد شاه داود ولی پسر ایشان  
 شاه محمد بصر داماد خور و جناب حضرت شاه امیر الدین سجاده نشین و پسر  
 و یک دختر ایشان ارواب ایشان خانه اجداد است آبا و دمی پسر شاه  
 ارواح حسین داماد شاه جان علی شیخ پشپوری یک دختر ایشان زوج  
 پادشاهی علی خان نواسه نواب محمد حسین خان مرحوم ذوی ولد پسر سومی شاه  
 امیر علی و پسر شاه غلام حسین شملوی و پسر ایشان یکی شاه وزیر جا  
 و ذوی شاه بوجان هر دو ذوی اولاد اند سومی پسر چهارمی شاه افضل علی  
 شاه شرافت علی شادی اول در قصبه سوان از دختر راجه محمد علی ازان روجه  
 یک دختر روجه شیخ ولایت حسین یک پسرشان محمد حسن لا ولد شادی ثانی  
 ایشان زوج روجه شاه علی سجاده نشین گردید از مساه مرادن یک پسر و

## ابن قطب علی ابن شاه مصطفی دلی

ابن شاه علی ابن شاه احمد ابن شاه خوند ابن شاه جلال الدین  
 این شاه علیم الدین بزرگ عرف شاه بیکه و افغ باد شاه حسام الدین  
 و دو فرزند نام یکی شاه بدل و نام دومی شاه بولا یک پسر ایشان شاه  
 وحید الدین و سه خواهر ایشان جا بجا منسوب و شاه بدل را چند دختران  
 از آن جمله یک دختر زوجه بود از شاه وحید الدین ایشان را یک پسر  
 بنام شاه مهر علی و چند دختر یکی از آن زوجه شاه علی بخش بدو بخشا  
 پدر شاه تراب علی و پسر شاه امیر علی شاه و وجه الدین عرف شاه و جا  
 شادی ایشان در شیخ پوره شد از خواهر شاه علی امجد شعیب شاه و وجه الدین را  
 نیز یک پسر شاه فرزند علی عرف شاه فیضاً و چند خواهران ایشان یک  
 زوجه شاه تراب علی مذکور بود از محمد یعقوب یکی زوجه شاه جانعلی پدر مهدی حسن  
 سومی زوجه قاضی مبارک علی بدو ز قاضی سلامت علی و نیز شاه فرزند علی را  
 یک پسر شاه الطاف حسین با ایشان نیز یک پسر و چند دختر و پسر و فرزند  
 صاحب نیز دختران یکی زوجه شاه احمد حسین چند پسران ایشان و دومی زوجه  
 قاضی سلامت علی ابن قاضی مبارک علی چند دختر و پسر ایشان نیز سومی  
 زوجه میر ابن حسین چارمی منسوب بود از پسر شیخ دیدار علی لا ولد شد از مقتدر  
 اولاد بود شاه بدل و شاه بولا است

مخند و مبخش تخلص و انی یک دختر ایشان زوجه عنایت حسین خان  
یک پسر ایشان میر بشارت حسن خان آلا شاه واحد علی سبب رقابت  
صاحبان شیخپوره حسین آباد تبدیل مذہب کرده بودند آخر عمر در سفر بیت اللہ  
شریعت نمودند بعد از ادای حج و زیارت مدینہ طیبہ در حالت علالت از مذہب  
شیعہ برداشت این خاکسار توبہ نمودند و در اینجا ترفین شدند در جنت العالی  
بحوار سیدنا عبد الرحمن ابن حضرت صدیق اکبر رضی اللہ عنہ القصہ کی پسر ایشان  
شاه علی ارشد کہ از خواہر شاه جمال علی بلخی کہ خدا یک پسر ایشان شاه  
علی منظر در شیخپوره سکونت دارند ذمی اولاد ہستند

شمارہ ششم در بیان اولاد شاہ سبکی علی ابن شاہ مصطفیٰ از نام  
ایشان حملہ مشہور مصطفیٰ

باید شنید پسر شاہ سبکی علی ابن شاہ مصطفیٰ مذکور یکی شاہ رکن الدین لا ولد  
و دیگری شاہ نور احمد سومی شاہ تاج الدین الا اولاد دخترے شاہ رکن الدین  
مانند سکونت در بارہست و پسر شاہ نور احمد شاہ رحیم بخش بودند اولاد دخترے  
ایشان نیز مانند الا شاہ تاج الدین را بودند پسر چار یکی شاہ صادق علی دیو  
شاہ خیر احمد سومی شاہ محل محمد چارمی شاہ بخش اللہ کیفیت اولادشان  
بعدین دریافت نشد کہ مینوشت انہد در کتاب تصنیف شاہ مخدوم بخش  
شمارہ ہفتم در بیان اولاد شاہ حسام الدین برادر شاہ نظام الدین

واضح بادشاه وجهه الدین کثیرالاولاد شدند وقت سجادگی ایشان رونق بسیار  
 شد از جانب بادشاه عصر معاش شد حصول یغایم و التمه و نیاز و گاه محمد  
 گویا بتکلفت تمام امارت میکردند انقصه شاه وجهه الدین را در وجه  
 بودند در کفویت از هر دو چهارپای شدند و علاوه اینها چند زوج بودند از بطن هر  
 زوج دو پسر شدند که از ده پسر گویا یعقوب ثانی شدند یکنار تفصیل دار  
 باید شنید شاه محمد بزرگ و شاه علی بزرگ از یک بطن بودند و شاه  
 علاء الدین نقدا لقب و شاه بدیع الدین این هر دو برادر از یک  
 بطن بودند اسماصل چهار برادر متفق المراج شده سجادگی بر برادر کلانی شاه  
 محمد بزرگ را داشتند الا تقسیم صرف معاش معروف چهار سرکار بختیم و حدم  
 اوقات داشتند الا شاه علاء الدین نقدا بدین وجهه مشهور شدند خواه  
 ماهواری نمی دادند یومیه بعد شاه محمد بزرگ شاه علی بزرگ سجاد نشین  
 شدند گوئید دو پسر شاه محمد بزرگ بودند یکی رانام شهنشاه دیگری راشاه  
 رستم نام بود از هر دو برادر اولاد نماند شاه علی بزرگ را نیز اولاد نشد بعد  
 ایشان سجاد نشین شاه علاء الدین نقدا شدند ایشان را نیز اولاد نشد  
 بعد انتقال ایشان شاه بدیع الدین برادر چارمی شده بمشاهده نشین  
 خلف الرشید ایشان شاه علیم الدین بعد پدر خود گشتند سجاد نشین کیفیت  
 بعد ازین خواهد نوشت

شجره در بیان اولاد شاه عبدالسلام ابن شاه علی ابن شاه  
احمد ابن شاه محمد ابن شاه خوند ابن شاه جلال الدین ابن  
شاه علیم الدین بزرگ

باید دانست این شاه علی اندک محله شاه علی معروف از نام این بزرگ است  
الغرض شاه عبدالسلام را دو فرزند رتبه بلند یکی ذکی الدین و دیگری شاه  
وصی الدین چهار پسر ایشان یکی شاه احمد بخش و دیگری شاه ابی بخش موسی شاه نام  
چهارم جاری شاه غلام فردوس اینده دریافت نشد کیفیت اولاد ایشان الا  
شاه محمد دل پسر شاه غلام فردوس بودند

### شماره اول شجره اولی

شاه ذکی الدین را یک فرزند رتبه بلند شاه وحیده الدین که بعد بزرگوار  
سجاده نشین شدند از محل اولی بودند ذکر بطویل است بعد بیان دیگر پسران  
تحریر خواهند نمود الا از محل ثانیه و دیگر یکی شاه عثمانیت علی و دیگری شاه  
فیض علی الغرض شاه حبیب الله صاحب مخدوم ثانی خلف شاه عثمانیت  
بودند پسر ایشان منعم جهان بودند پسر ایشان شاه احمد علی زمین بده حکومت  
الا پسر شاه فیض علی شاه قبالض علی ایشان را دو پسر یکی شاه موسی علی  
و دیگری شاه عثمانیت علی و پسر ایشان بودند

شماره دوم شجره اولی در بیان اولاد شاه وحیده الدین

## ثمره در ذکر اولاد شاه علیم الدین سجاده نشین

باید دانست حضرت شاه علیم الدین را در وجه بودند در اقران کفویت  
 عیسی بنی یحیی که از بطن ایشان اولاد شدند و دومی والده بنی بی میرزا  
 که از شاه احمد علی خواهر زاده شاه مظفر حسین که خدا شدند یک پسر  
 ایشان شاه محمد حسین که از مسماة وحید النساء دختر طایفه شاه ولی الله  
 که خدا شدند اولاد شدند الاسر و دختران بشاه احمد علی مرحوم یک مسماة نخیان  
 عرف محسن زوجه میر حسین بخش کورجی و دو دختر ایشان شد یک زوجه میرزا علی  
 دومی زوجه میر ممتاز علی پسر دو دختر ایشان و پسر میر حسین بخش شاه  
 اظهر حسین که زب سجاده جدا در می شدند که خدائی ایشان از دختر  
 میر اسمعیل علی ساکن محله گلپنجه گردید اولاد نشد ثانی دختر دومی شاه  
 احمد علی زوجه میر امید علی ابن مظفر حسین یک پسر سید امید علی  
 میر سعادت علی از خواهر خالاتی منسوب یعنی از دختر میر حسین بخش مرحوم  
 دختر سومی شاه احمد علی از میر کرامت حسین ابن میر سید حامد حسین  
 نوآبادی منسوب یک پسر ایشان سید ولایت حسین و دو دختران یک  
 زوجه سید مهدی حسن ذوی اولاد دارند دومی زوجه سید شاه عبدالحسین ابن سید  
 لطافت علی شیخپوروی و دو دختران یک پسر سید معین بفضل همت ذوی اولاد  
 هستند منسوب جابجا

شمره در ذکر دیگر فرزندان شاه وجه الدین مع ذکر اولاد آنان  
 از یک بطن که نام بود بی بی گلاب دو پسر شاه غلام بدر و شاه غلام حیدر  
 شاه غلام بدر و بی اولاد شدند کیفیت اولاد ایشان بعد ازین  
 چونکه ذکر طویل است و از محل چهارم شاه وجه الدین دو پسر یکیش حامد  
 دومی شاه محمود و از محل خامس دو پسر یکیش ساه سرور دومی شاه بقدر  
 از زوجه ششم نیز دو پسر شدند یکیش شاه غلام رسول دومی شاه محمد ششم  
 از اینها دو دیرادر اولاد یک برادر شد ثانی لا ولد چنانچه اولاد شاه حامد  
 شد و شاه محمود لا ولد شمره از اولاد شاه حامد یکی شاه اکبر علی<sup>علی</sup> آنان را  
 سه دختران یکیش والدہ شاه سخاوت حسین دومی روجا بی بی<sup>علی</sup>  
 خالد و خوشدامن شاه سخاوت حسین و سومی رانیز یک دختر شد دومی  
 فرزند شاه حامد شاه محمود و منجش متخلص وافی ذکر ایشان در آخر سابق  
 شمره در ذکر اولاد شاه غلام رسول و شاه یاشم لا ولد ذکر شد رحمت<sup>علی</sup>  
 ابن شاه واحد علی ابن شاه فقیر علی ابن شاه غلام رسول ابن شاه  
 وجه الدین مذکور الصدر شاه رحمت علی را یک دختر و چهار پسر شاه  
 عباس علی عرف شاه جبین دومی شاه احمد علی سومی رانام برد چو<sup>لو</sup>  
 چارمی شاه اسید علی اند شاه سرور و شاه صفر هر دو برادر را اولاد نشد  
 که بیان کنم



الاذکر اولاد پیری حضرت مخدوم باده دانست خلف الرسید و سجادہ نشین مخدوم  
 بدر عالم قدس سرہ حضرت سید شاہ سلطان بودند اولاد مخدوم سید  
 سلطان نشد الا یکے از فرزندان برادر را بفرزندگی گرفته کردند جانشین معروف  
 بمخدوم احمد بڑی سید احمد بڑی جگن معروف پسر ایشان شاہ محمد عرف جگن  
 بعد این بزرگوار بیعت این سلسلہ را ہدیہ در خلفا ماند الا بیعت و خاندان  
 فرزندان مانند یکی از اولاد ایشان حضرت شاہ محمد بچند وسطہ شاہ عبدالمدعوت شاہ محمد عوض  
 بوند نیرہ ایشان شاہ محمد فیاض را ہدیہ نسب و سلسلہ ساکن محلہ سوہ  
 منمحللات بہار یک پسر ایشان دو دختر نام پسر را ذمیت الادامہ دشان  
 حاجی نصیر الدین شیخ پوری شعی نسب اندالاد دختر کلانے حضرت شاہ محمد فیاض  
 زوجہ حضرت شاہ ولی السہد پر بزرگوار حضرت شاہ امیر الدین فردوسی دختر ثانی  
 شاہ بہادر علی شعی شیخ پوری دو دختر ایشان کیے زوجہ شاہ محمد علی  
 کہ برادرزادہ نیز خسر خود اند شاہ محمد علی مرحوم چند دختران و دو پسر کیے  
 شاہ بھوجو کہ ربط محبت پیدا شدند ازین خاکسار بسیار نوجوان وقتند بلکہ  
 ثانی شاہ عبدالعلی داماد وسط جناب شاہ امیر الدین فردوسی سجادہ  
 و یک دختر شاہ صاحب مرحوم زوجہ حکیم ارشد علی کہ خواہر زادہ نیز اند کہ  
 ویمی زوجہ مولوی تصدق حسین ساکن نگر نو سرد و فرزندان ایشان  
 شاہ وعظ الدین و ویمی مولوی علیم الدین بابائی کیفیت دریافت نیست ثانی

## شماره در ذکر اولاد حضرت شاه ولی السجاده نشین حضرت مخدوم الملک

احمد الله حضرت سید شاه ولی السجاده مقبول بارگاه که بنظر هر کس می نمودند  
ذات مخدوم الملک دین پناه این حضرت شاه علیم الدین بودند از بزرگان  
چهارم کثوت فقر شاه ولی السجاده نایش بود بتکلفات کرد و فرگوشه  
کلاه و لباس شاهانه خرقه رنگ ملاگیری و چیره زعفرانی بیعت ایشانرا  
از یک از اعمام خود شاه رحمته السجاده فردوسی بیعت ایشان از حضرت  
شاه نجیب الله قادری پهلوار دی و کسب باطن و تربیت از حضرت  
مولوی سید حسن رضا سمعی را به پور دی الحاصل که خدائی حضرت  
شاه ولی السجاده دختر شاه محمد فیاض شد که از اولاد حضرت مخدوم بدر الدین  
بدر عالم بودند مسکن بموضع سوه داشتند منجملات حضرت بهار و دیگر اقران  
و اخوان نیز آنجا سکونت دارند \*

ذکر اولاد حضرت مخدوم سید شاه بدر الدین بدر عالم فرار در بهار است  
واضح باد حضرت مخدوم بدر الدین بدر عالم را از یک بطن یک خست  
بنی بی ابدال نام صاحب کمال زوجه میر سید محمد رضوی نسب که برادر  
میر سید احمد که فرارشان بموضع ندره مشهور و فرار سید محمد قدس سره بموضع  
معا فاکت اولاد سید محمد ولی بی ابدال زین چتر زشته شد حاجت مکرر تشریف

## نوجوان رفتند از جهان اولاد باقی نماند

شجره نسب شاه غلام بدر ابن شاه وجه الدین ابن شاه ذکی الدین  
 واضح باد شاه غلام بدر الدین و غلام حیدر و برادر بودند ابن شاه وجه الدین  
 کتخدا هر دو برادر یکجا گردیدند از دختر سید شاه محفوظ که از اولاد سید محمد  
 سهروردی زیدی نسب بودند و وجه شاه غلام حیدر را نام سماه باجو  
 و وجه شاه غلام بدر را نام سماه پنجبیا عرفنا جو القصبه شاه غلام حیدر  
 اولاد نشد بعالم شباب رحلت نمودند و نیز وجه شاه غلام بدر یک پسر و یک  
 دختر گذاشته درین عالم وفات یافتند نهاله پسر و دختر سه ماه باجو پرورش  
 نمودند نام نامی پسر شاه غلام بدر شاه محمد و اصل بودند و نام دختر بود  
 بی بی بیکانی که از میر افضل علی ساکن محله باره دری اولاد سید فضل الله  
 بودند که خدا شدند یک دختر سدی بی دهمین وجه شافق علی عرف  
 شاه بهوڑے یک دختر ایشان سماه لطیفه وجه شاه علی بخش ابن شاه  
 محمد و اصل ذوی اولاد شده بے اولاد شده بکه مغظمه رحلت کردند و نام پسر  
 سید خیر الدین حسین که در مقام متهرا بغرو جاہ نام پیدا کرده در آنجا رحلت  
 کردند و اولاد نماند الا که خدائی شاه محمد و اصل ابن شاه غلام بدر از بنت  
 البنت شاه صفی الله برادر شاه احسان الله چاند پوری گردید  
 از سماه میجا دختر بی بی صحیحہ شاه محمد و اصل را از لبطن این وجه شش

دختر شاه بهادر علی علیه الرحمته روجه جناب حضرت شاه امیرالدین قدس سره  
 که از دختر خاله که خدا شدند جناب شاه امیرالدین فردوسی را و دختر  
 رتبه بلند و سه دختر از جمله یکی روجه شاه بنده علی عرفت شاه بدلا پس  
 شاه حسین علی یک دختر ایشان روجه فداعلی خان و دختر ثانی روجه  
 شاه عبدالعلی که دختر ایشان روجه سید عبداللطیف خلع مولوی کبیرالدین  
 آئینه معلوم نیست الا دختر ثالث از شاه محمد جعفر ابن شاه ولایت علی کنه  
 هستند و دو پسر و یک دختر ایشان موجود اند و پسر کلان جناب حضرت  
 شاه امین الدین احمد ذی اولاد اند و وجه چهار اند هر یک ذی ولد و  
 پسر ثانی شاه محمد تقی از دختر شاه لطیف احمد ابن شاه شرافت علی کنه  
 شدند ذی ولد اند و خواهر جناب شاه امیرالدین فردوسی یکی سماه و حیدر  
 روجه شاه محمد حسین ابن شاه احمد علی لا ولد ثانی بی بی مراد النساء روجه  
 شاه شرافت علی کیفیت اولاد ایشان بالا نوشته شد و جناب حضرت  
 شاه امیرالدین اددو پسر از محل دیگر اند یک رحلت نمود و محمد اسمعیل نام ثانی  
 محمد ولی است و از محل ثانی حضرت شاه ولی الد قدس سره یک پسر سمی  
 شاه بنده علی و دو خواهر ایشان فرزند یک خواهر محمد فضل امام حال  
 دیگر در ایقت نشد الا شادی شاه بنده علی بوضع پراستی از خواهر شیخ  
 فضل حسین دو پسر ایشان شدند یک شاه عبدالعلی و دیگری اولاد علی

زوجه شیخ محمد علی ابن شیخ مظفر علی ذی اولاد و نام پسر شاه طفت علی  
 مرحوم شاه محمد مقبول ذی اولاد است بمسماة ذاکره دختر شاه محمد و اصل  
 ابن شاه غلام بدر سه پسر شدند یکی سید عابد حسین چهارده ساله بمروند  
 و دیگر واجد حسین و سیوم برادر کنه نام یازدهت بعالم طفولیت ولت  
 کردند الا دختر گلان مسماة حیات النساء زوجه سید رضا علی ابن  
 میر دوست علی یک پسر ایشان سید فدا علی که از دختر عم خورد خود کتخت  
 یک دختر گذاشته رحلت کردند و در منسوب است از نواب نصیر علی  
 و یک خواهر سید فدا علی زوجه سید امید علی یعنی مسماة سکینه و دو دختر  
 گذاشته رحلت کردند و خواهر ثانی زوجه شاه وزیر علی ابن شاه امیر علی  
 و خواهر سوم زوجه سید وحید الدین ذی اولاد و اند چارمی بصغر سن  
 نمود و قضا و دختر ثانی مسماة فاطمه بخش عرفت پنجتن زوجه شاه امیر علی  
 یک پسر و سه دختر ایشان دختر سوم مسماة براتن النساء زوجه شاه علی  
 ابن شاه موسی علی ابن سید غلام محمد و م یک پسر ایشان سید شاه  
 علیجان رحلت کردند و نوجوان و دو خواهر ایشان نیز بودند باندا  
 پسر شاه امیر علی شاه وزیر علی که از مسماة کلسوم خواهر خالا  
 شدند منسوب چند و لا و شد الا یک پسر تحلی حسین نام موجود  
 و یک دختر منیر فاطمه زوجه سید قطب الدین ابن الفقیر یک

پسر و یک دختر از همه برادران کلانی بودند الا از برادر کلانی خورد مسماة  
 ذاکره روجه شاه انور علی ابن شاه فتح علی و سه پسر و سه دختر ایشان  
 پسر کلانی حضرت شاه محمد و اصل شاه که نیم بخش عرت چوپا که خدا  
 ایشان از دختر شاه غلام مخدوم که یکی از فرزندان حضرت سید محمد  
 سرور دی زیدی نسب بودند نسب نامه بالا مذکور شد نام دختر شاه  
 غلام مخدوم بود بی بی اطمیه عرت بی بی اتوار و یک پسر ایشان شاه  
 امیر علی که از دختر عمه خود مسماة ذاکره دختر شاه محمد و اصل روجه  
 شاه انور علی کتخدا شدند ذی اولاد شدند و پسر دوم شاه محمد و اصل  
 شاه علی بخش زوج مسماة لطیفه یک دختر و یک پسر شد نام پسر حسین  
 نوجوان فوت شدند و دختر را نام بود بی بی مراد النساء زوج میر محمد  
 ابن مولوی ابراهیم علی کابری ذی اولاد شده بی اولاد بودند و پسر  
 سوم شاه اشرف علی که خدائی ایشان بموضع مدح پور شد از مسماة  
 بی بی مریم اولاد نماذ چارمی پسر شاه قادی بخش شادی ایشان بیکه  
 خورد و نمحلات بهار شد از مسماة عبدا لاولد رحلت کردند پنج بی بی شاه ترا علی  
 ذی اولاد شده لاولد رفتند ششمی پسر شاه محمد و اصل شاه لطف علی  
 که در ایام جوانی عمده هاسه جلیل کردند حصول که خدا شدند بموضع باره  
 از دختر میر سید محمد از مسماة کبیر النساء یک دختر مسماة مقیما النساء

داود شاه بادشاہ تخت نشین حاجی پونہر سیدہ تاب مقابله نیا درو  
 فرار وزیر بسوے بنگالہ حملہ کردہ سلطنت حسین شاہ باو شاہ گرفت  
 حسین شاہ بادشاہ بنگالہ باخود ہانا پسند دیدہ صورت جنگ جلال  
 و ہندگان خداے راقال قصد ترک سلطنت کردہ قصد سیاحت نمود  
 و سلطان اکبر بادشاہ بر سپرداود شاہ رحم آورده قلم بر عفو جبرائیم کشیدہ  
 تاج بخشی نمود بمعینہ خراج کہ سابق نبود مسعود شاہ ابن داود شاہ  
 سجاجی بو تخت نشین ماند و حسین شاہ سیاحت کردہ در صحرای  
 ضلع ترہٹ جاے غزلت نشین شد و مشغول بعبادت الہی مدتی  
 برین سپری شد ان صحرایست علاقہ مظفر پور نام ست مالا شتر  
 کہ تہوہ درگاہ آخر ہجوم خلایق پیدا شد و کیفیت و کرامات از شاہ  
 حسین بادشاہ ہویدا شد خلق اللہ معتقد شد نوشتہ اند موخن گردیدگی  
 خلق چون ناپسند افتاد پسر خود سید علی ابدال راجا نشین سجادہ خور  
 کردہ از ششم خلایق نہان شدند احوال سید علی ابدال در اینجا بعد زہد  
 و ریاضت بو طیرہ اسلاف پیدا کرد و ندکسب و کمال تا مدت چہل سال  
 بعدہ متاہل شد نہ کنجائی از دختر محمدوم شاہ دانیال کہ یکہ از اولاد  
 حضرت محمدوم محمد تاج فقیہ اند گردید یعنی در اولاد محمدوم شاہ حسین  
 و ہو کر پوش کہ واقع فرار این بر رک است در پونہر ابن زلی پے

پسیرست عطا نظام الدین باقی سه خواهران شاه وزیر علی مرغ  
 از انجمله کلافه روجه اولی میر سید حسین و انا پوری برادر عمزاد و  
 خالاتی ابن خاکسار نام بود بی بی محذومه بعد شادی چند سال  
 حیات ماند مد آخر لا ولد از پنجهان رفتند و دختر ثانی شاه امیر علی  
 مرحوم زوجه این فقیر حقیر ذکر خود در خاتمه خواهد نوشت الا دختر ثانی  
 جناب شاه صاحب مدوح مسماة و افن زوجه سید شجاعت حسین  
 ابن سید شاه فخر الدین حسین علیه الرحمة با ایشان دو دختر که هنوز ناکتخه الا و  
 پسیر سید احمد حسین و سید فرحت حسین موجود اند

ذکر سید علی ابدال ابن حسین شاه بادشاه بنگاله

فوی ولد باند واضح باد سید علی ابدال ابن سید شاه حسین  
 ابن سید احمد شاه که به نسب سیادت جعفری اند الا نسب نامه تا بالا  
 معلوم نشد از تحریر مقصر ماند چونکه مصاهرت از خاندان این فقیر واقع  
 کیفیت کلیه مینویسمی آرند در تحریر که چون نهی شاه بادشاه بنگاله  
 وفات یافت پس سربلای منداشت امرایان و ندایان حسب وصیت  
 بادشاه نواسه بادشاه را یعنی حسین شاه ابن احمد شاه را  
 تخت نشین سلطنت ملک بنگاله نمودند هر گاه جللال الدین اکبر  
 بادشاه از تخت گاه دہلی نهضت نمودند بسوی دیار شرقی بهر حکمرانی



نام بود بی بی کریمه اولاد خانم هرگاه بی بی لطیفه بی اولاد ازین جهان برفت  
 بی بی قطبیه عرف بی بی گهانی داماد خود سید وجه الدین عرف بولن را  
 مثل پسر خود دانستند بهر ابدی خانه خود شادی ثانی ایشان از بی بی امیمه  
 دختر میر سید محمد ولی ابن میر سید جهانگیر و نا پوری بودند از بطن این زوجه  
 میر سید محمد حسن متولد شدند و اسم میر سید محمد ولی چون بجزیره میر سید محمد حسن  
 بی بی قطبیه را دیگر اولاد نبود ایشان را مالک قایض برتر که خود و نیز در  
 ایمر و انالور حصه خود نمودن چنانچه اولاد میر سید محمد حسن بران قایض  
 و آمد و دخل باید دانست مزار سید علی ابدال در برهوه درگاه است  
 و مزار سید احمد ابدال در شهر نینه بجمعه مغلیه با شکات است با حریره بود  
 حالا مفقود نشان هم شد که کثره بران آباد شد طفیل اولاد مامراد واضح باد  
 دختر سید احمد ابدال بودند بی بی زهره نام از میر سید مسعود یکی از اولاد  
 محذوم شاه صفی که خدا شدند از بطن این بی بی یک پسر متولد شد سید هدایت  
 شادی ایشان از دختر میر سید قطب از بی بی جمال شد از بطن ایشان فرزند  
 رتبه بلند سید احمد کبیر شدند ایشان بر و طیره اسلاف تجردی کرده اعتبار  
 و عبادت پروردگار مشغول شدند الاخوان میر سید هدایت الدین سید مسعود  
 بی بی عابده از میر سید حسن زیدی منسوب شدند یعنی بی بی عابده  
 والده میر سید وجه الدین عرف سید بولن بودند بدین وجه اولاد ایشان

کمال کا گوی و مزار مخدوم شاہ دانیال است در موضع تاجپور بزرگ  
 حال آنجا سے ہم زیارت گاہ است بدانندی بی معصوم بود نام دختر مخدوم  
 شاہ دانیال از بطن آن بی بی فرزندے بوجہ آمدندی جاہ و دی جلال  
 مسمی مخدوم سید احمد ابدال با کمال از شاہیر شایخین صاحب کرامات  
 و حال کنڈی ایشان از سماء میرکم دختر نبیرہ مخدوم محمد صفی صنفی کوہ  
 کہ مخدوم شاہ مصطفیٰ عم آن بی بی بودند حصول از بطن شریفہ این بی بی  
 سہ فرزند تہہ بلند پیدا شدند نام یکے سید محمد نام ثانی سید محی نام سومی  
 سید قلب کیفیت ذریت دو برادران دریافت نشد الا کیفیت سومی کہ صفت  
 مصاہرت وقع شہزادایان مزار فایض الانوار آن ہر وقع است برہوہ در گاہ  
 کہ بر کیفیت است الامیر سید قطب کہ شادی ایشان دو بار از دودختر  
 میر سید عبدالرسول قادری دانا پوری کہ داماد میر سید قاضی عماد الدین  
 ابن میر سید عبدالفتاح عرف قاضی میر سید بڑھی کہ خدا شدند نام آن  
 ہر دو دختران بود بی بی جمال و بی بی کمال نواسے بی بی ابدال القصبہ  
 از ہر دو دختران میر سید عبدالرسول میر سید قطب را دو دختر نام یکے  
 بی بی قطبیہ عرف بی بی گھانسی کہ زوجہ میر سید نجم الدین ابن میر سید  
 جلال الدین ابن میر سید قاضی عماد الدین بودند یک دختر شد از ان نام  
 بی بی لطیفہ از سید وجہ الدین عرف سید بولن کہ خدا شدند دختر ثانی را

ابن شاه احسان الدین محمد و کد خدا شدند از بطن این بی بی و دوسری  
 سید شاه محمد باقر که شادی اولی از دختر شیخ احمد حسین رئیس شهر داران  
 بی بی اولاد نشد شادی ثانی کردند از دختر سید شاه احمد حسین نوآبادی  
 گردید چهار پسر یک سید شاه محمود که نوجوان رفتند از اینهمان دوسری  
 سید محمد محمود سوم سید مقصود و چارمی سید مودود و مع اهل و عیال بجهت  
 اند موجود و پسر ثانی حضرت شاه محمد سلطان سید شاه اسمعیل که شاهی نشانی  
 از خواهر دیوان سلاطینش رئیس شهر گردید یک پسر ایشان سید علی حسن نام  
 از دختر مولوی سید شرف علی شد که خدا یک پسر گذاشته سید حسن را و بزرگ  
 پدر بزرگوار رحلت نمود شادی سید حسن از دختر شاه تبارک حسن ابن شاه  
 قیثم الدین کاگوی شد الاغاف الرشید میر مظفر علی سید شاه یحیی علی که از دختر  
 شاه غفار الحق نوآبادی منسوب شدند نام این بی بی محدوده بوده آنحضرت را  
 و دوسری و سه دختر ذکر دختران هر سه بالا مذکور شد یک از شیخ غفار حسین شد که خدا  
 لا ولد رفت دومی از شاه مظفر الحق سومی از شاه غفور الحق منسوب شدند  
 دومی اولاد اند پسر دوم شاه یوسف علی مجذوب صفت بودند اولادیت  
 الا پسر بلائی مولوی سید شاه اشرف علی کاشف ریز خطنی و جلی  
 که خدا شدند از دختر حسین بخش کور جوئی اولاد شد دختران دسیران پسر  
 کلانی سید شاه حسین علی که از دختر مولوی فرحت علی کد خدا شدند یک دختر

ملک و قابض بر کل مملکت و علاقه درگاه و غیره شدند این میر سید و هلالین  
 عرف سید بولن میر محمد حسن بودند شادی میر سید محمد حسن از بی بی تقی  
 عرف بی بی بچلود و دختر خجسته اختر حضرت سید شاه محمد حسین قدس سره و اناپو  
 شد که جدا سجد این خاکسار را قلم تحریر بود و چهار پسر میر سید محمد حسن شدند  
 یکی میر مظفر علی دومی معین علی که و اما حضرت سید شاه ولی الدین  
 سید شاه محمد حسین بودند نام آن بی بی رشیده بود مدعو بود و حسن لا ولد  
 رفتند ازین عالم هر دوی حسین علی نوجوان رفتند ازین جهان چارمی میر سید  
 قطب علی که از دختر میر سید مگو که خدا شد و یک دختر شدند موسوم بی بی  
 واجن که از محمد حسن خان ابن برهان علیخان که خدا شد و محمد حسن خان  
 نواسه میر حسین صاحب بودند پسر محمد حسن مهدی علی خان پسر ایشانی دلیلی  
 آلا شادی ادلی میر مظفر علی از دختر سید شاه احسان الله شد سکونت  
 آن بزرگ بجله چاند پوره یکی از منجملات حضرت بهار که از فرزندان حضرت  
 سید فرید طویل بخش بودند از بطن این بی بی صفه دو دختر و یک پسر که دختر را  
 نام بی بی امانی که از شاه قاسم علی ابن شاه رحم علی که خدا شد که یکی  
 از اولاد حضرت مخدوم شاه بڈی بودند ساکن چک درگاه ضلع تربت بودند  
 نام فرزندان ایشان شاه امام علی بودند آینه کیفیت ذریت ایشان دریافت  
 الا دختر ثانی را نام بود بی بی رحمانی از شاه محمد سلطان ابن شاه محمد بخش

غازی شد آخر به کبید کفار شدند شهید بعد چند پشت نسب یکی از اولاد ایشان  
 سید زین العابدین از بنجایر خاسته خاطر کشته جانب شمال رفتند کردند اقامت  
 جائے پسند کرده بموضع جھو ما ٹر پر گئے مکیر ضلع تربٹ مشغول بہ کرحق  
 و شغل کشتکاری فرزند میر سید زین العابدین میر سید میر بودند خلف ایشان  
 میر سید اموال فتح پسر ایشان میر سید عالم انہ قاضی سید عبد الفتاح  
 از دربار شاہی منصب قضا بر گئے پھلواری کرده حصول مع اہل و عیال  
 از مقام آمدہ بموضع دانا پور پر گئے پھلواری ضلع ٹینہ اقامت نمودند  
 شادی قاضی بڑے در وطن خود در اقراران شدہ بود و نیز شادی پسر ایشان  
 میر سید عماد الدین در انجا شدہ بود کہ بعد والد ماجد منصب قضا و اقامت  
 دانا پور بحال ماند الا یک دختر بود قاضی سید بڑے مسماۃ مجید النساء کہ ظہر  
 شان منظور بود و در شرفار اینچہ از آخر از میر سید جہان ابن میر سید قطب الدین  
 باقری نسب کردند شادی ذکر سید صدر جہان ممدوح مع کیفیت اولاد و آخر  
 بہ صریح خواہد کاشت درین اوراق ذکر فرزند ان پسر قاضی عبد الفتاح

عرف قاضی بڑے ہست

شجرہ اولاد رضویان ساکن دانا پور

واضح باد قاضی سید عماد الدین رضوی ابن قاضی سید بڑے بعد انتقال والد  
 ماجد خود سر ششم قضا بست سال ماند و محمد بادشاہ نور الدین جہانگیر دانا پور

دو دپسران بی بی مریم گداشته وفات یافتند دختر از میر و اجد حسین ابن  
 میر اسمعیل علی که خدا نام پسر کلان شاه محمد قاسم از دختر شاه عبدالحسین که خدا  
 پسر شد موسوم بنام محمد حسین ثانی را نام شاه محمد و اجد و شادی ایشان  
 یک از دختر شاه امیرالدین شد و شادی ثانی از دختر شاه نظام الدین  
 ابن شاه غفور الحق گردید الله تعالی ذی اولاد کند چون شادی دوم کردند  
 میر مظفر علی دو پسر و یک دختر وجود آمدند همه که خداوند اولاد نماید نام  
 پسر کلان شاه هدایت حسین مدعو خیراتی و شادی کردند اولاد نشد  
 ثانی سید عالم علی عرف براتی از دختر شاه سلامت علی و دوسی شادی کردند و قبل  
 ازین نیز یک شادی شد از کسی اولاد نشد اسماصل فایض و تصرف بر کل مملوکه  
 سید مظفر علی و غیره اولاد سید شاهیحی علی قدس سره اند یعنی شاه  
 محمد قاسم ابن شاه حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی اکثر قیام

بدرگاه رهبره دارند ان درگاه زیارت گاه است

شجره نسب مع ذکر اولاد قاضی سید عبد الفتاح عرف قاضی شجره

وانا پوری بیان بر چند نم

باید دانست که میر سید علی شیر جاجیری ابن میر سید علی کبر جاجیری سیادت  
 رضوی که نسب نامه ایشان بالا مذکور شد در پشت سیادت رضوی از مقام  
 جاجیر بحضرت سیار آمده در محله مگنره اقامت نمودند وقت غزای برقرار

عماد الدین بودند کیفیت فرزندان ایشان طول است آئیده تحریر نموده  
 الا چهار پسر بودند سید قاضی عماد الدین کلانی میر سید اکبر مذکور که ذکر  
 اولاد ایشان بعد از همه نگاشته خواهد شد طول است الا پسر ثانی قاضی  
 سید ابو الفتح که بعد والد ناجد منصب قضا ماند چند سال شادی ایشان  
 از بی بی عصمت النساء بنت شیخ محمد یحیی فریدی کورجوی گردید پسر یف میرید  
 اولیا ابن میر سید صدر جهان بودند الا اولاد نشد وقت رحلت منصب قضا  
 و ترکه ایمه خود بیکه از برادرزاده میر سید عبد القدر دادند هنوز آن ترکه  
 در فرزندان او شان موجود و مقبوض سوم پسر قاضی عماد الدین میر  
 سید شهاب الدین بودند شادی ایشان در حضرت بهار گردید از سماء  
 فاضله دختر شاه عبد السلام و اولاد حضرت محمد و الملک قدس سره  
 آن بی بی عمه شاه و بهبه الدین ابن شاه ذکی الدین سجاده نشین بودند  
 یک دختر و یک پسر میر سید شهاب الدین شدند نام پسر بود میر سید بدایه  
 که خدای ایشان از سماء لطیفه النساء بنت میر سید اکبر شد یعنی از دختر  
 عم خود چونکه یاقوت و جاهت ظاهری بسیار داشتند ایشان را رسوخیت  
 تمام در بار سلطنت دہلی از امر او آراکین بود صاحب خوش تحریر خوش  
 تقریر بودند و علوم و همت بودند سدا قدا در بار شاهی کردند حصول بوجه شایسته  
 و نیز و طایفه بزرگان سلف در ذکر و عبادت الهی بودند مشغول تا که سلسله فقیر

نام والده ایشان نور بی بی بود و نام زوجه ایشان بی بی ایمینه  
 چهار پسر ایشان و دو دختران چنانچه یک دختر منسوب شد از خواهر زاده  
 ایشان یعنی از میر سید عبد الواحد ابن میر سید صدر جهان مذکور که  
 ذکر اولاد ایشان نوشته خواهد شد و ضمن ذکر فرزندان میر صدر جهان  
 علیه الرحمته دومی دختر منسوب شد از میر عمید عبد الرسول قادر نسب  
 که از بغداد شریف بطور سیاحت آمده بودند و در آن پور بعد اقامت  
 ایشان در صحبت حد صورت ثجابت و شرافت عیان شد و کیفیت نسب  
 بحضرت عوث الثقلیین دختر ابر حیت ایشان دادند میر سید عبد الرسول  
 یک پسر میر سید اسحاق ابن بی بی رقیه و دختر قاضی سید عماد الدین الا  
 سید اسحاق در عالم جوانی ناگتخار حلت کردند باقی چهار خواهر ایشان  
 دختران سید عبد الرسول از آنجمله دو دختران یک بعد دیگری بر زوجیت  
 میر سید قطب ابن سید احمد کبیر ابن سید علی ابدال ابن حسین شاه  
 بنگالی بادشاه دیار بنگاله نام هر دو بی بی جمال و بی بی کمال بود و ذکر دیت  
 هر دو در فریت میر سید قطب تا قبل نکاسته شد در کیفیت سید جلال الدین  
 عتف سید بولن باقی دو دختر که خدا در کفویت شدند بی بی عاتیه زوجه  
 میر سید جهانگیر ابن میر سید کبیر سید کلانی قاضی عماد الدین دومی بی بی  
 مبینة زوجه میر سید حسین ابن میر سید اولیا که میر سید اولیا خواهر زاده قاضی



بودند گردید از بطن این بی بی یک دختر شمایه رقیه عرف بی بی چشتیا والده  
 حضرت شاه مجلیسین ابن میر سید محمد باصره که جدا جدا این فقر بودند اولاد  
 و اسباط مانند الاشادی ثانی حضرت میر سید محمد ازابی بی فاطمه عرف جهاون  
 خواهر سید شاه اعظم نوآبادی ابن میر سید محمود گردید از ان بی بی اولاد  
 اولاد دختر ماند و پسر دوم میر سید جهانگیر میر سید حامد بودند بی بی  
 یقیمه دختر شاه ذکر با فریدی نسب کورجوی گردید یک دختر از ان بی بی  
 شد سماء نصیر از وجه میر سید مظفر ابن میر سید محمود ابن میر سید محمد ابن  
 میر سید صدر جهان بودند یک دختر ایشان گردید پسر سوم میر سید جهانگیر  
 میر سید ولی بودند شادی ایشان از سماء آمنه دختر عم خود میر سید  
 عبدالمقدر شد یک دختر ایشان سماء امیمه زوجه میر سید وجه الدین  
 عرف سید بولن زیدی نسب مذکور الصدر والد میر سید محمد حسن کیفیت فریت  
 ایشان با قبل تحریر شد پسر دوم میر سید اکبر میر سید مکارم که شادی ایشان  
 در موضع بی بی پور شد از سماء ضحیه عرف رجو دختر شاه محمد یونس یک دختر  
 و یک پسر شد نام دختر بی بی مکارم وجه سید شاه اعظم عرف سید ساهان و بی بی  
 والده حضرت شاه محمد مبارک قدس و نام پسر میر سید اکرم که خدائی ایشان  
 از بی بی رشید دختر میر سید جهانگیر گردید ازین بی بی و پسر و یک دختر سماء  
 بنی زوجه میر سید شاگرد ابن میر سید مظفر نوآبادی و نام پسر میر سید محمد عوث

خانمانی نرود یک پسر و یک دختر ایشان نیز بودند نام پسر میر سید علی الدین  
عرفت سید فضل بود و دختر میر سید محمد باصر ابن محمد میر سید حسین که خدا شند  
نام زوجه بود سماته سید ایک پسر ایشان از لطن این بی بی بوجود آمدی  
سید صغیر الدین اصغر نوجوان وفات یافتند بعد این اعتقاد نماند  
پسر چارمی قاضی عماد الدین میر سید جلال الدین بودند شادی ایشان  
در قصبه منیر در اولاد حضرت مخدوم که دولت منیری شدند از سماته سکینه  
بود از لطن آن بی بی یک پسر شدند سیدی میر سید نجم الدین شادی ایشان  
در بنی اعلم یعنی از دختر میر سید شهاب الدین از سماته فصیح یک پسر ایشان  
سید بدر الدین ناکه خدا رحلت کردند و شادی ثانی میر سید نجم الدین ابن میر سید  
جلال از بی بی قطبیه عرفت گهاسی سدنبت میر سید قطب ابن سید احمد کبیر از ان  
بی بی یک دختر شدند نام بی بی لطیفه زوجه میر سید وجهه الدین عرفت سید بولان اولاد  
نماند پسر سه دختر سه میر سید نجم الدین را پسر کلانی قاضی سید عماد الدین  
میر سید اکبر بودند شادی میر سید اکبر از سماته ربیعہ دختر مخدوم شاه  
عبد المجید توابادی گردید از لطن این بی بی سه پسر و دو دختر شدند پسر  
کلانی میر سید جبالگیر شادی ایشان از بی بی مدینه دختر میر سید عبدالرسول شد  
بایشان یک دختر و سه پسر کلانی پسر میر سید محمد که شادی اول ایشان  
از بی بی رمضانیه دختر شاه موسی صفی پوری که از اولاد محمد و هم شاه صفی

اولاد ایشان نیز مانند و نام پسر کلان شاه محمد بارشاه مراد علی که از دختر شاه  
عاشوری انصاری که خدا شدند دو پسر ایشان شاه داود علی که شادی  
ایشان نیز در بار محله انصاری شد و پسر ایشان شاه ممتاز حسین الفت  
الایسر و دم شاه مراد علی شاه محمد کبریک دختر ایشان زوجه شاه علی الحق  
ابن مولوی ظهور الحق الا دختر دوم میر سید عالم بی بی و سلیمه شاه از ایشان  
در موضع بی بی پور گردید از میر سید احمد علی که پسر خواهر میر سید قاضی کن عالم  
بودند یک دختر این بی بی مسماة کلیمه عرف بی بی گویند زوجه قلندر علی ابن  
شیخ ابوتراب فریدی کورجوی یک دختر پسر بایم طفلی وفات یافتند الا یک  
پسر نام نامی میر سید حسین بخش بودند سیادت باقری یک دختر ایشان  
از محل امی زوجه مولوی سید شرف علی نوآبادی ابن سید شاه سحی علی و از  
زوجه ثانی دختر شاه احمد علی و اما و شاه علیم الدین سجاده بین دو دختر و یک پسر

### شاه اظہر حسین

خاتمه کتاب انساب در بیان اجداد این خاکسار معروف سیادت  
باقری در ذکر اولاد میر سید صدر جهان ابن میر سید قطب الدین  
ابن سید تقی الدین عرف میر سید بوڈھی کالپوی بیان بریک

اصل و سه فرع و چند نمره شجر

باید دانست سبب تشریف آوری میر سید تقی الدین بوڈھی از وطن بن بنو

که از بی بی بی خواهر حضرت شاه محمد مبارک که خدا شدند چونکه آن بی بی بی  
کامله بودند و در ادای ماند اولاد نشد و پسر ثانی میر سید عیاش الدین شادی  
ایشان نیز در بی اتمام شد اولاد نشد اولاد دختره ماند به میر سید مکارم  
پسر سوم میر سید کبر بودند میر سید عید المقتدر شادی ایشان در بهار  
در فرزندان حضرت بلخی گردید از بی بی زبیده یک پسر و یک دختر ایشان  
نام پسر قاضی سید رکن عالم که شادی ایشان از سماه عقور اگر دید دختر مولی  
محمد قائم قائم پوری که فرزند شاه اسمعیل برادر محمد دوم شاه عبد المجید بودند  
یک پسر و یک دختر ایشان مسماة و صفه زوجه شاه بدر الاسلام برادر شاه  
محمد ولی کورجی اولاد نشد الا پسر بودند میر سید عالم در عهد ایشان عمده قضا  
آمد قضا ازین خاندان شد جدا که خانی ایشان شد از حضرت بهار بجله  
مفتیان از سماه سکینه دختر میر سید محبوب عالم المحصول و دختر ایشان  
شدند سماه اقلیمه و سماه و سلیمه سماه اقلیمه زوجه شیخ الدیار مادر شیخ محمدیار  
دو پسر ایشان شاه مراد علی و شاه شمس الحق پسر ایشان وزیر علی ساکن  
هرگایان و دختر شاه محمدیار زوجه شاه و عدالد پهلوانی نواسه حضرت  
شاه مجیب الدیک دختر ایشان زوجه مولوی شاه ابوتراب ابن حضرت  
نعمت الدیک پسر شد شاه عبد الکریم اولاد نماند و نام پسر شاه و عدالد شاه  
محمد یوسف یک دختر ایشان زوجه مولوی محمد حسین ابن حضرت شاه نعمت الله

تیار بجز فرزند دیگر نمی خورد چون فرزند داشتند فرزندان برادر را گفتند  
 فرزندان نیاز تو تشنه بید و داماد نمی خورد حتی که نواسه نیز این دختر دختر  
 می بزانید با حقیا ط تمام زوجه فرزند نمی بزانید ندی سبب و دان نمی بیند خدا داد  
 چه اسرار است بدین گفتار هزار هر دو برادر و خواهر واقع هست در محله  
 کجور کثره کچوری کلی و وصیت نمودند بفرزندان خود میر سید قطب الدین  
 مراد حاجی پور پانچمین فرار پدر بزرگوار دفن نمایند مطابق کلام حدیث  
 البخته تحت الاقدام اما کلمه چنانچه وصیت فرزند ان تمیل نمودند چنانچه  
 مراد حضرت میر سید تقی الدین سید بوذهی زیر مسجد جامع حاجی پور واقع است  
 و با این مرقد میر سید قطب الدین است و زوجه هر دو بزرگ نیز زیارت  
 کرده ام جاس بر فرامی هست اهل حاجت را میشود حاجت برآرد حاصل  
 چندست سکونت و عظیم آباد ماند حال دانا پور که آنکه کیفیت سکونت گشته خوا  
 شجره اصل باقری نسب اولاد میر سید صدر جهان بر سه فرع

بر فرع بکیفیت هر یک میر

واضح باد میر سید صدر جهان از لطیف بی بی حمیده زوجه ایشان سه پسر شدند  
 کلان میر سید محمد بست شادی اولادشان مقیم در نواباده کلان پسر  
 ثانی میر سید اولیا فرزندان این بزرگ نسب مصاهرت مقیم دانا پور  
 پسر سوم میر سید عبدالواحد دریت ایشان بجای قدیم آبابی شهر طینه

رفتم به ملاقات او پدر او میراجاد حسین بمن گفتند برادر پدر تو هشتم از بنی  
 اعمام این گفت آمده بحضرت والد ماجد عرض نمودم فرمودند لاریب از اولاد  
 سید حامد هستند چه که مینا پوری اند در موقع مینا پور و حیدر دران میرسید حامد  
 هستند بدین وجه نسب برادری کردند میان و نیز از میراجاد علی ساکن حرد  
 ملاقات مذنب تشیع داشتند خود را اولاد میرسید بود و می گفتند از فرزندان  
 میر قاسم و میر داکم القصه چون جناب حضرت میرسید قطب الدین در شهر نشسته  
 شد مذنب هم شغل بود شیشه پیری و مریدی طور خاندان قدیم جستجو بست میرسید  
 صدر جهان در خاندان شرفا جابجا کردند اتفاق وقت قاضی سید عبدالفتاح  
 سعادت قاضی بڑی در انا پور منصب قضا پرگنه پچلو اڑی بودند اقامت  
 از سیادات رضوی نسبت دختر خود در خاندان شرفا میخواستند عندالادرا  
 از جانبین شد قبول کتختانی میرسید صدر جهان از بنی بی حیده دختر قاضی  
 سید بڑی شد الا اقامت میرسید صدر جهان در خانه آبائی ماند و در باب  
 شاهی دلی عده جلیل کردند حصول خطاب امیر الامرا سے پسر ثانی میر  
 سید قطب الدین بود حضرت شاه پچول برگزیده خدا و رسول مقبول  
 اهل کمال حضور ماندند و نیز خواهرشان ولیه کالمسی بنی النور مدعوبی بی  
 چلدهی انهم شادی نکردند قبول فاتحه هر دو برادر خواهر و خاندان  
 در شب برات بطور توشه می شود مانده و شکر دروغن حلوا بغیر آب میسازند

مع اهل و عیال غم شهر پلینه عظیم آبا و نمودند برادر تو وسط خود را مجبور شدند  
 همراه آوردند میر سید حامد در آمدن بحیث حواله کردند انکشتان شد با جناب  
 تو بطمع وزارت از و میخواهی مصاهرت خوب نیست من قطع نموده مصاهرت  
 تو را فسخی گشتی مغل شدی بطلب مراد هستی خیر خداوند که تو ننگانندان  
 شدی القصد را اینجا مع اهل و عیال عبور گنگ شدند جاع مجبور کرده  
 بیرون شهر ترکیه مسجد بنا ساخته اقامت کردند میفرمودند جناب حضرت  
 جد الامجد اینجا آبا و دو و قریب گو غریبان حالا اندر شهر داخل است  
 قریب کچوری کلی محکم مجبور کرده و حال اولاد میر سید حامد بسبب دعا بد برادر  
 همان شد که از دختر مسعود شاه شادی نمودند بطمع وزارت نصیب نشد  
 ان منصب و دخترش نیز بمبر و اولاد آن بزرگ نرسید رافضی دارند و  
 مصاهرت در میان افغان و غول جاریست با ستماخ آمده بعد چند وقت  
 بین اولاد هر دو برادر مصاهرت گردید نوشته و عروس وقت مراجعت  
 بارات در دریا شدند غریق بعد متنع مصاهرت شد با بین هر دو فریق تنی کم  
 شادی نسب ناما سازداری بعبور گنگ نیز نمی سود این میر فقیرست بیقراری  
 روزی عند الملاقات میرا بر ایهیم علی جمهری شیعہ مذہب گفتند که من اولاد  
 سید حامد ابن سید بودم هستم و هنگام قیام در قصبه چهره جناب حضرت  
 والد ماجد از شخص نرین حقیر رابط ملاقات شد پیدا امداد حسین بود نام روز

انتقال در آنجا در ایام سفر در اولاد شاه عبدالکرمانی انصاری که  
 هنوز در آنجا مزار الفاضل الانوار است بمقام خشک سیکره شادی نمودند و اولاد  
 شد چنانچه حضرت سید شاه ولی الله والد ماجد جدا مجد در ایام سیاحت  
 از اولادشان نمودند ملاقات کردند و در آن کفایت نسبی بیان کردند  
 با هم سید باقری از فرزندان سید بودهی اولاد سید علی ابن سید تقی الدین  
 بودهی واضح باد میر سید قطب الدین را و دیر و یک دختر و نیز برادر و تسو  
 مانند همراه میر حامد چون سید قطب الدین را که خدائی بخانه بشر فار  
 ایجا میر سید صدر جهان پسر کلانی منفرد کردید مسعود این خبر شنید  
 نزد آنجناب فرستاد پیام بهر مصاهرت از دختر خود که بود جمیل و عقیده نجیب  
 مایل نمودند و جواب هیچ نفرمودند بار دوم بذریعہ نامه شد خواستگار جدا  
 نوشتند فرستادند بدو کلمه بالا خصم را می باد شاه دین پناه تو باد شاهی من  
 سلاطین زبده اولاد افغانه و مغول و این فقیر حقیر خلاصه ذریت از  
 سیادات است و نیز بفرقه شعایر میر میردی پتور باشد قبول الحاصل مصاهرت  
 تو بنی زبده مسعود شاه مضمون نامه دیده چمن جبین کسیده گردید لعل  
 جواب نوشت مختصر از بسط طول اگر از من مصاهرت نمی زید بر آنجناب  
 صیغه وزارت نیز نمی زید خط دیده رک با تمی خوش کرد و فوراً ترک وزارت  
 کردند و عطیه و که بود موجود معاش برورد کردند و آنجا بر جا خاطر گشته



بهر کفایت بهر معافی می نگارند چون تشریف بهمراه آنحضرت زوجه بودند و سه پسر  
 یکی میر سید قطب الدین که شادی این بزرگ در وطن خود از دختر عم بی بی نعمت  
 دختر میر سید عبدالحی ابن میر سید جلال الدین گردیده بود و نام زوجه حضرت  
 سید نفی الدین سید بوذهی بی بی خدیجه بود و عرت بی بی پھول چنانچه منقح  
 پھول پور بطور نذر بهر معافی بی بی صاحبہ نموده بود و دومی پسر میر سید علی نو جوان  
 الفقه بعد چند می داد و شاه لیاقت جوهر و صفاتی دیده منصب وزارت بحضرت  
 میر سید قطب الدین تفویض نمود و یک موضع خاص بهر صرف انجناب نذر نمود  
 از حال موضع چیمر موسوم شد بنام قطب پور چیمر هرگاه جلال الدین اکبر شاه  
 نهضت از دہلی نمود بهر ملک گیری و یا شرقی داد و شاه خبر آمدن بادشاه  
 اکبر شنیده در خود تاب مقابله ندیده سوسه و یا شرقی کرد و فرار در اینجا رفته بر سلطنت  
 حسین شاه بادشاه بیگانه سلطه شد آن تاب مقابله نیامده بال هران  
 جان و شمیر زنی شود بهر باد خون ناحق بر سر من افتد بافتاد ترک سلطنت کرد  
 صحرائین شد عزلت چون بمقام حاجی بچ جلال الدین اکبر شاه رسید و او و شاه  
 را ندید گفت فرار شنید پسر داد و شاه بحضور بادشاه دست بسته بعد رخا می رسید  
 بادشاه قلم عفو جبرائیم کشید خراج بر دقت نمود و تاج بخشی کرده روانه سوی دہلی شد  
 مسعود شاه بفاخ بالی سلطنت نمود منقول است همراه لشکر داد و شاه میر سید  
 پسر سوم میر سید بوذهی نیز بدانصوب روانه شد ند چر که والد را جد کرده بودند

استماع است از حضرت جد لامجد بدین طور که مستمع شدند از ابا اجداد خود هرگاه  
 داور و شاه با و شاه ابن محمود شاه با و شاه کالپی که از مریدان اینخاندان بود  
 از وطن خود آمده سلطنت دیار شرقی گرفت و مقام حاجی پور عبور گنگ شپه نشسته  
 تخت گاه خود نمود چون تسلط تمام یافت بشهر کالپی عریضه به پسر زادگان  
 نوشت بدین مضمون که از حاضری خود معذور است بسط سلطنت اینخوار می خواهد  
 اگر اینخا کسے صاحبزادگان شریف آرند بدینخوار بردستان عالی تبار بیعت  
 نمایم و اگر مع اهل تشریف آرند نذر نایم بد معافی دیات بهر اخراجات و غیره  
 منقول است هرگاه بدینطور نامه شاہی شهر کالپی بجمعه محمود و نوره رسید  
 با خود مادر اخوان اولاد میر سید محمد کالپی و میر سید احمد کالپی و میر سید ارشد  
 کالپی شوره گردید بدین معنی که درینجا هنوز پیری مریدی سلسله آبائی جاریست  
 و ایامه و نذر درگاه بهر مد و معاش از عطیہ سلطانی موجود است بهر کفاف حاجت  
 رفتن بدینصوب مناسبست که برویم و این را ترک نمایم اگر چنین استدعا است  
 داور و شاه با و شاه از برادرانم میر سید تقی الدین سید بودھی در انجا رنڈ  
 چر که ہم از باہمی اند معذور و صرت بسیار عیال دار و قس ایشان پر ضرورت شد کلا  
 اوقات پاسے شکستہ بنشہ چون صلاح اخوان چنین شد الحصول جناب حضرت  
 میر سید تقی الدین مع اہل و عیال از کالپی روانہ شدند بدین دیار و رسیدند  
 بمقام حاجی پور داور و شاه کمیک نمود و بیعت کرد حصول و معین نمود و دیات

شدند اول کیفیت دختران بعد و ذکر آن که طویل است یک دختر نام بود  
 بی بی فاطمه عرت بی بی جهان نون زوجه میر سید محمد ابن میر سید جهانگیر  
 دانا پوری از بطن این زوجه اولاد شد بعد انتقال شوهر در نوابا ده شدند  
 مقیم دومی بی بی کریمه از شیخ امان الله که خدا شدند سه پسر ایشان یکی  
 شیخ عظمت الله دومی شیخ احمد الله سومی شیخ عرت الله از انجمله شیخ احمد الله  
 لاولد پسر شیخ عظمت الله شیخ شریعت الله اینها از فرزندان مخدوم شاه صفی  
 صفی پوری بوده اند الا اقامت این صاحبان از پشت چند موضع قائم بود  
 بوده است یک دختر میر شیخ امان الله بودند مسماة حیاتن در اقران کفر  
 شدند و احوال شادی شیخ عظمت الله و شیخ شریعت الله دریافت نشد الا  
 شادی اول شیخ عرت الله پسر سوم شیخ امان الله از دختر شیخ انیسیل ولد  
 سولوی محمد قانم قانم پوری شده بود که از یک بندگان مخدوم شاه عبد الحمید  
 نوابادی بودند از بطن این زوجه یک پسر سسمی به شیخ الهیار که از دختر  
 میر سید عالم ابن قاضی سید رکن عالم رضوی دانا پوری شد شادی  
 از بطن آن بی بی مسماة اقلیمه شیخ محمد یار پسر شدند و الله شاه مراد علی و  
 شمس الحق کیفیت تبصریح بالا این تحریر شد و شادی دوم شیخ عرت الله  
 از بی بی ابدالی دختر حضرت سید شاه محمد مبارک قدس سره گردید از بطن  
 آن بی بی یک دختر بی بی ملیحه نام زوجه میر سید نصیر الدین احمد دانا پوری

مانند اولاد ایشان حالا در کورجی اند

## فرع اول شجره اصل

واضح گردد که خدائی میرسید محمد پسر کلانی در نوا ماده خور در گردید و اولاد  
حضرت خوند شیخ گردید و زنی اعمام حضرت محمد و شاه عبدالمجید  
نوابادی ساکن نواباده کلان از بی بی بدیع از بطن این بی بی پنج پسر شدند  
یکی میرسید محمود و دومی میرسید عبدالرزاق سومی میرسید عبدالوهاب  
چهارمی میرسید تاج الدین پنجمی میرسید نظام الدین شادی این برادر  
هر چهار گردید و در اطراف جوار بکفایت شرفا برنامداران کیفیت ذریت ایشان  
هر یک دریافت نشد که درین اوراق تحریر می نمود الا سماع هست از بزرگان  
ذریت میرسید نظام الدین در موضع رسولپور بودند و اولاد بعضی در نظام  
و اولاد بعضی بر اور و المسلمین و الا بمفرمود شاه کریم بخش مجذوب ساکن  
تنهنه از اولاد بنیستگان میرسید عبدالرزاق ما میرسید نظام اند می گفتند  
نسب مصابرت و یار و یار بعد پیدا شدند الا کتبی میرسید محمود و در نواباده  
کلان شد از بی بی تا جانست محمد و شاه عبدالحمی ابن حضرت محمد و شاه  
عبدالمجید که ان بی بی عارفه صاحب کمالات و کرامات بودند و در خاندهم هستند  
مشهور از آنوقت اقامت اولاد میرسید محمود در نواباده شد چرا که دیگر اولاد  
پسری نماند باید دانست میرسید محمود را از بطن این بی بی دو دختر و پسر

شدند و به شاه قمرالدین احمد ابن شاه منیرالدین احمد عزت محمدی چون آن  
فوت شد هرگاه شادی ثانی میر محمد روح از دختر مولوی نصیر الحق نمودند یک پسر  
و دو دختر شدند بعالم ضعیفی یک دختر باز منسوب کردند از شاه قمرالدین مذکور  
و یک دختر زوجه میر الفت حسین پسر نواسه میر حسین مذکور و پسر را نام علی الحق  
میر حسین را یک دختر دیگر نیز بود مادر سید اختر حسین و جده سید الفت حسین  
مذکور و پسر دیگر منشی سید عبدالعلی خوشنویس داماد حضرت شاه اولیا علی

مذکور الصدر در اینجا ترکی تمام شد

شماره دوم در بیان حال دختر ثانی میر سید محمد ثانی سماءه بی بی

عابده زوجه شاه فتح علی شیمی

راضی بادی بی عابده دختر ثانی حضرت میر سید محمد ثانی از جناب شاه فتح علی  
شیمی نسب پیچوروی که خدا شدند از بطن این بی بی سه پسر و دو دختر  
یک بی بی حسینا که از شاه عنایت حسین پیچوروی خواهر زاده شاه  
فتح علی مرحوم که خدا شدند و دو دختر شدند یکی زوجه منشی سید محمد خلیل  
که اولاد ندارد کیفیت دیگر معلوم نشد الا یک پسر شاه ولایت علی نوجوان  
رحیل ملک بقا شدند و می شاهی امجد حسین مدعو پیر جمی که در عهد  
نواب احمد علی خان ذمی اقتدار بودند اول شادی ایشان از دختر خال خود  
میر سید نورالدین احمد شد از سماءه هراون النساء چون از آن بی بی

اولاد نشد شادی ثانی از دختر شیخ عیوب صدر شد از بطن آن بی بی دختر عابد شد

قدس سره و نیز تربیت معنوی عمر شد تمام کمال عزت و جاه و جلال شادی  
 اول ایشان گردید از دختر بی بی حبیبیه روضه شاه عنایت حسین که داماد  
 و خواهرزاده شافق علی شیعی بودند ساکن شیخپوره نام بی بی بود بی بی حبیبیه  
 اولاد نشده از آن بی بی تا که رحلت کردند شادی ثانی از دختر قاضی محمد حسین  
 خواهر سید عابد حسین گردید انهم فوت شدند اولاد شدند از عقد ثالث که نام  
 بی بی گلاب بود یک صبیحه متولد شدند سماء و حبیبیا النساء از سید شاه علی احمد  
 ابن سید شاه ولی احمد بلخی که خدا شدند چند دختران از رطب این عقیقه شدند  
 هر یک بجای در شرفا منسوبند از فرزندان دختری اند که پسر نیز تولد شدند  
 در عالم طفولیت فوت شدند شاه احسان الدین و برادر و چهار خواهر  
 بودند اولاد یک خواهر بی بی لکھو شاه نور الدین احمد عرف شاه بساکن  
 و شاه کریم الدین و شاه منیر الدین احمد عرف شاه محمدری اندکی فیت اولاد  
 ایشان در فرزندان حضرت محمود الملک نوشته شد باقی حال خواهران  
 هر سه دریافت نشده الا برادر ایشان میرزین الدین یا میر حسین الدین عرف  
 میر حسین بودند بزرگوار میر برکت علی فرید پوری یک دختر ایشان روضه  
 برهان علی خان مادر محمد حسین خان فرزند ایشان مهدی علی خان پسر  
 مهدی علی خان موجود اند و دو پسر یکی میرمانت علی اول شادی ایشان  
 میر برکت علی فرید پوری یعنی از خواهر منووی سیدمان علی شده بود که دختر

ایشان را تربیت بطریق عالیۀ قادریہ از حضرت شاه نعمت اللہ قادری  
محبوبی وارثی سجاده نشین چلواری و شادی ایشان نیز در قصبہ چلواری  
گردید از خواہر شاہ محمد اشرف عرف اچومیان ابن سید شاہ رحمۃ اللہ  
عرف شاہ خدومن ابن شاہ بزرگ عالم ابن سید شاہ احمد ابن سید شاہ محبوب عالم  
ابن سید شاہ غزنیہ ابن سید شاہ حبیب اللہ ابن حضرت مخدوم شاہ  
فرید ابن مخدوم شاہ اسمعیل ابن مخدوم شاہ محمد جمال ابن سید شاہ انور  
عرف شاہ بیگمہ ابن مخدوم شاہ حاجی ابن سید فضل اللہ ابن حضرت  
شاہ سم اللہ سفید باز تنیم اللہ گرد کہ در اولاد حضرت مخدوم سادہ رحمۃ اللہ  
بودند نواسہ حضرت مخدوم شہاب الدین پیر چکجوت نام زوجه بود بی بی و صاحب  
کہ عمہ مولوی محمد جہدہ مولوی محمد یعقوب پدر مولوی رضی الدین مولوی محمد براہیم  
صدر اعلیٰ بودند ابنان شاہ محمد اشرف الغرض اولطن این بی بی یک پسر شدند  
نوجوان رحلت کردند نام بود محمد اتقیا و نیز یک دختر سماء مدیحہ عرف مدو  
زوجه نشی سید عبد العلی ابن سیر زین الدین عرف جتین برادر سیر سید احسان  
نکودر الصد لا باین بی بی اولاد نشد و پسر ثانی سید احسان الدین ترخلیل  
نشی بعدیل خوشنویس نشی سید محمد خلیل تربیت نظام از خال شد سید شاہ  
شمس الدین حسین و خوشنویسی تلمیذ نواب احمد علیخان بیعت ایشان را  
بطریقہ عالیہ ابو العلامہ نقشبندیہ از جناب حضرت سید شاہ خواجہ ابوالکلام

سید اکبر و پسر دو دختر بود آمد یک دختر زوجه حضرت شاه محمد مبارک  
سماء مدینه ثانی سماء زاکیه زوجه شیخ عتیق الدرع شیخ کندهائی ابن  
شیخ ولی الدرع سماء دهمین گردید نام پسران آنجناب بود سید شاکر و دومی  
نام سید روح کتخانی هر دو برادر در دانا پور از دختران اعمام شد

اولاد نامند جز اولاد دختر

ثمره سوم در ذکر میر سید محمد مظفر فرزند سوم میر سید محمود ابن میر سید محمد و  
بدانند میر سید محمد مظفر را شجرت و تربیت تعلیم از برادر اعظم بود و شاد می ایشان  
از بی بی رحمته دختر میر سید حامد ابن میر سید جهانگیر گردید یک پسر شد از آن  
بی بی سیدی سید حیدر نوجوان مجرب و اعتقاد نامند ذکر فرزند آن میر سید محمد ثانی  
باز اعاده سینما تم بصریح نام پسران میر سید حامد محمود و میر سید نور الدین احمد  
و نام دختران سماء باهره زوجه اولی حضرت سید شاه ولی الدین ابن حضرت  
شاه محمد حسین دانا پوری از طبق این بی بی دو دختر و یک پسر نام پسر بود  
غلام نبی عمر و دو ساله بمردن و دختر کلانی سماء باهره بی بی مجید  
از میر سید احسان الدین رومی نسب ساکن بانسین گیمه که خدا شد از طبق  
این بی بی یک دختر شد و در پسر نام دختر بی بی مجید که خدا از شیخ  
محمد خیر انصاری بجهای که پسر روح عثمان بی بی بودند و صفی سنی بویه  
شد و اولاد نشد پسر کلانی میر احسان الدین سید شاه لولیا علی بیعت



حاضری صحبت و تائق باطنه انکشاف شد چنانچه والد ماجد نیز از طرف خود  
بسلامت خاندانی مجاز کرده و بر سر خود سجاده شین خود نمود و چون که  
استعداد وافر داشتند بطلب فیض باطنه بعد از انتقال والد ماجد در عظم  
رفته بصحبت حاجی تاتار ماندند از جناب را طریقه تربیت و تعلیم سرسبزه  
مجدوب بود و رشد ظاهر شد بسیار فیض یاب شدند مردمان اطراف و دیار  
در زمان نواب علی درو خان مهابت جنگ و عمر شریف نیز فریب نود سالگی  
رسیده بود که رحلت کردند شادی از دختر عم الاوسط گردید از بی بی میکم  
دختر میر سید محمد معظم و دختر و یک پسر شدند با حضرت نام دختر بی بی  
ابدال از وجه شیخ عزت الله مذکوره بالا دختر ثانی بی بی دولت جهان  
که یک از حارقه کامله بودند زوجه حضرت سید شاه محمد حسین دانا پوری ابن  
میر سید محمد باصر و پسران نام بود میر سید محمد ایشان را نیز بیعت و تربیت  
از والد ماجد خود بود شادی میر سید محمد ثانی از بی بی حیاتن دختر این شیخ  
امان الله گردید زوی اولاد شدند و پسر و چهار دختر بعد از ذکر فرزند دوم و

سوم میر سید محمد خواهد نگاشت چرا که ذکر طول است

ثمره دوم در بیان کیفیت میر سید محمد معظم پیر و هم میر سید محمد

واضح باد میر سید محمد معظم را بیعت و تربیت و تعلیم معنوی از برادر اعظم خود شادی  
ایشان در دانا پور گردید از بی بی خاتون دختر میر سید عبدالقادر ابن میر

ابن جناب حضرت سید شاه محمد حسین قدس سره الا اولادش

شماره اول شجره اول بزرگ فرزندان میر سید محمود ابن میر سید محمد

باید دانست میر سید محمود سه پسر میر سید اعظم عرف سید شانا و دومی میر سید  
معظم سومی میر سید مظفر میر سید اعظم عرف سید شانا پسر کلانی که صاحب  
کمالات بودند و تصرف و کرامات با حضرت بیعت و تربیت باطنه یکی از اخوان  
دانا پور از میر سید محمد دانا پوری بطریقه عالیہ چشتیه بود و حصول عارفانہ  
بودند صاحب وجد و حال با کمال شادی آنحضرت و در دانا پور شازنی بی  
مکام دختر میر سید سکارم رضوی دانا پوری از ان بی بی یک دختر شازنی بی  
بنی زوجه میر سید محمد عوث از میر سید سکارم اولاد شد الا خلف الرشید  
حضرت بودند حضرت شاه محمد مبارک قدس سره شمع نیرم مشایخین زمانه  
حالات آنحضرت چنین است که در او امل عمر از وطن بنیت تحصیل علم ظاهر  
و باطن ساحت کردند اختیار با بصارت و یار بحیات والد ماجد و بیانست  
بزرگان بعد تحصیل علم ظاهر از شهر دہلی رفتند بسوی حیدرآباد ملک دکن  
از عمد المشایخین العرة العارفین ملاومت شد حصول بیعت کردند بطریقه  
عالیه قادیان و از تربیت العلم باطنه یافتند رتبه کمال و خدمت مانند  
چند سال چون نسبت سال گذشت در مدت سفر و مفارقت پدر بزرگوار طلب  
والد ماجد خود را از خجاسوی وطن مراجعت کردند از والد ماجد خود نیز در

ازین بی بی چهار دختر نیز از علا و پسر سید حامد حسین شادی سید شاه حسین  
 ابن میر لطافت حسین از دختر مولوی سید شاه حسین ابن مولوی سید و احمد  
 شد فی اولاد ایدام شاهر السدان نور دید لیاقت هر گونه دارند عربی و فارسی  
 حیثیت تمام السد تعالی اولاد یعنی پسر با و عطا فرماید شمره سوم در ذکر دختر  
 سوم میر سید محمد ثانی مسماة بی بی مریم که خدائی ایشان بقصبة میر شاه  
 کرامت الشان شاه نجابت السد گردید اولاد نشد شمره چهارم در ذکر دختر  
 چهارم میر سید محمد ثانی مسماة عارفه از میر غلام جیلانی علوی نسب ساکن  
 نظام پوره که خدا شدند از بطن این عقیقه یک دختر و یک پسر شد میر  
 غلام محمدانی که از دختر شاه نور الحق نوآبادی که خدا شدند اولاد نشد دختر  
 بی بی عارفه مسماة معرفه بادشاه جنگلی که از دختر شاه شمس الحق ابن شیخ محمد  
 که خدا شدند و اما دشا جنگلی شاه محمد اسحاق اصل سکونت قصبه بجاره انصاری

انصاری نسب را قرآن ہو کو و اعط الحق

شمره اول شجر اولی فرع اول اصل اول در بیان اولاد میر سید محمد ثانی  
 انور باد پسر کلانی میر سید محمد ثانی میر سید حامد محمود که زینب سجاده عبد بزگوار  
 بودند فی اقتدار صوبه اس شادی ایشان از مسماة ترکیبا دختر مولوی  
 شاه احمد نوآباده خور و شد یک دختر ایشان مسماة تحین که شادی ایشان  
 از شاه ضیاء الحق اس شاه نور الحق ساکن نوآباده خور و گردید فی دختر ایشان

زوجه شاه لطافت علی شیخپوری والد میر عبدالحسین که ذکر اولاد  
 ایشان نموده شد پس روم بی بی عابده زوجه شافعی علی مذکور رسید  
 شاه ابراهیم حسین عزت شاه بهجو جو که ایشان را بیعت بطریق فرود  
 از جناب حضرت مولوی سید شاه حسن رضا قادری شعی شد حصول  
 و نیز تربیت معنوی شادی آنجناب در موضع رسولپور گردید و دختر شدند  
 یکسما بیکن زوجه مولوی فرحت علی کورجوی یک دختر ایشان بی بی  
 مریم زوجه شاحسین علی ابن مولوی سید اشرف علی مذکوره بالا ذی اولاد  
 شدند دختر ثانی سماه رحمن زوجه سید معظم ابن قیصر مظفر حسین عزت  
 میر کلویک پس رویک دختر ایشان پس سید امیر الدین و دختر را نام سماه  
 حیاتن زوجه میر شجاعت حسین ابن میر فرحت حسین وکیل صدر ساکن  
 بهپهویک دختر ایشان سماه براتن زوجه میر لطافت حسین والد سید شایسته  
 و شاه ابراهیم حسین را از لطن منکوه و دختر بودند نیز ذی ولد اند و یک  
 شایسته حسین و دختر ثانی شافعی علی و بی بی عابده سماه اماالانسا  
 زوجه شاه خادم حسین عزت شاه بهجو سجاده نشین آستانه حضرت  
 سید محمد پیر و مریا چون اولاد نشد سرکه معاش از جانب زوج خود بیکی  
 بنت البنت برادر مذکور الصدر دادند مالک ملکیت نمودن آن معاش  
 بقبضه میر لطافت حسین و اما میر شجاعت حسین مرحوم هست میراقت

ایشان در موضع هاسه ازدختر میر ولی الله محمد میر سید عظیم الدین رضوی  
 شده بود نام زوجه ایشان معلوم نشد یک پسر شد ازین زوجه میر سید عظیم  
 داما د شاه ابراهیم حسین ابن شاه فتحعلی زوج مسماة رحمن یک دختر مسماة  
 حیاتن زوجه میر شجاعت حسین مذکور الصدر پسر سید شاه امیر الدین که ازدختر  
 میر اسمعیل علی ابن سید فرزند علی ساکن جگرلی عظیم آباد که خدا شد یک دختر  
 و یک پسر ایشان دختر مسماة علیمه زوجه سید محمد واجد ابن شاه حسین علی  
 لا ولد در مکه معظمه وفات یافت و نام پسر سید مظفر حسین که ازدختر میر  
 بهاری داما و میر ملا علی ساکن جویری کتخت است الله تعالی ذی ولد نام  
 و از شادی دوم میر مظفر حسین دو دختر که ازد و پسر سولانا مسافر حرمه الله علیه  
 که خدا شد کیفیت ذریت دریافت نشد الا پسر علی بقدر میر مظفر حسین سید  
 هدایت حسین دعوی جلا و اول شادی ایشان از بی بی حسینا دختر شاه  
 محمد یعقوب علیه الرحمه شده بود اولانش از شادی ثانی که ازد خواهر شاه  
 محمد علی شیخپوری شد و پسر نام یک سید سخاوت حسین نام دومی یا نصرت  
 از خواهر این هر دو برادر زوجه شاه امین الدین احمد ابن شاه امیر الدین  
 علیه الرحمه سجاد نشین بهار و خواهر شاه مظفر حسین مسماة مرادن زوجه

شاه احمد حسین عرف پیر حی مذکور الصدر اولانشد

نسبت دوم ثمره دوم و تجربه اولی فرع اول اصل اولی و بیان

یکی سماءه مخدومه زوجه چنانحضرت شاهیحیی علی که ذکر ذریت ایشان بالا آمد  
دومی سماءه مستقیمه ولادت شد با ایشان سومی سماءه سکینه زوجه شاه محمد یعقوب  
سعید الحنفی و کراولاد ایشان و نسب اجداد بیان شد حاجت تحریر نیکو نیست  
شمره دوم شجره اولی فرع اول صل اول در بیان اولاد فرزندان  
میر سید نورالدین ابن میر سید محمد ثانی بر چهار نسب هر چهار پس  
باید دانست میر سید نورالدین احمد ابن میر سید محمد ثانی بعد برادر کلان محیط و  
قابض بر معاش پدری جدی شدند تا قبل در حیات برادر خویش مطیع ماندند  
هر برادر کلان و ثانی هر چهار خواهران را از ترکه آبائی محروم ساختند و کار خود  
پرداختند بلکه حاصل کرده حضرت شاه ولی الدین ابن حضرت شاه محمد حسین  
که زوجه خود سماءه ناصره دادند در انهم شریک شدند شادی میر سید نورالدین  
یکه بعد دیگر از دود دختر شیخ شریعت الدین ابن شیخ عیسی الدین و شیخ  
امان الدین دیدار بر دوی بی دود و پسر شدند نام زوجه ابوبی فاضله  
بی بی فصلو از بطن این بی بی دود پسر و یک دختر زوجه ثانی نام بود بی بی

حکیمادو پسر از ایشان

نسب اول شمره دوم

در ذکر پسر کلانی میر سید مظفر حسین عرف شاه کلن نیزه سید محمد ثانی  
بیعت ایشان اجداد مجید از پدیر گوار بود صاحب سجاده شادی اول

جدا جدا من حضرت سید شاه غلام حسین و انا پوری و تربیت باطنیه از حضرت  
 سید ساجیحی علی رحمة الله علیه بفضلہ تعالی ہر گونه زیادت و حیثیت ظاہر  
 و باطنی دارند صاحب سیقہ شادی اولین ایشان از دختر خال شدہ بود  
 یعنی از سماء و حیدر و دختر سید شاه عبدالرشید عمی عرف شاہ جمی ابن حضرت  
 سید شاہ اطیب السمر حتمۃ اللہ علیہ پھر می چون از ان یک دختر شد  
 انہم نماند و بعد عرصہ کردہ زوجہ انتقال و جنبام بموضع نیا دان پر گنہ  
 او کرمی کہ معاش جانب حصہ مادری و خسرو پورہ ہست تکلف بسیار با عرا  
 حال خود نیامیندہ بر سال از دختر میر محمد اسمعیل ابن میر فقیر اللہ ساکن اکو پور  
 شادی ثانی کردہ اند بفضلہ تعالی یک دختر تولد یافتہ شد نام عوث بانہی  
 نہادہ اند بچرت حضرت پیر دستگیر عوث الثقلین ترقی حیات کشید و

خواہر خور و سید شاہ فضل حسین زوجہ شاہ محمد باقر حرم ذی اولاد شد

شمرہ چہارم از شجر اولی فرع اول اصل در بیان ذکر اولاد میر سید

حامد حسین فرزند چارمی میر سید نور الدین احمد نوبادی

مہر بن باد شادی میر سید حامد حسین از دختر قاضی بہن کو ساکن ماڈو گرد  
 و بیعت ایشان را نیز از حضرت جدا جدا این فقیر است کہ تقریب حبی  
 برادر پودہ اند صاحب توقیر و ذی تدبیر بود میر حامد حسین صاحب اندک  
 سہ پسر و دو دختر با ایشان بخشید و انہا نیز ذی اولاد ہست پسر کلانے میر سید

دکتر سید شاه فرحت حسین عرف جان ابن ثانی میر سید نور الدین

چو شیده مباد میر سید فرحت حسین عرف شاه جان ابن ثانی میر سید نور الدین  
 ییاقیت فلایری کرد و فر بسیار داشتند که خدائی ایشان از دختر نشی علی حید  
 که یکی از فرزندان مخدوم شاه صفی صفی پوری بودند که دید عمر خود بلیات معیشت  
 بکمر و فر گذرانیدند از منته تقدیری کسی اولاد نشد برادر زاده کلانی میر سید  
 محمد معظم پسر میر مظفر حسین را پسر متمنه ساختند و حصه ترکه معاش خود بان  
 فرزند دادند مالک قابض آن ترکه پسرشان سید شاه امیر الدین گشته حال ایشان

نسب سوم ثمره دوم شجر فرج و اصل اولی در ذکر اولاد میر سید احمد حسین

پسر سوم میر سید نور الدین احمد

انور باد پسر سوم میر سید نور الدین احمد میر سید احمد حسین بودند که ییاقیت  
 و حیثیت ظاهر و باطنی بسیار داشته در مزاج املات و ترک بود و کمال شادی  
 ایشان از مسماة لطیفه بنت حضرت سید شاه اطیب الله اولاد و  
 سجاد نشین میر سید محمد قادری امچهری گشتند از بطن ابن بی بی دو دختر  
 و یک پسر شدند دختر اول روجه میر محمد حسین ابن میر حامد حسین و دو دختر و  
 یک پسر ایشان یک دختر زوجه سید افضل حسین دو پسرشان دوم دختر  
 شاه فرح الحق ابن شاه ظهیر الحق و نام پسر سید محمد حسین و نام  
 و الله شیر سید شاه افضل حسین قادری ایشان را بیعت از خبا بخت



اسلاف مایان همیشه طریقه سید داشتند و خواهر ثانی ایشان زوجه

میر اسمعیل علی ابن میر فرزند علی اولاد شد از ان بی بی

فرع دوم اصل محل اولاد سوم میر سید صدر جهان ابن میر سید قطیب الدین  
 باقری نسب در بیان اولاد میر سید عبدالواحد پسر سوم میر سید صدر جهان  
 واضح باد حضرت میر سید عبدالواحد پسر سوم میر سید صدر جهان که هر سر رشته  
 پیری و مریدی و تربیت تعلیم آبا و اجداد بودند بهیت ایشان از اولاد ماجد خود بود  
 چند سنی بابت قصا خسر و خال خود میر سید قاضی عماد الدین نمودند آخر انهم  
 ترک نمودند شادی ایشان از دختر میر سید قاضی عماد الدین ابن قاضی  
 عبدالفتاح قاضی سید بزرگ دانای پوری که خال ایشان بودند گردید از بی بی  
 و اصله عرف و صلا دختر قاضی سید عماد الدین از رطب ابن عقیفه که دختر  
 و دو پسر شدند نام دختر بی بی صدر اشادی در بنی اعاشم نام پسر کلان  
 میر سید محمد فضل و ثانی را نام محمد اجل که در عین سباب جوان ناکند  
 رحیل ملک بقاشدند اعقاب هماندا اشادی سید محمد افضل از بی بی  
 میتنه دختر سید جلال الدین ابن قاضی سید عماد الدین گردید از رطب  
 زوجه دختر خال یک پسر دیکه دختر تولد گردید دختر ناکند ذات یافت  
 نام پسر میر سید عبدالشکور که جوهر ذاتی و صفاتی پنداشتند بسیار سلیقه مردم  
 داشتند و بهوشیار در اقران مفخر و ممتاز در بارشاهی بمده جلیل القدر و قران

حامد حسین مذکور الصدر داماد میر احمد حسین عم خود دختر کلمان ایشان از سید  
 افضل حسین عرف محمد حسین این سید شاه غلام حسین سلموی که خدا شاد و دلپس  
 یکی از ان سید الفت حسین که شادی اول از دختر شاه مظفر الحق گردید چون آن  
 زوجه اولاد گذارست در حلت کرد و شادی شانی از خواهر شاه فرید الحق این  
 شاه ظهیر الحق گردید و دختر دوم سید محمد حسین که از شاه فرید الحق منسوب است  
 ذی اولاد نیست تمام پسیر امجد حسین شادی این عزیز بجای بهترین  
 و صاحب ذی ثروت بود قضا نموده یعنی از دختر پسیر مقصود علی ساکن  
 لکھو حلاهور شادی نکرده اند الله تعالی توفیق بخشید پسیر ثانی میر سید حامد  
 میر سید کریمت حسین که لیاقت ظاهری بسیار داشتند که خدای ایشان  
 از دختر شاه احمد علی بهاری گردید یک پسیر و دو دختر ایشان شد پسیر سید  
 ولایت حسین مقصود و دختران منسوب بخانما سے بهتر مذکور الصدر  
 ذی اولاد اند پسیر سوم سید امانت حسین نوجوان فوت شدند الله تعالی  
 چهارم میر سید کفایت حسین که انیس همسر انی فقیر اند صاحب بقیه و  
 تدبیر شادی ایشان از دختر میر امجد علی ساکن کراسه پرسرا گردید بود  
 چون بی بی قضا کردند باز بطرف شادی نشدند قضا اولاد ندارند و بجز از  
 بیعت این هر دو برادران از والد ماجد خود است صاحب اجازت و کلمات  
 بیعت از جناب سید شاه یحیی علی قدس سره بطریق عالیہ حشمتیه گردید چرا که

آباد داشتند هرگاه مایان بهر زیارت بزرگان میفرمودن احاطه چند هزار اجداد  
 پیشین است حضرت میر سید صدر جهان و میر سید اولیا و میر سید حسین و میر  
 سید محمد ناصر و میر سید سلیم اجداد این فقیر و احوال اجداد الا اولاد دختر  
 ماند زوجه حضرت شاه قطب الدین عرف شاه بساوند و دلسر ایشان یکی  
 محمد عوث عرف منشی و من شادی ایشان از مسماة قیسمه دختر شاه وحید الاسلام  
 گردید یک دختر شد ایشانشان را که برادر عثم منشی امیر بید ابن مولوی عزیز الله  
 که خدا شد مسماة سوین لا ولد رحلت نمودند و ایشانشان مولوی فرحت علی  
 ابن منشی محمد عوث که به بیات صورتی و معنوی معمور بودند در علم بیت مرتضی  
 و فقه و فارسی شادی ایشان از مسماة سیکین دختر شاه ابراهیم حسین فوآباد  
 یک دختر شد بی بی میر محمد زوجه سید شاه حسین علی یک دختر و دلسر گذشت حلت نمودند  
 نام فرزندان محمد قاسم است محمد و احمد ذی ولد و یک منکوحه منشی محمد عوث  
 عرف دو من بود مسماة وزیر ایا پسر دوم حضرت شاه قطب الدین عرف شاه بسا  
 مولوی عزیز الله رحمة الله علیه که در علم عربی تکمیل داشته و عبارت علم فارسی  
 و یار الا ثانی و خوشتر و پرهنر ذی جوهر بیت ایشان را بطریق عالی از والد خود  
 الا طریق معنوی از برادر زاده خود قبول کردند یعنی از جناب حضرت  
 سید شاه محمد الدین حسین ابن حضرت سید شاه شمس الدین حسین جناب لوی صاحب  
 اوستادی و دفنون بودند و جاهت طلب هر در سن پیری و ضعیفی نیز بود بسا

شادی ایشان گردید از بی بی ربیعہ دختر سید امام الدین ابن میر سید نظام الدین  
ولد میر سید محمد ولی در بی اعام خود الله تعالی بایشان یک دختر و یک پسر بخشید  
و حرا که خدا رحلت نمود الا پسر نام پسر میر سید ارشد که لیاقت صوری و معنوی  
میداشتند معیت آن بزرگوار در خانان خود از ابا اجد را بطریقہ چشتیہ نصری و به  
شادی میر سید محمد ارشد از بی بی علیمہ دختر خور و میر سید محمد باصر ابن میر حسین  
ابن میر سید اولیا ابن میر صدر جهان شده بود از لطن این بی بی یک پسر  
و دو دختر بوجود آمد نام یک دختر مسماة نعیمہ و دو پسر بیلن سادی ایشان  
در اقران شده بود اولاد و نام دختر ثانی مسماة لیل اعز مسماہ لالین  
زوجه شاه قطب الدین عرف شاه لبان که ازین بی بی اولاد ماند بعد ذکر  
پسر عالیقدر تبصریح مذکور خواهد شد نام پسر میر سید محمد اصلح که بر و طوط  
خانانی ابا اجد و خود مدت العمر ماندند بتکیہ خانہ آبائی که جو رکڑہ محکمہ چوری گل  
الاسہ شادی نمودند یکے بعد دیگرے از کسی زوجه اولاد نشد شادی اول  
از مسماة ملیحہ خواهر محمد حسن ابن سید وجہ الدین عرف سید بولن و عقد  
نکاح وفات یافتند اولاد نشد ثانی شادی گردید از مسماة عاشورگر دختر  
سید محمد مهدی یکے از سکنا ی علما بہار از انہم فرزند پسر نشد چون وفات  
یافتند شادی ثالث نمودند بموضع مد پور بجانہ یکے از شرفا امدیار تاجات  
آنجناب زمرہ بودند مگر اولاد نشد برادر زوجه ثالثہ بعد رحلت شان آنخانہ را

## میر سید صدر جهان

چون از بیان کیفیت کفویت صاحبان لوا باده کلان اولاد میر سید محمد اولی  
 و صاحبان کورجی ذریت میر سید عبدالواحد سپه سوم میر سید صدر جهان فراغت  
 یافت میفرسید ذکر فرزندان میر سید اولیا ساکنان قصبه دانا پور واقع گردید  
 سید اولیا بودند تارک دنیا بحرص هم مشغول و یاد خدا گاه به روزگار زیاده  
 نکرد و بارشاهی عمده اقایا قضا بخانه نشیند شکسته پا والد ماجد ایشان را  
 بحضرت میر سید صدر جهان این حضرت میر سید قطب الدین باقری نسبت  
 بود پدر بارشاهی امیر الامراء بخطاب یکمین الملک وقت آخر ترک نمودند  
 مانند بیا و خدا بعثت ایشان را از پدر بزرگوار خود بود بطریق عالیستغیبه نصیب  
 الحصول شادی میر سید اولیا در موضع کورجی گردید که در کتاب شاهیه است  
 نام آن چشتی پور عنایت الله از مسماة محکم دختر شیخ محمد یحیی ابن شیخ ذکر کرد  
 فریدی که بودند از اولاد شیخ فیض الله از فرزندان حضرت بابا شیخ  
 فرید الدین شکر گنج القصة از لطن این بی بی شدند و دو فرزند به بلند کلاسه  
 نام بود میر سید حسین عرف سید حسینی و اما میر سید عبدالرسول قادری  
 که داماد قاضی عماد الدین رضوی بودند و ثانی پسر بودند میر سید سلیم که غذائی  
 ایشان از دختر خال خود شدند نام زوجه شان بی بی نصیبیه بود دختر شیخ  
 معین الدین ابن شیخ محمد یحیی فریدی کورجی از لطن زوجه شان یک دختر

شادی آنجناب شد از سماء بی بی جبین دختر بی بی ناظمه زوجه شایع الین  
 نوآبادی بفضله ازین بی بی چهارپسر شدند ذی علم و پر جوهر را بحکله کیے نشانی التیر  
 مذکور الصدردومی مولوی محمد اکبر شدند با ایشان دو پسر آخر نام نماند سومی شاه  
 محمد اصغر و جیهومی علم پرمهر شادی ایشان در قصبه نسیر گردید از دختر شایع  
 لطف علی ابن شاه محمود بفضله ولاد موجود یک پسر شد محمد خلیل بی عدیل  
 شادی ایشان از دختر مولوی سید اشرف علی شد یک دختر و پسر موجود دختر  
 منسوب است از شاه مقصود پسر عالیقدر مولوی احتشام حیدر اسد علی  
 بخشد مزید حیات و نام پسر چارمی شاه خیرات علی مدعو خیراتی که ستنی  
 اند از جوهر صفاتی چون انجام شادی ایشان در کفویت نشد از منکوحه خود  
 اولاد دارند دختر و پسر و مصاهره نمود از اولاد منکوحه پدر که بودند ازین  
 منکوحه نیز دو دختر و پسران چهار دونا که تدار حلت کردند کیے میان رضو  
 که تحصیل علم ظاهر شده بود از تربیت پدر بزرگوار نو جوان قضا کرد و دومی را  
 نام بودیسه ذی هنر بر دو دقات یافتند کیے بعد دیگرے الاولاد موجود اند  
 ذی اولاد کیے را نام امداد و دومی میان حمیدی که پیشه تجارت مینمایند دلالی  
 میکنند دختران نیز منسوب با پچا امدادی اولاد اند از پنجا ضمه شد و نسبت

حضرت میر سید عبدالواحد رحمۃ اللہ علیہ

فرع سوم اصل نخل اولی و بیان ذکر اولاد دوم میر سید اولیا ابن

نوبت ترویج نهاده بود زمانه مغتنم گماشته قصد سفر کردند بمرست و پنج سال  
 واضح باد زمان ولادت آنحضرت در عهد اخیر جلال الدین اکبر بادشاه  
 و در عهد سلطنت معظم شاه کردند انتقال چهار سلطنت دیدند و معاودت  
 نمودند بمرست و پنج سال الغرض سیر کردند هر دیار و امصار آخر ماند بمرستی  
 و مصاحب محمد معظم بهادر شاه ابن عالمگیر بادشاه بمقام شهر و کما که جهانگیر نگر  
 چندے ماندند بعدد چکله داری و محافظ کو تو ال شاهزاده زفاقت ایشان  
 پسند نمود و بخوش تدبیری برین امضا شد چند سال هرگاه خطاب با خطاب رسید  
 بشاهزاده موصوف از شاه اوزنگ زیب عالمگیر بدین مضمون عبارت جامه  
 تیلوانی در بر و چیره رخصتانی بر سرین شریف رسید بچل شش تف برین ریش  
 و فاش مصاحبین سابقین شاهزاده ترک روزگار کردند چون همنشینان قدیمی  
 شاهزاده شدند معزول آنحضرت زفاقت شاهزاده نکردند قبول هر چند شاهزاده  
 بهادر شاه بهر زفاقت کرد اصرار بسیار اقبال کردند زینهار زینهار ترک عهده  
 جلیلک کردند قصد مراجعت وطن اقدیار هرگاه بوطن تشریف آوردند چند سال  
 گذشته بود که والد ماجد آنجناب کرده بودند انتقال پیدا شد خزن و دلال کمال  
 و شهر پخته سخاوت آبی کسے را نیافتند جز یک برادر عمزاد میر عبد الشکور  
 ملاقات کرده آمدند بسوی دانا پور در اینجا یافتند از بزرگان و برادران اعیان  
 میر شهاب الدین و میر رکن عالم ابن میر سید عبد القدر و میر سید کامر و میر

و پسر شدند متولد نام دختر بی و اسعه که از شیخ محمد درویش که خدا شد  
یکی از صاحبان کوی نانائی شیخ محمد مراد والد ماجد شاه قطب الدین عرف  
شاه بساوند بودند جز ایشان کسی دیگر اولاد نیست نام پسر میر سید سلیم میر سید  
محمد علیم نوجوان رحیل ملک بقا شدند اعتقاد مانند جز فرزندان میر سید حسین  
عم شان بایستید شادی میر سید حسین از بی بی مبینه دختر میر سید عبدالرسول  
شاد از بطن این بی بی یک دختر و یک پسر شدند میر سید محمد باصر نام دختر بی بی  
رقیبه که از برادر عمزاد میر سید عبدالحکیم که خدا شده بودند هر دو نوجوان شدند  
شجره در بیان کیفیت و حال میر سید محمد باصر این میر سید حسین ابن

### میر سید اولیا ابن میر سید صدر جهان

واقع باد سال یک هزار و ده هجری ولادت میر سید محمد باصر گردید کیفیت ایشان  
برین مختصات ایشان را بود از پدر بزرگوار بطریقه عالیه فصریه حصول و نیز در  
تعلیم معنویه ضبط مراقبه و مشغول و نیز خشیت و لیاقت ظاهری تحصیل کتاب  
عربی و فارسی و فقه اصول با اینهمه بودند و فتون به ریاست افزون و در  
فن تیر اندازی کمال در عهد خود پیشانی چنانچه رساله مایع کرده بودند  
یافته انرا از حضرت بزرگوار نزد خود دارد این خاکسار بجز است سادگی  
رسید بودند از قضای الهی والد ماجد ایشان کردند انتقال چون از خدا  
مخدومه گشتند فارغ الکمال و والد ماجد خود را بمسغولی ذکر حضرت ذوالجلال



آخرش بروز سعید و حمید تجویز کرده در عقد نکاح بزوجیت درآمدند شادمانی بجا  
 رسید که بی خالق که در آن سن و سال بزوجی اله تعالی شش اولاد بشیم  
 دو پسر و چهار دختر هر یک چون شمس و قمر سعید اختر بیان اولاد آنجناب در تنه  
 کیفیت آنحضرت خواهد نگاشت هر گاه آنجناب علی القاب ترک جلیل عمده کرد  
 به اقامت آماده شدند بتوکل علی الله بکلیه خانقاه آبابی شهر پهنه شد بنقدیم  
 بمشغول یاد او تعالی بصراط استقیم پار از رفتن شکسته سلسله ملاقات بل نیا  
 گشته متوقع فضل خداوند کریم بقیمه عمر خود را در چلچکشی و گوشه گیری بسر بسته  
 هر دم می بزرگ یاد او تعالی می پرداختند طایبان حق را ضرور است از لذایذ دنیا  
 ترکش و جوب لازم آنحضرت در مشاهده حق تیر قامت را کمان ساخته لبها  
 و برگ آب و نان توکل بقبضه آورده بهدت مراد خود نشانه کرده آخر بنام  
 حق بزرگ حق که بودند باین سحتی روزی قربان جان خود ساختند زبیه  
 ستمانی که سهم سهم رضا الهی گشته آخر کار خاک توده گرد و طائر و وحش بهال  
 محبت آمده وصال حق یاب و کار از لب سو فار در گذرد چونکه آنحضرت در قرن این اندکی  
 داشتند کمال رعایت عبارت تحریر کرد برین منوال دو پسر و چهار دختر در  
 دنیا گذارشته بعمر یک صد و شانزده سال کردند انتقال در سنه یک هزار و  
 دو و هجری سفر فرمودند جناب حضرت جدا مجد چون بسال یک هزار و یکصد و هجده  
 شاه او رنگ زیب عالمگه ما دشا نمود انتقال و با خود با برادران اعظم شاه

عزیزان در اقران بودند ملاقات ساختند و بصحبت ایشان چندے اقامت  
 در قصبه دانا پور پر ختمند از دل قصد ترک سفر کردند روزی از روزها  
 عند الملاقات از میر سید محمد رضوی که بزرگ خالاتی حقیقه بودند و از عمر آنجناب  
 نیز بودند ده سال کمتر مجوز شدند بهر متاهل آنجناب چنین تذکره افتاد و چرا  
 فرمودند ای برادر عمر من رسید قریب هفتاد و قصد متاهلی چکنم اگر واقعی باشد ترجیح  
 نیست حصول اولاد کدام کس دختر خود باین ضعیف خواهد بدیدان متبسم شده  
 میر سید محمد فرمودند ای جناب علی القاب از شادی اولی دختر هست بخود  
 تا که خدا الحمد لله خیال کفویت بود برآمد مقصود و بزوجیت شما میدهم اگر نصیب  
 اولاد فهو المراد اولاد هر دو برابر و در واحد باشد بفضل حضرت یاری سلسله اولاد  
 بود جاری باصره تمام آخر کردند قبول واضح باد شادی اول میر سید محمد  
 ابن میر سید جهانگیر قریب بست سال شده بود در موضع صفی پور از بی بی  
 رمضان و دختر شاه موسی صفی پوری که زنده اولاد مخدوم شاه صفی بودند  
 گردیده بود از بطن این بی بی دختره تولد شده بود و بی بی رقیه نام بود  
 بی بی چیتا خورد سال ایشان را گذاشته والده ایشان بودند بخانه پدر  
 پدرش یافتند بضرورت خانه تقرری شادی ثانی از دختر میر سید محمود  
 نوک بادی کرده بودند از آن بی بی کسی اولاد نشد و عمر بی بی رقیه در آن زمان  
 نوزده ساله بود و سن جدا علی میر سید محمد باصره بود بالا شصت سال یا هفتاد

در حوصله او رکی باشد لذت و سیار شائق مبر و دیکه نیست بهر فرستادن لائق  
 کشتی عمر من رسید بگرداب تباهی اینها چه دانند اب شاہی سیفر مو و ند بعد  
 انهمه غدر از جانب باد شاه و دوباره رسید بطلب فرمان شاہی بدین مضمون  
 اگر چه در جواب تحرییر ساختند بایجاب عہدہ وزارت جواب صاف مکر می نویسیم بآن سخت  
 ستاہ تانہ شوم و روح حق تعالی و عہدہ خلافت از کسے فرزندان خود را فرستند تقصیر  
 معاف آخر کار آنحضرت از ہر دو پسر کردند استفسار از طلب شاہ نامہ رسید کلامی  
 میر سپید عبد القفا و در بخش حوالی سرست از بادہ ذکر سکر ربانی گفتند بادشاہ  
 مرا خوراندن نمی تواند ہستم بسیار خوار تہ ذرات بیج نیست نزد فقہ خاک  
 چون پرسیدند از پسر ثانی از میر سپید محمد حسین مقبول ربانی عدا مدعی شان  
 میر سپید محمد ایشا نرا گرفتند در کتاب و گفتند سخاوہی کہ فرزند تہ بلند مرانما  
 بدر بادشاہ مجرائی انشا را اللہ تعالی یقین قلبی ام عیان بہت چنانکہ بای حضرت باری  
 جہہ سائی کہ بادشاہ وقت شود و بر و این پسر مجرائی سبحان السدان بزرگان  
 چنان بود و بدیاد حق مشغول کہ داشتند فی پروائی بچہ پلور غماض کرد نم از طلب دنیا  
 بے اعتنائی بار سوم کسے نامہ را از جانب ہر بادشاہ از اسجا کہ نکال نشان  
 بکوے قعات را بطلب مرگ طبیعی عاقبت اندیشی ست کمال کہ رزوی خود را  
 سپردن است بجا کہ گور زیبا بی لباس ابریشمی حوشر نامہ و خدمت شاہی آخر  
 چون کمان خم شدند از قوت و زور اسحق کیکہ بیکہ و قدم ماند مانند قوس

و عالیقدر و معظم شاه ملقب بهادر شاه که تخت نشین بمقام دہلی شدند بر  
 تخت نشینی سلطنت و پیش آمد منارعت واقع شد جنگ جلال آنها ختمیت  
 یافته کردند انتقال و تخت نشینی بر شاہزادہ معظم ملقب بهادر شاہ بہا  
 بحال در آنوقت بہادر شاہ از رفاقت آنحضرت آمد خیال از آنجا فرمان رسید  
 بنام آنحضرت بہر وزارت طلب نمود باو شاہ ابوالناصر حضرت میر سید محمد صاحب  
 جناب اقدس و اعلیٰ تکریم فرمان شاہی نمودند نہادند بر سر و بر پشت فرمان  
 تحریر نمودند عذر بعبارت بہتر اول این بیت نوشتند مقولہ حضرت سعدی  
 علیہ الرحمۃ عفو فرما یند تقصیر بدین تحریر اگر طالبی کاین زمین طو کنی  
 نخست اسپ باز آمدن پی کنی پند غریب نواز عالی جاہ دین پناہ ہر گاہ لائق  
 خدمت شاہی نماید بسبب رسیدن سن کبیر چون ہوش و حواس بجا نماند کہ  
 کہ آرد بجا اداب شاہی توفیر مینویسد کہ کرمی دارم چون میشود کہ سنہ میخور اندک  
 میشوم من بر ہنہ میپوشاند باقی نماند باین ضعیفی خبرے حوص و ہوس اللہ  
 باقیست و بس این عذر کردہ خلعت شاہی منصب وزارت واپس داد  
 ہر چند اقران ترغینا للینصحت گفتند اگر خود نمی آری شرط خدمت بجا دمی رو  
 بدلہ خود یک از فرزندان خود را بفرستی این معنی نیز پسد خاطر نیا فتاد فرمود  
 فقیر دارد و دلیسر کہ اہل جذب است ننوسند و زور در از طریق خدمت شاہ  
 بخبر دوی مصروف بیا دایمی بجمہوری مشغول بشاہدہ ذات ربانی کی بود

	شجره سوم شجره اصل	
--	-------------------	--

بزرگ و دختر سوم بی بی علیمه که از میر سید ارشد ابن میر سید عبدالشکور  
شدند کتخاد و دختر و یک پسر بنام میر سید محمد صلح کیفیت ذریت ایشان

	بالا شد بنجوبی مذکور	
--	----------------------	--

	شمره چهارم شجره اصل	
--	---------------------	--

ورزگر و دختر چهارم میر سید محمد باصر نام بود بی بی واحد که خدا شدند از شیخ  
وحید الدین ابن شیخ محمد سعید الدین که جوئی فریدی نسب متولد شدند بطین  
این بی بی دو پسر و دو دختر نام دختر یکی بود بی بی زاده بنت بی بی  
واحد از شاه نور علی ابن شاه محمد ولی که جوئی شدند که خدا کرد  
دختر ایشان یکی بی بی و اصله روجه شاه وحید الاسلام دویی بی بی  
ناظمه روجه شاه تاج الدین نوآبادی مذکور بالا حال دخترانی که خدا فی  
نشد نام پسران شیخ وحید الدین مذکور شیخ معین الدین عرف شاه جکوی  
نام پسر دوم شیخ علام حیدر عرف میان گهسیا که مستثنی بود در اقران چونکه  
دور مثل مکتب زنه پهلوان نقل مینمایند که ده منی توپ شاهی را یک برتاب  
از دست باز و انداختند درین باره هیچ تامل نداشتند و زنی یکی از برادران  
براه کورچی رسیدند بر اسب سوار ازین نمونه ملاقات شده چشم دوچار  
اندر بیان گفتگو ساعد دست بر پشت اشوب نهاده تا میر نمودند کلام بجهت تقریر

عرصه فلکی طی نماید فرودست که اشهب اندیشه دنیا را آخر پی کزدن پیش آمد میفرمود  
 هرگاه زوجه آنحضرت در دنیا پور و برود آنحضرت کردند انتقال که دوام نجات آبا  
 ماند میر و حال فرزندان خود را بر برد امن جدا داری ایشان گذاشته نجات  
 آبائی شهر پخته اقامت کرد و عمر آخره بسر کرده واقع شد انتقال در اینجا است  
 هزار پائین پدر و جد بزرگوار بحکم کچو کمره کچوری کلی بعد چند سال اولاد خضر را  
 که خدا کرده حضرت میر سید محمد رحمة الله علیه یافتند بد است احصیت وصال

### شماره اول شجره اصل

حضرت میر سید محمد باصر را بودند دختر کلائی بی بی صبیحی بی توکل خدا عمر  
 بسر کردند در چله عزالت خانه نشینی از اینجا که عارفه کامله بودند نوی شعور بودند از هر  
 پایه معذور که خدائی پسند نامد در یاد الهی بسر شد عمر به شغولی حق که بجز در وی  
 بودند سخت بالا از صد سال شد کردند انتقال از همه خواهران و برادران بودند کلائی

هزار آستانه سه درگاه است

### شماره دوم شجره اصل

در ذکر دختر ثانی سماء بی بی سیدا بودند نام آنمزد و مکه که خدا شدند در بی اعمام  
 و احوال از میر سید فضل الدین عرف سید فضلوا بن میر سید بدالدین بسر  
 بوجود آمده بودند نام سید صدر الدین و در از ده ساله بمر و شماره حجاب بر و اعتقاد

ایشان نماند

در سنه یک هزار و نود و هفت گردیده بود این پنجم شهر ربیع الاول عشر شریف بالا از  
سال هفتاد و پنج بایشش سید عمر نه پاره سالگی که فرمان شاهی رسید بعد از آن  
بیشش سال گردید انتقال بر بزرگوار آن عالی تنبارة آنوقت قصد ترویج نشد  
بود مشغول در عبادت و ریاضت و شغل و اشغال بیعت و تربیت و تعلیم طبعی

شد از جدادری حضرت میر سید محمد رضوی برگاه رسیدن شریف بنجد مول  
سی سال بفرمان جدادری شادی کرد و اقبال انجام شادی شد از بی بی و دختر  
و دختر خسته آخر حضرت سید شاه محمد مبارک قدس سره مقتدای عارفان نو آباد  
آن عصمت ماب عارفه کالمه بودند با وجودیکه در زوجیت شوهر آمدند با اینهمه بودند  
مشغول بذکر حق ذات خدا از لطین آن بی بی سیداللمجد و بین شاه محمد سید  
دو پسر و یک دختر آمدند بوجود اولاد اهل کمال نیز اهل کمال شمره شجره لسانی  
سید شاه نصیر الدین احمد که بیعت و تربیت ایشان بطریق عالییه حقیقیه  
نصیری بود حصول از والد ماجد خود شادی ایشان کردید از دختر خاله خود یعنی  
از بی بی ملیحه دختر بی ابدال نبوت حضرت شاه محمد مبارک قدس سره اولاد  
کس نشد در موضع مقام کانپور رفته گردید انتقال بالا بمرحل سال در اینجا

بودند مردان انتخاب

شمره دوم شجره در ذکر دختر خسته آخر بی بی اقیبا دعوی بی محمول  
که خدا شدند از میر سید محمد احسن ابن میر سید وجیه الدین سید بولن رمدی بفضله

قصه فتن کردند بر اسپ شد خرام آن اسپ از گم‌گوشه رفتن نتوانست کشت  
 به پست او زدند و زان شد رهوار بدین طوطی قصه شنید و می‌بست بسیار شادی و در  
 اقران اخوان شده بود و اولانشه الا شیخ غلام حیدر پسر دهم نیز بودند و بودند  
 حاج قوت و قوت اگر برادر یک جانب میشدند جانب دیگر نیز کافی  
 بودند این تنومندی از عنایات الهیت الا علم ظاهر نمیداشتند هر دو  
 برادر مگر پسر سید غلام حیدر منشی بمیدل نام بودند منشی تقی الله بودند شاعر

دومی فنون بهر اسرار مدبری ماند

شماره پنجم شجر اصل نخل اولی

در بیان حالات پسر کلان میر سید عبدالقادر این حضرت میر سید محمد با  
 آنجناب سرست حال و تنومند بودند بسیار خوار بیکبار میخوردند بست آثار و در علم  
 فاقه چند روز هم نمی‌خوردند ایام ولادت اصحاب بسال یک هزار و هشتاد و هجری تا عمر  
 چهل سال ماند دمی حیات در پایه ثبات از تزوجی هیچ نبود و کار بی‌شعوری  
 بود مستایه دارد و در انا پور زیر درخت پستان ست مزار پائین قبر آنجناب

ابله و زرش و زرش نینا یاند

شماره ششم شجر اول اصل در بیان حضرت سید شاه محمد حسین خلف

ثانی حضرت میر سید محمد با صر

استماع است از حضرت جد لا محمد که ولادت حضرت میر سید شاه محمد حسین قدس



حواس و هوش تا پنجاه سال ماند و حیات کیفیت جذبه بود طاری کشف و کرامات  
 آنجناب اکثر بمشهورست بطریق پیشین گوئی و بعد سه سال جدادری آنحضرت نیز  
 کردند انتقال و پیرانگی خانه شد بصورت نوعی که برادر دوم میر سید نصیر الدین  
 نبود هیچ دختر و پسری از آنجا که یا خود یا زن و شوهر بودند مزاج بصورت بد مزاجی  
 ناسوافتت بوفوع آمد قصد سفر کردند می آرند مرزا خان بیگ نواب  
 مرشد آباد را بودند یک ازارا کین و بودند آنحضرت را افضل المریدین و مسترشدین  
 روزی عرض ساختند در تشریف آوری آنحضرت هر چه واقع میشود بسیار خوب است  
 در اینجا طلب فرمایند اهل و عیال حضرت عالی تبار چونکه مزاج تند بود آمده بر سر  
 جلال فرمودند همه با کردند انتقال که اسامی طلب درین حال شده بودند سکوت  
 واقعی امر بر دل ایشان ثبوت عرض کردند شادی ثانی نمایند درینجا و فرمودند  
 همچنین اراده دارم جاس تجو نیز نمایند مرزا خان بیگ فرستادند پیام بجان  
 قاضی زادگان که از مریدان آنحضرت بودند بمقام شن نگر گمکره چنانچه  
 قاضی ولی محمد ولد قاضی محمد شجاع قریشی نسب و نسب مادری اینها  
 از انصار قربات یکی از مریدان و ائمه الاعتماد بودند دختر خود را دادن بخدمت  
 کردند اقبال آخر کار انجام شد عقد و نکاح نام آن زوجه سماء ماه بی بی بود  
 دختر قاضی ولی محمد ابن قاضی محمد شجاع ابن قاضی شیخ رفعت الدین قاضی  
 سلامت الدین قاضی محمد یلیح ابن شیخ محمد سح ابن شیخ محمد فصیح است

بوجود آمدند پس آن چهار سهرکیه عالی تبار کیه از ان کلانے میر سید مظفر علی والد  
 ماجد حضرت سید شاه سجی علی دومی سید غنظفر علی زوج بی بی رشید اعرف بودند  
 سومی سید منعلی چارمی سید قطب علی از دوسران اولاد شدند و هنوز موجود فرزندانشان

شماره سوم اصل نخل در بیان حالات سید شاه ولی الله سپهر کلانی حضرت

شاه محمد یسین

واضح باد پس کلانے از سیل سالکین سید الخدیوین حضرت سید شاه محمد یسین بودند  
 از سر حقیقت و معرفت اله آگاه حضرت سید شاه ولی الله ولادت ایشان  
 در سنه یک هزار سی و چهار در واسن فیض یاسن پدری و مادری پرورش یافتند  
 تربیت ظاهری از پدر بزرگوار بهیت و تربیت و خلافت از جد مادری حضرت  
 سید شاه محمد مبارک قدس سره بعمر بست سالگی کردند شادی از دختر  
 خال خود از بی بی باصره دختر میر سید محمد ثانی از اربطن آن زوج و دو دختر  
 تولد شدند ذریه ایشان هنوز باقیست کیفیت ابن تبصره بالا مذکور شد الا از  
 زوجہ ثانی سه اولاد یک دختر و دو پسر انجناب معلی القاب رابطہ ارامه اراکین  
 سلاطین داشتند بسیار مریدان کثیر سیاح امصار و دیار بعلاقه مرشد آباد بودند  
 مریدان بسیار هر گاه والد ماجده انجناب محذومه زمان بی بی دولت جهان  
 عمر چهل سالگی بعاصه لاحقہ دفعتاً کردند اشتغال والد ماجده آنحضرت را پنداشد  
 ملال حزن و ملال آبر از بزرگی رسید صدای کلمه الحق در گوش برفت ظاهری

تولد یافتند بعد انتقال حضرت سید الخمد و مین سه چهار ماه جبر این داده بودند حضرت  
بطور پیشین گوئی احمد شد و المنه هم برادر بودند آفتاب و مانتاب ذی اعتبار صاحب  
اقبال یکے جدا مجد دومی جد مادری این خاکسار از هر دو فرزندان شدند و ان  
و بهوشیاری اسرار و دقت ربی بی سجد و جوان شد مدد خدائی شد از میرزا علی  
ابن سید حسن رضا ولد سید محمد رضا ابن سید عاشق علی کا کومی الالبی اولاد یافتند

از نی عالم و ذکر فرزندان فرزندانانی بعد ذکر اولاد حضرت خواهد شد

شجره اولی اصل نخل و کیفیت و بیان جناب حضرت سید الواصلین  
سید شاه غلام حسین قدس سره ابن جناب سید شاه ولی الله

باید دانست ولادت آنحضرت بمقام نشن نگر بخانه جد مادری شد بسال یکزار و یکصد  
شصت و شصت و بیستم شهر محرم الحرام ازین روشندان آنحضرت سید غلام حسین  
والد ماجد آنحضرت از طور آنحضرت شد تکمال سرور اگر چه از محل اولی بودند دختران  
دومی شعور میفرمودند چون سن فقیر از چهار سال چند ماه گذشت بتقریب مکتب  
جمع نمودند اقربان و اخوان وقت مکتب هر دو برابر در رفتند بحضور والد ماجد آنحضرت  
مکتب نبیره حضورست در پیش تشریف در اینجا میزند آغاز بسم الله از و نمایند  
الحاصل تشریف آوردند مرا گفتند بخوان بسم الله الرحمن الرحیم چون خواندم  
فرمودند بگردد پس و تمم و با بنی تعمیریل آنهم نموده قدری شیرینی ازان در دهن  
این فقیر نهادند و نیز بدین تشریف دادند والد ماجد من عرض نمودند پیش این گویانند

کرسی یافتن آسانی تحریر نمود این بزرگوار اهل معاش زمیندار بودند که شکار را محصول  
 در نجابت آن بزرگوار هیچ شک و شبهه نیست از صورت و سیرت اشکار گرفته تعظیم  
 چه اعتبار بعد چند سال از بطن آن بی بی دختر متولد شدند نام بود بی بی سعیده  
 بعد دو سال شان بسال یکنزار و یکصد شصت و هشت شهر محرم الحرام بتاریخ دهم  
 تولد یافتند فرزند اکبر عالی حضرت سید شاه غلام حسین بخانه جدادری پدیا  
 شرقی در دانا پور آند تولد شدند فرزند دوم سید شاه شمس الدین حضرت  
 جد الامجد سه ساله عمر داشتند حسب طلب برادر از نجابت سواری کشتی آوردند و در کشتی  
 مع اهل و عیال بسوی وطن در روز گمان کشتی در قصبه نو آباده شرفرو دادند  
 از کشتی به ملاقات اخوان سید دعوت از خانه اخوان الامحل اولی زنده بودند  
 باستماع شنیدن پریشان کلمه کلام جاری شد بر زبان اشاره باین و آن ناقص  
 العلل آن را در نجابت و شرافت آن زوجه حجت باشد و تکرار آنرا نزد عقلان نیست  
 هیچ حجت چه شرق نمی ماند بشرقی دیار را کجاست مصاهرت مایان واقع شد  
 بخانه فقرا که نجابت و شرافت بهترین و مستعین را واقع شد مصاهرت در  
 اهر الشرافت کترین بهر حسین و ترین میفرمودند آخر رسیدند در مقام دانا پور  
 بخانه فرو دادند کرده از دریا عبور حضرت سید المجد و سید شاه محمد حسین دید  
 فرزند پور کمال شدند سرور از آن روز خانه ویرانه کردند آباد و دستان شاد و شمنان  
 بها و بسال یکنزار و یکصد هفتاد و دو آخر ذی حجه جناب حضرت سید شاه شمس الدین

نهاد که لغزش می شود و یک دندان بر آوردند و فرمود این را بگیر ببادشاه  
 بهر خوار من تحفه فقیر میفرمودند شش ماه شده بود آنحضرت یافتند وصال حضرت  
 ذوالجلال که تالکین تانی کردند انتقال شهید شدند از دست افغان موزنی بکام  
 بنیره ایشان غایبها پدر بادشاهی مقرر شد و بادشاه عالم شاه در آن زمان  
 بسفر بود و در شرقی دیار اینخوار نقل میکنند در قصبه هسرام بودند که بر سر ایشان  
 چتر شاهی چنانچه انداز آنجا رسیده در حضرت بهار بوسیده آستانه فرار نمودند  
 ملاقات مشایخان اینخوار روزی خبر رسید که بادشاه با فوج و ارکین می آیند  
 بهر ملاقات حضرت سید شاه محمد حسین در قصبه دانا پور حضرت سید شاه علی الله  
 قدس سره قریب فرار و الداجه زیر درخت کهنه و شطرنجی گسترانیدند و بهر عورت  
 حاضر را سد چون بادشاه شاه عالم رسید بشاهراه قریب فرار پیدیدند  
 دائره حضرت سید شاه محمد حسین کدام جاست عرض ساختند دائره نیست  
 شکسته و بیست و کهنه مسجد و این ست مزار فرود آمده بوسه فرار داده فاتحه  
 خواندند پرسیدند کسی از فرزندان آنحضرت هستند موجود و پایا التماس سائیدند هر دو  
 برادر بصفت هر یکی کلائی آنحضرت هستند ثانی است این فقیر بغلگیر شدند و شد  
 مصافحه از هر دو نشستند میفرمودند عمر من در آنوقت هفت ساله بود و برادر من  
 شمس الدین دو سال داشتند عمر والد ماجد از دست شریف دندان آنحضرت نزد فرزند  
 بهر حرز و کیفیت کردند بیان که آنرا در سر پیچ دستار نهاد بهر تعویذ استند عا

فرمود پیش در ست ترقی ذهن و دوا هم بس معنی بسیم الله و تحم باخیر  
 میفرمودند بدولت آن حافظه و ذهن شد حصول و زبان خود برآورده چنین نید  
 هر چند که حضرت ظاهر تحصیل چندان نبود الا مقدر کر که از آنحضرت بحث و  
 تقریر نمود در تراویح حفاظ را القمه میدادند حال آنکه ناظره خوان بودند میفرمودند هر  
 دختران محل اولی را که ترک خدا و شرفا اقران که مذکور بالا شد و فرمان بادشاهی  
 بطور اتمتعه مدد معاش مال پور و غیره کرده حصول محل اولی هواله کردند که صرف رکافت  
 خود سازند ازین شدن نمیتواند اجرا نمودن فرمان شاهی برادران شما صوبه  
 رش اندر آن شریک نصفانصف نمایند بحق محنت و قرابت محبت بدانطور شد  
 تمیل بعد در زمان بادشاه عالمگیر شانی رفته حصول ملاقات کرده که  
 زمان سلطنت پرانده شده بود چند فرامین دهیات یکجا کرده فرمان آوردیم  
 و پیش نظر پیر بزرگوار دست بسته گذارینده هرگاه معانته نمودند فرمودند ای دلی  
 درین فرمان ضاد ضاد نوشته است بسیار عرض ساختند ضاد ضاد چه معنی دارد  
 ای پیر بزرگوار فرمودند حاکم وقت اخر فریق دیگر خواهد شد این معافی بار اضبط  
 خواهد کرد این کلمه گفته از دست خود کردند آن فرمان چاک چیرا که اهل جذب بودند  
 ستانه بباک فرمودند ای دلی مشو لول روزی بر آستانه تو بر سید بادشاه  
 دین پناه بطلب این فقیر نخواهد دید مرا هست وقت اخیر کرم منای و دعوت  
 کنی و هر چه بد بگیر ی را ندانم پذیری تا فرزندان تو اهل نیا نشوند و دست مبارک بندگان

بقبض و دخل و در مدافعی موجود وقت و ایرضبطی هم و اگر داشت شد و صرف  
 فرزندان آنحضرت است حالا صرف و ارد و صد و کمتر صرف و دیگر و دیگر میفرمود  
 بعد رفتن پادشاه بسوی دلی والد ماجد را قصد گشت بسبب پرگندگی کار مطلب  
 انصوبه وقت اجرا نمایند در آنوقت قاسم علیخان بود و انصوبه شهر پشته عظیم آباد  
 و در به صولت او بسیار بود و روزی بهر اجرا فرمان حاضر در بار صوبه شدند  
 در آنوقت نواب قاسم علیخان صوبه شهر پشته عظیم آباد بود و بسبب نواب  
 جعفر علیخان مالک هر سه صوبه پشته و اولیسه و صوبه بنگ بود و از  
 طرف شان نواب قاسم علیخان نائب که داماد شان بودند در بطور ابطه  
 از هر دو صاحبان بود بسیار با تامل و عرض عرض سگی و اخل در بار شدند  
 مغلیان و افغانان تیغ برهنه رو برو درباری بودند که کسی میشد بشو اتران  
 چنین بود در اینجا اتهام میفرمودند در آن زمان نواب قاسم علیخان از خبر  
 و انگریز روگردان بودند بعد در بارشاهی بحضور عالی که شاه عالم پادشاه  
 رفته معذرت کرده بحال بر صوبه پشته ماند و خطاب عالی جاہ یافتند بعد چند  
 از پادشاه روگردان شدند با منیرش کا مکار خان تسلط بر ملک یافته صد  
 مطابق آئیه الیوم لمن الملک و احد القمار بر داشتند میفرمودند نواب  
 قاسم علیخان اول والد ماجد را نشانختند چون السلام علیک کرده  
 نشنید نواب را بنشته عمده جلیل این جرات بشکلفه ناپسند پرسید نامشیت

ما حضری کردند آنهم کردند قبول و مرادیده پرسیدند این فرزند کیست گفتند  
 این فقیرزاده است فوراً از دست خود مرگرفته برزانو خود نشاندند و پرسیدند  
 نام شما چیست گفتیم غلام حسین ازین کلمه شدند مسرور لاریب جمله سیادت  
 اند غلام حسین یعنی فرزند حسین پرسیدند چه میخوانی گفتیم پند نامه سعدی  
 که سیاه فرمودند بیتی که یاد آمد بخوانی خواندم حسب حال تو اوضاع ز  
 گردن فرازان نیکوست که اگر تو اوضاع کند خوی اوست باستماع این  
 مرا از سینه خود کردند ضم و بهر مدد معاش فرمان بصیغه التماس شد تخریر  
 و سفره گسترانیده شد ما حضری چه بود وقت تناول از قسم طعام نانخون  
 و تره چولائی دال کساری نخود آینه و سرکه اچار بیل و اچار اول دست کرد  
 و ریل خوردند آفرینها کردند ای شاه صاحب طعام انواع از قسم خورده ام  
 لذیذ طعام سلیم هرگز ندیده بودم خورده ایم بیایا التماس رسانیدند طعام  
 چیست طرّف طعام این قسم سلاطین خواهند خورد گفتند مطلب من چنین است  
 چنین ذایقه دار لاریب ذایقه طعام از خانه بیکلافانه انتخاب هرگز نخورده  
 بعده طلب شدند تا تون گویان و چو دهریان منصب دار هر موافق فرمان  
 شد اگر چه باو شاه وقت در مدعا فی بطورایمه و تار درگاه انتخاب کرد  
 در پرگنه بجلو آری میداد بسیار عرض کردند برین زمین قناعت نماید این  
 خاکسار چنانچه زمین معاش اربودے غالی پیا ایش با نقد و سی و هشت بیگه است



میفرمودند والدین چند کرده شدند بجاله نشین از گردش ملکی بر نواب علیخان  
 آفتاب رسید چنان و چنین این بی باکی را سبب آن بود که هر دو خسرو دانا  
 چند روز بصیغه طالب علی بودند تلمیز جدا مجید من آخر کار برهم شد نواب علیخان  
 از یورش اقواج قاهره از هر جانب تسلط انگریزان نواب قاسم علیخان برگرد  
 خود پشیمان شده بدریه اشخاص خاص حضرت والد ماجد را طلبیده معذرت  
 بالاحراز می و سفیر نمود آنحضرت را بر صلح و مدد نواب شجاع الدوله  
 که خیمه گاه او بمقام یکسر ضلع شاه آباد بود آنحضرت بیک روز پیاده پاکه  
 بالا از سی کرده بود در اینجا میفتند بر در دیگر تشریف می آورد و چنین بود  
 طاقت رفتار درین مدت یک شب دیدند نواب حضرت والد ماجد خود سیاه  
 شاه محمد سین را و چنین ارشاد نمودند ای ولی تو او را مغضوب گفتی  
 حالا مغضوب شد من الله پس چرا بنامه پیامی او میکنی و دم بفقیر میرانی  
 آنحضرت متنبه شده شدند خانه نشین باز برگردند از ملاقات آخر شتی علم  
 و حکومت شد غریقی کدام را سپر کرد و بدیدی طریق میفرمودند بعد برهمی  
 تسلط نواب قاسم علیخان از هر شد آباد و خود نواب جعفر علیخان آمدند  
 کمال و بدیه و صولت در عظیم آباد و چو بار فرستاده جناب والد ماجد را  
 کردند ما و عند الملاقات کیفیت ملاقات نواب مذکور کردند بیان نواب  
 جعفر علیخان شنید منقص شد از ملاقات کسر شان و فرمان فوراً نمود حاکم

فرمودند ولی الله باز پرسید نام پدرت چیست فرمودند سوسر بسمن از جای برخاست  
 و شناخت و گفت ای برادر شاه ولی الله من ترا شناختم درین عرصه عروج  
 من نه یا در گرسه امروز چه شد که تشریف آوردی فرمودند قول خدا علی است  
 بیس الفقیر علی باب الامیر و نعم الامیر علی باب الفقیر تو مرا بین عروج گاه بی  
 نسر فراز ساختی از نعم تو بگذشتی و نیز این فقیر دارد عیال بسبب آن از لطفت  
 فقیر بگذشته بدربار تو حاضر شدم و فرمان شاهی پیش نظر او نمودند و دیده بگفت  
 نواب قاسم علیخان ای برادر این فرمان کدام پیش من آوردی ازین  
 در علاقه این صوبه ازین بهتر معاش میدهم می فرمودند در مزاج والد ماجد  
 من جدت بود بسیار تند مزاج جواب دادند بجهت ای قاسم علی ترا چه شد  
 استکبار پیدا کردی استکبار صورت او باریست که بادشاه وقت که سایه چهل  
 اولیا بر سر دارد او را گیدی گفتی شاید معتوب الهی شدی این فرمان  
 شه شایان آنست که از خطاب عالی جاہ یافتی دار و روت بر یافتی مرا چه  
 خواهی داد آنچه که دهی در زیر ران پرستاران خود دینی این کلمه بے باکانه  
 گفته از اینجا برخاسته نواب گفت بنشین بنشین فرمودند پیش من مرا کافی است  
 سوره یسین حکم بچویداران نمود بگریم بگریم در باران متحیر شدند بر جرات  
 کلام فقیر بعد لمح از اینجا چشم خلوت شدند پنهان که گیرد و اگر گیرد فوراً  
 از اندرون محل او خبر رسید که پسرش بمرد تو اب چشم نم شده کشید آه سرد

گیدی

سنت جماعت چنان و چنین پیسبب است برای بهبود بهترین فرمود نواب  
 معالی القاب در جواب که انصاحب در زمان طالب علمی بنحانه این عهده ایشان  
 و سیادت بهترین مرا بود جاگیر حالا مرا نیز بیل هست نقوش که برای این صاحبزاده  
 تجویز نمایم عهده خلیل یا منصب جاگیر میفرمودند از انتفات نواب مرچین  
 میشد معلوم که صوبه عظیم آباد و تفویض نماید چونکه بودم خود سال آخر چنین فوت  
 ناقدا و بعد دو سال والد ماجد من در اینجا فوتند انتقال نمودم مقصود بهر دنیا بهبود  
 حضرت معبود نواب صاحب را پیدا شد کمال خزن و ملال مرزا خان بیگ  
 که یک از مریدان آنحضرت بودند میخواستند در اینجا نمایند مرزا را لاگفتم مرا مراد  
 که نقش برم بوطن و فن نمایم در جوار جد بزرگوار آخر اصلاح بهر شش ماه  
 نقش را سپرد کردند مع خدمتگار و اهلکار نواب آمد و انا پور و سندوق ساخته  
 بهر آردون نقش پاک بسواری کشتی رفتم در اینجا رسیدم انفرین تفویض نقش  
 بر آورده با خنیا ط در سندوق کرده از اینجا آوردم در جوار جد مسجد دفن نمودم  
 از آنوقت باز قصد مرشد آباد نمودم میفرمودند در مرشد آباد وقت انتقال  
 از حضرت والد ماجد عرض کردم که بادشاه بهر کفان معاش میاد بسیار حضور  
 قناعت کردند بر اختصار فرمودند این تقدیر بر دو برادر کافی است عرض کردم  
 من که دو برادر خواهم ماند چه نخواهد شد انفرایش اولاد فرمودند اگر رضا الهی چنین است  
 انفرایش جمعندی آن نیز خواهد شد الحمد لله در زمان والد ماجد من محاصل پانصد

بعد تصحیح و باز و رخصت نمود با عطای خلعت بعد چند روز نواب جوهر علی خان  
 عازم مرشد آباد و شدند آمدند به ملاقات بغیر بخانه در دانا پور و در روز دعوت خورد  
 بسواری بکمره ار راه دریا عازم شدند سومی مرشد آباد و فرمودند جناب صاحب  
 بسبب تنهایی پریشانم بهر دستگی اگر میان را همراه فرمایند صورت ملاقات  
 بعده والد ماجد مرا همراه نواب کردند باز و رویه بنام امام ضامن علیه السلام  
 میفرمودند حضرت جد الامجد این فقیر حقیر در اثناء راه نواب مرا بسیار نواختند  
 و سفره وقت خوردن طعام و دستمالین شایسته از نواب بهادر آموخته ام یک  
 روز دست خاص و شاربندی نمودند آخر بعد یکماه والد ماجد من تاب مفاقت  
 نیارده خود رسیدند بمرشد آباد و مکانی خالی کرده شد قریب تر در اینجا همراه ولد  
 ماجد میمانم طعام هر اقسام از جانب نواب هر روز صبح و شام میرسید و هر روز  
 وقت در بار همراه والد ماجد خود میرفتم والد ماجد من بجای بهترین میسند و مرا نوا  
 از دست گرفته در کنار میگرفتند تا دیر برزنا و نوشتن میماندم و کلمه کلام میکردند  
 خبرهای پرسیدند بدین منوال حاضر میباشند و در بار عمر من در آن زمان و سال  
 میفرمودند روزی در جلسه دربار حسب عادت رفتم در آنوقت حضرت والد ماجد  
 نمودند موافق معنی و معمولی بودم در کنار نواب عالی تبار بعده برزنا نوشتن شد و نوا  
 کس از مقربین از نواب صاحب پرسیدند که ندیدم محلی القاب معلوم شیعه مذاق  
 و از سنیان چنین موافقت و اتفاق و التفات برین صاحبزاده فرزند شایسته

شاه و بسا و آنکه آنهم مرید و خلیفه آنحضرت بودند حاضر شده بیعت بطریقه  
 عالییه چشتیه خضریه کردم حصول و تربیت و تعلیم یافتیم بطریقه عالییه بواسطه  
 چند حاضر ماند به دستور و معمول بنمایند در کیفیت ذکر و اشغال مشغول و زویم سال  
 چون گذشت که حضرت نمودند بسال یکم از روی یکصد و شصت و پنج هجری سیزده هجری  
 انتقال مرا پیدا شد خزن ملال وقت انتقال حضرت عم من عرض ساختند  
 که مجاز فرمایند باین فرزند هست پس یکی از مشایخین بحواب فرمودند اجازت  
 بعد از بیعت ایشان همان روز دادام کافی است ان اجازت مرا زبانی است  
 به از تحریر خلافت و مثال چند کسان تا فهم بنمایند درین قلیل و قال ازین فقیر  
 حقیر چه که مرا تربیت بیعت از جد ماجد پیر و سنگی اسحق بعد چند سال که من  
 مبارک حضرت جد الامجد رسید به بست و سه سال ثانی شادی شد و عظیم آباد  
 از دختر حافظ محمد یعقوب ابن حافظ عبد اللطیف ابن حافظ محمد یوسف که نام  
 آنجناب بالانوشته ام بانساب علوی حافظ صاحب خوش باش از وطن ورنجوا  
 آمدند در عظیم آباد بنجانه شیخ قریشی نسب شادی کردند و دختران پیدا شدند که  
 جده من ثانی خواهر خورد جده من که از شیخ برکت الدین شیخ اهل السدی شهر  
 کتخا شد تدار بطن آن بی بی اولاد شد آلا شیخ صاحب از و شادی از یک  
 دو پسر ان از یک دختر که شد و پسر نامی می فرمودند بعد شادی من غم  
 می پرسید نصیر الدین احمد بجانب مغرب که مریدان شان بودند بسیار در مقام

بسبب چیزهای زائد پانصد و پسیه سالانه می آمد بزبان من هر دو برادران را بهر کار  
 هرگاه پدر و اعمام ما پیدا شدند و راه شال گشت یک هزار و پانصد شد مینویسد  
 این فقیر حقیر در زمانه مایان جمع بندی سالیانه شد و هزار شکر خدا بول بالا  
 حالا از نیمه است جمع بالا اگر فرزندانم راه فناخت برین گزینند بخوبی گذرد  
 اوقات مشایخانه و اگر خواهم که هر که امارت نشیند مال قارون نیز ننگد کفایت  
 درین زمانه میفرمودند عمره سی و ده ساله بود که وفات یافتند پدر بزرگوار بمب  
 چهل و شش سال یک هزار و یکصد و ششتاد و هجری بعد و دو سال در تحصیل علم ضرور  
 چون فرصت یافتم عمر بزرگوار مرا نبود و کسی فرزند بصلاح والده حاجده قصد  
 شادی نمودند و نیز بجهه من سادی همیشگر دیدم میرزا علی ابن میر حسن رضا  
 ولد میر محمد رضا یک دختر شد خواهرم را نام شد حمیده دختر سعیده و در زمان  
 طفلی آن دختر بمرد و نیز مادرشان وفات یافتند و شادی من در موضع کورگوار  
 از دختر میر یوسف علی عزت میر سوین ابن میر یوسف علی گردید نام زد و جد بود  
 بی بی عصمت النساء و بطن آن بی بی یک فرزند نیر شد موسوم غلام حسین بمبریک  
 ساله بود مع مادر خود در خانه کوچک هر دو وفات یافتند باز قصد تاملی نساختم عمر من  
 شانزده ساله بود جب دنیا از دل من حق بر بود قصد بیت و تربیت نمودم چنانچه  
 اتفاق بیت از والد حاجده شده بود شرفیاضی حضرت قطب العالم شاه  
 محمد نجم قدس سره باستماع در آمد همراه عم المصمم حضرت شاه قطب الدین عز

نیک پسر شد و احد علی نام و دیگر پسر اصغر مجرب نام و بعد از آن قصه شد آخر کار  
 تمام و دختر مسماة سکران از میر عباس علی ابن میر دوست علی که خدا شد و بی  
 شد و هرگاه در اینجا سکونت کردند برادرش شیخ کرم علی در اینجا جدا نشد و تقویض نمود  
 با و نشان کار و بیات را انتظام بخوبی کردند و انجام و حرم نشان نیز کارخانه دار  
 من میدید سپرد و با و خانه داری اهتمام دیده باشتی هرگاه ذکر آمد حضرت  
 صوفی محمد و ایچم قدس سره ضمیمه حوال شان نیز مینویسند یعنی حضرت صوفی محمد  
 ابن شیخ اعظم ابن شیخ محمد عالم انصاری نسب اول مرید و مستر شد و بنده صوفی  
 امانت الله رحمه الله علیه طریقه شان قادریه و سهررده مجددیه بود و بعد از آن  
 با جازت شان آمدند بشهر طینه بر استفاده باطنیه طریقه ابو العلاء بحضرت  
 قطب العالم شاه محمد نجم قدس سره چند سال تربیت یافته حاضر خدمت و صحبت  
 ماندند آخر خلافت این طریقه یافته حسب اجازت جانب دطن تشریف بردند و حضرت  
 د و پسر و یک دختر و وجه صوفی شاه روشن علی که مرید و مستر شد و خلیفه و داماد  
 بودند و نام پسر کلان صوفی احمد الله سره پسر ایشان صوفی وجه الله که بعد انتقال  
 صوفی شاه روشن علی زین سجاده شان بودند حال اولاد ایشان دریافت نشد  
 ما بایم حج شریک بودند و انرا مان کسی اولاد نشده بود و پسر او سبط نام صوفی  
 قائم الله بود و پسر سوم صوفی شاه نور الله بود و چند سال درین دیار ماندند و  
 ایام جوانی بهمین خاکسار بودند بسیار به نسبت ازین بود نسبت رابط الله

کانپور گردن انتقال برادر م سید شاه شمس الدین حسین را پذیرفتند بجای  
 پسر والده من شادی آن برادر نیز در بر دے کر دید بعد گردن انتقال استماع  
 از زبانی جده ماجده که نام جدادری من بود شیخ محمد ابن شیخ احمد ابن شیخ  
 عبدالصمد ابن شیخ امجد اقامت داشتند در شهر پٹنہ بطور کاشتکار زمام جد  
 نادری من بود مسماہ سلطان بی بی بنت شیخ امان العلی ابن شیخ سلطان علی  
 ابن شیخ رمضان علی درین شهر بودند از تجار و سرد و مصاہرت واقع شد نام  
 مادر من بود آمن بی بی نام هر دو امون من بود شیخ عاشور علی و شیخ مہر علی  
 این نوجوان فوت شدند لاکلانے مامون مرادیدہ باشی شیخ عاشور علی کبر سن  
 شدہ بودند و اینجاکردن انتقال بعارضہ اسہال زمام خلاصے من بود فاطمہ  
 بی بی اند شیخ محمد منیر انصاری بودند کتھا شیخ محمد منیر ابن شیخ محمد ہاشم  
 و صوفی محمد دائم ابن شیخ محمد اعظم ہر دو برادر غلام بودند ساکنین شہر دہاکہ  
 پسر محمد منیر شیخ کرم علی برادر خالائی من بہ ملاقات مایان بسواری کشتی  
 از انجام اہل و عیال در نیجائی آمدند جائے کشتی رسید در تباہی زوجہ و  
 پسر ایشان شدند در دریا غریق حجت از انجا تنہا در اینجا رسید بر است  
 معویت و آفت بعد ملاقات درینجا ماندند خواستم کہ در شرف شادی شان  
 نہایم قبول نکردند آخر کثیر سنو لیلہ نکاح کردہ در خدمت شان وادم از و  
 پسر و یک دختر شد یک نام بود عید و در منیر از دختر شیخ عابد علی کہ خدا شد



عمر کردند انتقال بر حال خاکسار شفقت و عنایت هر دو بود از دیگر فرزندان  
وقت انتقال از خلافت و جانشینی کردند سر فراز در وقت رحلت پدر بزرگوار  
خود ده ساله بودم منویلی بهر نوابت گماسترتب فرار جانب شمال احاطه مقبره  
مزار است حضرت میر سید جهانگیر قدس سره و زوجہ شان بعد ہم پہلوی جانب  
مغرب مزار است پسر شان حضرت میر سید محمد قدس سره و جانب جنوب پائین  
شان پختہ مزار حضرت سید شاہ میر سید محمد حسین قدس سره نواسہ شان  
و در پہلوئے زوجہ شان بی بی دولت جهان اہل مزار اند این ہر نہ عوام  
نیاز و فائزہ نمایند خصوصاً وقت انجام شادی و در پہلوی حضرت میر سید محمد  
مزار است والدہ جد من حضرت سید شاہ ولی اللہ و در پنجب جانب مغرب  
قبر والدہ جد الامجد من است و جانب مغرب پہلوی شان مزار است والدین  
حضرت سید شاہ سلطان احمد و در پہلوئے آن قبر است والدہ این خاکسار  
بعده مزار است حضرت جد الامجد پیر دستگیر بعدہ جدہ ماجدہ من بعدہ خالای من  
زوجہ عم الاوسط بعدہ قبر عم الاوسط زان بعدہ قبر عم الخرم سید شاہ مراد علی  
در پہلوئے شان زوجہ انتخاب اند بعدہ یمن بسیار و خواہران من و دیگر  
غریزان این بہر نوابت خان تحریر نمود دیگر غرض از نمایش تحریر نمود  
ثمرہ اول شجر اولی اصل اول خاتمہ در احوال عم کلائے سید شاہ

در ایام قزلباش بعد مراجعت از سفر چون رسیدیم ندیم بسوی وطن رفتند  
 و خلعت و دم صوفی محمد ویم صوفی شاه نقیه المد بودند بعد انتقال برادر  
 کلاسه سجاده نشین شدند و بهر ادای حج نیز رفته بودند از حضرت جد امجد مکاتبه  
 اکثر بود پس ایشان صوفی ولی الله واضح بادخواهر جده این خاکسار بی بی  
 است الرسول زوجه شیخ برکت الله این شیخ اهل الله تا زمان حیات شوهر خود  
 عظیم آباد مقیم ماند و دام بعد از آن بوقت اخیر محبت عزیزان و اناپورا توفیق  
 شد و پانزده قبر ایشان و والد جده من و برادر ایشان شیخ عاشور علی در آنجا  
 الا والد شان سلطان بی بی که مرید حضرت شاه محبت الله قادری بودند  
 در قصبه چلواری مدفون اند و اسکان شیخ برکت الله شاه محمد قاسم پدر  
 شیخ محمد عاصم دیگر شاه محمد و احمد یک دفتر ایشان از برادر زاده شاه  
 محمد عاصم که خداوند اینها سجاده نشین مولانا گزید بودند الهامش و دود پسر  
 شیخ برکت الله شیخ سلامت الله زوجه شان خلاصی مولوی اکرم الحق و  
 مولوی و عظمی الحق بودند و اولاد ندارند و پسر دوم را نام شیخ امان الله بود  
 زوجه شان نیز بودند و اولاد ندارند هر دو ازین جهان از آنجا که سلسله قریش  
 بود برین تصریح نگاشت باید دانست حضرت جد امجد من فرزندان فرزندان  
 دیده کردند و بنام ایشان شش سالگی انتقال بسال نجاه و چهار هجری بستم یکم  
 شهر محرم الحرام روز چهارشنبه بود و جده من بعد سیزده سال بهان

علی بیاضعت داشتند سه پسر ایشان و یک دختر و نشتی محمد حسین را سه دختر و یک  
 پسر نشتی سید ولایت حسین بطور ایشان سر رشته دارگورث اپیل بودند  
 و جلسه شتر جانکس صاحب بها در ونیز اوستا بودند مقرب و ممتاز از رفقا بودند  
 بعد انتقال والد خود حاکم وقت این عمده به پسرشان بجال داشت تا حیات  
 با وج جلیله ماندند پسر کلانی نشتی محمد شاه سید دلاور علی و ثانی سید اعظم علی  
 هر دو داماد هم خود بی گریما النساء و سه کلانی و بی بی ولی النساء و سه برادر  
 ثانی هر دو ذی اولاد و پسر سوم سید کاظم علی نوجوان رحلت کردند و شادی  
 میر ولایت حسین از دختر عم نیز کردند از مسماة عمده یکم دختر نشتی محمد شاه شش  
 دختران میر ولایت حسین مرحوم که خدا درین دیار از شر فاکم جوار و دو دختر در  
 اکبر آباد از هر دو برادر عیانی که خدا از قاضی باقر علی مسماة و سه و از حکیم  
 دارش علی مسماة صدر اکلان مسماة فیما در موضع کرانی پر سرای و مسماة فضل  
 از میر فرحت حسین و مسماة مجیبا از میر نظر حسین هر دو برادر عیانی ساکن قصبه  
 چهره و یک دختر انا هم معلوم نیست در ضلع علیکده گول در خانه شرفا که خدا  
 یک پسر نام سید احمد حسین شادی اول از دختر سید میر نیخان در اکبر آباد  
 شد ثانی بعد وفات زوجه اولی از دختر اخیان عمه زاده محمد حیا و شاد  
 از هر دو اولاد داشتند و پسران قاضی باقر علی از اولاد علی و حاجی باسط علی  
 و پسر حکیم و ارت علی نظام علی خان صدر وکیل با منصب بنو زانها موجودند

واضح باد فرزند کلانی حضرت جد امجد سید شاه مولوی وحید الدین احمد بودند ولادت  
 ایشان بسال یک هزار و یکصد و نود و هفت هجری در شهر رمضان المبارک بود  
 بر فوریکشینه تحصیل علم ظاهر و معیت بطریق عالییه قادریه از مولانا شاه ظهیر الحق  
 قادری انجود و بعد از ده سالگی در علم قریب فرغ بودند و تربیت و تعلیم باطنیه  
 بطریق عالییه ابوالعلائیہ از جابجا حضرت سید شاه خواجہ ابوالبرکات قدس سره  
 بودند و بوقت خلافت رسید و صحبت مشایخان عصر بود اکثر و چند سال در ایام جوانی معهود  
 بعرفه جلیله حاکم وقت بودند سرشته دارد و شهر آباء و مدت ده سال آخر ترک  
 روزگار نمودند و بعد از سجدہ سالگی شادی شد از بی مسامه الامین النساء اختر  
 نقشبندی سید محمد حسین ابن نقشبندی سید محمد علی الدتعالی بخش اولاد چهار پسر  
 و چهار دختر سه پسر بطبقت مر وفند و دختران از خواهر زاده و پسران از دکان کدفا  
 شدند و ذی اولاد و پسر چهارم سید عثمانیت الدتعالی که از زوجہ عم کلاسنی  
 در یافت شد اصل نسب بالا در اینجا بنویسید چرا که تحریر بر صحت نسب مصداق است  
 میر سید عالم علی زیدی نسب ساکنین یارہ بودند پسر شان سید احمد علی پسر ایشان  
 سید احمد علی از دطن مقامت کرده بهر حصول مدد و معاش روانه دیار شریعت  
 شدند خلاصہ شہر بنکالہ بمقام سولکپہ در آنجا سکونت کردند و اختیار پدبای شد  
 جلیله صورت روزگار پسر ایشان نقشبندی سید محمد علی جلیل القدر حکام بودند  
 ارستاد حاکمان وقت و دو پسر ایشان کلانی نقشبندی سید محمد شاه یا وجود ظاهر

شدند و می اولاد یک پسر و یک دختر و سید عنایت الدار خواهر خورد این فقیر  
که خدا شدند یک دختر شد بصغر سنی بمرد بعد اولاد نشد الا از حرم چند پسر و  
دختر اند و کیفیت اولاد برادر خود آینه تبصره شرح خواهد گشت  
شماره دوم در بیان اولاد دختر حضرت سید شاه غلام حسین یعنی

ذکر فرزندان بی بی حفیظا النساء زوجة شاه تراب الحق

باید دانست نام عمه حضرت سماء حفظا النساء که از برادر کلان خور و بودند  
و از سه برادر کلان زوجه شاه تراب الحق ابن شاه طیب الدین ابن مولوی الدین  
حضرت شاه طیب الدین و اسه شاه سیف الدین مژدی بودند و ذکر نسب بالا  
تحریر شد حصول این بی بی در زمانه خود راجع بودند و عبادت الهی پرستیدند  
و سخنی و مطیع والدین تا عمر خود در دنیا پدید بر بزرگوار ماندند خانه نوساخته  
بسبب کثرت اهل و عیال الدین علی پنج پسر و چهار دختر بخشید به حمل ساگی  
رو برو والدین کردند انتقال چهار پسر و دو دختر گذاشته فرزندان سید  
شاه محمد قاسم تربیت علم ظاهر اطفال الاعظم یافتند و می استعداد نشی  
بنیظیر بودند و اکثر نوکری جلیله پیش حاکم وقت بودند بیعت ایشان را از حضرت  
سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره بطریقه عالی نقشبندی و تربیت طایفه  
از حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره و اجازت خلافت ارشاد  
و بیعت از هر دو و اجازت ابتداء و تائیدها تربیت و تعلم فیوض باطنی بیاید این

دو دختر میر فخرت حسین مسماة سراج النساء و دو پسر میر مظفر حسین امیر حسین  
 و نظیر حسین و پسر نشی و لا و علی میر لطف علی و یک خواهر شان که از میر اوصالت<sup>علی</sup>  
 که خدا و میر اعظم علی را دو پسر سید لطف علی و مولوی سید احمد علی آئیده منقولم  
 حالا ذکر اولاد هم الا اعظم بنمایم که که خدائی شد واضح باد دختر کلانی مسماة  
 بخشا النساء زوجه اولی اخی الا اعظم شاه محمد قاسم دو فرزند از رطب بن این  
 زوجه شد بهر دو درخت کردند بصغر سنی بعد از آن مادر شان فوت شدند  
 و دختر ثانی عم کلانی مسماة عبد النساء زوجه سید شاه فدا حسین ابن سید شاه  
 فرید الدین ایشانرا از رطب بن این بی بی یک دختر شد جمیل نام بعمر بست سالگی  
 شد عمر تمام و نام پسر امیر حسن آنهم بعد وفات مادر بمرد اولاد نماند و دختر سوم  
 عم کلانی را نام بی بی ام البتول عرف بتول از برادر سید هدایت حسین شدند  
 که خدا یک دختر شد نام نظیر النساء که خدا شده از سید ارشد حسین ابن  
 امیر بن امام ابن سید شاه و ارشد علی بهاری ذی اولاد شده بے اولاد  
 ازین عالم و نام پسر آن برادر سید نصیر الدین احمد و شادی ایشان شد  
 و دختر نیز شد بهر دو فوت شدند از پسر دوم سید علیم الدین از دختر میر محمد حسین  
 ابن میر علی سجاد پهلواروی که خداست یک پسر سید رحیم الدین و چند خواهر  
 ایشان و دختر چهارم عم کلانی نام تلج بی بی دامت الرسول عرف رسولاً  
 از برادر کلانی عیانی این خاکسار که خدا یعنی از سید شاه علی حسین که خدا

اهلکمالان بودند نسبت عالیه ماده جذب در آخر عمر در جذب الهی بودند عجب  
 کلمه بحق افسوس زندگی و فاکر دسی و چهار سالگی رحلت کردند بسیار مریدان  
 و مسترشدان ایشان می شدند بسیار کینزار و دود و صد پنجاه و سه سحری وفات  
 یافتند شمره سوم پسر ثانی عمه این فقیر سید شاه محمد و اجدان شاه هرات بحق  
 رحمه الله علیه که مردم از وی فنون و پرهنر بودند و استعداد و فارسی بود بسیار  
 و تربیت و تعلیم معنوی بطریقه ابوالعلاء ایشان را نیز از حضرت قطب العصر  
 سید شاه قمر الدین حسین قدس سره بود و فکر و مسمی خیر طبیعت بود و صاحب  
 وارده در و حال صاحب اثر و تاثیر که بر حاضرین اثر می نمود و در شعر و سخن و کلام  
 خوش مذاق بودند و همیشه تجارت کردند با انهمه عفت از کار خود نبود و وقت اخیر  
 بیعت از حضرت شاه مظفر حسین ابن و خلیفه حضرت حکیم شاه فرحت الدین  
 قدس سره سزاوارتم کردند و اجازت پیرو مریدی از خال کلانی یافتند و میر  
 و مسترشد ایشان نیز بودند و بهر شصت سالگی چهل ملک بقا شدند بسیار کینزار  
 و دود و صد و هشتاد و چهار ولادت ایشان بسیار کینزار و دود و صد و هشتاد و چهار سحری  
 بهاد و می قعه ازین حقیر محبت بسیار داشتند و در چند فن تلمیذی ایشان دارد  
 این حقیر شادی ایشان بعلاقه بهار در اقران شد بموضع نور پور از راسماه  
 تحفه النساء دختر شیخ بهاد علی و دختر و یک پسر از بطن این زوجه شدند  
 ذی اولاد اندام پسر ششی سید محمد و زری که در فارسی حسیت دارد و زیاده نظیر

می نمودند هرگاه ترک نوکری کردند و وطن آمده زبیر بنحو ده شدند باز شد  
 مرشد پیری و مریدی فیضیاب از ذات با برکات ایشان شدند بسیار شصت  
 و پنج سالگی کردند انتقال بهال یک هزار و دصد هشتاد و یک هجری برد  
 پنجاه هزار واقع است در حضرت منیر باستانه حضرت مخدوم یحیی میر  
 قدس سره شادی اولی که از دختر کلان خال کلانی شده اولاد شده مادر پسر  
 هر دو کردند انتقال اولاد ناماد شادی ثانی از مسماة امیر الفسا دختر میر جعفر  
 شد در بهار محله باره دری از ایشان نیز شدند و پسر و یک دختر به نغری  
 وفات نمود الا پسر آن جوان شده رحلت کردند اولاد صلبی نامند بجز فرزندان  
 برادران و فرزندان معنوی اگر چه او استاد این فقیر بودند الا در صحبت نیز  
 مرا حصول شد با وجود این تعظیم این خاکسار میفرمودند بهر آنکه زوجه ایشان  
 مرید این فقیر حقیر اندسجان العجیب مراتبات با برکات بودند  
 شمره دوم یک خواهر ایشان از همه برادر بزرگ و ایشان خور و مسماة اولاد  
 عرف الامون از سید مرتضی ابن میر زمان علی ابن میر شرف علی ساکن  
 رهوی که خدا شد یک پسر و سه دختران ایشان شدند الا همه بضاعتی بودند  
 بیعت ایشان از زوج عمه خود از شاه قمر الدین حسین بطریقہ عالیہ  
 چشتیہ مودودیہ بوالا تربیت و تعلیم معنوی بطریقہ عالیہ ابو العلامیہ از  
 جناب حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره یافتند بطریقہ یکبار



قدس سره بفصله ذی اولاد و دختران و پسران دارند دختران در اقران که خدا  
 اند بعضی ذی اولاد اند الا پسران صغیر اند محمد خلیل و محمد طویل الله تعالی غوث شود  
 دارد و دختر دوم شاه محمد و اجد علیہ الرحمہ از بہرکت زاده ایشان سید فضیلت  
 ابن سید شاہ آصف دق حسین کہ خدا شد یک پسر گذارشته بنام محمد ظہور نوجوان رحلت  
 کردند فرزند قیم است الله تعالی عمر طبعی گذرد ذی علم مانند باقی از محل ثانیہ دو  
 دختران اند یک کہ خدا از شاہ و اجد حسین شہسرای ذی اولاد نام پسر ایشان  
 محمد رضا و ثانی دختر جاس کہ خدا و نام شاہ محمد و اجد محمد امین بہت از والد خود  
 نموده است ذی اولاد است بنام محمد معین و حسین و متین خیر باد شمرہ  
 چہارم پسر سوم حضرت شاہ تراب الحق مرحوم شاہ محمد یوسف مرحوم  
 از طفولیت تا جوانی تحصیل علوم کردہ کمال صلاحیت طبع بود نگویا عارف بالہد  
 کار دنیا کسے نکردند خوشنویس بودند بہر ہفتہ ساگی قضا کردند ازین فقیر کمال محبت  
 والنس پیدا شدند ہمدرد و شیر

### شمرہ پنجم در بیان کیفیت حضرت شاہ محمد سجاد حاجی الحین

ام و آبار انور العین تراضح باد شاہ محمد سجاد ذی ارشاد ابن عمہ خاکسار مولنس  
 و ہمدرد و ہم عمر این فقیر حقیر اند از خورد سال و تحصیل علم ہم بہت چندی اوقات  
 سر در نوکری حاکم وقت نمودند بہرہ اخی کلانے بہت ایشان را نیز از حضرت  
 قطب الشایخین سید شاہ خواجہ ابوالبرکات قدس سرہ و تربیت و تعلیم

و شاعر است متخلص عطا تربیت باطنه یافت از عم خود حضرت سید شاه  
 مبارک حسین قدس سره ابن حضرت قطب العصر حضرت سید شاه قمر الدین  
 قدس سره و بیعت ایشان از المصغر حضرت عم کلان شاه محمد قاسم قدس سره  
 اوقات بر درگاه حاکم وقت چندی بسر کردند حالاً در تجارت مشغول اند که خدا  
 ایشان از خواهرزادی ام یعنی از دختر سید شاه امیر السعید ابن میر فقیر الله  
 از سماء است المصغری اولاد پسران شدند حالاً سه پسر اند موجود کلان پسر  
 مولوی محمد کبیر که در عربیت و فارسی و کسب نوکری حکام زمانه در انگیزی  
 نیز فوقیت دارد و هر کار در برادران فوق است بیعت ایشان نیز از حضرت  
 جد کلانی مدوح و تربیت معنوی از جد المصغر سید شاه محمد ساجد حاجی المصغر  
 احمد سعد در کسب بطون نیز وارد کمال در شاعری بهیدیل که خدائی از دختر  
 خالاتی سماء و همین المصغری است محمد و م بخشش ابن میر شجاعت علی مرحوم  
 زوی اولاد است یک پسر و دو دختر موجود اند پسرانی شاه محمد وزیر محمد طهیر  
 حصول بیعت ایشان را نیز از جد المصغر است که خدائی نیز شد پسرانی نیز است  
 موسوم محمد یحیی و پسر سوم را نام محمد صفیر است در تحصیل علم مشغول است  
 دختر کلانی محمد و جد سماء و بخت النساء که خدا از سید ابوالبرکات معروف  
 بشاه برکت ساکن موضع مدن پور بیعت ایشان را از حضرت سید شاه علیم الدین  
 بلخی الا تربیت معنوی ایشان را نیز از حضرت سید شاه مبارک حسین



معنوی از حضرت قطب العصر بشیخه قمر الدین حسین خال الاعظم قدس سره و مجاز بیعت  
 از حضرت اخوی کلانی و بعد ترک روزگار پنج بار جهت زیارات بسوی حجاز تشریف  
 بردند حج نمودند و زیارات حرمین تشریفین ذات بابرکات اند و در فن شاعری  
 دارند کمال در اردو فارسی ساجد تخلص است فیضیابا از ایشان اند بسیار  
 و مردان کثیر از دقت ترک نوکری چنانچه نیرنگان مرشد زاده ایشان بیت کرد  
 و تربیت یافتند خوش اوقات اهل فیض طایفه صاحب وجد و حال پیرایه کمال اند  
 شادی ایشان گردید از مسماة بصیر النساء مدعو بر اتن دختر میر محمد عاصم  
 بیا و جمعه زاد ایشان بودند بفضل اولاد شد کثیر خیز شدند رحیل بملک بقا و خیر  
 پسر الامام موجود اند چهار دختر همه با کتخدا جا بجا کی از نیکو صفت حسین که بیوه است  
 اولاد ندارد و دیگر از سید عبدالحکیم ذوی اولاد نام پسران محمد عظیم و محمد علی عم سومی  
 که خدا از حکیم امیر اکثر ذوی اولاد چارمی از محمد غزال ذوی اولاد است بعضی را  
 بیعت و ارشاد است بعضی را فقط ارشاد الا پسر عالیقدر را نام سید محمد شاه که  
 مولودین تمام اکبر اباد شد ذوی لیاقت اند و صحبت ظاهری بفارسی خوب  
 شعر اند به نظیر بیعت ایشان را از حضرت عم کلانی و تیر تربیت و اجازت  
 شایسته ایشان از مسماة نعیمه دختر سید ولایت حسین گردیده است ذوی ولد  
 و دختر اند موجود بسیار طبع ذکا و فهم رساند و شغل کتاب بینی بسیار  
 و مجاز اند از هر عام به نسبت تربیت و احادیث و محبت این فقیر حقیر نیز بوده اند حاضر

یک دختر که خدا سده رحلت نمود نام حرمت بود لاریب صاحب عفت بود  
 و دو دختر مشهوران خود اند موجود و پسر کلان نیز اند موجود و سومی رجب علی مل  
 مقصود الله تعالی اینهمه را بخشد صورت بهبود و توفیق عبادت بخود سید شاه  
 هدایت حسین و دلدانی حضرت سید شاه فریدالدین احمد علم ظاهری موافق ضرورت  
 داشتند و همیشه بصیغه مختاری حاضری و بار داشتند و آنرا کسر طبیعت نمی جو  
 که بهتر خود هیچ نداشتند اتفاق بیعت ایسان نشد الا تبریت یافته بطریق معنوی  
 از خال الاعظم حضرت سید شاه قمرالدین حسین قدس سره بطریق عالیه  
 ابوالعلاویه بود که خدائی ایشان نیز از دختر سوم عم کلان گردید از سادات امت قبول  
 و پسر و یکم دختر متولد شدند دختران همه کلانی ذی اولاد شده مع اولاد وفات  
 یافت الا پسران موجود که خدا اند جا بجا کلانی سید نصیرالدین احمد ثانی سید  
 علیم الدین احمد از دختر میر محمد حسین ابن میر علی سجاد و ازری که خدا چند  
 دختران الا یک پسر سمنی ابوسعید رحیم الدین متولد و در بد جناب نخی اعظم  
 سید شاه علی حسین است سید نصیر الدین را که خدائی و قصیده نیز شد یک دختر شده  
 بمردوز و وجه نیز شادی ثانی نیز نمود و آنهم فوت شد و متگوفه این فقیر است و ثانی  
 مرید عم کلان خود دختر بزرگم برگزیده دارین میر سید حسین پسر سوم حضرت  
 عم الاوسط میر سید فریدالدین احمد ضروری علم ظاهری دارند محتاج تحریر را کسی  
 نیستند که رو بدو آرند بیعت ایشان را از جناب حضرت سید شاه خواجه ابوالبکر

اردو دختر کلانے غم خود کردند از سماء فصیح النساء بنت حضرت سید شاه  
 شمس الدین حسین قدس سره ذی اولاد شدند بعد رحلت والد ماجد پنج سال  
 رحلت کردند بعد پنج ماه و شش سال سر سال یک هزار و دویست و پنجاه و نه شهر محرم الحرام  
 پانزدهم تایینج بود از اولاد سه پسر ماند و دو دختران قضا کردند یکے محمد و سه  
 نام نام پسر کلانے سید شاه فدا حسین بیت ایشان را از جد بزرگوار خود  
 بطریقہ عالیہ چشتیہ و تبریت باطنہ از انجی الا غلم شاه محمد قاسم علیہ الرحمۃ بعد  
 والد خود جانشین شدند بتولیت نہایت پر سلیقہ بودند و خلیق و مسافر پرور  
 نام آوری کردند خاندان ہمہ روز ساز شهر و رگر از اخلاق بودند شهره آفاق  
 با وجودیکہ آن تحصیل علم ظاهر بودند معر سال ولادت آنجناب در اوائل شهر  
 ربیع الاول در سن یک هزار و دویست و ستی ہجری بمشرفت مسہ سال  
 کردند انتقال بسال یک هزار و دویست و ہشتاد و پنج ہجری مرقد ایشان در  
 قصبہ نسیر ہم پہلوی انجی کلانے وفات شهر رمضان شریف تایینج  
 پانزدہم حصہ ترکہ خود بو ارثان صلیبی بہم شرعی اوند و دوبرادرزادہ خود را نیز  
 تعلیم و تربیت نموده از ارثان گردانیدہ بہر کہ حصہ دادند سوائے آنکہ برادر  
 خود بودند موجودند و ندبے ہمہ دارثان ترکہ را خوردنوش نمودند با وجودیکہ  
 موجودند شادی آنجناب از دختر ثانی عم کلانے شدہ بود یک پسر و دختر  
 متولد شد با یام صغری سنی فوت شدند مذکور العبد الا ار حرم سہ پسر و سہ دختر

همیشه بود مشغول جلیله روزگار حکام بودند بسیار راضی و خوشنود و گاهی خانه نشین  
 شده کردند مشغول کتاب گاهانی کردند تجارت الغرض بشندگان ای کس آوران و دستان  
 محتاج و عالی همت و ذی مروت صاحب جود کرم و سخاوت همیشه مانند نذوبجا  
 و ششم شادی حضرت سید نیز از دختر عم از مسماة قادریه بیگم مدعو افت النساء  
 بنت حضرت شمس السالکین سید شاه شمس الدین حسین قدس السره لغیر  
 اولاد شد پنج دو دختر و سه پسر پسر او سید علی جن سه ساله وفات یافت  
 رو برو مادر و پسر و جد و جد و دختر و دو پسر مانند بعد رحلت والدین سال  
 یک هزار و دو صد و چهل و دو هجری بمهری شش سالگی سموم شده کردند انتقال ششم  
 شهر ذیحجه روز دوشنبه رو برو والدین خود همه با عزیزان و بزرگان محزون  
 و غمگین شدند بر ملا و دختر کلان آنحضرت مسماة ولایت الشاکد خدا شدند از  
 سید امیر اسد بن میر فقیر السره بودند صاحب عفت و جیا بیعت ایشان را بطریق  
 عالی تقبشنید از خضر خود حضرت سید شاه غلام حسن شهدی بود و بریت با  
 نیز از برادر خود حضرت سید شاه مبارک حسین قدس سره ذی مراقبه و  
 مشغول بکار الهی با وجود اعمه الله تعالی اولاد پنج سید سه دختر و سه پسر یک پسر  
 در صغر سنی بمرد الا کلان که خدا شده نوجوان ذی اولاد شدند نام بود و وجهه الله  
 مدعو بنی حسن ثانی پسر سید لطف السره عرف ابو الحسن نوجوان هر دو وفات یافتند  
 اولاد دختران ذی اولاد شدند کلانی دختر مسماة زهره از سید محمد و محمد بنش این سید

قدس سره و تربیت معنوی از حضرت پیر مرشد سید شاه قمر الدین حسین

قدس سره بطریقه عالیہ ابوالعلائیہ و مجاز نیز از انجی کلانی اندشادی اولی ایشان  
از نسماة محمد و مه دختر شاه امیر علی مرحوم گردیده بود و معرفت بودند این فقیر  
چون زوجه کردند انتقال و اولاد نیز نشد شادی ثانی از دختر میرا کش رئیس شهر

هنوز اند زوجه موجود آلا از اولاد نیز اند بمقصود

شماره چهارم شجره فرج سوم اصل اولی در بیان حالات و اولاد سید  
الساکنین حضرت میر سید سلطان احمد پیر سوم حضرت سید گوا

سید شاه غلام حسین قدس سره

واضح باد ولادت با سعادت آنحضرت بسال یک هزار و دصد و شش هجری  
بماه شعبان العظمی روز چهارشنبه تیاریخ دوازدهم این حضرت در فرزندان والد  
اجل و اکمل و ذی اقبال بوده اند و خوب صورت جوان بسیرت لائق تحسین سر عیان  
تربیت و تعلیم در کتاب عربی و فارسی آنچه که بود از والد ماجد خود بود الا از تحصیل  
ظاهر حبیب افزون نمودن چون پهلوان صاحب قوت و زور بیعت آنحضرت  
بود بطریقه عالیہ فاویر از حضرت تاج العارفین مخدوم شاه حسن علی  
که یکی از خلفا اکملین حضرت قطب العالم مخدوم شاه محمد منعم قدس سره بود  
و تربیت معنوی بطریقه ابوالعلائیہ منعم و خلافت از آنحضرت بود در نوجوانی صاحب  
ارشاد شدند مریدان بسیار و حسب خواهش که بسعی باز و خود اوقات



بسال یک هزار و دصد و بیست شش هجری دهم شهر ذی قعدة روز یکشنبه فوت  
 خلعت والد ماجد جوان شانزده ساله بودند تحصیل علم ظاهر کتاب درسی فارسی از  
 هر یک اعمام خود نمودند و زمره فارسی درست است بعبارت مربوطه نوکری  
 چند بار نزد حکام زمانه کرده اند که خدائی ایشان از دختر خود عم کلانے گردید از سماء  
 امت الرسول عرت رسول از لطن این بی بی بعد چند سال شادی او لاد  
 دو دختر و یک پسر در ازل تربیت و تعلیم طریقه ابو العلاء از حضرت خال اعظم  
 جناب حضرت سید شاه قمر الدین حسین یافتند تا حیات آنحضرت ذکر اشغال  
 تعلیم میرد اخوند چون از اینجا کشود و فایده مترتب نگشت بعد انتقال آنحضرت  
 به بیت بطریقه نقشبندیه ابو العلاء به شهر آله باورفته از جناب حضرت قطب العارفین  
 مظهر کرامات حضرت سید شاه خواجه ابو البرکات قدس سره ساختند بعد  
 در صحبت بابرکت حاضر شده جناب حضرت شیخ المحققین حکیم شاه مظهر حسین  
 قدس سره جانشین و خلع الرشید حضرت و اصل بالله حضرت شاه  
 فرحت الله قدس سره مخاطب به حسن و دست فیض طریقه مذکور گرفتند  
 بعد طی ذکر اشغال و تعلیم اسرار باطنه مادی و بخلافت شدند و نیز خلافت  
 از جناب حضرت عمده العارفین سید شاه خواجه ابو الحسین قدس سره  
 ابن و خلع الرشید حضرت قطب العارفین مادی و بخلافت اخذ بهیت بطریقه  
 گردیدند بفضلهم از هر دو جائزات یافته سجاده ارشاد و ترشد به رشته پیری بمراد

شجاعت علی ساکن سامن که خدا یک پسر و دو دختر یکی دختر زوجه محمد کبیر و  
 زوجه سید فضل امام و نام پسر سید ظهور الحسن که خدا از دختر برادر هم یکم  
 سید محمد کاظم یک دخترست موسوم عطیه فاطمه و ثانی شادی نیز در اتران  
 خود نمود و دختر ثانی است الصغیر از زوجه بنشی محمد و زیر ابن سید شاه محمد و احد  
 مذکور الصدر ذکر اولاد نموده شد و دختر سوم سماء ولی النسا که خدا از سید کمال  
 نور اسه حضرت سید شاه جمال الدین حسین و دو دختر و دو پسر گذاشته کمال الدین  
 زفات کردند یکی دختر که خدا از سید حامد رسول بیره میر علی سجاد پهلوانی و فرزندان  
 داد و دومی هنوز نا که خدا نام پسران خیر الدین حسین ذی شعوبت آن بود  
 و نام ثانی تبارک حسین هر دو هنوز نا که خدا الاشغل تحصیل علم و روزگار اند و دختر  
 ثانی حضرت میر سید سلطان احمد سماء شمس النسا که در عمر ازین فقیر نخواهد  
 خورد و بود بیعت بطریق عالیته و در یه نمود از حضرت جد اجد سید الواصلین و  
 مشغولی باطنه بودند که خدا شد از پسر عم کلانی سید عنایت المدیک دختر  
 شده بود سینه که بعد از نام بود و نام النسا بعد که اولاد نشد بعد پنجاه و شصت  
 سال رحلت نمود مثل عارف زمانه بدر کسبج الهی نیست دوم شهر ربیع الثانی جمیع  
 بسال یکیز ارود و صد و نو و پنج هجری رحلت کردند و تین هم پهلوانی خواهر کلانی خود  
 پسر کلان حضرت میر سید سلطان احمد قدس سره اخای کلانی این فانی جناب  
 معالی القاب سید شاه علی حسین برگزیده دارین سال ولادت آنحضرت

الا باوصاف حمیده از همه برادران مکرم به نسبت جوهر ذاتی و صفاتی سبحان الله  
 ولادت آنحضرت بسال یک هزار و دویصد و نوده هجری بانه سوال المکرم تاریخ  
 یازدهم روز پنجشنبه واقع از بیان حضرت پیر و سنگیر جدا محمد قدس سره کی  
 کمالیت در علم عربی و فارسی و نظم و نثر بود بسیار در حکمت حکیم صادق صاحب  
 دست شفا و خوشنویس خوش تحریر و خوش قلم و در رقم نجفی و حلی و هر خط تحریر  
 می نمودند بهیت حضرت رابط طریقہ عالیہ نقش بند یہ ابو العلاء از جناب حضرت  
 قطب العاشقین سید شاه خواجہ ابو البرکات قدس سره و نیز اجازت  
 و خلافت یافتند از آنحضرت ماندند در صحبت تبریت الا کشود فیصن باطنه طریقہ  
 مذکور از جناب انخی الاعظم خود حضرت سید قمر الدین حسین قدس سره که او متنا  
 و همزعت نیز بود انداختی عماد و تلمیزی بنحوش رقی از اخوی عمید انوشی سید محمد حلیل  
 برادر حلیل بعد تحصیل ظاہری و باطنه بمطرب گشتند در حکمت شاگرد رشید حافظ  
 غلام نبی خان بودند و استاد حاکم وقت و نیز عمده کو توالی نمودند بمحبت  
 سه سالگی شادی آنحضرت از بی بی حیات النسابت سید شاه ولی احمد بنی  
 علیہ الرحمہ گردید و اولاد شد و و پسرو چند دختران پس خوردمسمی سید اشرف حسین  
 بصغر سن بر حلت نمود و نیز چند دختران الایک دختر کلانی سماه میریم النسا که خدا  
 شد نداز سید شاه مبارک حسین قدس سره از بطن این عقیقه شدند و دختران  
 و فوات شدند به کم سنی بعد از آن انهم رحلت کردند و فرزندان را بمند زبیه بلند را نام

رسیدند اکثر باران قیصیب انداز نعمت سینه گنجینه ایشان چنانچه خلف الرشید  
ایشان را بیعت و تربیت از ایشان ست و نیز بنیره برادر خالائی مرید و مستر شده  
بعد از رحال افی سید شاه فدا حسین علیه الرحمة بمنصب تولیت آمدنی و بیات  
نشستند با نظام سرداری و زمینداری از عرصه سه سال بعراضه مجبور اند اندک  
صحت بخشید یک دختر کلانی ایشان کنیز فاطمه سه ساله در گذشت ثانی یک پسر  
موجود بنام سید رکن الدین حسین که از دختر عم سید شاه کاظم حسین کلانی  
گردید ذمی اولاد است و دست موجود بنام زین الدین حسین طال انعمه  
و دو فرزند کلانی و ثانی در گذشتند و دختر ثانی اخی اعسانی بی بی ظهور و ساطمه  
دعوا محمد النساء از صاحبزاده خود در حجاب حضرت سید شاه مبارک حسین قدس سره  
که خداست یعنی از سید شاه رضی الدین حسین ذمی اولاد اند بعد فوت  
دختر و لدی موجود است الله تعالی ثمرتی عمر کند و حالا سن ثلثت اخی کلانی از بهقضا  
بالا الا هنوز باین حالت بمشغولی و ذکر مشغول اند و برادر کترین ایشان ست

این حقیر مسکین عطا حسین فانی کیفیت خود در خاتمه تحریر خواهد کرد

نمبر پنجم شجره بخت فرع سوم اصل اولی در ذکر محامد حضرت سید شاه  
مراد علی فرزند چهارم حضرت سید الواصلین سید شاه علام حسین  
قدس سره مع ذکر اولاد

باید دانست اگر چه میر سید محمد الدین احمد عرف سید شاه مراد علی اند فرزند چهارم

هجری هفتم شهر رجب المرجب بعمر پنجاه و یک جناب علم المحترم اوستاد محی مولاتی  
 حضرت سید شاه مراد علی کردند انتقال فرارست در جوار والد ماجد خود  
 عالی تبار بایا میکه سفر حج بود این خاکسار بسال یک هزار و دو صد و شصت  
 هجری اله تعالی این برادر سعید کونین حکیم سید شاه کاظم حسین را و اولاد  
 ایشان را از اید عمر بخش که بالفعل زین سجادگی جدا مجد نیز خود اند اگر چه چاک  
 ذکر حمید سید شاه شمس الدین حسین جدا دری درینجا موقع بود چونکه ذکر مصائب  
 آنحضرت است ما قبل آن ذکر میان حضرت سید شاه عبدالننان قدس سره  
 مقدمه شجره طایفه قادریه نسب حضرت سید شاه مظفر حسین <sup>عظم</sup> خا  
 و پیر و تنگیز حضرت سید شاه عبدالننان قادری مع ذکر اولاد ایشان  
 واضح باد ذکر نسب ابا اجداد حضرت سید شاه مظفر حسین قادری و حضرت  
 سید شاه عبدالننان قادری بالا نوسه است درین کتاب به نسبت دوم باب  
 اولی در ذکر فرزندان حضرت محبوب جانی عو شالا عظم محی الدین سید عبدالقادر  
 جیلانی رحمه الله علیه الالبیان کیفیت که یک کرسی نسب ضرورتش نامعلوم گردد  
 نیا معلومان حال باید دانست حضرت سید احمد کبیر ملتانی قادری از اولاد  
 حضرت سیدی سیف الدین عبدالوهاب ابن حضرت عو شالثقین ار  
 ملتان تشریف آورده در شهر دہلی بران سلطنت بادشاه عالمگیر خان قاه خود  
 بیرون دہلی در وازه شاه جهان آباد یعنی در دہلی قدیم پیا ساختند و بارشاد

سید کاظم حسین سلمه که در تحصیل کتاب عربی و فارسی از همه اخوان دارند  
 فوقیت و نیز کتاب حکمت خوانده در مطب نشسته علاج بیماران مینمایند  
 دست شفا هست و هر یک غیر زنان در کتب درسی نیز شاگردانند حصول سعیت  
 ایشان بطریق عالیست و تشیبه از جد امجد حضرت سید ابوالصلحین سید  
 شاه غلام حسین قدس سره و سینه از نعمت باطنه نیز ظانی نیست  
 اگر چه ارشاد ظاهر از کسی جان نیست که خدائی ایشان از دختر خال خورد  
 سید شاه حسن احمد ابن سید شاه ولی احمد بلخی گردید نام ان بی بی  
 مسماة فریدن النساء از بطن این عقیقه پیدا و لا شد و سه پسر و یک دختر  
 به کم عمری رحلت کردند حالا دو دختر و یک فرزند موجود که خداوند دختر کلانی  
 منسوب از سید ظهور الحسن ابن سید محمد و من بخش و ثانی منسوب از سید کریم  
 مسماة است النساء از اولاد هر دو آنند که در الصدر الاپسر که نام سید  
 عطا معین الدین المدعو سید شرف الدین احمد است تحصیل علم طلبی  
 عربی و فارسی و کتاب حکمت از والد ماجد خود نمود و نیز کتاب عربی از استاد  
 دیگر پر عیشیت است الاذکات اکثر سعیت از پدر بزرگوار خود حصول است  
 بفرزندى این فقیر مقبول است الله تعالی ترقی نماید و توفیق حسن تدبیری  
 دهد زیرا که خدائی از دختر خاله این گردیده است هنوز اولاد نیست الله تعالی  
 عطا فرماید و طور بابا و اجداد بنشیند و بنشیند عمر مزاید سال بپنجاه و صد و شصت

و فرزند ایشان بودند حضرت سید شاه عبدالعزیز یانی خلیف ایشان  
 سید محمد سر فر از لقب با انبیا زجاے در مدرسه مخفی حال شهر بودند و اذیع با  
 ولادت جناب حضرت سید شاه مظفر حسین ابن سید احمد کبیر متانی درین شهر  
 دہلی در سال یکہزار و ہفتاد و ہجری بسن شعوبیت و تربیت تعلیم باطنہ طریقہ  
 قادریہ از والد ماجد و حصول ساختند و وقت انتقال والد ماجد سی سالہ بودند  
 انتقال آنجناب بسال یکہزار و نوودہ و نہم ہجری کار معاینہ آمد فتوحات تذراتہ  
 روزانہ بیشتر بود از مردان و متفقین امر اسلاطین بسیار کسان بر سفرہ  
 ہمنوال طعام علاوہ لنگر خانہ بودند بعد انتقال والد ماجد خود تا حیات ایشان  
 بدستور کار خانہ ماند اگرچہ راجہ اندیا متفقہ چین بودند شل مردان کیے از ان  
 راجہ خیالی رام و پسر شان راجہ سادھو رام بہرکت دعا برین حضرت بہ طلب  
 رسید انتہای عمر گردید کسی فرزند بود چونہ اندیشی در عالم خواب مشرف از جمال حضرت  
 محبوب جانی شدند از انجا ارشاد شد ای فرزند مظفر چرایی بیانی پر ملائیل و چہ  
 داری خیال اولاد و نصیب تو نیست این امر محال خواہر خورد راکہ اورا مثل  
 دختر پروردی و میدانی و نصیب او اولاد ہست اورا کتخدن از کیے فرزند را  
 کہ دار نام محمد سر فر از لای بہت با انبیا نہر گاہ از خواب شدند بیدار  
 و گشتند ہوشیار شدند و تجسس و تلاش ان نامدارا خبر ملاقات شد چہ و نشان  
 در یافتند سجانہ آوردند خواہر خود بی بی پارسا را بعت سعید در زوجیت

مرشد یاران و مردان فیض باطنه بخشیدند رجوع خلایق گردید باز دو حامی در  
 حصول فیض عام بادشاه و ارکان شاهی معتقد گردید این بزرگ را با اجازت  
 از بغداد شریف آمده چند پشت در اینجا اقامت پذیر شدند و در ملتان  
 یعنی حضرت سید شاه شمس الدین ابن سید شاه میر ابن سید شاه علی ابن  
 سید شاه مسعود ابن سید احمد قادری ابن سید سید صفی الدین صوفی ابن  
 حضرت سید الدین عبدالوهاب خلیف الرشید کلانی حضرت عوث الاعظم سید  
 عبدالقادر جیلانی محبوب بجانی رضی الله عنه و خلیف حضرت سید شمس الدین  
 قادری سید محمد قادری و ابنه سید عبدالقادر ثانی یکبار در دہلی آمده چند اقامت  
 کرده باز بسوئے ملتان کہ وطن جدید شد از برگران تشریف بردند پس ایشان  
 سید عبدالزاق ثانی ابنه سید حامد قادری ابنه سید موسیٰ قادری صاحب  
 اثر و قادریہ باز تشریف آوردند در دہلی در زمان سلاطین پیشین چند سال  
 بسبب مجوزی مردمان معتقدین درین شهر شدند نفیم زان بعد تشریف بردند سو  
 ملتان ابنه محمد یحییٰ ابنه سید داؤد و فرزند ایشان بودند حضرت سید احمد کبیر  
 ملتانی ملقب بسید عیاش الدین چون تشریف آوردند اقامت کرده باز تشریف  
 بردند و نیز جمعی ایشان یکے از فرزندان حضرت سیدنا عبد العزیز کہ فرزند  
 سومی عوث الثقلین بودند حالا از فرزندان ایشان سجادہ نشین بغداد شریف  
 جا کے عزالت نشین شدند و سالہا در صحرا و سیابان اوقات بسر نمودند



عرت فرزانگی و سن سرفراز حضرت سید شاه عبدالمنان پنجاه و هفت  
 سال بود باید دانست نام والده حضرت سید شاه مظفر حسین بود بی بی  
 زبیده و نام زوجه آنحضرت بود بی بی قویما مدعوی بی صاحبه و نام والده  
 حضرت سید شاه عبدالمنان بی بی پارسا و نام والده حضرت سید محمد مهدی  
 بود بی بی رسیدا و نام زوجه آنجناب بی بی سیدا بود اینقدر در دنیا زیست  
 از زبان محسن و متشعنه یادداشت بهر علم عزیزان نگاشت القصد از این  
 زوجه آنحضرت اول دختر متولد شدند بنام محمدی بیگم در دلی بیام صغری  
 رحلت یافتند بسال یک هزار و یک صد و هفتاد و نه هجری فرزند بی در عالم بود  
 آمدند در دلی موسوم شدند بسید علام عبدالقادر اعران و مریدان را  
 از ظهور ایشان مسرت شد کمال هرگاه حضرت سید شاه عبدالقادر بعد چار ساله  
 شدند حسب اتفاق وقت تشریف آوری جناب حضرت سید شاه عبدالمنان  
 قدس سره تشریف دیار نبی شهر عظیم آباد بیش آن گردید که یکی از مغر متقدمین  
 راجه سادهورام حکم بادشاه وقت تبدیلی منصب از انجا بدینصوب شد  
 و علاقجات محال دمیات این جوار بدله الجوار عطا شد چون راجه مذکور آمد  
 اقامت چند سال درین شهر نمودند خواستگار تشریف آوری آنحضرت شدند  
 عریضه نوشتند که آب و هوا اینجوار بر سر اعتدال و از زانی غله به نسبت انجا کمال  
 حضوری سرفراز فرمایند بر تخریر راجه مذکور حضورتها بهر تفسیر تشریف آوردند

او شان دادند بعد عرصه فرزندے از بطن آن بی بی متولد شدند بسال یکم  
 و یکصد و بیست و یک هجری از دیدار شدند خوشنود و موسوم نموند شاه  
 عبد المنان تا حیات خود بعد اخذ بیت تربیت و تعلیم بطریق عالیہ قادی  
 کردند و بجای فرزند صلبی پیدا شدند چون رحلت آنجناب شد بسال یکم هزار و  
 و هفتاد هجری این حضرت پنجاه سال عمر داشتند بحضور اراکین شهر و متقین  
 و مسترشدین شدند سجاد نشین ترکه دستور نیازات و اعراس بود بجا آوردند  
 از دورات تا سال عمر پنجاه و پنج مجرب بودند که خدای نموده بودند روزی صین  
 و فو دست خود بر رکوع مالیدند و بر زبان آوردند درین سن الله تعالی وعده  
 اولاد و غیره میداد که ام کس دختر خود باین فقیر خواهد داد در آنوقت سید محمد مهدی  
 ابن سید عسکری که از فرزندان حضرت سیدنا عبد الرزاق خلف ثانی حضرت  
 محبوب بجانی رضی الله عنه بودند و اراکین سلطنت بادشاهی مخاطب بکین  
 از مریدان محصوین حضرت سید شاه عبد المنان قدس سره بودند در نشسته  
 غرض ساختند بایر دستگیر برین خاکسار عجب معامله گذشته است چند دختران  
 شدند دوسه ساله شده بعارضه واحد فوت شدند حالا این دختر بوده است  
 ده ساله نیست کرده بودم که بکنیزی حضور دهم در بیت چنین کلمه ارشاد شد  
 زهی نصیب که آن رتبه و شرف بر وجیت حضور یا بد آخر از ان حضرت عقد  
 نکاح واقع شد بر وجیت در آمدن نام آن محذومه بی بی اشرف النساء بود

بی بی لطف النساءین محذومه بودند چندانکه انتقال جناب حضرت شاه عبداللہ  
 قدس سرہ شدہ بود بجزیرہ ہفتا چہرے بالابتیاح چہارم شہر ذیعدہ مہال  
 یکہزار و یک صد و نودہ و یک ہجری بجزیرہ وارڈہ سالگی بودند حضرت سید شاہ  
 غلام عہدہ القادر اجازت سلاسل خاندان خود رو بہ رو دادند و فرمودند عالم  
 صبیست شہادت کسی از مشایخ زبان نمائی بروز چہارم حاضرین مقتصدین  
 ایشان را زیب عجاہ نمودند بعد دو سال بطریقہ عالیہ قادر بیعت حصول  
 ساختند از جناب حضرت مولانا حسن رضا قدس سرہ کہ جانشین و میر  
 و خلیفہ حضرت قطب العالم محذوم شاہ محمد نعم قدس سرہ بودند ران لب  
 از ایشان سلسلہ بیعت اجرا شد و خواہر کلان خود را از زوجیت دادند میر سید  
 محمد جعفر خان منصبدار ابن نواب علی حیدر خان ابن علی صفدر خان  
 و خواہر متوسط را نیز زوجیت میر فیض بخش ابن سید حیدر بخش دادند کہ ایشان  
 از شرفا و رئیس این شہر بودند میر فیض بخش را یک پسر شد بنام سلطان علی  
 بصغر سنی وفات یافت بعدہ والدہ شان و از بطن خواہر کلانہ یک دختر متولد  
 شدند اول سماء امیر النساء امانی سلیم ذی اولاد شدند و یک پسر نیز  
 شدہ بود سہمی غلام رسول آنہم بعد رحلت والدہ بگذشت ازین عالم راحہ  
 مذکور بہ صرف خانقاہ معین کردہ از سرکار سارن و چنپارن دور و سیر روز نہ  
 مولودگان تولد و چند ہیات ہمہ رباب شد ہیات کہ خدائی امامی سلیم از سیر خواہ

چند سقماست کرده بعرض راجه مذکور از شهر دلی متعلقان خود را مع اهل  
 و عیال و مریدان با کمال طلبی چند وقت تشریف آوری بیکم صاحب اکثر مریدان  
 و معتقدین از نیاخانان آمدند همراه یعنی شیخ نجابت علی برادر حکیم قاضی سلامت  
 از قرقه کیوه و نیز حکیم فاروق والد حکیم محمد حسین و حکیم قادری جد حکیم ابوالحسن  
 و مریدان مہتمم کار خاص میردگاہی و میرجمعیت علی عرف میرپنگا و غیره مع  
 پرستاران بجمعیت درینجا آمدند راجه مذکور هر یک حسب لیاقت بنواخت  
 کہ بعد برہمی کار و بار ہم ازین شهر نرفتند و درینجا رحلت ساختند سواری زرنانی  
 بگردون رتہ شناسی آمدہ بود آن نرگاوان بر اسپان فوق داشتند عمر  
 حضرت سید شاہ عبدالقادر چار سال چند ماہ بود در اینجا آمدہ بعد یکسال  
 دختر کلانی تولد یافتند از اینجا کہ در شہر عظیم آباد متولد شدند نام عظیم الشان  
 نہادہ شدند از بعد عمارت مکان بہر اقامت و خلوت طیار شد بارہ درمی و  
 خانقاہ بہر عرص بزرگان انہم استماع است از نرگان و بہر عمارت ازین  
 کہ کل می بر آورد خندق شدہ بود مشہور گر گری شاہ عبد المنان خالا انرا دیدہ  
 جاے حیرت نہاد آن بطور افسانہ ماند کجا شد آن کار خانہ کا شانہ نمی نماید  
 جایی گرفت و پیرانی آرند چون بسال یکہزار و یک صد و مئتا و سہ تولد یافتند  
 دختر کلانی بعد سہ سال تولد شدند دختر ثانی سماء فہیم الشان و بسال یکہزار  
 و یک صد و نود و چہ ہجری متولد شدند دختر ثالثہ یعنی حدہ مادری این خاکسار

پیچ نهادند بجز روزینه از سر کارانهم تاحیات حضرت جدادری ماندند آن  
نزد این خاکسار موجود است یادگار

شجره دوم از فرع سوم اصل اولی و کیفیت حالات جناب حضرت  
سید شاه شمس الدین حسین جدادری این خاکسار تنبه ذکر فرزند آن  
و او را دعا ی تبار

واضح باد جناب حضرت شمس السالکین سید شاه شمس الدین حسین این حضرت  
سید شاه ولی الدجنت آرامگاه ولد حضرت سید المجدومین حضرت سید شاه محمد  
قدس سره نسب باقری برادر اعیالی و ثانی حضرت جدادری فقیر یعنی سید  
شاه غلام حسین قدس سره دلالت یافتند در سال کینزار و یکصد و هشتاد  
و دو دوم ما یکم شهر جمادی الاول بعد انتقال جدادری خود تربیت و تعلیم علم ظاهر  
انچه که شد بحضرت ایشان از انخی کلانی چون استعداد شد کتاب عربی از مفتی  
مسح المدخواندند و نیز صلاحی خوشنویسی حروف که مفتی صاحب بودند خوشنویس  
باید دانست آنحضرت بودند و هیچ کمال پاکیزه صورت جمال فکر و ذهن رسا  
در علم خیر از انچه طلب کیا هم بود و با شان و شوکت ملاقات راجه های  
دیار و بادشاه در دلی رفته از شاه معین الدین اکبر بادشاه ثانی کمال  
اعزاز و توقیر تسبیح خاک پاک نذر دادند و خلعت و لقب شایانه یافتند آن زمان  
بادشاه در ملک سلطنت پنج حکومت نبود باقی که تمام مواضع از معانی

ابن میر بهادر علی ساکن شیخپوره گردید یک دختر متولد عبد النساء جوان شد  
 تا کتخت از حلت کردند الا پس که نام نامی سید ولایت حسین تربیت کمال  
 یافتند از حال اعظم حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره و شادی از دست  
 سید جمال الدین حسین گردید اولاد ایشان هستند موجود چونکه حضرت سید شاه  
 غلام قادر را از جد مادری سید شاه شمس الدین حسین بسیار ربط و محبت بود  
 که هر دو بزرگ مرید یک مبر بودند بعد انتقال شان حسب وصیت شادی  
 آنحضرت کردند از خواهر ثالث انجناب مسماة لطف النساء که مایان از دریا  
 ایشان استم و مشهور بود درین شهر این شعر بطور آنه یک طرف کفر  
 ایک طرف اسلام به پیر ملتان مرید ساد هورام به در صحبت بابرکت آخر اسلام  
 قبول نمود موسن شد یک رئیس هندو در سال یک هزار و دصد و دتا پنج یا زهم  
 شوال المکرم رحلت کردند حضرت سید شاه غلام عبد القادر عجمی بست و سه  
 سال بعد رحلت والد ماجد یازده سال بقیه حیات بوده تعلیم تربیت باطنه  
 بمریان کردند نام آبا و اجداد را نمودند بلند الا شادی نکرده بودند حضور وقت  
 انتقال چنین کردند مقال که فرزندان من عین فرزند خواهر خود است  
 والد ماجد نیز همین فرمودند بودند آخر همان شد تا حیات آنحضرت و بعد  
 وفات کارخانه مشایخی و پیران بکر و فرمود چون جده ماجده والده این فقیر  
 و نیز جناب جد مادری راه بسختی داده ثروت از دست بیاد و او اندر

که از والد ماجد حضرت سید شاه سلطان احمد که خدا شدند هر دو از برادران  
 عماد و مذکور شد ذکر اولاد دختر خور که از همه برادر و خواهر پوز خور و مسماة مسیح  
 فاطمیه گیم که خدا شدند از میر سید نسیم السمان سید رحیم السمان و سید نسیم السمان  
 این سکونت در یارکشن پوز کیشو ضلع ترهت الالبسب مانعت خاندانی  
 گاه به نرفتند بخمس پوز در خانه داری و آبائی مانند در حلت کردند چون در تقدیر  
 فضا اولاد نشد برادر زاده خود سید شاه مبارک حسین را و این خاکسار و عطار  
 پیر و شش کردند مانند پسران خود بسال یک هزار و دصد و هفتاد و هجری حلت نمودند  
 و یک پسر سید برکت حسین و دختر مسماة قدیر النساء این خواهر خور و کلانی و از  
 برادر و خواهر خور دسه یا چهار ساله شده وفات یافتند الا پسر ثانی ذی ولد شد  
 سید شاه جمال الدین پسر ثانی حضرت سید شاه شمس الدین حسین قدس سره  
 ولادت شد ایشان یک هزار و دصد و ده هجری بقدر ضرورت تحصیل در علم بود  
 که محتاج از تحریر نبودند الا در سپاه گری دخل داشتند بسیار چندی بر فاق  
 ماند بر اجه گوا الیاز بسبب اقامت حضرت پیر دستگیر خود جناب حضرت سید  
 شاه خواجه ابو البرکات قدس سره هر حال در علم موسیقی نیرداشته  
 بسیار دخل شادی آنجناب بخانه رئیس شهر نامور شیخ فتح محمد ابن شیخ نور محمد  
 شد از مسماة حیات النساء یک دختر شد از بطن ابن بی بی مسماة محفوظ  
 از سید ولایت حسین ابن میر سخاوت علی که خدا شدند السمان اولاد بخشید

بجز نام شاهی و از حضرت مولانا سید شاه حسن رضا قدس سره که خلیف  
 و جانشین حضرت قطب عالم مخدوم شاه محمد منعم قدس سره کردند  
 بیعت بطریقه عالیّه قایم کردند حصول و از تربیت و تعلیم باطنه مستفید  
 مشرف بخلافت شدند باصر حضرت اخئی کلانی عمود و الدماجد متاهل شد لیل  
 یکم از اردو و هدیه شهر محرم الحرام آخر یعنی از جناب سماء لطف النسابت  
 حضرت سید عبدالمنان صاحب قدس سره اگر در زمانه خود بسبب پیری و  
 ضعیفی و معذوری پایی بود و جد و حال الا بر رخ عانی عیان بود کیفیت  
 مراقبه و مشاهده حق و ذمی قوت و شسوار کی کمالیت داشتند در فن  
 سپاه کرمی و خل کمال طلب دنیا بهر اندوخت نبود الا بر کفایت اهل و عیال  
 الامر و مردم سخنی حوصله بلند داشتند چند سال برفاقت و پهنشینی نواب شیخ الدوله  
 و نواب اصف الدوله تا زمان وزیر علی خان آخر ترک کردند بسبب بلند طبعی  
 شد خانه نشین تبوکل خدا چون انجام شادی شد عمر سی سالگی در آن سال  
 آخر در چهاردهم ذی قعده بر فزعرس حضرت شاه عبدالمنان قدس سره تولد  
 یافتند فرزند کلانی تیره بلند حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره  
 ولادت از لفظ ظهور محمدی بر آمواد تعالی سه پسر و چهار دختر با حضرت  
 عنایت فرمودند دختر کلانی سماء بی بی فصیح النساکه از سید شاه فرید الدین احمد  
 که خدا شدند ذکر فرزندان ما قبل تحریر شد و دختر ثانی بی بی الفت النساکه



فیض نگاه شادین کرد اثر بین چنین گشتم اران طرب گرین چون نشوم کدالت

هستی اسی شاه قمر وین هست مرا بدل یقین

هست غلام کترین فانی خاک کیا سے تو

باید دانست جناب حضرت قطب العصر قدوة الکاملین ارشد الباکلین سید

شاه قمر الدین حسین فرزند کلانی جد مادی این خاکسار یعنی حضرت سید شاه شمس الدین

نواسه جناب حضرت سید شاه عبدالمنان قادی خواهر زاده حضرت سید شاه

غلام عبدالقادر قادی که مفقود بود بوجود این اکمل المتحققین بیدار و پسر

این فرزند عالی گهر دلاوت با سعادت آنحضرت بسال یک هزار و دصد و سه هجری

ظهور محمد چهاردهم و قیعه روز دوشنبه بروز عرس جد مادی خود حضرت

سید شاه عبدالمنان قادی لاریب از ظهور حضرت نام آبا و اجداد روشن

مثل شمس و قمر سه

عین در صورت قمر دیکھا

سر بر شمع و لائق تعریف

جلوه حق جو بھر نظر دیکھا

ہی نہ ممکن جو ہو سکے توصیف

منتور کردند جانب جد مادی سجادہ براہ حق مستعد و بفیض بخشی خلائق ارا مودہ علوم

با و آنحضرت در عمر هفت سالگی نمودند ختم قرآن از تعلیم قمر از زبان و مادرت

چهارم سالگی تحصیل علم ظاہر بہ کتاب فارسی و عربی و منطق صرف نحو کردند

تمام اندرس استاد خود حضرت مولانا شعیب الحق عرف مسافر

شش پسر و یک دختر سه پسر قوت شدند بطغولیت و جوانی الایسر کلانی سید  
کمال الدین حسین که خدا شد از دختر خواهر کلانی این خاکسار و پسر و  
و دختر اندکی که خدا و دومی تا که خدا نام پسران خیر الدین حسین و تبارک حسین  
مذکور الصدر الایسر ثانی سید ظهور الدین حسین که خدا از دختر کلانی این  
فقیر حقیر و پسر سوم سید صغیر الدین حسین که خداست از دختر حکیم قربا نعلی  
در اقران جدی خود یک دختر شده بود و مرد هنوز دیگر فرزند نشد الا دختر بی بی  
نعمان النساء که خدا شد از شاه محمد اکبر ابن شاه محمد سجاد مد ظله

شجره طیبه لاثانی و حالات فرزند کلانی یعنی حضرت قطب العصر  
سلطان السالکین عمدة العارفين سید شاه قمر الدین حسین قدس سره  
سر محالی ابن سید شاه شمس الدین حسین قدس سره

فرحت دل شود مرا از مدح شناسی تو	برکت جان من بود سرخونم سپاسی تو
مرشد پاک گفتند از نه آمل مصطفی	خلدیرین هست جای تو قربت حق فضایی
مظهر ذات کبریا مصدر فیض مرتضی	چونکه تویی خدا ناما عاشق شد خدا سی تو
سر خدا سنجید ام جلوه پاک دیده ام	متکه بحق رسیده ام از سبب لای تو
خاکدست سگ حضور سیر نمود و درو	فیض چو شد ز من ظهور بود به عطای تو
از دوست در دلم تابد رت اگر رسم	سر مرچشم خود گم خاک در سراے تو
کرد فراق تو بمن بهوش نماند جان تن	نیکاشد از زمین محن از روی تقای تو

حصول شد یکی شاه عبدالرحمان که بخرقه بدل طریقہ سدا سہا گیم کہ  
 می پونند از حضرت موسی سہاگ کہ وہ ہمشاقی ان شغل اشغال و ذکر از فیض  
 معمر گشتند کہ یاران را در وقت وجود حال طور رقصیہ میشود قوی تر نسبت شد بکہ چلی  
 بعدہ از مرزا جان سرور بی بخرقه بدل ذکر قمری گرفتند و ان بدگیرہ یاران یحیی  
 نفرمودند بجز مرزا الف بیک مرحوم میفرمودند انچہ کہ از مرزا صاحب گرفتہ ہمہ زادان  
 علاوہ ازین اولیہ بود بغیضان روحی از مرزا فیض آثار حضرت مخدوم  
 شہاب الدین پیر جلیوت قدس سرہ ذی فیض روحی حضرت نور الدین  
 عبدالرحمن جامی و حضرت مخدوم شیخ مصلح الدین سعدی و حضرت امیر  
 رحمہ اللہ علیہ بدان وسیلہ در تقنی بود کمال شدہ بدین فیضان مالا مال  
 گشتند اہل کمال ہر گاہ ہمہ فیضان بر قلب شد طاری فیضان ارشد و تشریف  
 شد جاری خلافت نیز از ہر جا شد حصول کہ در شہر عظیم آباد مشہور و فیضان رسید  
 و در و اتفاق بیعت ما اندم نشدہ بود بچراخیر و شہر الہ آباد رفتہ از پیر و سنگیم  
 حضرت سید شاہ ابوالبرکات حصول نمودند و اجازت بیعت نیز یافتند  
 الا کہ را مریدان ساختند بخر تربیت و تعلیم یاران و یاران را نیز لیاقت یافتند  
 بعض بعض را مشرف بخلافت ساختند در زمرہ عزیزان خود خلافت بخشیدند  
 یکی بانخی الاعظم حضرت سید شاہ محمد قاسم برادر عمہ زادان فقیر و ہم  
 مشرف ساختند ازین نعمت عظمی باین فقیر حقیر بر چند ہر اخذ بیعت خلقت

عالی مقام کسی را تاب بحث و تقریر نبود از آنحضرت علاوه ازین ذمی فنون دخل  
در علم موسیقی کمال بر قلب هویید اسر و جد و حال اگر چه کتاب حکمت و طب نتواند  
الا علاج مریضان باستانه میگردد و بیچاره صحت میرسید در سن بیست و دو  
سالگی اول فیضیاب از جناب حضرت سید شاه یحیی علی اخی شدند بعد از پنج  
قدوه ایشانچنین جناب حضرت اسرار انجلی مخدوم شاه حسن علی قدس سره  
در تربیت صحبت یکماه چون در الوقت فائده مترتب نگاشت زان بعد حاضر شده  
در خدمت بابرکت مظهر اسرار حضرت سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره  
حاضر شده تربیت و تعلیم باطنه از ذکر و شغل مراقبه یافته فیض اندوز شدند در این  
بسیب غنیت آنحضرت خانه نشین غرت گزین گشتند حسب اتفاق نشیون آرد  
جناب حضرت واصل بالمد حکیم شاه وحش الد المخاطب حسن دوست  
از لطف و عنایات خود حضرت را همراه خود در قصبه چمپره بردند در اقامت شش ماه  
در اینجا در تربیت و صحبت ماندند نسبت طریقه خودی و استغراق دست داد  
و فکر که درین طریقه مثل جان است تا آنوقت صورت نهیست بود حصول گشت  
در انفرصه انتقال آنحضرت هم گردید باز برابطه سابقه حاضر خدمت و صحبت  
حضرت سید خواجه ابوالبرکات قدس سره رسید از نکات این طریقه و اسرار  
آگاه شدند بسبب این طریقه علم و آگاهی ملک شد آخر صاحب ارشاد چنان شدند  
که انظر من الشمس است حالات آنحضرت و فیض طریقه سهروردیه از دوزیر گ

و در امن جده ماجده و عمه پرورش یافتند و از آن بعد بجز صد شتر حسب اتفاق  
 وقت شادی ثانی کردند قبول از مسماة بی بی با دشنه بیگم دختر خواجہ محمد یوسف  
 رحمہ اللہ علیہ احرا ری از بطن آن بی بی نیز تولد یافتند یک فرزند سید  
 سلامت حسین نام شد بعد یک سال بصغر سن شد ارتحال بعد یک سال والد  
 ماجده نیز آن نونال کردند انتقال گویا عمر آنحضرت بحساب بتجودی گذشت  
 از یک فرزند شدند فرزندان که هنوز موجود اند ہر نام و نشان قرۃ العین مایان  
 بسال یکیزار و دو صد و چهل و چہری والد ماجد آنحضرت کردند انتقال بسال یکیزار  
 و دو صد و چهل و نہما غار سال ہجری با ہضر کردند والد ماجد آنحضرت  
 انتقال اشعار تاریخ وصال آنحضرت از دستاوی بلغ الشعر امولوی اگر علی  
 صاحب بنارسی یا دست نوشته می آید کہ ما ماند بناطین

### قطعه

قطب عصر چون از نیال کم گذشت	عالمی معمور شد از شور و شین
با تفسیر شوریدہ دل ارشاد کرد	شد بواہب شاہ شمس الدین حسین

و نیز این خاکسار گفت بزبان اردو و صوری و معنوی جہتہ حسب حال

### قطعه

دوسری تاریخ تھی ماہ صفر	جب کیا نانا فی میرے انتقال
روز جمہ اور تھا وقت عصر	بارہ سو ہجرت پر تھا اونچاس سال

دامنگیر عذر مافروند بقوله خواجگان پیشین در شجی بند نموداری کبشانی بعد  
 حصول بیعت چندان ماه ماندند بقید حیات سبحان فتوح نذرانه کسی نکردند قبول  
 و نه ادای عرس بزمه خاص نبود معمول الا بهر مجالس که تشریف می بردند مجلس  
 بودند نمایان و بغیر آنحضرت انصرام عرس نیز نمی شد عثمان نه ترک از معاش  
 پدری گرفتند بوجه معاش میفرمودند من تاب نداریم این قماش بخر تو چه کسب  
 تجارت آنهم نه دوکان باراری یک مکان را دنیا نام کرده بودند تا دو پاس  
 اول وقت معاملات دنیاوی بود در خرید و فروخت ثنالی و غیره و کیفیت غذای  
 آنحضرت چه نوسیدگی وقت دال خشکه و بوقت شب نان دست پزی به رغون گاهی  
 بدرقه تبرکاری و غیره هر چند ترک حیوانات در غذا نبود بر آن عادی نمی شدند  
 للبحر می فرمودند فقیر را هر دو چیز باید حیران غذا را در لباس لباس پر تکلف  
 می پوشیدند بطور یادشایان که بدانطور کسی را نمی شناسید و نه عادت بود  
 خوردن طعام رسمیه و غرت و یک وقت معمول بود بدرس مدرس غریزان  
 و از نصف روز تا شام وقت شیه یک پاس بیاران در طلقه مراقبه بود و بریت  
 و تعلیم در زبان والدین تجوزی بسیار و اصرار اول شادی در قصبه بهما اگر گردید  
 به محله بلخی از مسماة فی بی ریاضاً النساء و خرنج تداخر سید شاه ولی احمد  
 بلخی از بطن آنخود و سه تولد شد نزدیک فرزند ارجمند تر به بلند سید شاه  
 مبارک حسین بعد یک سال آن زوجه کرد و نداشتغال خود گذارشته نونما

اونکے در کی کسے گدا ئے جو	بخشتے اونکو سیم وزر دیکھا
جسکے اوپر پڑی نگاہ فیض	اوسکو مدہوش و بیخبر دیکھا
فرحت افزا نہوئے کیونکر دل	آپکو جب بچشم تر دیکھا
ادب میں برکات کی ہوں پاتا بو	باعث عشق یہ اثر دیکھا
منعمی بنی تین تین کہتے لوگ	اوسا منعم نکوئی بشر دیکھا
وہ نہ آئینگے میری جائے تن	اسکو ہر بار غور کر دیکھا

جیسے دیکھا ہے آپکو فانی

غیر کو بھرنے انکے بھر دیکھا

شمرہ شجرہ طیبہ فرع سوم اصل اولی در ذکر و محامد حضرت سید شاہ  
مبارک حسین خلف الریدرتبہ مجید حضرت قطب العصر مع  
ذکر اولاد امجاد سان

انور باداخی فی الدارین ولی نعمت جناب حضرت مرشد زادہ سید شاہ  
مبارک حسین قدس سرہ ولادت یافتند بسال یکہزار و دوصد و سی و دو  
ہجری بروز پنجشنبہ شہر ذمی قعدہ چار دہم بادۃ تاریخ ولد انجناب  
منظور بدل بخانہ فیض کا شانہ بعد ولادت خاکسار یک و نیم ماہ جاے  
نولد واحد ست الحاصل تحصیل کتاب عربی و فارسی کتاب منطق مقول  
فقہ اصول از والد ماجد خود انچہ کہ نمود حصول و تربیت و تعلیم مذکور

جب کیا فانی نے اس میں فکر و غور    مادہ تاینچ یون لایا نکال  
 شمس دنیا دین جب ہوگی غروب    پائے ذات احدیت کا وہ وصال  
 الغرض بعد ہفت سال انتقال حضرت عداوری آنحضرت پر درمشرکینیز یافتند  
 وصال بسال یکہزار و دوصد و پنجاہ و پنج ہجری بستم شہر شعبان المعظم وقت  
 صبح صادق روز چہار شنبہ تاینچ تالیف کہ از خواجہ حسین علیخان مرحوم برگزیدہ  
 از کلام سینماید درین اوراق رقام

قطع

روز ہجرات یا شب تاری	شمس یا در لباس ماتم ہست
چرخ میگوید از سر زاری	قمر دین بنور حق پیوست

توصیف چند انگہ گنم زبانم از بیان و تقریر قاصر و اتحیرت سلم ظہور محمد سال  
 ظہور آنحضرت و عمر شریف پنجاہ و دو سال از لفظ حمد بے بر آید لی آخرت  
 سال رحلت تعمیہ است از سر حررت مزار فیض آثار در احاطہ مسجد  
 در جوار حضرت قطب العالم حضرت مخدوم شاہ محمد منعم عالی تبار فیض  
 از بصیرت نماید بہار

عشر تمام

جس لوہ حق جو بھ نظر دیکھا	عین در صورت قس دیکھا
میرتبہ فقر و شان شاہی میں	ایسا کوئی نہیں بشر دیکھا



شده در عمر بست و پنج سالگی نوجوان کردند انتقال بسال کهنه زود و دود  
 و هشتاد و هفت هجری جاے حسرت است و غم و الم و دومی سید شاه  
 عزیز الدین حسین که این نیز در علم عربی و فارسی حیثیت دارند و اخیر بیعت  
 ایشانرا هست از عم الاصفیر سید شاه محمد سجاد مسند نشین ارشاد و برادر  
 عمزاد هر دو این خاکسار و نیز تربیت و تعلیم بذات طریقہ ست سومی سید  
 شاه شرف الدین حسین این نیز ذی علم اند پر شعور و عربی و فارسی  
 شاعر بیعت ایشان نیز از حضرت عم الاظم مدوح شادی این هر دو برادر  
 کردند بمقام سیوان از دقان شیخ غلام محمدانی شیوخ عثمانی و دختر  
 دومی کردند انتقال فرزند انند پسر چارمی سید رضی الدین حسن  
 که در دانا پور از دختر سید شاه علی حسین صاحب کد خداست ذی اولاد  
 بیعت ایشان نیز و تربیت از عم الاصفیر بار تبه و منزلت برتر حضرت سید  
 شاه محمد سجاد و الله تعالی ذریت ایشان را دارد و ایما شاد و مبارک باد و بجز  
 بقیه شجره شجره کیفیت حال خود مینویسد خاکسار مسکین سید عطاء حسین

### ابن سید سلطان احمد

مخفی مباد سنه ولادت خاکسار در سال کهنه زود و دود و سی و دو شهر رمضان  
 شریف روز پنجشنبه فرموده یار پنج جناب حضرت جدادری به پیدایش  
 طفل نیکو سیر عطار حسین بزمسانه سعید گشت ظهور

شغل و بیعت بود از حضرت جد امجد خود بطریقه عالیہ نقشبند ابوالمسلمانی  
 یعنی از جناب حضرت سید شاه شمس الدین حسین قدس سره و خلافت  
 و جانشینی سجاده از سر و زبرگوار جد امجد والد عالی تبار مزاج مشکسر بود  
 و وفات و عبارت پسند اخلاق مندر تعلیم تربیت یاران مشغول یک وقت  
 حسب معمول برادر خال زاد و رضاعی بودند این خاکسار بمدر و دو هم عمر بزرگوار  
 زائد انس موافقت بود خوش رقم تحریر عبارت نیز بدرجه معقول و شاعر بنظیر  
 شادی اولی روز و حضرت پیر مرشد شده بود از دختر خاله یعنی از دختر عمی  
 سید شاه مراد علی نام آن زوجه بود بی هر یکم دو دختر شدند از آن بی  
 بعد چندی هر سه یافتند وفات زان بعد شادی ثانی از دختر مامون شان  
 کردند از سماء براتل النساء دختر سید شاه حسین احمد ابن سید شاه ولی احمد  
 یک دختر از آن زوجه نیز شد هر دو بمردن شادی سوم گردید در خواجه زادگان  
 از دختر خواجه محمد اگر علیه الرحمة اولاد شدند در عالم حیات یک بعد مات  
 بصغر سن و دو فرزند وفات یافتند الا که داشتند چهار هر یک ذی علم و هوشیار  
 یک سید مستیر الدین حسین که از دختر صغیر این فقیر کتختند بیعت بود  
 ایشان را از عم الا عظم سید شاه محمد قاسم رحمه الله علیه بطریقه عالیہ  
 ابو العلاء و تربیت و تعلیم غیر مغربه الا در اصل اولییه بودند جدا خود  
 درین سن و سال در تحصیل عربی و فارسی بودند اهل کمال حافظ قرآن

خطبه نیز عید الفطر و عید الفصحی و خطبه هر جمعه تا سال تمام قریب پنجاه کتاب تصنیف  
 دو اردو مجلس مولود آنحضرت سر در کائنات از لفظ تاجی بنی سن تالیف می برآید و  
 مولود و بهار نسیم نظم و مولود جدید و مولود مجید و مولود جمید و جز باشد و مولود و قادریه بنام  
 کرامات بخشنیه و مولود حینه و انوار قطبیه لمعات فریده و فیض نظامیه اسرار نقشبندیه  
 و مولود شرفی و مولود علانیه هر یکی در احوال هر بزرگان نامی و چهار ملفوظ بزرگان  
 و چهار شنبوی سرق و گنجینه ولایا و افسانه و پذیر و سر عطا یک دیوان فارسی و یک  
 دیوان اردو و در اسرار اشغال معمولات اشرف و کتاب و حقیقه السالکین سی جز و کتاب  
 کیفیت العارفین در چهل جز تمام و کتاب و حقیقه السالکین چهل جز و کتاب  
 حقیقت العارفین و چهار مولود صدیقیه و فاروقیه و عثمانیه و مولود مرصوفی تذکر الشهاب  
 و فوائد کبیری در محالجات چندان نویسد البته لائق طبع است از کتب با فواید  
 عوام این بیان نمایش حیثیت و استعداد و خود نیست از معائنہ دریافت  
 خواهد شد شعر فضل حق در کار هر دو در کار هر دو کیا ببری السدی سرکار هر دو  
 القصه عمر شانزده سالگی بیعت بطریقہ عالیہ چشتیہ حضرت پیغمبر از جناب  
 سید شاه غلام حسین سید الواعلمین جدا مجذوب نمود و پنج سال  
 حاضر خدمت شده تربیت و تعلیم بطریقہ ابوالعلائی از حضرت پیر مرشد  
 سید شاه قمر الدین حسین خال الاعظم استاد المحترم گردید از هر دو جا  
 بخلاف شرف یافته علاوه ازین فیضان اولییه در بست و یک سالگی

بود یوم انجیس وقت فطوره	بست و سه بود از مه رمضان
چونکه شگفتش بدل متطور	سال تولید صاحب اقبال
بینظیر اولیا دلبود این پور	شدند ابرضمیر شمس الدین

فرستاده یک از مشایخین عالی تبار بزرگ از مردان آنجناب در عقربا یام  
ولادت تشریف آوردند و خبر ولادت این حقیر دادند بعد تولد نام عطا الله  
نهادند چون نام جمیع اخوان بود بنی طور فداحسین و علی حسین آخر کار  
عطا حسین شد شهر سبب تسمیه بلفظ قاضی اینکه قاضی عطا الله  
یک از اجداد بودند این خاکسار را نام نهادند حضرت جد مادری عبد الرزاق  
بدین نام مخاطب نیز شد از در عالی حسب اتفاق واضح با و تا هفت سال  
عمر بعلات بگذشت از عمر هفت سالگی تا سن چهارده تحصیل علم عربی و فارسی  
نمود از عمر محترم حضرت سید شاه مراد علی رحمه الله علیه که ده ساله  
عمر بود وقت انتقال والد ماجد در دامن شفقت مراد پریدند از علم بهره اند  
ساختند و نیز دو سال کتاب عربی خواند از مولوی غزنی الدین حیدر لکهنو  
و کتاب طب از مختصات خواند از جناب حکیم محمدی ساکن رسته علاقه حضرت بهار  
در عربیت چندان دل ندارد تا نسخه کافیه خوانده است فصل الهی در کاست و تفسیر  
قرآن مجید تا پانزده باره بکلام عربیت تکلم از سبب حاضری حرمین شریفین شجره بعبارت در  
پیرنخبطه تالیف کرده اند و نیز در دو چند تالیف است مختصر و طول خطبه عید فیه

دو دو نفران دو و پسر بصغر سنی حلت کردند و دختر ثانی این فقیر فقیر از سید  
 شاه منیر الدین حسین که خدا شده بود پیوه است اولاد ندارد و الله تعالی  
 آنمه را خورستند و از زیاده چه بزرگوار و مریدان تابش بمکشی و اینجا درین دیار  
 بسیار چند برابر الا اکثر و بروی این فقیر کردند که تمام پاتی نندگان مانده پاتی  
 نذکره در بیان حالات سیادت رضوی نسب که در موضع انجکه اند موجود  
 واضح باد یکی از بزرگان از شیخان قدیم که آنرا بالا از دو صد سال گذشته باشد  
 از سیادات مشهدی تشریف آوردند درین دیار بدان موضع کردند سکونت  
 اختیار نمودند اولادشان در آن موضع هستند موجود سالیقین بودند نامور ب  
 قضا و افتا حالا از پسر زاده ملکی اندر میندازد قرابت از آنها بمصاهرت رافع  
 در شرفار اینجوار و نیز از خاکسار باید و است نام آن بزرگ بود حضرت  
 مینا مشهدی رضوی نسب بچند نسب نسبت از حضرت امام علی موسی  
 علیه السلام می پیوند و اسامی بزرگان بالا دریافت شد پسر حضرت  
 سید مینا مشهدی حضرت سید عارف مشهدی ابنه سید معروف  
 فرزندان شان سید بزرگ ابنه سید محمد اسحاق ابنه سید محمد صالح سید  
 ایشان یکی سید منور علی پسر شان حکیم امجد علی ابنه حکیم احمد علی ابنه حکیم  
 محمد آفاق پسر شان حکیم محمد اسحاق که از دختر خور و سید احمد علی دیوردی  
 که خدا شد ندلا و دلازی تهمان و قد پسر دومی سید محمد صالح سید کریم احمد ابنه

تا هفت سال بروز گارنا پاندار بزفاقت حاکم وقت بسر نمود و بمر بست و دو  
 سالگی متایل شد شادی گردید و در قصبه بهار از دختر شاه امیر علی صاحب  
 فردوسی که از اول حضرت مخدوم الملک قدس سره اند بمر بست هشت سالگی  
 ترک روزگار کرده به سفر اختیار کرد پنج سال در سفر ماند و یار و یار تا ملک حجاز بهر  
 زیارت حرمین شیرین کلمه معظمه و عینه منوره و زیارات بزرگان بعد  
 پنج سال معاودت نمود و حاصل بسال یکمزار و دو صد شصت و پنج هجری بمر  
 سی و سه سالگی درین قصبه صاحب گنج رسیده اقامت پذیر شد بمر تعلیم مریدان و مشغول  
 هنوز بدان مشغول است زیاده کیفیت تخریر طول است حالا مع اهل و عیال  
 اقامت گزین در قصبه شد از اسی و سه سال گذشت عمر نیز بانجام رسید  
 بمر شصت و شش مدعا چنانچه بانچه بدعا خیر از عزیزان دارد از اولاد و نیفقیه  
 حقیر یک پسر و دو دختر شد نام فرزندان سید عطا قطب الدین که از دختر  
 خال خود شاه وزیر علی مرحوم که خداست و دو فرزند از بختی فوت شدند حالا  
 یک پسر و دو دختر است سید عطا نظام الدین از جوان به تحصیل علم  
 مشغول است و دو دختر کلانی از سید ظهور الدین حسین که تخریر از اولاد است  
 دو دختر و دو پسر موجود اند دختر کلانی عثمان عنایت فاطمه عت مجید النساء که  
 از سید ظفر الدین ابن سید وحید الدین بهاری و ثانی خورد سال است و یک کلانی  
 نشان را نام نور الدین حسین و ثانی را نام عطا شمس الدین حسین باقی چهار

ذمی ولد و پسر سومی قاضی سید احمد علی سید امجد علی چارمی سید بشارت علی  
 هر دو لا ولد و پسر اسند علی سید امجد حسین ذمی ولد اند که خدائی ایشان در  
 پهلوانی از دختر سیر علی سجاد گردید پسر است بنام احمد حسین و سید امجد علی را  
 یک پسر دود و دختر کلانی زوجه شاه رحیم بخش یک پسر بهاری شاه  
 عبدالحکیم سیر ایشان موجود دختر ثانی زوجه میر مصاحب علی چند دختران دود  
 پسر سید الک بخش دومی سید عبد السبحان ذمی اولاد هستند و خلف سید امجد علی  
 میر ولایت حسین پسر ایشان میر حایت حسین سه خواهر ایشان یک زوجه شاه  
 رحیم بخش دومی زوجه میر مصاحب سومی زوجه ادلی شاه عبدالحکیم شادی ایشان  
 دیشنبوره گردید از خواهر میر عباس علی یک دختر شد زوجه سید الک بخش بخشی  
 ذمی اولاد اند و پسر سید افر علی سید اسد علی و سید خورشید امام سومی را نامند  
 یا و نام ذمی اولاد هر یک اند و کیفیت اولاد مولوی اسد علی دریافت نشد الا  
 مولوی مسندی ابن مولانا احمد علی احمدی پهلوانی داماد انجناب اند باقی  
 یعنی از حالات این سیادت فرصت شد و نیز از مجانب این دیار مینویسد حال  
 ارشیوخ اکا جوری مشایخان عظام قصبه پهلوانی که معروف اند در هر امصار  
 و دیار بعد ذکر اولاد فرزندان مخدوم بدر الدین شهباز پوری

تمت کتاب بر ذکر مشایخان قصبه پهلوانی جوری اولاد حضرت

جعفر طیار

سید اطیب الدین سید یوسف علی ابنہ ناظر سید احسان علی پسر ایشان سید  
 آل نبی کہ موجود اند یک پسر ایشان سید اولاد حسین و چند دختران و پسر خواہر  
 سید احسان علی منشی اقبال علی ابن شیخ واجد علی برادر قاضی جواد علی  
 بہمنشی اقبال علی صاحب دو پسر یکے قاضی فضل علی دویم شیخ عبدالوہاب  
 کلانہ زاد و پسر یکے را نام مقبول حسین و نام ثانی محمد لطیف و خواہر زادہ  
 منشی اقبال علی سید فرحت حسین ابن سید احمد حسین موجود اند و نام پسر ثانی  
 سید احمد حسین سید محمد تقی اند کیفیت ایشان معلوم نشد الا پسر سومی سید محمد صاحب  
 کہ بود از ہمہ برادر کلانی قاضی سید بڑے ثانی ایشان پانچ فرزند کی قاضی  
 سید احمد علی کہ ما فرزند ایشان منصب قضا باقی ماند و وی سید امجد علی سومی  
 سید فرو علی چارمی سید اسد علی پنجمی مولوی سید اشہد علی قاضی سید  
 احمد علی را یک محل یک پسر و از محل ثانی سہ پسر شدند پسر کلانی قاضی احمد علی  
 مفتی سید ارشاد علی یک پسر و یک دختر فرزند و یکی سید ریاض علی دویم  
 سید میر حسین دو پسر ایشان از دختر اسد علی یکے منظر حسین دویم ناظر حسین  
 و نام پسر سید ارشاد علی سید شہا و علی عرف میر چند و دو شادی ایشان شد  
 از شادی اول دختر شد و ثانی شادی از دختر شاہ عبدالکریم بان پوری شد اولاد  
 اولاد نامند و پسر ثانی قاضی سید احمد علی قاضی ارشد علی یک دختر ایشان رجب  
 میر غلام امام ابن سید گدا علی سہ پسر ایشان احمد امام و محمد امام و اصغر امام کہ



ظهیر الحق داماد مولوی نواز ش علی ابن مولوی عبید العلی سوم مولوی شاه  
 امیر الحق که بنور سجاده ابائی خویش آند پسر ایشان شاه ارشد الحق چارمی  
 مولوی صفیر الحق داماد قاضی محمد وم عالم پنجبی مولوی فقیر الحق بقیع اذخران  
 مولوی نصیر الحق را نیز فرزند نیست و دختر اینقدر در است که نکاشت فرزند  
 دومی حضرت شاه مجیب الله شاه عبدالحی یک دختر ایشان زوجیه مولوی علی  
 والد ماجد قاضی علی اشرف زوی اولاد شده از جهان لا ولد رفتند و پسر شاه  
 عبدالحق شاه شمس الدین چهار پسر ایشان یک مولوی محمد علی چهار پسر ایشان  
 یک مولوی قلندر والد شاه غلام دستگیر دومی مولوی قطبی دورا نام یادند از  
 الا پسر دومی شاه شمس الدین را شاه ابوالفضل بودند یک دختر ایشان  
 زوج اول مولوی محمد سجاده قادری این حضرت شاه نعمت الله قادری س مشر  
 یک دختر و یک پسر شد با ایشان از آن محل شاه محمد مصطفی هم عمر بودند این فقیر این  
 کیلیه مفقود و انجبر نام پسران شاه ابوالفضل نام کلانے میان شاه حسین  
 و نام ثانی شاه احمد حسین که هم عمر و شفیق قلبی این خاکسار بودند بعد سفر حج  
 مشرف زیارت آستانه حضرت غوث پاک شده در بغداد بدلتجوار رحلت کردند  
 و پسر سوم حضرت شاه شمس الدین ابن شاه عبدالحی شاه ابوالقاسم بود  
 از دختر صغیره حضرت شاه نعمت الله قادری از سماء شمس النساء که خداست نزد  
 یک پسر ایشان مولوی شاه محمد صوی که پر لیاقت و دوی اخلاق بودند که خدا

باید دانست در مقدمه کتاب هذا ذکر آمده است از اولاد حضرت جعفر طیار از آنجا  
 که بزرگان آمدند بزرگی مسمی امیر عظامه الدار از اولاد بسیار حضرت جعفر طیار  
 درین دیار تفصیل شان می نمایم در اولاد آن عالی تبار در قصبه پهلوانی  
 بودند یکی از شایستگان کبار شاه ظهیر الدین والد ماجد حضرت شاه مجیب الدین  
 قادری یکی از خاصان اهل الله در اینجا شدند غزلت نشین ایشانرا بیعت  
 و تربیت معنوی بطریقه قادریه قلندریه شد از حضرت شاه عماد الدین قلندر  
 که برادر بزرگ خسران حضرت بودند و نیز استفاده باطنه و ارشاد از حضرت مولانا  
 محمد وارث رسول نما قادری درین قصبه شدند متوکلانه غزلت گزین و نیز  
 خانقاه پیریم بود درین قصبه و میگویند تا دوازده سال قریب تر بهین یا ضمت  
 مجاهده کردند زیر درخت تمر هندی در جوغات خلأ ن شدند کیفیت کرامات  
 شده هویدا آخر از دحام خلقت شدند از مریدان خانقاه لبیا شد عمارات بلند القصر  
 از برادرزادی پیران حضرت نیز تولد یافتند با حضرت یکدختر و دو پسر یکی را نام شاه  
 عبدالحق پسر ایشان شاه نورالحق و دختر ابرایشان پسر ایشان مولوی  
 شاه ظهیر الحق ابن شاه نورالحق ابن شاه ظهیر الحق نو اسه شاه غلام نقشبند  
 ابن شاه عماد الدین قلندر اند الحاصل مولوی شاه ظهیر الحق پانچ پسر و دو دختر  
 یکی از نسوب از مولوی مظفر نبی شاه بهار پوری دیلمی کدجد از مولوی عیسی  
 ابن مولوی عبدالحق و نام فرزندان مولوی شاه نصیر الحق و مولوی شاه

مولانا احمدی شریک پسر متولد شد مولوی احمد کبیر نوجوان بعالم غفوان رحلت کردند  
 بعد مدت شادوی دیگر از دختر شاه محمد اصطفی تزییج شد یک پسر شد از بصارت  
 معذورده ساله شده بمرد و یک دختر هست سیوه بی اولاد شادوی در قربت شده  
 و بمولانا احمدی رحمة الله علیه از شادوی اولی سه دختر و دو پسر دختر کلانی زوجه  
 مولوی محمد امام رحمة الله علیه و ثانی زوجه مولوی ابوالحیات رحمة الله علیه  
 و ثالث زوجه قاضی علی اشرف مذکور و خلف کلانی مولوی هادی علیه رحمة  
 که از دختر صغیره جناب حضرت شاه نعمت الله قادری قدس سره که خداوند  
 از سماته بی بی شرفا از بطن آن بی بی دو پسر شدند یکی مولوی فضل الله ثانی  
 مولوی شرف الدین والد شاه بدر الدین الا دیگر شادوی نمودند مولوی هادی  
 صاحب از آن نیز یک پسر شد شاه فضل حسین و فرزند ثانی مولانا حاجی محمد برآم  
 مورد رضا و تسلیم ذی اولاد شدند الا از کیفیت مصاهرت و ذریت  
 ایشان مطلع نیست و از شادوی ثانی مولانا مدوح یک دختر زوجه دوم  
 مولوی محمد قادری و پسر مولوی محمد مهدی شادوی ایشان در شهر پلینه شد  
 از دختر مولوی اشرف علی یک پسر و یک دختر بوجود آمدند و اما دو پسر و دو  
 ایشان بملک بقا چیل بعد عرصه تر که سماته جمیله دختر مولوی اسمعیل یافتند  
 و از شادوی سوم مولانا مدوح یک پسر سمس مولوی محمد عارف و چند خواهر ایشان  
 با سبک که خدا شدند ذی اولاد هستند و مولوی اسمعیل از محل ثانیه پسر مولوی

ایشان از دختر غم خور شاه مجتبیٰ ابن شاه شمس الدین چارمی گردید آلا اولاد  
 نشد اولاد دختر محل اولی حضرت شاه مجیب الله قادری شاه نور ابو دندک فقر  
 ایشان زوجه مولوی محمد قادری ابن حضرت شاه نعمت الله رحمة الله علیه  
 باد از شادی ثانی حضرت شاه مجیب الله قادری دو دختر و یک پسر شدند پسر  
 یک دختر شاه و عبد الله که حد صحیح و جدا در ایشان هر دو بمنزله بودند نام جد  
 و پدر ایشان یا دنام شادی اول شاه و عبد الله در نو اباده شد از خواهر شاه  
 مراد علی مرحوم از بطن ان عقیقه یک پسر و یک دختر متولد شدند نام پسر شاه  
 محمد یوسف و دختر شاه و عبد الله زوجه مولوی ابوتراب رحمة الله علیه و از شادی  
 ثانی که در جوار سبار شد نجوبی دریافت نیست الا یک صاحبزاده شاه محمد صطفی  
 که شادی ایشان از دختر جناب استاد مولوی محمد امام شد یک دختر و سه پسر  
 ایشان شاه نعمت مجیب و شاه هفت الله و سوم شاه اشرف مجیب و دختر  
 شاه محمد صطفی زوجه ثانی قاضی علی اشرف ابن مولوی علی اکبر باید دانست  
 دختر دیگر حضرت شاه مجیب الله قادری از مولوی شاه وحید الحق که خدا  
 شدند و پسر ایشان و کیفیت دختر دریافت نشد یعنی پسر کلانی نام نامی  
 بمرتبه عظامی مولانا احمدی رحمة الله علیه و ثانی مولوی علی اکبر رحمة الله علیه  
 یا دارم ایشان را بجز یک پسر مولوی علی اشرف دیگر بود و در ایام طفولیت  
 رفته باشد الغرض شادی اول مولوی علی اشرف مرحوم از دختر عم کلان خود

و پسر درینجا مناسب افتاده که ذکر فریت مولوی عبدالحی مرحوم نمایم باید دانست  
 بمولوی شاه عبدالمغنی سه دختران یکی زوجه مولوی محمد اشرف والد مولوی محمد و هم  
 و ثانی زوجه مولوی شاه ابوالحسن فرد ثالث زوجه مولوی عبدالحی یک دختر ایشان  
 زوجه ثانیه مولوی فرد مرحوم پنج پسر یکی مولوی ولایت حسین پدر بزرگوار مولو  
 رعایت حسین دومی مولوی نواز علی یک دختر ایشان بود زوجه مولوی طه الحق  
 ابن مولانا طه الحق سومی پسر مولوی عیسی که از دختر مولانا طه الحق که خدا شد  
 یک پسر ایشان و اما در جناب مولوی فرد مرحوم و چارمی مولوی کمال بن خود  
 بعد از جلیله شد اما مال لا ولد کردند انتقال پنجمی مولوی محمد یونس نوجوان  
 بردند و مولوی عبدالمغنی خلف الرشید مولوی عبدالحی با وجود علم شریعت  
 و طریقت که داشتند بی بی حافظ قرآن نیز آنحضرت ذی شان ازین عالم  
 لا ولد رفتند جانشین شان پسر خواهرزاده شان شاه و جید الحق ابن مولوی  
 محمد و جید اندشادی ایشان نیز از دختر مولوی رعایت حسین شد خلف ثانی  
 جناب حضرت شاه نعمت الله قدس سره مولوی شاه ابوتراب رحمه الله علیه  
 آنجناب بے نظیر منشی در علم صوری و معنوی بودند ثنادهی ایشان از دختر  
 شاه و عدل شده بود رحمه الله علیه یک پسر ایشان بودند ذی سلم  
 و ارسل حال صاحب سلیم مولوی عبدالحکیم در سن ثنوبرسیده رحلت کردند و اولاد  
 و نه بانجناب دیگر اولاد شد فرزندان سوم بودند جناب استاد مولوی محمد امام

شاه و حیدر الحق بودند و پسر ایشان مولوی محمد اسحاق و مولوی حسن و یک دختر  
 سماه جمیله هرگاه از ذکر اولاد هر دو خواهران حضرت شاه نعمت الله قدس سره <sup>یافت</sup> حضرت  
 احوال آنجناب مشیخت کتاب مینویسد و افصح بادشاهی جناب حضرت شاه نعمت الله  
 رحمه الله علیه و رخصه چهره موضع گماشته از صبیبه حکیم باسو علیه الرحمه یعنی آن  
 از بطین آن بی بی اولاد شدند غیر آن که بطفولیت رفتند هفت پسر موجود و دو  
 دختر خلعت کلانی مولوی شاه ابوالحسن قدس سره متخلص به فردلاریب بهمه  
 کمالات بودند و شادابی اولی ایشان از دختر مولوی عبدالغنی یعنی از خواهر  
 مولوی شاه عبدالغنی گردید یک پسر شدند مولوی شاه علی حسن عرف ابوسیان  
 جوان شده بکمالات صوری و معنوی رسیده شادی شد از سماه بی بی بتول دختر  
 کلانی مولوی محمد نام قادری نو جوان رحیل ملک بقاشدند اولاد نماند و شادی ثانی  
 مولوی فرد رحمه الله علیه از صبیبه مولوی عبدالعلی گردید از بطین ابن زوجه  
 اولاد شدند اکثر اولاد و پسر و یک دختر که خدا شده و فاته یافتند کلانی مولوی  
 شاه نور العین که سجاده نشین بعد پدر بزرگوار شدند شادی ایشان از دختر  
 عم خورده مولوی محمد حسین صاحب شده بود وقت رحلت ایشان فرزندی بود  
 خورده سال قضا کرد بعد ایشان سجاده نشین برادر ثانی شدند مولوی شاه علی  
 حبیب رحمه الله علیه و زوجه ایشان هر دو از دختران مولوی رعایت حسین  
 ابن مولوی ولایت حسین ابن مولوی عبدالعلی از هر دو بطین اولاد اند و دختر

ابو الفضل شده بودند ثانی شادی از دختر خال خور و ایشان گردید یعنی  
از دختر حکیم مظفر پس اند موجودی که مولوی عمر در از نام دیگران  
ندارم یا دختر زنده، قسم مولوی محمد حسین بودند شادی اول ایشان  
از دختر خال کلانی حکیم واعظ السید شده بودند فرزندان موجودند خلف کلانی  
مولوی ید الله یا مولوی مولائی ستند رحیل ملک بقا کیفیت اولاد  
در یافت نشد آلا دختر مولوی صاحب زوجه شاه نور العین بودند با خبر  
عمر به زیارت حرمین شریفین رفتیم حج ادا ساخته در آنجا گردید

### انتقال انا الله وانا الیه راجعون

ذکر اولاد حضرت مخدوم شاه بدر الدین شیار پوری قدس  
باید دانست این بزرگ از سیادات غلیمی سلوی نسب بوده انظر بقیه  
فردوسیه میداشتند چند واسطه خلف و خلفا حضرت مخدوم الملک  
قدس سره از آنجا که بودند جواری این خاک از ذکر ذریت نکاشت  
آنچکه یافت که نسب نامه علی متلسل الاینافت که می نگاشت  
باید شنید فرزندان ایشان کی بعینه آل اند و ثانی اولاد و فرزندان  
آل آنجناب کی شاه مظفر احمد پدر بزرگوار شاه اقبال حسین جسر  
شاه میان همان کمسوی بلکه سر دو برادر و فرزندان مولوی  
مظفر نبی یک دختر ایشان زوجه ثانیه مولوی محمد کبیری باقی کیفیت

عالی مقام بر تبه شاد و شادند اختتام از دختر کلانیه مولانا احمدی رحمه الله علیه  
 که خدا کرد و دو پسر و سه دختر تولد شدند دختر کلانی زوجه ابو میان ثانی  
 زوجه شاه اصفی نذکور دختر خور دلا ولد بمرد پسر کلانی مولوی آل احمد محدث  
 حدیث و حاجی عمر پسر بسفر کردند متاهل شدند فرزند ثانی مولوی نور احمد که از بدو چشم  
 برادر عمزاد و خالاتی مولوی محمد تکی که خدا شد نیک پسر ایشان را نام معلوم  
 مولوی منظور احمد داماد کلانی شاه علی حبیب مرحوم باقی کیفیت اولادشان  
 دریافت نیست فرزند چهارم جناب علی انقباب و ستادی مولوی شاه  
 ابو الحیو ا که از دختر ثانیه مولانا احمدی علیه الرحمه که خدا شدند و دو پسرند  
 کلانی مولوی محمد یحیی که از دختر عم که خدا شده دی اولاد اند و پسر ثانی شاه محمد و  
 بعارضه طحال اندرجالی رحلت کردند فرزند پنجم انجناب شیخ مات حضرت  
 شاه نعمه الله قادری جناب علی انقباب مولوی محمد قادری که جمیع صفات  
 بودند موصوف از دختر شاه نور یک دختر شیدا که زوجه مولوی محمد یحیی شدند  
 از بطن آن عقیقه دو پسر و یک دختر شد نذ کلانی سسی غلام دستگیر اندرجالی  
 رقتند بلکه بقائانی مولوی عنایت رسول مقبول اهل قبول نوجوان فتنه  
 الا اولاد گذشتند و خواهر ایشان زوجه مولوی نور احمد مرحوم زیاده چه بنامیم مرقوم  
 فرزند ششم آنحضرت مولوی محمد سجاد و یا مولوی علی سجاد که با وجود تحصیل  
 علم ظاهری بر طریق فقر علیه داشتند که خدای اول ایشان از دختر مولوی



یک پسر ایشان چو دهر می غلام نجف و سه خواهر  
 ایشان و دختران چو دهر می غلام شرف یکی جان بی بی  
 عرف بی بی خواستادی ایشان در موضع کرائی بر سر ای آینه  
 حال اولاد ایشان در یافت نشد و دومی بی بی سنون شادی  
 ایشان در منصب چهره بجلد بیان و آن بود از میر سلامت علی  
 گردید و در انا پور شدند مقیم یک پسر ایشان میر مقصود علی  
 و خواهر ایشان بی بی نمودن زوج به ادنی میر عابد علی صاحب  
 لاولد بمزوند مسماة مغفوره و دو پسر و یک دختر بودند میر  
 مقصود علی یکی سید فقیر علی دومی سید امیر علی که خدا شده لاولد  
 بمزوند و خواهر ایشان نیز در ایام صغیر سن فوت شد باید دانست  
 دختر چو دهر می غلام شرف از همه کلماتی مسماة ریسب النساء  
 و دختر ایشان یکی بی بی زینب دومی بی بی رحمت زوج چو دهر می  
 میر دوست علی ابن چو دهر می غلام حسین و بی بی زینت زوجة مفتی برکت الله  
 یک دختر ایشان مسماة قدیر النساء که مولوی سید منور علی صدر اعلی ابن میر شوخی  
 ساکن موضع شیخ پوره که خدا شدند و دختر ایشان میر نور علی قاضی یک پسر ایشان  
 عمر در ارماد مولوی سید شهاب حسین ابن مولوی سید  
 واجد حسین ابن میر قادر بخش مرحوم پسر دوم مولوی منور علی

وزیرت ایشان نام معلوم آلامی آرند بیره بنیه محمد دوم بزرگوار  
 پنجم بودند میر محمد سعید زاین سید محمد مجید زائد در یافت نیست  
 ذوی اقبال که خدائی ایشان و قصبه و آنا پور شد در قرامت  
 ملکیان و آنا پور کے شیخ زاوہ در آستانہ چند زنان بودند بنوہ  
 و فرزندان صغیرین چونکہ صاحب شعور و تمیز بودند فرامین  
 بادشاهی در آنجا یافتند برگرفتند و رسوخیت صوبہ یافتہ  
 حضوری در برابر بادشاهی گردید منصب جاگیر یافتہ بن خطاب  
 چودھری شدند معروف چودھری محمد سعید خان  
 کہ وہ صغیر زمین داری حصول و سکونت نیز گردید و قصبہ  
 و آنا پور کہ معروف محلہ چودھرانہ است الغرض یک پسر  
 ایشان چودھری غلام وارث نام بایشان پسران  
 شدند چہار ہر یک نامدار یک چودھری غلام شرف و وحی  
 چودھری غلام حسین سوم چودھری غلام حیدر چارمی  
 چودھری غلام امین ہر دو برادر سوم و چہارم عمر یافتہ  
 لا ولد رفتند از نیغالہ الا پسر چودھری غلام حسین  
 بودند چودھری دوست علی اولاد ایشان شدند از محل ثانیہ  
 الا از ہمہ کلائے بودند چودھری غلام شرف

شادی ایشان بموضع پهلوانی شد از مسماة سکران دختر مولوی بدیع الزمان  
 ابن شیخ عبد المجید و مولوی بدیع الزمان و اما بودند شیخ غلام حیدر از مسماة  
 حیانتن که خدا الحصول از بطن مسماة سکران یک دختر شد مسماة رحمن که از سید  
 محمد عظیم ابن میر قمر علی که خدا شد ذی اولاد اندیک پسر ایشان سید نصر الدین  
 خواهر این زوجه مولوی وحید الدین صدر اعلی و پسر سوم چودھری غلام نجف  
 سید احمد علی که از دختر شیخ قطب الدین ابن شیخ عبد المجید که خدا شد اولاد شد و پسر  
 چهارم سید وصی احمد عرف سید محمد ولی سہ شادی ایشان کردند از بطن کس  
 اولاد نشد بالکل مالک ترکہ زوجه ثالث شدند و دختر چودھری غلام نجف مسماة  
 طاہرہ زوجه میر قمر علی ابن میر روشن علی دو دختر ایشان دسہ پسر یکی سید  
 محمد عظیم مذکور الصدر داما میر غوث شید علی مرحوم و دومی سید محمد کلیم داما سید علی  
 ابن مولوی منور علی سومی پسر محمد عظیم و خواہر کلانی ایشان زوجه سید حاج حسین  
 مسماة حمیدہ یک پسر شدہ بود و میرد خواہر ثانی ایشان زوجه سید نور الحسن خواہر  
 ناظر سید فدا علی در اینجا کیفیت ذریت چودھری محمد سعید خان انجام یافت  
 چیزی ذکر صاحبان موضع نیچورہ کہ قرابتیان ایشان اندی نگار و دفعہ  
 با و یکی از سیادت نامی کہ نام یاد ندارد از اولاد حضرت حسین صغیر ابن حضرت امام  
 زین العابدین رضی اللہ عنہ کہ سلسلہ سلسلہ بالا دریافت نشد چو کہ اولادشان  
 ذمی اقبال شدند و قرابت داری شد واقع حسب یاد مینویسد یعنی ان بزرگ

سید اظہر علی والد میر شمس المہدی شادی اولی ایشان بموضع  
کاندھے گردید از دختر میرا محمد علی ذی اولاد اند و خواہر  
ایشان زوجہ سید محمد کلیم ابن سید قمر علی برادر میر نور علی

ذکر اولاد چودہری غلام نجف

باید شنید شادی چودہری غلام نجف عرت چودہری  
ڈوما از دختر بہزلف شیخ عبد المجید پہلوانی گردید کہ شیخ  
عبد المجید بہزلف شیخ غلام حیدر ساکن موضع روہاے  
بودند محصول چارہ پیر و یک دختراز بطن این عقیقہ  
بچودہری غلام نجف شد فرزند کلانے سید عابد علی  
کہ کمال عنبر و شان صنغہ زمین داری انجام کردند و نیز دادند  
روفق بہ تجارت شادی اولے ایشان از خواہر میر مقصود علی  
شدہ بود شادی ثانی از مسماۃ وجہا عرت مسماۃ وجہ دختر  
شیخ غلام حیدر ساکن موضع روہاے گردید یعنی از خواہر  
مفتی غلام قادر مرحوم اولاد این بی بی شد چنانچہ سید  
عابد علی صاحب باین ثروت و اقبال ازین عالم لا ولد رفتند  
اعتراض پسر ثانی چودہری غلام نجف میر خورشید علی  
کہ مدام عبد ربلسلہ روزگار بسر کار حکام بسر ساختند

آنچه که معلوم هست بنویسد از آنجا که فرزند ارجمند منشی مرحوم میر سید حسین علی که از  
یاران قدیم جناب حضرت انجی الاعظم ولی محترم جناب حضرت سید شاه محمد قاسم  
قدس سره اند و نیز کامیاب صحبت جناب حضرت پیر مرشد قطب العصر سید شاه  
قبر الدین حسین قدس سره اند و نیز مشرف از زیارت جناب مظهر اسرار  
سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره اند علت غائی تحریر بدین خط که یکم خلاص  
قدیم محب صمیم این فقیر حقیر نیز اند و نیز بفضل اکثر برادران ایشان را حصول شرف  
بیعت از جناب حضرت انجی الاعظم قدس سره دهم و دیگر عزیزان ایشان حقیقت  
سلسله بیعت از جناب انجی سرمنشسته اتحاد و جلیس اند که ارشاد سید شاه محمد عباده  
دام فیضه و برکاته هست درین کتاب ذکر نسب و اولاد و شأن ضروری واجب شده حالا  
تخیر بنماید

### در اینجا ذکر نسب میکند تحریر حسب سلسله توقیر

جد البجد میر سید حسین علی سید فیض الدین شیخی میان از سیادات رضوی مطنون  
مقام مالکرام نو دارد بقصبه بجد و بی ضلع مرزا پور خلف الرشید ایشان سید باب  
خلف شان سید محمد زمان فرزند ایشان چهارم یکی ذی بیاقت و اقتدار زنان  
سکونت شان بقصبه داو و دیگر ضلع همار گردید پس کلانی ناظر سید فضل محمد  
پسر ایشان یکی سید وارث علی که از حضرت عم سید فضل احمد که خدا شده ذی اولاد  
شدند پسر ثانی ناظر فضل محمد مرحوم میر و اصل علی که بطریقیه مذہب و الدخود

رئیس بود چارپسر بود مذکوریت دو پسر مولوی منور علی و سید قمر علی یعنی شادی میر  
 روشن علی از دو دختر عم اوسط شد از یک بطن مولوی سید منور علی و از دیگر  
 میر قمر علی که کیفیت اولاد بالا تحریر شد و از نیرگان پسر چهارم میر انور علی و نیز  
 فقیر بخش هر یک ذی اولاد اند و پسر کلانی برادر دو یک میر بهادر علی و دومی میر جبار علی  
 ایشان میر نور علی پسر میر حیدر علی فشی سید عبد العلی و نیز بهادر علی صاحب راس پسر  
 شدند و سه دختر پسر کلان میر سخاوت علی که از دختر سید محمد جعفر خان که خدا شدند  
 یک پسر ایشان سید ولایت حسین و یک دختر و پسران سید ولایت حسین سید  
 کمال الدین حسین و سید طه الدین حسین و سید معین الدین حسین و قرابت خواهر زاد  
 این خاکساران پسر دوم میر بهادر علی ناظر سید فدا علی یک دختر ایشان که از موکو  
 علی حسن عرف حسنوا بن مولوی افضل علی که خدا شد از و سید نور الحسن موجود اند و  
 پسر سوم میر مقصود علی که کیفیت ذریت شان دریافت نشد الا پسر یک خواهر هر سه  
 برادر سید حامد حسین و اما دکلانی میر قمر علی بودند و میر فرحت حسین ساکن تنبیه برادر  
 میر برکت حسین و میر اسد علی هر سه فال این هر سه برادر ذی اقبال بودند  
 و میر فرحت حسین راسه پسر میر سخاوت حسین و میر ولایت حسین و میر شجاعت حسین  
 اولاد و دختری هر سه برادران موجود اند

و ذکر آبا اجداد سید حسین علی

یکی از اجاب نشی سید فضل الدین احمد که از سیادت رضوی آنکه کیفیت نسب ذریت

شیخ ذوالفقار علی که مؤنس این فقیر بودند فیضیاب درین طریقہ از حضرت  
پیر مرشد قطب العصر بودند و او را یک دختر سید محمد زمان زوجه شاه بندہ ہولہ پوری  
کہ از خلفا حضرت شاہ رکن الدین عشق قدس سرہ بودند و لد ولد رعت کردند حالا  
بتفصیل ذکر ذریت شان نمایم انچه کہ معلوم و شادی ایشان اکثر دینی اعام است  
کہ تفصیلاً معلوم نیست سید احمد حسین ولد سید طفیل علی و سید خشت حسین و لایین  
و سید ضمیر الدین پسران سید امیر الدین حیدر مرحوم موجود اند و سید علی بخش  
ولد سید ضمیر الدین و پسران سید تفصل حسین سید اکبر حسین و سید اکبر حسن

تمت

خاتمہ الطبع از قلم شکستہ رقم ہجیدان کچھ پزیران شیخ امیر الدین احمد  
چشتی صاحب گنجی خلف الاکبر شیخ نصیر الدین احمد چشتی بن الاکبر

شیخ خیر الدین حسین چشتی ساکن موضع پائندہ پور گنہ شاہ جہان پور  
ضلع ٹنہ کی از فرزند ان جناب حضرت حاجہ معین الدین قدس سرہ الغزیز

بعد حمد خالق کون مکان و نعت پیغمبر آخر الزمان و منقبت پیر طہار حیدر کرار  
و شہاد صحاب کبار احمد مختار برجلہ حضرات گل گلشن سیادت گوہر آبدار  
دریای نجابت اختر تابندہ ہرج شرافت عالی حسب و الانسب  
واضح باد کہ درین زمان جمیعہ و وقت سعید نسخہ نایاب بندہ کربساب

مانند ثلث سید فضل حسین و ویرایشان سید کبر حسن و سید کبر حسین و  
 نام پسر سید وارت علی سید وارت حسین خلف ثانی سید محمد زمان سید فضل الدین  
 پسر ایشان سید حسین علی مذکور الصدر و پسر ایشان یکی سید محمد صدیق و دومی  
 سید کبر حسین و چند دختران پسر سوم سید محمد زمان سید فضل الدین پسر ایشان  
 سید طفیل علی و خواهر ایشان یکی منسوب از سید حسین علی و دومی منسوب از سید  
 رکن الدین ابن سید فضل امام ذکر سید فضل امام ابن سید محمد زمان الحصول  
 شش پسر سید فضل امام شدند یکی سید رکن الدین مرحوم مذکور الصدر و دومی  
 سید امیر الدین پسر ایشان سید ضمیر الدین و سید حبیب الدین و سید ولایت الدین  
 پسر سوم سید فضل امام سید سراج الدین هنوز ذی اولاد نیستند چارمی سید  
 فتح الدین لا اولد پنجمی سید جلال الدین پسر ششم سید فضل امام سید زید الدین حیدر  
 انبه سید سجاد حسین نواسه سید حسین علی باقی پسر پنجم سید محمد زمان سید  
 فضل حسین که در عروج ماند بسیار پیش حاکم وقت در شهر بریلی الا بشیعه مذکور  
 در مذمت حب تعصب و برادر کلانی و خود را الحمد لله دریات این برادران خفی الذمهب  
 و ابو العلامی مشرب شدند الغرض و ویرایشان سید فضل حسین سید محمد حسین  
 پسران این دو یکی سید محمد تقی و سید تقی و نیز چند دختران بودند سید محمد زمان  
 از انجمله فرزند یک دختر سید قربان حسین که بیعت ایشان را از بزرگی بطریق قادریه  
 بود و ارسته حال وارده جذب کمال صاحب ذوق و شوق و فرزند دختر دیگر



قطعه تاینج طبع طبع غرضی شیخ محمد کاظم صاحب کوکب ابن شیخ تجماعت علی  
صاحب کون قصد صاحب کج صنع گیا تلیند شید سید منیر الدین احمد  
صاحب کیفی و میر خورشید علی صاحب نفیس

بچ خوش طبع شد کنز الانساب کز وی	بود تاقیامت نسب را تسلسل
مهر لفظ او جلوه گر روی معنی	بجام بلورین رخ شایدل
سواد سطورش بصفح بیاضش	چو سنبل بسیرین فرو هشته کاکل
چهارونق آب و گرش برآمد	همانا تو گوئی که شد دسته گل
ز هاتف چو پرید کوکب سن او	بگو شتم ند اگر دشت تسلسل

ایضا

بجمد افتد کوکب کنز الانساب	لباس طبع در بر کرد امروز
بسال اختتام الطبع عیش	رسمه کرد مگل ترره نق افزوز

ایضا

هوئی مطبوع جب بیه کنز الانساب	بتالیفات فانی خوش اوقات
لکها کوکب فی سال اندر وی ابجد	چمپا اب مخزن منیب سیادات

ایضا

ز برج طبع کوکب کنز الانساب	بزنگ شمس طالع گشت هرگاه
بتاینج شیوع الطبع عیش	نوشتم قدوه سادات ذیجاء

حضرت سادات رفیع الدرجات لایق پسند متقدمین و سودمند  
متاخرین از تالیفات واقف رموز اسرار عرفان کاشف قالیق  
ایقان باده کش میخانه وحدت جرعه نوش جام محبت مقبول بارگاه نیرود  
جناب حضرت سید شاه عطا حسنین صاحب تخلص فانی عزلت گزین  
محلہ رام ساگر منجملات قصبه صاحب گنج ضلع گیا حسب بریک بلنج شیخ  
محمد کاظم صاحب بلس کوکب رئیس قصبه صاحب گنج خلف الصدق شیخ  
شجاع علی صاحب باہتمام معدن لطف و کرم منہل جود و ہم جناب  
شیخ نور الدین بن جیوا خان صاحب مالک مطبع حیدری  
وصفہ می مطبع نامی و گرامی صفدری واقع بندر بمبئی بتاریخ  
۳۰ رمضان المبارک ۱۲۷۱ ہجری نبوی مطابق ۱۸ اگست ۱۸۵۴ عیسوی  
بصحت تمام از زویر طبع فرین شدہ اویزہ گوش روزگار گشت خداوند  
مقبول و مطبوع ایل عالم نماید بمنہ و کرمہ فقط

شجاعت علی بن الاصفہر  
شیخ نعمت طحلت الاصفہر  
وکیل در کس قصہ ند کو را بن  
صاحب سہ از د و ساس شہر دہلی و در فقا شہ  
علی بن عثمان علی موضوع جہاد شہ  
دہلی شہر دہلی و در فقا شہ  
مکان را در شہر دہلی و در فقا شہ  
بودہ چند جہاد شہر دہلی و در فقا شہ  
ساختند در وقت آبادی و در فقا شہ  
و کانت عدالت ہوا و در فقا شہ  
چ ضلع گیا و در فقا شہ  
گدین شدہ و در فقا شہ  
بہ نامہ و در فقا شہ

کاتب کتاب نذر اشرار احمد بریلوی ست



قطعہ تاریخ طبع از طبع صدیق بن سید حسن شمس الدین علی

باطبع مطبوع آمد و کشف نخل صفیا  
ماقت بمن گفتا بگو تاریخ حال اولیا

صحرای حبل و علا کاین سخن از فرط صفا  
طبع طبع طبع ای چون شد تفکیر سر فرو

# اشتهار

چونکہ حاجی سید عطاء حسین

معروف بعبد الرزاق صاحب مصنف

کتاب ہذا حق تصنیف را بر اقم ہر بہ فرمودہ اند

لہذا امید کہ کسی بدین اجازت را قلم قصد طبع

این کتاب نکنند ورنہ از روی خندہ

فانون بجرم از کتاب طبع کتاب

مہو بہ صورت نقصان بظہور آید

المستتر  
نور الدین بن جیواخان







CENTRAL ARCHAEOLOGICAL LIBRARY,  
NEW DELHI  
Issue Record.

Catalogue No. 929.799954M/Att.  
- 4864.

Author—Atta Husain alias  
Abdur-Razaq.

Title—Kanzul Ansab.

Borrower No.	Date of Issue	Date of Return

